هذا

کتاب مستطاب بحر الغرائب

و منتخب الختوم

محمد عمران اعظم ہمدانی

بسعی و اهتمام جناب آقای آقا سید

محمد مهر کمالی دام عزه العالی

مرکز فروش

طهران - جلوخان کوچه مسجد شاه

کتابفروشی - مهر کمالی

هذه رسالة بحر الغرائب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليه وهو الذي له الأسماء الحسنى والصلوة
على نبيه محمد بالاسم المسمى وآله واصحابه الذين سلكوا
طريق الهدى اما بعد بر رأى برادران با عقل وايمان
مخفى نماند كه اكابر واولياء در خواص اسماء الله تبارك وتعالى كتب ورسائل
بطريق مفرد بسيار نوشته اند از آنجمله خواص وفائده تمام هست اما
علوم را كه ايشان نيز از جمله ودايع الهى اند بهره وافى نيست اين فقير
ضعيف محمد بن شيخ محمد بن ابو سعيد الطبرى كه اكثر اوقات خود را
صرف مطالعه شروح اسماء الله كرده وآنچه بزرگان دين در اين
باب بيان فرموده بودند بحمد الله تعالى بر ضمير منيرم چونكه
نقش بست وبمقتضاى كلمه انما المؤمنون اخوة شفقت برادرى

هذا كتاب مجرب فتوحات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى لا يكشف السوء
من سواه ولا يفرج الهم والغم
من عداه ومن استجاره اجاره ومن
استعانه كفاه والصلوة والسلام
على خير من استجابه الله ولباه و
على آله الذين من والاهم كانت
الجنة مأويه ومن عاداهم كانت
النار مثويه اما بعد چون
كافه انام از خواص وعوام در تحصيل
عزت وسعادت ودولت وحصول مراد
وقضاء حوائج وانجام مطالب و
اداى قرض وشفاى مرضى ودفع
هموم وغموم وپريشانى وبرآمدن
حاجات كليه وحصول مراد ارفعه
وسائر مطالب دنيويه ومحتاج
بوده اند بعلم واطلاع بر بعضى از
ختم

فی بیان مقدمهٔ کتاب

چنان اقتضا نمود که بیانات معضله و اشارات مشکله و طرق جفریهٔ اکابر این فن را در شرح خواص اسماء خداوندی جل ذکره و شروحها بکلمات ترقیم درآوردم تا در پیش نظر بر همه کس واضح و هویدا گردد و کافهٔ خواص و عامهٔ عوام را از خواندن آن بهره اکفی و حظی اوفی نصیب گردد اما صرف چرخ بوقلمون و نامساعدی روزگار دون و تصادم سیلاب غم و تراکم سحابهای مشقت کربه و زحمت مرض و بلای قرض که معطل قواعد سنت و فرض است بحیثیتی اطراف و جوانب را فرو گرفته که فما ادری یمینی عن شمالی بدینواسطه مدتی از ترتیب این رساله محروم شدم تا آنکه بنابر ملتمس بعضی از اخوان دین و بسعی اصرار بعضی از آشنایان راه یقین توفیق رفیق گشته و باتمام و انجام آن کوشیدم و با سعی بسیار مثالهای روشن و روش طریقهٔ هریکی از مشائخ این فن را در کیفیت تکسیر در این رساله مندرج نمودم و صورت لوح بر بیان هر یک کرده امید از حضرت رب العزة آنکه مقبول خاطر خطیر و ملحوظ ضمیر منیر هر یک از ناظرین گرداند و جمیع همگنان را بجهة مطالعه این رساله که موسوم شد به بحر الغرائب بتشریف خواص اسماء حسنی خود مشرف گرداند بحکم این آیه لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ

مجربه و آیات مؤثرهٔ قرآنی و اسماء
جلالیه سبحانی و بخورات و اوراد و اذکار
و دعوات مستجابهٔ ربانی و نقوش کتابی که
مشتمل بر جمیع غیبی از ختوم مجربه و
کثیری از اذکار مؤثره باشد لهذا
این اقل خلیقه بل لاشیء فی الحقیقه
شکر الله بن لطف الله لواسانی برخود
لازم دانسته که این رساله بحر الغرائب را
که مشتمل است بر شرح خواص و فوائد و
اسم خداوند متعال با لوح متعلق
هر اسمی بطبع درآوردم و در حاشیه این رساله
ختوم و اوراد و چندی را که مبلغ النافع
باشد مندرج نمایم و بعضی از ختوم
این حقیر بتجربه رسانیده ام و مذکور
اتفاق افتاده که در اثناء ذکر با حاجت
مقصود رسید و باقی دیگر را از کتب
معتبره با کمال دقت و ملاحظه اساتید اینها
جمع و انتخاب نمودم

والله

در شرح و خواص کلمهٔ هو

والله الموفق والمعین چون اکثر اکابر در کتب خویش ابتدا باسم
الله نموده اند که اسم ذاتست و مستجمع جمیع صفات اما چون در کلام
مجید و فرقان حمید چنین واقع شده که هو الله الذی لا اله
الا هو و بعضی از کمل اولیا بر آنند که اسم اعظم عبارت از
این اسم است بنا بر آن ضعیف بضاعت ابتدا بخاصیت این اسم نمود
هو الکریم المعبود باسم سبحانه هو را اهل تحقیق اسم
اعظم گفته اند دلیل آنکه اسمیست دو حرف و نقطه ندارد و
هیچ حال و دانوعی دیگر نمیتوان خواند که از او معنی حاصل
شود غیر هو دلیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تعیین فرموده
اند و مقدم بر همه هو است پس اعظم هو بود و حدیث وارد
شده از بهترین موجودات و سرور کاینات علیه افضل
الصلوة و اکمل التحیات که ان لله تعالی تسعة و تسعین اسما
من احصیها دخل الجنة یعنی خداوند تعالی را نود و نه نام است
هر که احصای آن اسماء نماید در بهشت در آید و شیخ برهان الدین در
شرح خود چنین آورده است که احصا در لغت شماره کردنست
و سید طایفه فرموده که احصا خواندن و معنی آن دانستن است و
بعضی از مشایخ فرموده اند که احصا خواندن و معنی دانستن و تو جبر
نمودنست پس اسم هو که ابتدای اسمای ایزد تعالی بان شده و خاصیت

الحق اکثر اعظم دیگر نیز اند که دعوت
آنها بشرایط واقع کردی اکثر کسی عمل
نموده این دعوات را در مطالب عظیم
معمول دارد موجب خیر دنیا و آخرت است
و مسمی نمودم بمنتخب الختوم ابتدا نکند
بعد از انجام مهمات و مطالب این جمعیت
کثیر التفضیل مقتضی بادی نمایند و از
برای مؤلف و والدین این اطالب
مغفرت نمایند و این رساله مشتمل است
بر سه باب و یک خاتمه باب اول در
ختوم متعلقه بآیات و سور و کلمات
قرانی باب دوم در ختوم متعلقه
بکلمات و دعوات نبوده از حضرات
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین باب سوم در ختوم متعلقه
بنمازهای وارده و بعضی از آیات
مبین و خاتمه در بعضی مطلوب دعوات و
الاذکار دیگر الباب الاول ختم
مبارکه

در شرح و خواص کلمه هو

تا به نهایت است و عدد اسم هو یازده است عدد تکسیر که ها و او باشد که
بطریق مشایخ مغربیه اعتبار میکنند تمام مجموع سی و سه است و اگر بدست
خدمت شیخ قبول میکنند بیست و سه میشود و بعضی از بزرگان گفته اند
که هر که در یک مجلس دوازده هزار نوبت بگوید یا الله یا هو جن و
انس و وحوش و طیور با او انس گیرند در اندک زمان مطیع او گردند جمله
مخلوقات و از طرف شاه و علو و غضبناک بر وی مکشوف گردد و حضرت شیخ
عبد المجید در کتاب کنز الاعلی فی شرح اسماء الله تعالی روایت کرده از
عبد الله بن عباس که وی روایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که در قرآن هفت موضع قول لا اله الا هو است و بعضی از علمای
دنیا گفته اند که اسم اعظم خدا تعالی در این آیات است و اما آنکه در دعاست
مستجاب است و خواص بسیار از برای این ذکر نموده اند که این مختصر گنجایش
ندارد هر کس خواهد تسخیر قلوب سلاطین و امرا کند تمام خلایق مطیع
او گردند و هر چه بگوید هیچکس از قول و تجاوز ننماید و مقبول القلوب
گردد و صفا ظاهر و باطن و بمرتبه رسد که هر که او را چشم بر وی افتد محب و
شود و از علم باطنی خدا تعالی او را کرامت عطا نماید از اینها او را با کمال معرفت
برسد بر این باید که هر روز دو شنبه بعد از هر نماز یکبار بخوانند بشرطیکه چون تمام کنند همچنان
مجلس قبله رو بگویند بخوانند و در راه بخوانند بیمار و سلطان بخوانند با خشوع و
خضوع و بتائی و درست بخوانند تا مراد دنیوی و اخروی حاصل کرده و حصول مقصد کلی

بسم الله الرحمن الرحیم از برای هر مطلب و
باب مجلس هفت صد و هشتاد و شش بار
این آیه را بخوانند بعد از اتمام همین عدد
صلوات نیز همین مثل مجرب است و در بعض
نسخ بنظر رسید که بیکصد و سی و دو
مرتبه صلوات نیز رسیده اند ایضا
بجهت هر مهمی دوازده هزار بار بخوانند
و دو رکعت نماز بنیت حاجت بخواند
بعد از جمله سوره که خواسته باشد
ضرورتا دو برود کفایت بخواند
ایضا از بزرگان و مشایخ منقول
است که در وظیفه یا ایه گرفتار شود
که هر که ورد کرد و نوزده
و راه نجات برا و مسدود نماند نجاة
بعد از هر نماز بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم و اگر در
مجلس هفت صد و هشتاد و شش بار
همین کلمات را

در شرح کلمه لا اله الا هو

در روایات آمده است که حضرت رسول صلعم فرمودند هر که در عمر خود یکبار
بخواند چنان بود که تمام قرآن را ده کرت خوانده و آمرزیده شود از جمیع
گناهان اگرچه بعدد ریگ بیابان و قطرهای باران و برگهای درختان بوده
باشد و با اعتقاد درست خواند سیئات او را بحسنات مبدل گردانند

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که این را در روز حفظ دارد
روز پنجشنبه روزه دارد و این را بر کاسه چینی نویسد با آب باران
یا آب چشمه بشوید روزه را بآن بگشاید چنان شود که هرچه بشنود
یاد گیرد و اگر کسی را سحر کرده باشند یا عقد اللسان از این بخور
دفع گردد و اگر کسی این را بنویسد با خود دارد از بلاها گوناگون
ایمن شود و بر دشمنان مظفر و منصور گردد و در نظر وضیع و شریف عزیز
نماید هر که او را ببیند دوست دارد و اگر کسی را علت قولنج باشد
یا دردی که درمان ندارد و اطباء ندانند روز جمعه پیش از صبح این را
بمشک و زعفران بر ظرف چینی نویسد با آب یا گلاب بشوید بیاشامد
بخورد از آن مرض صحت یابد هر که ورد کند بعد از نماز بامداد یکبار بخواند
از همه بلاها ایمن بود و متصل خوش وقت و خوشحال باشد و در روزگار
روزگار مطیع و مسخر او گردند خداوند جل و علا هفتاد فرشته بفرستد
که از روز تا شب او را نگاه دارند از بلیات و نکبات و آفات و ملائکه ثنای
جمله بلاها از وی دفع گردانند هر که را قرض بسیار بود و کار در وی فرو ماند

بخواند اکمل و اتم خواهد بود و بجهت
خلاصی از دست ظالم و حصول مهمات
در خلوت هفتاد و سه مرتبه این کلمه را
رو بقبله با طهارت بخواند و
بعد از اتمام سه مرتبه صلوات
بفرستد انشاء الله خداوند تعالی حاجت او را
بخواهد بر آورده است انشاء الله
بجهت هلاک ظالم هزار بار
بسمله و هزار بار الحمد لله و هزار بار
لا اله الا الله محمد رسول الله
و هزار بار صلوات و هزار بار
فان ظالم بهرحال کند البته هلاک
شود یا مخذول و منکوب گردد
و مداومت باین آید موجب ترقی
دولت و صفای باطن است ختم
سوره مبارکه فاتحه الکتاب چنانچه
مرحوم مجلسی ره و جمیع [illegible]
منقرض شده اند [illegible]

در شرح کلمه لا اله الا هو

و معتبر شود این اسما را چهل و یکبار بعد از نماز جمعه بجهة گشایش امور و مهم
بمراد و مقصود خود واصل شود و اگر کسی خواهد که اکابر و سلاطین را
مطیع خود گرداند باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و
هر روز غسل کند این اسما را در این ایام هزار و یکبار بخواند در خلوت
و بخور بسوزد در روز چهارم روا بود دل سلیم و قلب مستقیم پادشاهان
مسخر و مطیع وی گردند بر قوم خود مسلط گردد و هیچکس از سخن او
تجاوز ننماید دعوات این اسما کسانیکه بخواهند ملکی را
ضبط کنند حاکم ولایت گردند دعوات این اسما و قسمت و اگر
این اسما را بمشک و زعفران و گلاب بر پوست گربه سیاه بنویسد وقتیکه
قمر در تحت الشعاع باشد بتاج نمد تاج سر خود هر جا که رود
هیچکس او را نه بیند مادام که آن تاج بر سر او باشد مخفی بود و شیخ بونی
در جواهر القرآن این اسما را شرح بسیار نوشته و خواص بسیار گفته
در این نسخه باین اکتفا کرده تا خوانندگان را ملال نرسد آیات کریمه
این است بسم الله الرحمن الرحیم و الهکم اله واحد لا اله الا هو
الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة
و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع
عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون
بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا

(۷)

و نتیجه بسیار مشهدات است اگر کسی ابتدا
نماید از روز جمعه شود و ختم بنماید
ختم از روز جمعه و قبل از صبح
بعد از نماز صبح و بعد نافله فجر
غسل کرده و بعد تسبیح زهرا یکصد
و تسبیح بگوید الحمد لله رب العالمین
مرتبه بگوید و یکصد مرتبه
علی کل حال و یکصد و یا کسی نقصان
صلوات بفرستد و اول قل
نماید و سخن نگوید بجهة دیگر
انشاء شروع نماید باین نحو که چهل و
یکمرتبه شود و اتمام بخواند
که غلط نشود و بعد از اتمام بخواند
فاصله
یا مفتح فتح یا مسهل تسهیل
سبب یا مسبب یا منعم برحمتک
یا مدبر تدبیر و یکصد
یا ارحم الراحمین

در آیات مشتمله بر لا اله الا هو

يؤده حفظهما وهو العلي العظيم الم الله لا اله الا هو الحي
القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا
هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و
اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
الله لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على
كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله
الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول
الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا
هو يحيي ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن
بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا
ليعبدوا الله مخلصين له الدين لا اله الا هو سبحانه
وتعالى عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه
الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا
اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا
انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
وهم يكفرون بالرحمن قل هو ربي لا اله الا هو عليه
توكلت واليه متاب ينزل الملائكة بالروح من امره على

در همان وقت هم همچنانکه بخوانند البته
اگر دو وقت و همچنان با عدد ختم از اهم
و مستحب ختم را از هر گیر دو الا بفضل
الله و هفته اول اثر ظاهر شود
و چون مطلب بعمل آمد هر چند که
دولت عظیم ظهر شده باشد بعد ختم را در
مهمل بکرده و تمام کند و در نسخه معتبر
دیده شد که ابتدای بسمله را با برام الحمد
لله و صلوات باید و در بعضی نسخ
معتبره بدون شرط و قید بی
مسطور است باز نحو که مدبر جهاد و
یکروز در هر روز در عمل فریاد العربیة بعد
از نماز صبح بخوانند و اندر عادا
نیز همان نحو بخوانند و ندا و ندا
غنی گردد و قرض ادا شود از نحو
کرم نحو ادا و فعا بد ایضا بجهة
بزرگ خانه ... فی کعبه
فاتحه ... ابن حق

در آیات مشتمله بر لا اله الا هو

من یشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی وانا اخترتک
فاستمع لما یوحی اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین انما الهکم الله
الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما وما ارسلنا من
قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون
فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم
هو الله الذی لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والآخرة
وله الحکم والیه ترجعون ومن یدع مع الله الها آخر
لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و
الیه ترجعون یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل
من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لا اله
الا هو فانی تؤفکون انهم اذا قیل لهم لا اله الا الله
یستکبرون ذلکم الله ربکم له الملک لا اله الا هو
فانی تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب
ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر ذلکم الله ربکم

بخوانند جمیع مهمات کلی و جزوی روا شود
خداوند و ورد نماید بعد از نماز صبح
بیست و یک مرتبه و بعد از نماز ظهر
بیست و دو بار و بعد از نماز عصر بیست
و سه بار و بعد از نماز مغرب بیست و چهار
بار و بعد از نماز خفتن ده بار و اگر
یک هفته اول تا آخر واقع شود
دو هفته دوم بخوانند که مجرب است و آزموده است

و در بعضی نسخ دیگر بنظر رسیده که اطعمنا
و در جمعه و پنجشنبه بعد از ...
ابتدا از روز پنجشنبه آیات ربنا
مطلب باید یکی در میان بخواند الرحمن الرحیم
و آیات مستجابی ویکی منقوله که بجهة
و از بعض مشایخ منقول است که یا از ظالمی یا از
خوف از سلطان یا از قبر بیم
با دیگر باید بنا ما لک یوم الدین یا مالک
استعانت از ان شخص ضرر و آسیب
بوی نرسد و الله الطریق و
سبحانه براو

بگیرد بعدد مذکور بخواند خلاص
شود و برکات تجربه شد و بصحت
پیوسته ختم سوره مبارکه
قل هو الله احد از جمله ختوم
مجربه معتبره که سلف همه ختمها است
و از جهت هر حاجت و هر مهم مناسب
است که اول غسل کند و لباس پاکیزه
بپوشد در مکان خلوت و با کسی
تکلم نکند و انگشتر عقیق یمنی یا
فیروزه در دست نماید دو رکعت
نماز حاجت بگذارد و بعد از حمد
هر سوره که خواهد بعد از نماز
هفت بار سوره حمد را بخواند و صد
بار صلوات بفرستد و هفتاد و
نه بار سوره الم نشرح بخواند بعد
از آن هزار و یک مرتبه سوره قل هو
الله را بخواند و صد بار صلوات
بفرستد و هفت بار از حمد را بخواند
و سر را بسجده بگذارد و مطلب را از
خداوند بخواهد

در آیات مشتمله بر لا اله الا هو

خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون هو الحی لا
اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب
العالمین لا اله الا هو یحیی و یمیت ربکم و رب آبائکم
الاولین فانی لهم اذا جاءتهم ذکریهم فاعلم انه لا اله الا
الله واستغفر لذنبک وللمؤمنین والمؤمنات هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب هو الرحمن الرحیم هو الله
الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح
له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم الله لا اله
الا هو علی الله فلیتوکل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا
اله الا هو فاتخذه وکیلا وصلی الله علی محمد و آله اجمعین
و چون تواند آدمی ضعیف که شکر این نعمت بجا آورد که ایزد سبحانه
تعالی از غایت عنایت و لطف و مرحمت بخواندن اسماء رخصت فرموده
که اگر دستور نبودی که را زهره و یارای آن بودی که نام او را بر زبان
جاری کردی و در امتهای پیشین چنین بوده است که بی اجازت نمی توانستند
که نام ملک تعالی برند مگر باسمی که مامور بودند و انبیا و رسل
ایشان را خبر داده بودند و این دولت و سعادت مر این امت راست که بهر نام

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

که خواهند خدا تعالی را بخوانند البته بهیچ نحو بسته نشود در هر حال که
باشند ز قبض و بسط و بیم و امید اسمائی که مناسب آن حال باشد و وقت
و عدد خواندن دعوت صغیر و کبیر لوح تکسیر خاتم مجموع از قول بزرگان
علماء و مشایخ این فن بیاوریم تا خواص آن ظاهر گردد و مفصل و حاصل
آید انشاء الله تعالی و خواص اسماء الله بسیار است و بیان کردن آن بر
بنی آدم مشکل که خدا تعالی در کلام مجید قرآن حمید فرموده است که
قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی
ولو جئنا بمثله مددا اما آنچه عمل و تجربه رسیده در این نسخه مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی امید بکرم تو رحیم آنکه چون این بنده
از مختصر این علم عاری بودم این نسخه از کتب اسباب و باطن جمع کردم اگر
لفظی عامیانه بینند قلم عفو درکشند و بالله التوفیق نوع دیگر نام یا متعالی
جل جلاله هو الله الذی لا اله الا هو این جمله سه اسم است هو و الله
اسم است خدا را و در بینش که موصوف است بجمیع صفات و کمال
و این اسماء عظام ذکر اهل توحید است بزرگان گویند که هر که در یک
شبانروز یکهزار بار بگوید یا الله یا هو بعد از آن اسما مداومت نماید حق
تعالی او را از اهل یقین گرداند و بمقام اهل تحقیق و درجات اهل توحید
برسد آنچه خواهد بدو کشف شود از جهت آنکه الله اسم ذات است و اسم ذات
اسم اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم اسمی را گویند که هر حرف از او بفکنی

که با جابت مقرون است و بعضی
گفته اند وقت خواندن بوی خوش
بخور کنند و ابتدا از روز پنجشنبه
نماید و جمعه هم خوب است و اکثر روز
پنجشنبه را روزه بدارد و اتباع
اولی است و در بعضی کتب روایت
این عمل را در وقتی که قمر در برج ثور
باشد بجا بیاورد و بهتر است و هیچ
شکی و شبهه در اجابت این دعوه
نیست ایضا بجهت هر حاجت
که مدت هفت روز
از مقابل قبله هر روز یکصد بار
بعد از نماز صبح هر روز بدین نیت تمام
سوره توحید را بخواند بدین نیت
با خضوع و خشوع هر روز هفت
انشاء الله حاجتش برآورده شود
بجهت و سیله که هر حاجت داشته باشد
هر روز سه شنبه بخوانند تا بیست
هزار بار الله الصمد را اینقدر بار
بخواند الله الصمد را و بعد از تمام عمل
تکرار نماید و هر روز بعد از تمام
آن بار را بر نوبت

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

همان اسم الله شود مثلاً از الله الف کم کنند لله شود و اگر یک لام از او
دور کنند له شود و اگر الف و یک لام دور کنند ه شود و اگر الف و هر دو
لام حذف کنند هو شود و هو اسم اعظم است و در اسم الله سخن و دلیل بسیار
است و دلیل چند از قرآن بیرون آورده اند و گفته اند که اسم اعظم خدای تعالی
آن است که ابتداء آن با الله و ختم آن بر هو باشد و این چنین کلمه با نقطه نبود
اگر معرب یا غیر معرب نویسند همانکه هست خوانده شود و غیر آن نشود
خوانند و در کلام مجید رحمانی و تنزیل سماوی پنج جا آمده است اول
در سوره بقره اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ دوم در سوره آل عمران الٓمٓ
اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سوم در سوره النساء اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
لَیَجْمَعَنَّکُمْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ لَا رَیْبَ فِیْهِ چهارم در سوره طٰه اَللّٰهُ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی پنجم در سوره تغابن اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ وَعَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ پس از اینجا دلیل اسم اعظم
اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ است و بعضی از مشایخ فرموده اند که هر که این پنج آیه
که مذکور شد ورد کند و هر روز یازده بار در هر مهم کلی و جزئی که روی نماید
بخواند مهمات وی حاصل شود خواص آیات کلام الله که ابتدا با اسم الله
است خواهد شد دیگر در کلام مجید آیتی یک است و کلمه است و اول اسم
خدا تعالی است و نقطه ندارد اگر معرب باشد یا نباشد که درست خوانده
میشود و شک نیست که این دو اسم اسم اعظم اند و هر دو در سوره اخلاص هم است

و یک بار از سوره انا فتحنا آیت اشداء علی الکفار است تا آخر
سوره بخواند در مکان خلوت
با طهارت رو بقبله مراد حاصل
گردد ایضاً و بیست و یک چهله
یک روز هر روزی چهل و یک
نوبت بخواند بعد از آن سیزده
مرتبه دعای یا مفتح فتح تا به آخر
که در کیفیت ختم حمد مذکور شد
بخواند حاجات دینیه و دنیویه و اخرویه
او بر آورده شود ختم آیة الکرسی
در کتاب معتبر از کتب علمای شیعه
بنظر حقیر رسیده که در ایام شریفه
آیة الکرسی ده وقف است هر که وقت
خواندن آن نه ده وقف را عمل آورد
و بعد دعا کند دعای او مستجاب شود
و قاعده آن این نحو است که ابتدا
از انگشت کوچک یمنی نماید و هر
وقفی انگشت را عقد کند و ختم نماید
ابهام یمنی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الله الصمد

الله الصمد معنی الله مذکور شد و معنی صمد بی نیاز نیازمندان
وجمعی فرموده اند که در شرح یکی از بزرگان یافتم که هر که را کاری
صعب واقع شود و امر مشکلی که بهم گشتن بود بجهت دفع آن بلیه یا فتح
کارها بیک مجلس هزار بار سورهٔ اخلاص بخواند نجات یابد اما
بزرگی گوید که این فقیر را یاری بود که او هم با مردم نا ملایم نشستی
هر چند نصیحت کردمی قبول نمیکردی و گفتی که هر گاه مرا واقعهٔ صعب است
دهد اسم اعظم مرا تعلیم کنی نجات یابم یار او را قصه افتاد که حکم بر قتل او
کردند در راه که بقتلگاه میبردند ملاقات کردیم در این محل طلب اسم اعظم
کرد گفتم با هیچکس سخن مگوی تا پای دار هزار بار بگوی الله الصمد
واگر با تمام نرسید مهلت خواه تا تمام شود صد او و امر فوق قول خود
یا قسم ابتدا کرده هنوز به پای دار نرسیده بود که خبر فتح شنید و او را مژده خلاصی
دادند و چند نوبت تحقیق این اسما افتاده و هزار و یک نوبت بقول
شیخ رکن عدد کبیر قل هو الله است و نزد شیخ معز عدد کبیر تکبیر زدن
اسلم است و عدد تکبیر این و اسم بنا کنیم بسه نوع بنا عدد کبیر که علما
این تکبیر کرده اند و هزار و هفتاد و شش است و صد و موخر تکبیر
کردیم با بسیط افزودیم این شد سیصد نود و ند و تکسیر این است الله
اصمد طم لص ل ا م ا اده الم ل لص ص ال دلهم ال
لص ام لهدل لل خص لام م ال ال داصه هم صله

نشفع عنه هو
کنند مبادا دو همین ... آن ... و د
خواهد از عمل خیر طلب آید ...
مبادا دو میم بتعلیم ما بنی آید ...
از مقوله دفع شر و اسباط طلب نماید
و چون ... شود سه مرتبه سوره قل هو الله
الم نشرح و سه مرتبه سوره ...
بخوانند و سه بار صلوات بفرستند و حاجت بخواهد
و ... اسمان کنند ...
و بعد ازان سه مرتبه سورهٔ حمد را بخواند
و بعد از هر مرتبه ... یک انگشت ...
و بعد از اتمام هر حمد یک انگشت ...
انگشتان معقوده را بگشاید ...
از انگشت ابهام ... تا ابتدا از انگشت خنصر ...
چپ نماید تا انگشت ... و بعد
... عقد ...
فتح همه اصابع با اسما نظر کند ...
و حاجت ... اصابع بعد ...
و وارد است ...
سورها ... اصابع ...
... کتبه ...

در خواص مبارکه آیة الکرسی

ا د ل ل لم ل م د ص ا ل ا و عدد وسیط که عدد اصل اسما است
دو بیست و سی و یکی است و عدد تکسیر بطریق شیخ مغربی دو نوبت بصد و
و مؤخر یکهزار و دو صد و چهل و چهار و نزد بعضی سه نوبت و سیصد
العلماء سی نوبت و سید العلماء از عشرات و احاد میگیرند و اکر
با نقرا و سید مجموع را اعتبار میکنند با از احاد را اعتبار نمی کنند
و عدد کبیر مغربیان بیست و سه هزار و صد و ده عدد است بنوعی که حروف
ملفوظ تکسیر میکنند و در شرح بسم الله شیخ فرموده است که آیة الکرسی
آیتی است بس معظم و مکرم که زبان بیان از وصف عظمت و فضائل او قاصر است
و این آیه کریمه را خواص بسیار مشاهده کرده اند اول از جهت افزایادتی دولت
و سعادت و حشمت و بزرگی و دفع اعداء و غالب آمدن بر خصما و رسیدن
بجاه و نجات یافتن از بلاها و هر حاجت که داود و کنه بعد از هر
فریضه باین کیفیت خواند که در وقت خواندن هر وقفی یکعقد بگیرد و ابتدا
از انگشت خورد دست راست و عقد آخر انگشت بزرک دست چپ و در ماین
عینین که یشفع عنده است هر حاجت که دارد در دل بگذراند و طلب حاجت
نمو کند و در همین که یعلم ما بین ایدیهم است دفع اعداء و متفرق شدن
از جمع و خاطر آورد و چون آیه کریمه تمام کند سه نوبت سوره الم نشرح
و سه نوبت سوره اخلاص و سه نوبت صلوات فرستد بجانب آسمان دمد
و هر عقد یک بار سوره فاتحة الکتاب بخواند بادیر و کف دست دمد

طریق عمل کند بطریز است و در بعضی
کتابها طریق اول را تا چهل روز
ذکر کرده اند و بجهت قضای حاجات
تخلف ندارد و مواضع ده وقف
از این قرار است اَللّٰهُ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ ۱ اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ ۲
لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۳
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
۴ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ
إِلَّا بِإِذْنِهِ ۵ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ ۶ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ
إِلَّا بِمَا شَاءَ ۷ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ ۸
وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا ۹ وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۱۰ از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست هر که را مهمی پیش آید
و در انجاح آن عاجز ماند باید غسل
کند بنیت انجام

در خواص مبارکهٔ آیة الکرسی

و بر تمام اعضا برساند و چون این ورد کند هر حاجت که دارد بروی
مقرون باجابت گردد و از بزرگواری این آیت است که ابتدا بالله
و ختم باسم العلی العظیم میشود و شارحان اسماء ربانی گفته اند که
اگر فی المثل گدائی که در تبه باشد هرگز بزرگی نبوده باشد و خواهد
که بسلطنت رسد و امور ملکی بوی تفویض کنند باید که دوازده روز
ترک حیوانی کند و روزه دارد و افطار بحلال کند و هر روز غسل کند
و جامهٔ پاک در پوشد و از اول غسل سخن نکند تا بعد از آنکه دو رکعت نماز
بگذارد و همچنان بر روی سجاده هزار بار آیة الکرسی بخواند و چون در ایام
مذکور باین شرط قیام نماید بصدق پاک البته مراد یابد و مقصود حاصل
گردد و آنچه خواهد بدان رسد و در آن شک نباید و در مغرب قصهٔ
سلطنت صالح شبانی چنین بود و قصهٔ او طولی دارد مناسب این نسخه نبود
اهل تحقیق گویند که هر کرا توفیق رفیق گردد که هر روز هزار بار
بگوید الله خدای او را از اصحاب یقین گرداند و این اسم متشابه
کسانی است که مبتلا اند و هنود بدین حجر کال نوشته اند و عدد
این اسم شصت و شش است و اگر کسی طالب جاه و بزرگی باشد باید که
در شرف زحل بر اطلس سرخ شش در شش زیج کند با حروف اسم خود
و در تاج محفوظ سازد و اگر شرف زحل زود میسر نگردد چون در خانه
خود باشد قمر را باوی نظر باشد و از منحوسات منفصل و باسعود

و آیة الکرسی را بخوانند بطریقه
وقف نکرده و قرو مبادی و عین
لتشفع عنده انهم را ایجاد طلب و لخوا
بکلمه و انه انه حسب موجب بخوانند
بکلمه و انهم دعا نیکو دارند
او بیاید و هر دعا که کند و اگر دشمن ضعیف داشته
مستجاب است و اگر دشمن مغلوب شدن او
باشد بر طلب مغلوب شود که
شروع در ختم نماید تا چند روز که تعلیم
مبتوا ابد بخوانند و در مبادی و صیم
ما آیت آید اهم دشمن او را نظر کرده
البته از آن دشمن شک مغلوب است
و گفته اند که این عمل از جمله مجربات است
اعضا بنور کامل واقع گفته
آیة الکرسی بعد نماز خفتن بخواند بقدر افروخته
الکرسی بعد نماز خود بخواند و سعادت دنیا و
برد و او گشود کمند و وسعت مبارکه
دو مبارک و وقت و فقر و فاقه از او دور دارد
و اگر برای بحسب شرعی اعداء دارد
طالب مطلوب بخواند شود عجیب
اعضا د لنسخه ملاحظه شد
که آیة الکرسی را

در شرح خواص لفظ جلاله

متصل دم بدهد همین خواص دهد و طریق مربع این است مثال
نموده شود الله محمد ال ل ه م ح م د و این هشت حرف را بطریق
در مربع شش در شش می باید نهاد و روش این است که از هر ضلع
اسمین حاصل شود و در وقت نوشتن بخور بسوزد و در جای پاک
بحضور دل نویسد تا خواص ببیند و پیش بزرگان با حرمت بود

ومربع این است

ال	ل	ه	م	حم	د
حم	م	د	ال	ه	ل
م	د	ل	حم	ال	ه
د	حم	م	ه	ل	ال
ه	ال	حم	ل	د	م
ل	ه	ال	د	م	حم

ویکی از بزرگان صاحب وردِ این اسماء چنین فرموده اند که هر که خواهد صاحب صدق و یقین گردد
و از عالم غیب انواع فتوحات ظاهری و باطنی متواتر بر وی نازل
گردد هر روز بعد از فراغ از فریضه صبح هزار بار این اسماء را
باین نوع بخواند یا الله یا هو و عدد این اسماء نود و نه است
موافق با نود و نه نام باری تعالی و بزرگی فرموده که هر که نیم شب با
طهارت کامل روی باسمان کند نود و نه بار این اسم را بگوید مستجاب
الدعوه گردد و چشمه های معرفت از دل وی سر بر زند و از علوم لدنی
با نصیب گردد و اگر این دو اسم را با نام خود عدد گیرد و در شرف زهره

مهمی باشد خواهد که زود کفایت
گردد بصحرائی رود که در آن آدمی
نباشد و خطی در گرد خود بکشد
و رو بقبله بتواضع بنشیند و هفتاد
بار آیة الکرسی را تا و هو العلی
العظیم بخواند بی شک در همان
روز حاجت وی روا شود و در
آن نسخه نوشته بود هذا مجرب
و موثر و لا شک و لا ریب فیه

ختم سوره مبارکه انعام

روایت شده که هر که خواهد روزی
بر وی فراخ گردد و حاجت او روا شود
شب پنجشنبه یا روز جمعه یا شب جمعه
رو بقبله کند اول سوره فاتحه را
بخواند و بعد شروع کند بخواندن
سوره انعام تا آیه مثل ما اوتی
رسل الله پس بلا فاصله برخیزد
و دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی
هفت بار سوره حمد هفت مرتبه
آیة الکرسی

در شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

در مربع پنج در پنج اعداد بنهد طریق این است که از جملهٔ عدد شصت
طرح کنند و باقی بر پنج قسمت کنند و یک قسم را در خانهٔ اول نهد
اگر کسر داشته باشد بدست خود که نوشتیم درج کنند معمول القول گردد
و متعلقان زهره مسخر وی گردند داننده این مربع را از عالم غیب
فتوحات شود دایم خوش دل و خرم گند را بنهد در هیچ مجلس تو زبون
نگردد و هرچه خواند یاد گیرد و این مربع را خواص بسیار است مثلا نام
محمد را خواستیم با اینکه اسم علی کریم عدد مجموع صد نود و یک شد
شصت عدد طرح کردیم صد سی و یک باقی ماند بر پنج قسمت کردیم
قسمتی بیست و شش شد کسر یکی عدد ماند در خانهٔ بیست و یکم اضافت
کردیم و اگر کسر دو باشد یکی در خانهٔ شانزدهم اضافت کنند اگر سه باشد
در خانهٔ یازدهم اضافت کنند و اگر چهار باشد یکی در خانهٔ ششم
اضافت کنند چون تمام کنند معطر ساخته در پیچید با خود دارد به
نیت ادای قرض و حصول حاجات دنیا و آخرت و برآمدن مرادات کلی و جزوی

٧ ٤٢	١٣ ٣٨	١٩ ٤٤	٢٥ ٥١	١ ٢٦
٢٠ ٤٥	٢١ ٤٧	٢ ٢٧	٨ ٣٣	١٤ ٣٩
٣ ٢٨	٩ ٣٤	١٥ ٤٠	١٦ ٤١	٢٢ ٤٨
١١ ٣٦	١٧ ٤٢	٢٣ ٤٩	٤ ٢٩	١٠ ٣٥
٢٤ ٥٠	٥ ٣٠	٦ ٣١	١٢ ٣٧	١٨ ٤٣

اما باید که هر روز کم از
نود و نه بار بخوانند و شکل
این است و بزرگی فرموده
که هر که هر روز صد بار
بخواند هو الله الذی

بعد از آن سورهٔ انا اعطیناک را
بخوانند و چون فارغ شود همان
رو بقبله از الله اعلم
حیث یجعل رسالته تا آخر سوره
بخوانند و بعد بسجده رفته مقابل
بگوید لا اله الا الله محمد رسول
الله انجاح حاجت خود را بخواهد
که بفضل تعالی حاجت او روا شود
ختم سورهٔ ص بسیار مبارک است هرگاه
بخوانند هر حاجتی که باشد ان شاء الله
مراد حاصل گردد و ختم
ختم سورهٔ ص موقوف
عظیم و مهلکه خطر عجیب است اگر
از علاج آن عاجز مانده باشد یکصد
بار این سوره را بر سبیل اتصال
تمام بخواند ضرور تا کل شود
بخوانند و بجهت هر ضرورت اول و آخر درود
فتنا از حاجتی بر نیت بخوانند
خلاص شود و همچنین مکرر و هر یاد
ختم سورهٔ یس بجهت
بجهت هر امر

لا اله الا هو و بدین مداومت نماید حق تعالی او را از اهل یقین
گرداند بمقام اهل تحقیق و درجهٔ اهل توحید رساند و اگر خواهد که بر او
کشف شود و اگر بعد از نماز صباح بیست نوبت بر هفتصد و بر طاقی
خوانند و بنا شناسا بگوید کند هر چه هست بخوبی فهم کرده تا بیست
و پیوسته چنین کند البته فهم و حفظ شود که هر چه بخواند یاد گیرد
و هرگز فراموش نکند اگر مربع پنج در پنج که ذکر او کرده ایم در نقش
نقره حنیف نویسد بر آن گردن بندد البته او را عقل و ادراک بمرتبه ای
که اهل عالم متحیر او گردند شیخ فرموده اند که هر که با خلوص و
اعتقاد تمام بعد نماز بامداد صد بار بگوید عالم الغیب والشهادة
خدای تعالی او را از اهل یقین گرداند و از اصحاب کشف شود
چنانکه اسرار عالم صورت و معنی بر او روشن گردد و مشکلات کلی
و جزوی از فوائد این اسما بگشاید و در هر کاری که شروع کند فتح
پیدا او از غیبا ظاهر و مسند گردد و شیخ گفتند که هر که نود و دو بعدد
اصل اسماء یک بار بخواند عدد اصل اسما هزار و دو صد و سی و یک
است کشف قبور او را حاصل شود و مطلع شود بر نیکی و بدی تمام
اهل گورستان و هم شیخ گفتند که بعد کبیر معتبر شود که نود و نه
و هر شبانروزی بعدد کبیر بخواند بر مخفیات و دفاین عالم
مطلع گردد بر تمام معادن که خزانه خداوند است عالم شود و عدد کبیر

صعب و مشکلی که او را روی دهد و هم
حاجت و مطلبی که داشته باشد
هفت شب بلا فاصله تلاوت
نماید البته مهم او کفایت گردد
ختم سورهٔ طه که بخوانند و
دو او بر سازد بجانب که بیماران تشنه
باشد نزد طلوع فجر شفا یابد بیشه
ابن مسعود را تلاوت نماید روز
تا زده را امروز تا و کرامت شود و حاجت
ادا برای او جمع گردد و دشمنان غالب
آید ختم سورهٔ مبارکهٔ یس
هر که را آرزو باشد از برای او
وضو بگیرد بنیت قضا و حاجت
دعا و تلاوت قرآن در بعد نماز
قلب صد بار صلوات بفرستد و شروع
در خواندن سوره یس نماید و حاجت
در سه موضع خاطر بگذراند و از
خداوند بخواهد یکی بعد از اتمام
مبین و یکی بعد فقال الرسول
و یکی بعد

در شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

عدد تکسیرش است و عدد تکسیر موضع صد و مؤخر چهار هزار و هشتصد
سی و دو و هم شیخ فرموده است که اگر میسر شود که در نود و نه روز ترک
حیوانی کند و انزوا اختیار کند و در ایام مذکور بعدد کبیر مستوفی تکرار
کند عود و صندل بخور سازد و درین خواندن بعدد تکسیر که چهل و
چهار هزار و چهار صد و نود و شش است کشف عجایب حاصل شود و عالمیان
مسخر وی گردند و حکام زمان وی محتاج بمشورت وی گردند و او را
باطن بمرتبه شود که از مشرق عالم تا مغرب الی ما شاء الله بروی مکشوف
شود و بر احوال عالم مطلع گردد و عزل و نصب سلاطین را بگوید و امور
غریبه و حوادث هدا اما باید که در آن ایام تقوی رعایت کند و صائم
باشد و افطار بحلال کند و سخن کم گوید و خلوت گزیند چون مرادات و
مقاصد و حاصل شود تقوی لازم اوست و دیگر آنکه حکمت هر چیز
بداند و خواص اشیاء بروی ظاهر گردد **الرحمن** یعنی بخشاینده جمیع
مخلوقات و عالمی فرموده اند که هر کس بدین اسم مداومت نماید و بعد
از هر نماز فریضه صد بار بخواند خداوند تبارک و تعالی دل او را پاک گرداند
از ظلمت و غفلت و فراموشی حضرت سلطان اولیا و برهان اتقیا تاج
الاصفیا سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام در شرح اسما چنین
فرموده که هر که بعد از هر نماز دویست و نود و هشت بار بگوید جمله مخلوقات
او را دوست دارند و دشمنان بروی مهربان گردند و اهل تحقیق گویند

سلام قولا من رب رحیم و چون
بآیه سلام برسد و را سی و چهار بار
یا چهارده بار یا هفت بار مکرر کند
و چون از سوره فارغ شود بگوید
سبحان المفرج عن کل محزون
سبحان المخلص عن کل مسجون
سبحان المنفس عن کل مدیون
سبحان العالم بکل مکنون
سبحان من جعل خزائنه بین الکاف
والنون سبحان من اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه
ترجعون اللهم افتح لی بحق یس
ابواب رحمتک و ابواب خزائنک
و تفضلک و کرمک
بحق سوره یس و یس صد و نود بار بگوید
یا ارحم الراحمین و بعضی گفته اند
یا مفرج الهم فرج عنا غم و جمیع المسلمین
اند که دنیا و جمیع حاجات عرض
نیز حاجت را تقاضا نماید
نماید و قدرت تحصیل آن در

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

دعوات این اسم مناسب کسانی است که صاحب کرم باشند و از ایشان نفع بکسان
رسد و شیخ ابراهیم در شرح خود فرموده که هر که را مهمّی باشد و عاجز
گردد از تدبیر آن باید که روز جمعه بعد از نماز عصر به هیچ وردی
مشغول نگردد و هیچ سخن نگوید با حضور دل متوجه قبله این هر دو اسم
تکرار میکند یا الله یا رحمن تا زمانیکه آفتاب فرو رود و بعد از آن
سر بسجده نهد و حاجت خواهد البته حاجت وی روا گردد و شیخ ابن
نعیم را از خواجه ابو العباس یافته در کفایت مهمات مسلمانان شرح این اسم
بسیار است و بزرگی فرموده هم در این معنی که جهت مشکلات عزیمه و
امور کلیه بعد از نماز عصر روز جمعه متوجه قبله بود و بسم الله
الرحمن الرحیم قیام نماید چون بانگ نماز شام بشنود دو رکعت بر سجده حاجت
بنهد حاجت خواهد تا مؤذن اذان تمام کند روی و دستها بر داشته
صلوات فرستد مؤمنین و مؤمنات را فراموش نکند و آمرزش
خواهد و برای هر مهمّی که باین ورد مداومت نماید مرادات حاصل شود
از بزرگی اسماء و هم بزرگی فرموده که از استاد خود چنین یاد دارم که
هیچ اسمی از اسماء خدا تعالی بزرگوارتر از بسمله بسم نیست و اگر
اگر بزرگتر بودی مقدم بر کلام خدا و در دیگر و بر اول هر سوره مکتوب
گشتی و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در فضیلت این نام
فرموده اند که من قال بسم الله الرحمن الرحیم مرّة لم یبق من ذنوبه

اجابت مشاهده نماید قسم دیگر
آنکه سوره را بخوانند چون بآیه شریفه
رسد هفتاد مرتبه تکرار کنند و
مطلب را از خداوند خود بخواهد
که مجرّبست طریقه دیگر آنکه
از روز جمعه شروع کند تا روز پنجشنبه
و هر روز سه بار بخوانند که در عرض
یک هفته بیست و یک بار خوانده شود
و هر روز بعد از فراغ دعا یا آمین
متّصل به عقب نگارده را از صحیفه
سجّادیه بخوانند و اگر بتوانند در یک
مجلس بیست و یک مرتبه سوره را بخوانند
و بعد از آن نیت دعا را بخوانند از
برای هر مراد و مطلبی مجرّب است
لکن بجهت وسعت رزق و وسعت در امر
معیشت روز پنجشنبه بخوانند و جهت
دفع دشمن سه شنبه و جهت عزت
و عزت روز یکشنبه بخوانند
ختم سوره حم دخان از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام

در شرح کلمۀ مبارکۀ الرحمن

در روایتی ابن عبد الله بن مسعود است که حضرت رسالت پناه
فرموده اند که هر که یکبار بگوید این بسم الله را باقی نماند از گناهان
آن بلندره و هم شیخ فرموده که هر که بجهت فتح کارها و محفوظ
بودن از بلاها و ایمن بودن از مکر شیطان در مربع چهار در چهار
با اینطریق بنویسد با خود دارد اما اگر در شرف آفتاب بنویسد با

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

ساعات سعد خواص عظیم دارد و هر کس این مربع را با خود دارد
و ورد کند هر روز هفتصد و هشتاد و شش نوبت تکرار کند هر طلبی
که خواهد تواند گشودن و همه مشکلات بر وی آسان گردد و بعد از
فراغ این باید که یکصد و سی و دو نوبت صلوات بر محمد و آل محمد فرستاد
مستجاب الدعوه گردد و روز بروز گشاده گردد و صفای باطن او را
حاصل گردد و هیچ کاری بر وی مشکل نگردد و فتوحات بوی رسد از
برکت این اسما و دارنده این مربع باید که دائم با طهارت باشد و معطر
ساخته با خود دارد و عزیز دارد که گناهان صغیره و کبیره او را محو
کنند

منقولست که هر که این سوره را جمعه بخواند تا جمعه
کفایت مهمات هفته باشد و اگر این
مهمات او بر آید و کفایت شود و اگر این
سوره را کسی بنویسد و با خود دارد از
شر دیو و پری ایمن باشد و در نظر خلق
با هیبت بود و مردم او را دوست دارند
ختم سوره اخلاص در کتاب خواص
القرآن وارد است که هر که در مهلکه
گرفتار شود این سوره را سه مرتبه بخواند
خلاصی یابد انشاء الله ختم سوره
والنجم از امام جعفر صادق منقولست که
هر که این سوره را بخواند حاجت او بر آید
بیست و یکبار بخواند حاجت او روا شود ختم سوره
بر ما باید و روا شود ختم سوره والم
والنازعات با طلاق و مرض
از برای امر معیشت و وسعت روزی و دفع بلا
مثال و بودن [illegible] و افکار از کیفیت
بنوعی که عقول [illegible] و مشکور ایشان
عاجز باشد [illegible] سوره الشمس وده

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

کنند این مربع را خواص بسیار است و شیخ فرموده که هر اید و هر دعا
که در اوّل آن اللّهمّ یا الله باشد آن باجابت نزدیکتر است و از
دعوات آن ذو مقصود باید و جهت بزرگی و حکومت و عزت و طلب جاه
و ودّ و ادم در اعمال و الفت لها و فراخی روزی و هر امری که دارد رد
ساخته هر روز هزار و یک نوبت بخواند اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهٖ یَرزُقُ
مَن یَّشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ انچه مقصود او باشد برود قرار انکه
گمان دارد برسد و اگر برای ادای قرض و خلاصی زحبس و رسیدن
بعمل که از او معزول شده باشد و طلب حرمت و دفع دشمن قوی با
نیت گرداند لشکری از گرد شهر که محاصره کرده باشند شش روز
هر روز سه هزار و سیصد و سی نوبت بخواند و اینمعنی را جهت محاصره
و خلاصی زحبس و جمعیت تمام خواندن اثر عظیم دارد و اگر کسی
این اسماء را در نگین عقیق یمنی نقش کند یا خود دارد خواص بسیار
بیند و خاصیت اوّل آنست که بر دشمنان غالب آید در نظر خلق
عزیز بود و در پیش هیچکس شرمنده نشود و از مفاجا ایمن بود پس
این تسمیه را در اسم اعظم ترتیب فرموده اند و در این لوح درج کرده اند
و خواص کلی دارد اوّل الله دوّم رحمن سوّم رحیم و شیخ فرموده
که در معنی بنده و اسم اَلرَّحمٰنِ الرَّحِیم فرق نیست زیرا که رحیم و بخشاینده
یک معنی دارد هر که رحیم است بخشاینده است و بخشایش از رحیم است

مربیل استمرار و اگر یک روز
فوت شود شب قضا نماید و این عمل
مجرب و از مجربات حبیر است و علیک
بالتجربه چنانچه مداومت کردن
سورهٔ والذاریات رزق هم و قسمت روز
موجب ثروت و دولت میشود خصوصاً
سورهٔ واقعه اگر کسی خواهد که
دولت و نعمت برو گشاده کردد و
ابواب خیر برو مفتوح شود هر روز
سه مرتبه با وضو و بقبله باید نشیند
متصل هم بخوانند و از خدا و نیز بخواهد
مرزوق خواهد شد خصوصاً سورهٔ
اذا وقعت اذن را و سعت رزق و
توسعه دامر معیشت اثر غریب دارد
و از جمله مجربات است که تخلف ندارد
باید ابتدا از شنبه کند و هر شب
سه مرتبه بخوانند و شب جمعه هشت بار
بخوانند تا مدت پنج هفته همین بخو
معمول دارد و قبل از شروع در سوره
در هر شب این دعا را بخوانند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحیم

الرحیم یعنی مهربان بر بندگان شیخی فرموده که هر که هر روز صد نوبت این اسم را بخواند حضرت رحیم او را مهربان و مشفق گرداند با خلق و خلق را با او و این دولت عظیم است در دو جهان و دعوت این اسم مناسب کسانی است که مضطرب احوال باشند در مهم و کار خود فرومانده باشند و یکی از بزرگان فرموده است که هر که خواهد دعوت اسمی کند از اسماء الهی باید که اول شرایط از امر عمر دارد و شرط در خواندن آنست که چون شروع کند پیش از آن چهل روز تقوی رعایت کند و مأکول و ملبوس از حلال ترتیب دهد بزیارت بزرگان و ائمه اقدام نماید و نفس نکوهیده و با احتیاج کلی نبود در صحبت خلق نباشد سخن نیکو بد انچه تواند صدقه دهد اگر میسر شود هر روز غسل کند دایم با وضو باشد جامه‌ها پاک پوشد بویهای خوش با خود دارد کتابهای بهوا از بسیار دور و اغلب ایام شریف صائم باشد بزیارات والدین خود بسیار رود و اگر در حجره باشند ایشان را عزیز دارد و همت خواهد بتیسیر بعدد کبیر خوانند و عدد کبیر در خواندن اسما عدد تکسیر است و اگر بعدد تکسیر میسر نشود زیادت تا ده هزار بار هم دعوت کبیر گویند دو نفر از اکابر فرموده اند که هر که چهل شبانه روز هر شبانه روزی پنجهزار و پانصد نوبت این اسم را بخواند جمیع مخلوقات از پری و غیره برو او الفت گیرند و حکام و سلاطین مطیع و فرمانبردار گردند مقاصد حاصل

اللهم ان ذنوبنا واسعة
حالا لا تمنها من عملك واستجب
دعوتي من عبادك واعتق رقبتي
من فضيحتي الفقر والهمني
ادفع عني هذا من يحق الكاتبين
الشيطان الجن والانس
يا ارحم الراحمين اقض حاجتي

دعای کند
دیگر آنکه ابتدا از شب یکشنبه کند
و یکشب و اول هفتاد بار بخوانند و شب دیگر
بار بخوانند و باقی شبها دیگر
یازده بار بخوانند تا یک هفته
سی و پنج بار بخوانند که در یک هفته
چهل و یک بار بخوانند شده باشد و
بعد از اتمام هر شبه یکصد بار بخواند

اللهم ان كان رزقي في السماء فانزله وان كان في الارض فاخرجه
وان كان بعيدا فقربه وان كان قليلا فكثره
وان كان قريبا فيسره وان كان فبارك لنا فيه برحمتك
يا ارحم الراحمين
مجربات آنست علیه الرحمه

ازا وکفایت شود اما چون مراد حاصل شود نباید که دست از دعوت
بدارد و اگر بدان عمل نتواند خواند بعد از دعوت با نفل که میسر
گردد بخواند اما اگر هر روز از هزار بار زیاده تر خواند بهره مند شود
و بزرگان گفته اند که تسخیر قلوب و ارواح را این اسم است و بزرگی
گفته که این دو اسم الرحمن الرحیم ذکر خایفان است و مناسب کسانی
است که در کلیه امور مضطرب باشند و هر که در حین خوف و
فرومانندگی و اضطراب و غم و حزن و شدت و گرفتاری در امور
امور دنیا بغرض حاجت و غیره بدین اسماء مداومت نماید کسان
تماهر و شیدا رحیم و مهربان او گردند دعوت این اسماء در محل
اضطراب نه شبانه روز است هر شبانه روزی بعدد تکسیر معین
پانصد و پنجاه و هفت اگر خواهد با الف و لام تعریف خواند یا بیای
ندا هر دو مقبول است و اگر محل تقاضای آن نکند جمعی متفق
گشته بیک مجلس پنجاه هزار و یکصد و سی نوبت بخوانند آنچه
او در نه شبانه روز خواهد خواند و اگر اسمین عدد کرده در
مربع چهار در چهار هندسی باین طریق و با خود دارد آن بلیه
بزودی رفع گردد و قاهر آن عالم مقهور او گردند و بر همه غالب
آید و مرحوم مخلوقات گردد و معمور نماند و از بیماریها گونا
گون ایمن بود و مقبول القول گردد و ابواب فتح بر وی گشاده شود

او خصوصیت السجاده حتی علی نقل کرده
اذا کان اول الشهر یوم الاثنین فابدأ
بقراءة سورة اذا وقعة الی یوم الرابع عشر
کل یوم علی عدد الایام بحیث یقرء
یوم الرابع عشر اربعة عشر مرة وفی کل
ختم بعد قراءة الدعاء وهذا العمل
لتوسعة الرزق وتسهیل الامور
المشکلة واداء الدیون ومجرب عجیب
مرارا لیکن من الجهال والسفهاء
البتوا لا ترخص قدرها ولا تبذل
مهرها والدعاء هذا یا واحد
یا ماجد یا جواد یا حلیم یا حنان
یا منان یا کریم اسئلک تحفة
من تحفاتک تلم بها شعثی و
تقضی بها دینی و تصلح بها
شانی برحمتک یا سیدی اللهم
ان کان رزقی فی السماء فانزله و
ان کان فی الارض فاخرجه وان کان
بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره
وان کان قلیلا فکثره

در شرح کلمه مبارکه الملک

و حامل این مربع را حفظ خداوند تبارک و تعالی باشد و مربع اینست
الملک جل جلاله یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع مخلوقات هر که
خواهد که دعوت این اسم کند باید که بحقیقت حق تعالی را پادشاه داند و
هرچه طلب کند از وی خواهد طمع از مخلوقات قطع کند و همه را چون
خود فقیر و حقیر و محتاج بالله تعالی داند او را از ملک و ملکوت بهره مند گرداند
و بزرگان گفته اند که ذاکر این اسم محتاج نگردد و حضرت امام علی بن موسی
الرضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز نوبت این اسم را تکرار کند از
خلق بی نیاز گردد و دولت دنیا و آخرت بیابد شخصی از شیخ جلال الدین
محمود چشتی که صاحب گلشن راز است سوال کرد که شما اسماء الله را
خواص فرموده اند و لوح عمل تعیین کرده اند مگر اسم الملک و الکبیر را
شیخ فرمود که نخواستم عوام را بر خاصیت آن اطلاع افتد که سبب وبال
ایشان گردد و اکنون خواص دریغ نداشتم فرمود که هر کس به دعوت
اسم یا ملک صد و شصت باید شرایط مذکوره بجای آورد در شبانه
روزی ده هزار بار تکرار کند بمرتبه سلطنت و پادشاهی رسد و این
نسبت بهمت فاعل است کسی باشد که پادشاهی در عالم معنی خواهد کسی
باشد که در عالم صورت و خواص الکبیر در محل خود شرح بیاید ان شاء الله تعالی
و مربع الملک اینست القدوس جل جلاله یعنی پاک از همه عیب و
نقصان حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده اند هر که

د	ح	ی	م
ی	م	د	ح
م	ی	ح	د
ح	د	م	ی

۵۷	۷۰	۶۷	۶۴
۶۸	۶۳	۵۸	۶۹
۶۲	۶۵	۷۲	۵۹
۷۱	۶۰	۶۱	۶۶

وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر
ویقولون انه لمجنون
وما هو الا ذکر للعالمین

یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل

۱۵	۲۸	۲۵	۲۲
۲۶	۲۱	۱۶	۲۷
۲۰	۲۳	۳۰	۱۷
۲۹	۱۸	۱۹	۲۴

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القدوس السلام

هر روز بوقت زوال یکصد هفتاد بار بگوید البته وصافی گردد واز شر
نفس و وسوسهٔ شیطان امان یابد و یکی از بزرگان فرموده که ذاکر این
اسم را باطن پاک و مصفی گردد از کدورات قلب و نفاق واهل تحقیق
گویند که هر که هر روز یکصد یازده مرتبه بخواند از بیمار ظاهر و باطن
صحت یابد و هر که روز جمعه بر لقمهٔ نان نویسد سبوح قدوس
رب الملائکة والروح و بخورد صفت ملائکه پیدا کند و مربع
القدوس این است **السلام** یعنی پاک و بی عیب از نکوهش و نقایص
حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که یکصد سی یک نوبت
بر سر بیمار خواند بیابد صحت از بیمار از رنج خلاص شود واگر سیصد
هجده نوبت بر شیرینی خواند و بدشمن دهد تا بخورد مهربان گردد واهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول خود را مقصر
داند و هر روز این اسم را یکصد یازده نوبت بخواند خداوند عالم
دل او را از بیماری در امان دارد و در دار السلام درآورد و عدد این
اسم صد سی و یکی است و عدد دیگر صد شصت دو واگر مربع باز
طریق وضع کند با خود دارد از جمیع مرض و علل چون جذام و برص
انواع بلیه ایمن باشد از برکت این اسم و مربع السلام این است
المؤمن یعنی راست کننده وعده های خویش حضرت امام هشتم
علیه السلام فرموده اند که این اسم را بر نقره نقش کند دایم با طهارت

ق	د	و	س
د	ق	س	و
ق	د	و	س
و	س	ق	د

۳۵	۴۸	۴۵	۴۲
۴۶	۴۱	۳۶	۴۷
۴۰	۴۳	۵۰	۳۷
۴۹	۳۸	۳۹	۴۴

اَللّهُمَّ نقله الی حیث کون وله
بکسونتیك قوته وحده
متعلق الیه حیث یکون انك
علی کل شیء قدیر یا رحیم یا غنی
صل علی محمد و

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

۲۵	۳۹	۳۵	۳۲
۳۶	۳۱	۲۶	۳۸
۳۰	۳۳	۴۱	۲۷
۴۰	۲۸	۲۹	۳۴

نگاه دارد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المؤمن

نگاه دارد از شر شیطان ایمن گردد و دشمنان بروی ظفر نیابند و
ایمان بسلامت برد و اهل طریقت گویند هر که هر روز صد و شصت و
هفت نوبت بگوید خدای تعالی او را از مکر و وسوسهٔ ظاهری و باطنی
محفوظ دارد و خصم برا و قادر نباشد یکی از اهل تحقیق گفته است
هر که بر خاتم نقره مربع بکشد بطریق تکسیر حروف المؤمن را نقش کند
در وقت و ساعت و در حال کند بخور لبخور و در ساعت سعد در انگشت
کند دایم با طهارت باشد معطر دارد ایمن بود از مکر مکاران و غمز
غمازان و طعن بدخواهان و بر خصم غالب آید در نظر سلاطین و
حکام با هیبت نماید ظاهر و باطن او را حق تعالی محفوظ دارد از بلیه
و اگر بعد از آنکه خاتم در انگشت کند هر روز ششصد نود و شش
نوبت بخواند و اگر بعد تکسیر بخواند اثرش زیاده بود و عدد تکسیر این
اسم هزار و صد بیست و نه است مربع المؤمن این است المهیمن
یعنی خدا آگاه است بر جمیع نهانها و آشکارا حضرت امام هشتم علیه السلام
فرموده هر کس که بعد از غسل صد نوبت بگوید بر باطنها مشرف گردد
و یکی از مشایخ فرموده هر که را طلب اسرار باطن باشد هر شبانه
روز دو یکبار غسل کند و بعد تکسیر که هزار و چهل عدد است هر روز بخواند
بعد از غسل پیش از آنکه سخن گوید تا مدت چهل روز یا هفتاد روز البته
بمقصود برسد بر قلوب خلایق مطلع گردد باطن او را صفا پیدا گردد

آل محمد و تمم علینا نعمتک
و هنئنا کرامتک و البسنا
عافیتک افضالا تا چهل روز و
سوره اذا وقعت هر شب و اللیل و
الم نشرح هر یک یکبار بابن زید
بخوانند بجهت ادای دین و رفع
فقر و وسعت رزق مجرب است و بعد
خوانند چهار سوره و هر صبح و این دعا را
نیز بخوانند یا رازق المؤمنین یا غیاث
الساکنین یا ولی المؤمنین یا ارحم الراحمین صل علی
المستغیثین یا ... و اکفنی بحلالک عن حرامک
محمد و آل محمد و بطاعتک عن معصیتک
و بفضلک عمن سواک

ن	م	و	م
و	م	ن	م
م	و	م	ن
م	ن	م	و

۳۳	۳۷	۴۰	۲۶
۳۹	۲۷	۳۲	۳۸
۲۸	۴۲	۳۵	۳۱
۳۶	۳۰	۲۹	۴۱

(۲۸) در شرح کلمه مبارکه المهیمن

که خواو متحیر گردد و صاحب باطن شود و دیگر اورا فیوض متواتر گردد
که مطلقا نظر بظاهر نکند بعد از اینکه این واقع شود و بمقصود برسد
بعد از آن هر روز صد نوبت بخواند بروش تکسیر بر خاتم نقره نقش
کند در انگشت کند تا دولت صفا مدام بود و اگر پیش از دعوت
نقش کند در دست داشته باشد در حین خواندن در خاتم نگاه کند
تا ذوق تو براد بوسد مرتاج این است و این دولت میسر گردد و بمرتبه عالی
رسد او را مراتب مشایخ و ذوق اهل تحقیق دست دهد که مستغنی از
خلق گردد و لحظه بلحظه حالت وی زیاده شود از برکت و بزرگواری این
اسم و خاتم و صوت لوح این است العزیز یعنی رحمند بزرگوار دی
و منزه از سهو و نسیان و کفر و ایمان حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند
که هر که هر روز چهل و یک نوبت بعد از نماز بامداد بگوید محتاج بخلق نگردد
و هر که ورد سازد و دائم بگوید در میان مردم عزیز و مکرم گردد و اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که بیابد که آن خدای
تعالی بعزت و حرمت سلوک کند تا حضرت عزت او را در دنیا و آخرت عزیز
دارد دعوت این اسم مناسب کسانی است که در میان خلق عزت و حرمت
خواهند دولت و حکومت و بزرگی فرموده هر که مدام و متمادی هر روز
بعد از نماز صبح بعدد تکسیر که هفتصد و پنجاه است و بقول دیگر هشتصد
سی و هشت عدد و فادی مختار است بطر عدد که خواهد بخواند تا بعضی

م	ه	ی	م	ن
م	ن	م	ه	ی
ه	ی	م	ن	م
ن	م	ه	ی	م
ی	م	ن	م	ه

۲۸	۴۲	۳۹	۳۶
۴۰	۳۵	۲۹	۴۱
۳۴	۳۷	۴۴	۳۰
۴۳	۳۱	۳۳	۳۸

یا الله
العالمین وصلی
الله علی محمد و آله اجمعین
ختم سوره انا فتحنا ایام جمعه بسیار
خوب است و بسیار بتجربه لیکن مطلب
رسیده اند ابتدا در روز شنبه عوذ هر روز
پنج مرتبه باید بخواند و در جمعه تا ده مرتبه
و بعد از هر نوبت سوره اذا جاء نصر الله
بخواند پنجاه و یک یا چهل و یک مرتبه و تمام شود باده
مرتبه بین دعا بخواند یا مفتح فتح یا فتاح
فتح یا مسبب الاسباب یا میسر کل عسیر یا مسهل
سهل یا متمم تمم برحمتک یا ارحم
الراحمین ختم سوره حشر

در شرح کلمه مبارکه العزیز

گفته‌اند و متفق‌اند بر اینکه بعد از عمل که تمام کند هر روز چند نوبت
تا آنچه تواند بگوید یا مُعِزُّ اَعِزَّنی بِعِزَّتِکَ یا عزیز و در اول و آخر
اسم نقد که تواند صلوات بفرستد و چند آیت از قران که شیخ
خواص گفته مناسب این اسم که در این تسخیر دارد و آن بخواند اول لقد
جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم هر که این آیت را در مربع چهار در چهار وضع کند
در شرف آفتاب باین طریق و با خود دارد در نظر خلایق عزیز گردد و در
چشم سلاطین با عزت و حرمت بود و مقبول القول گردد و تمام دشمنان
او دوست گردند و با هر که مجادله نماید غالب گردد و وضع شریف
او را عزیز دارند و مربع این است و اگر عدد این آیه که دو هزار و هشتصد
و نود و هشت است در شرف آفتاب چهار در چهار نهد یا در شرف زهره
وضع کند بیک مثال که نموده شد خواص دهد که سلاطین مطیع
گردند و اکابر و اشراف و تمام خلایق مسخر او شوند خواص بسیار دارد
و امتحان شده آفتاب او را نفع دهد و چون مربع زهره با خود دارد دایم
خوشحال که در اندر اصل و مقام و فهم و عقل دارنده این لوح را
حاصل شود که مبصران غالب در نزد وی گنگ گردند و تیز فهمان
جهان پیش وی نادانی معترف آیند عقلای زمان در نظر دارند این لوح
بعجز خود اقرار کنند این هر سه لوح مثال روشن نمودیم تا بر دوستان

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه
از برای غضب حاکم و برای
سوره حشر را نوزده روز و تکیه ... بخواند
امور عظیم حاصل شود و اوسل ... بخواند
حاجتش برآید و امور او رواج کرده و اکثر
و کار او رونق
یابد و رزق
شود

۱۶	۲۹	۲۶	۲۳
۲۷	۲۲	۱۷	۲۸
۲۱	۲۴	۳۱	۱۸
۳۰	۱۹	۲۰	۲۵

لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما	عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم
عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما
بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم	انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من	بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم

۷۱۷	۷۳۰	۷۲۷	۷۲۴
۷۲۸	۷۲۳	۷۱۸	۷۲۹
۷۲۲	۷۲۵	۷۳۲	۷۱۹
۷۳۱	۷۲۰	۷۲۱	۷۲۶

ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی

مشکل نکرده اما باید که در وقت نوشتن عدد گرفتن با طهارت
باشد و بخور بسوزد و خود را به بوهای خوش معطر ساخته و لوح را عزیز
دارد و بیشتر اوقات در تاج نهد اگر این ایدها را با اسم عزیز عدد گیرد
و با این روش در لوح پنج در پنج بر مس نقش کند در شرف زهره با نام
خود و نام هر کس که خواهد هم در شرف آن لوح بکشد با خود دارد
مثلا این عدد و عدد نام خود و عدد نام یکی از سلاطین یا حکام با نام
والدین مجموع حساب کند و مثال نمائیم آن لوح که شیخ زبرای خود عمل
کرده بود تا بر دوستان مشکل نگردد و عدد ایه که بود یا عزیز نهصد و سی
بود و عدد نام صاحب نسخه شاه عبد المجید و والده او دویست و سی و سه و سلطان
عصر و والده او چهارصد و شصت و یک مجموع هزار و ششصد و بیست و
چهار میشود و از این جمله شصت کم کردیم هزار و پانصد و شصت و چهار
باقی ماند از پنج قسم کردیم قسمی سیصد و دوازده بود و چهار عدد کسر
داشت این عدد را در لوح مس نقش کند و با خود دارد و یکی از اکابر گفت
من چنان کردم بخدمت سلطان حاضر شدم بنده را تعظیم و تکریمی
کرد که بوصف راست نیاید از مقام معهود بلند را بنده هر بر خود مقدم
نشانید و نوبت دیگر درس خوانده پیش گرفت از من جهت استاد تعظیم
کردی بحدی که چون درآمدمی و برخواستمی باستقبال دوان شدی
و آخر او را منع کردند گفت استاد من است دیگر و لوح را در عمر کذا اثر شم

این ختم را از بسیر گرد اکثر از اکابر علما
از مجربات شمرده اند ختم سوره جن
بجهت تمام مطالب مهمه مجرب است و موره داشت
بی نظیر بود شب جمعه در جای خلوت
رو بقبله بنشیند و با وضو هفت
نوبت بی فاصله بخواند و بعد از آن
این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بعزتک یا عزیز
و بقدرتک یا قدیر و بحکمتک
یا حکیم و برحمتک یا رحمن و بمنک
یا منان ان تحفظنا بالایمان
قائما قاعدا راکعا و ساجدا نائما
و یقظة حیا و میتا و علی کل
حال اعوذ بالله من شر نفسی و من
کل ذی شر و من شر شیاطین الجن والانس
و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم و صلی
الله علی محمد و آله اجمعین ختم
سوره مزمل هر که این سوره را نوشته
با خود دارد و هر جا رود

در شرح کلمهٔ مبارکه العزیز

٣٠٠	٣١٧	٣٠٤	٣٢١	٣٠٨
٣١٣	٣٠٥	٣٢٢	٣٠٩	٣٠١
٣٠٦	٣١٨	٣١٠	٣٠٢	٣١٤
٣١٩	٣١١	٢٩٨	٣١٥	٣٠٧
٣١٢	٢٩٩	٣١٦	٣٠٣	٣٢٠

که شاید تعظیم کمتر کنند که از حد اعتدال گذشته بود با وجود آن
همچنان متواضع این در مجربات است صورت لوح مس این است
و عجایب دیگر که از این لوح دیدم این بود که مجموع عورات نه بار هرگز
بیرون نمی آمدند از خانه خویش سالی دو میشدم با جمیع مریدان ایشان
بر کناره با مهاجر میامدند و مناظره میکردند که شیخ عبد المجید
میکند و پیش از این لوح این نبود و من از این بحضور میشدم قصد
کردم که آن لوح را بگذارم تا باشد که این شهرت کم شود و باز مدار آخر خلل
آن معلوم که لیسی درجه و دقیقه در شرف زهره رعایت کرده بود
و اگر کسی را این میسر شود خواص بسیار ببیند دیگر کسی بعد از
نماز صبح پیش از سخن گفتن ده نوبت این اسم را بخواند و باد بر
کف خود دمد و بر روی و تمامی اعضاء بمالد در آن روز هیچ بلائی
بوی نرسد و شیخ تمیمی در جواهر القرآن آورده در شرح این آیات که
اگر فی المثل آسمان بر زمین ساید که خواننده این آیه را هیچ آسیب
نرسد و محفوظ باشد و در شرح کبیر قرآن شیخ احمد تمیمی گفته است
اگر کسی خواهد از جمیع آفات و عاهات سالم ماند باین اسم مداومت
کند الجبار یعنی دارنده خلقان بدان حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده که باین نام هر مظلومی از ظلم ظالم محفوظ ماند و باز
فرموده اند که دعوات این اسم مناسب حال اکابر و اشراف است تا مملکت

اوراق و فتح در زمان آنکه
نصرت شود و بهشت [illegible] اینکار
این سوره را بخوانند بسیار کرده با شد [illegible]
حاصل شود و اگر کسی [illegible] را بخوانند [illegible]
هر وقت که این سوره مبارکه را بخوانند [illegible]
بیان شود و دیگر [illegible] سوره بخواند
باشد سوره مبارکه را [illegible] و اگر کسی
بیاشامند عجب و محبت شوند و [illegible]
فرزند نباشد آن و شوهر [illegible]
وقت افطار و غسل کنند یکبار سوره مبارکه را
بخوانند هر دو [illegible] باشد
حاصل شود و اگر کسی سوره مبارکه را
تمام [illegible] ما [illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتکبّر

برابیشان قرار گیرد و هر که از پادشاه ترسد دبرابر رو او در دل خود
نوبت بخواند از شر وی ایمن کردد و هر پادشاه که خواهد سلطنت
پا و بماند و هیچ دشمن دروی بوی نتواند کرد این اسم را مداومت نماید
و بعد از نماز بامداد و بیست و شش بار بگوید همه کس از وی بترسد و
در چشم خلایق با هیبت باشد هر گاه بعد از مستحبات عشر بیست و
یک بار بگوید از شر شیطان ایمن بود و دعوات این اسم بعدد کبیر هزار و
یک بار دو هزار دو بیست و سه نوبت است مع صلوات خروج و جهت ابتدای
کودک این مربع را نویسد در زیر نگین کنند اگر با خود دارد از شر
جن و جبّاران ایمن باشد و از مودبات ضرر بوی نرسد مربع
این است المتکبّر یعنی ظاهر کننده بزرگواری خود بر همه
قاطع بر اهل آسمانها و زمینها حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
و عامه هم درا بنقول معتقدند که هر که در بستر خواب پیش از صحبت
با حلال خود ده بار این اسم را بگوید خدا وند سبحانه و تعالی او را فرزندی
صالح کرامت فرماید شیخ فرموده که این اسم مناسب احوال ملوک
و سلاطین و کسانی است که طالب حشمت و دوام جاه و دوام دولت
و مظفر شدن بر اعدا باشند مدا ومت نمایند العزیز الجبار
المتکبّر و طریق دعوات این اسما آنست که در ساخت هر یک بعد
تکسیر یا بعدد کبیر بخوانند بعد طلوع صبح یا بعد نماز صبح پیش از

بخوانند او خلاص شود و اگر کسی را
درد اندام باشد سوره مزمل را
بر روغن بادام هفت نوبت خواند و بر اندام
مریض بمالند صحت یابد و اگر تنگی
روزی باشد این سوره را هر روز
تا چهل روز روزی یک بار بخوانند و سعت
پیدا شود و اگر کسی را سحر کرده باشند
روز یکشنبه سوره را بنویسند و
مسحور بخورد دفع شود ابصا جهت
فتح مهمات یازده روز هر روز یازده
بار بعد از نماز بامداد بخوانند و هر روز
یازده تمام نشده باشد که مراد
حاصل کرد و در هر روز
یاده

ج	ب	ا	د
ا	د	ج	ب
د	ا	ب	ج
ب	ج	د	ا
۴۴	۵۷	۵۴	۵۱
۵۵	۵۰	۴۵	۵۶
۴۹	۵۲	۵۹	۴۶
۵۹	۴۷	۴۸	۵۳

در شرح کلمه مبارکه الخالق

سخن گفتن با طهارت متوجه قبله بهر عددی که خواهد خواه با الف و
لام تعریف و خواه بیاء ندا و عدد تکسیر مع صدد و موخر هشتصد و هشتاد و
یانصد و سی است و این اسم مرکب از ده حرف است سوای حروف
مکرر در شرف مشتری یا بتثلیث و تسدیس زهره و مشتری در لوح
زر بحروف وضع کنند با خود دارند یا بر کاغذ مهره زده بر تاج نگاه
دارد عزیز و مکرم گردد بطریقی که وصف نتوان کرد و مربع کبیر این اسم است
الخالق یعنی آفریدگار هر چیز بر معدا در اندازه که شاید
و اهل حقیقت گویند هر که در شب این اسم را بسیار گوید حق سبحانه
و تعالی فرشته خلق کند تا روز قیامت عبادت میکنند و ثواب آنرا
در نامه عمل آن بنده ثبت میکنند و حضرت امام علیه السلام فرموده اند
هر که ضعیف باشد کار نازکی یا خط مینویسد از خلل آن متوهم است یا
کاری که تعلق بسلاطین دارد و از فساد آن میترسد باید که این اسم را
در مربع چهار در چهار بحروف تکسیر نوشته با خود دارد و هر صباح صد
بار این اسم را بگوید کار او بدلخواه او شود و از آن شغل و عمل نیکو نامیها
بیند و هر کس که مداومت نماید بعدد کبیر یا بعدد تکسیر شیخ فرموده که
حق تعالی ظاهر و باطن او را بنور عنایت خود منور گردانند و او را از
جمله مقبولان درگاه خویش گردانند و مخلوقات او را دوست دارند
از برکت این مربع و مداومت این اسم منافع بسیار است که ایشان را اولا

یا دائما غالبا بخونید یا مسبب سبب یا
فتح فتح یا مفرج فرج یا مسهل
سهل یا مبشر بشیر یا منجم نجم
برحمتک یا ارحم الراحمین شبنم
بهاء الله بن شیخ سلیمان کو بکار از
برای هر مطلب شروع نموده و بار
صبح بخوانند فنا نزد

۱۶۵	۱۶۸	۱۷۱	۱۵۸
۱۷۰	۱۵۹	۱۶۴	۱۶۹
۱۶۰	۱۷۳	۱۶۶	۱۶۳
۱۶۷	۱۶۲	۱۶۱	۱۷۲

شرف مشتری و تثلیث و تسدیس زهره و مشتری

ر	ب	ك	ت	م
ك	ت	م	ر	ب
م	ر	ب	ك	ت
ب	ك	ت	م	ر
ت	م	ب	ر	ك

مطلب حاجت مشکل نیکو
افضال از حق تعالی بحق مستجاب شود
بجهت قضای حاجات علو درجات و مراتب
اهل علم و قضای حاجت بخوانند
مفید باشد مجرب است

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباری

و اتباع و فرزند کم باشد دعوت کبیر این اسم نزد بعضی زیک هزار
زیاده است و نزد بعضی زبزرگان دو هزار و سیصد و هشتاد و شش
و اگر هفت روز با بیعد بخوانند و را بود باطن صفا و دل خرم و بینا
از مشکلها که حضرت عزت بر دست وا سان گرداند و هر کاری که در و
او را از دست و برای حضرت خدای تعالی او را بر سر قوم سرور گرداند و کارها
ساده و اگر صنعتی داند در آن کار یگانه عصر شود و از خلق بی نیاز مستغنی
گردد اما باید که با طهارت باشد مربع یا خود را در خصوص بیابند
و مربع این است **الباری** یعنی آفریننده هر چیز بصفتی و خاصیتی اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که با خلق باری
تعالی مهربان و متواضع شد تا حضرت حق تعالی خلق را محکوم و منقاد
وی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر جمعه صد بار
این اسم را بگوید حق تعالی در قبر او را تنها نگذارد مونسی فرستد اهل
تحقیق گویند هر که یک هفته هر روز با بیعد بخوانند خداوند جل جلاله
فرشته را خلق کند تا روز قیامت با او مونست کند و شیخ فرموده که این
اسم از تب الخالق البارئ ذکر کسانی است که محتاج باشند بمربی و مرشدی
کرده نماید ایشان را و طالب حقیقت باشند شیخ جلال الدین حسینی
گوید هر روز پانزده نوبت این اسمها را بخوانند لطف خدای تعالی در دنیا و
آخرت هم قرین حال او باشد رفیق روزگار او گردد و در قبر مونس او بود و در حشر

چهارده مرتبه بدون کم و زیاد سه شنبه
از آفتاب تا یکشنبه یعنی دو شنبه اول
و همه سه شنبه از آن چهار شنبه قبل
از ... پنجشنبه تا اول جمعه اگر بخواند که
مطلب او روا شده است حضرت شیوه
مبارکه جمال از مولانا مقتدا اردبیلی
منقول است که هر کس سوره حجر تا الرحمن
دوازده روز پانزده مرتبه بخواند
مجموع ... شود

ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل
خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا

۱۸۲	۱۸۵	۱۸۹	۱۵۷
۱۸۸	۱۷۶	۱۸۱	۱۸۶
۱۷۷	۱۹۱	۱۸۳	۱۸۰
۱۸۴	۱۷۹	۷۸	۱۹۰

بخواند ... و هر ... کرده ... است ... [illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المصوّر (۳۵)

ممدّ او باشد مربّع بینت المصوّر یعنی تصویر کننده هر چیز بصورت مخصوص و شکلی که بدان ممتاز گردد از یکدیگر و حضرت امام علیه السّلام فرموده اند هر زن عقیم که طالب فرزند باشد باید که هفت روز روزه دارد و در وقت افطار بیست و یک نوبت بقصد ضمیر دل بخواند برای وی ممدّ بنا شاه حق تعالی او را ولد صالح کرامت فرماید اگر زن و شوهر هر دو روزه دارند بهتر باشد بزرگی فرموده که هر که طالب فصاحت و بلاغت و شعر گفتن و دانستن و طلاقت لسان بود باید که این اسم بعد تکبیر مع صد مؤخر بخواند سرا مد و ذکا گردد و عدد تکبیر این اسم و هزار و هشتاد و دو است باید که چون بمقصود رسد یا بیعدد نوبت خواند هر روز سی صد و سی و شش نوبت بخواند ترک نکند تا دولتش قسمت بود و مقصود حاصل باشد مربّع این است الغفّار یعنی پوشاننده زشتیها و معایب بندگان از انواع گناه و تقصیر حضرت امام رضا علیه السّلام فرموده که هر که بعد از نماز جمعه رساند و صد نوبت بگوید یا غفّار اغفر لی ذنوبی از جمله مغفورین گردد و حق تعالی پرده او را ندرد بعضی خوانده اند بیعدد و بزرگان فرموده اند بطریق تکسیر معرّب خاتم عقیق نقش کرده در دست داشته اند اولیا را در روی نظر جنبه قاطع شود و او را دوست دارند و سبکدیگر نمایند در حق وی عاجز کنند و اگر آن خاتم را با خود بقبر برد از عذاب ایمن بود اما طریق معرّب بیان و نوع ست عامل مجرّب

ی	د	ا	ب
ا	ب	ی	د
ب	ا	د	ی
ی	د	ب	ا

۷۶	۷۹	۸۲	۶۹
۸۱	۷۰	۷۵	۸۰
۷۱	۸۴	۷۷	۷۴
۷۸	۷۳	۷۲	۸۳

فائده
تا آیات الصّدق و
مروا بنیت تا
علیهم بنیت آل عمران و آیه دوم اصحاب
از سوره آل عمران والذین امنوا علیهم
محمّد رسول الله از سوره فتح تا آخر
منصوص آخر عظیم از سوره ... و
تعویذ ... عمل ...

د	ق	ص	م
ص	م	د	ق
م	ص	ق	د
ق	د	م	ص

۹۶	۹۹	۱۰۲	۸۹
۱۰۱	۹۰	۹۵	۱۰۰
۹۱	۱۰۴	۹۷	۹۴
۹۸	۹۳	۹۲	۱۰۳

امّا نوع آخر افضل است از اوّل و مربع این است الفتّاح یعنی گشاینده
گردنهٔ هر گره نگشیده بانواع رنج و خواری اهل حقیقت گویند هر که بامداد
این اسم را بگوید محبت دنیا از دل او برود و حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر کس که این اسم را بسیار بگوید خدا تعالی غم و رنج و محبت دنیا
از دل او بیرون برد و بر نفس خود غالب آید و هر که میان فرض و سنت نماز جمعه
بنیت قهر دشمن صد بار بخواند خصمان وی مقهور شوند و صفای باطن او را
حاصل آید در معنی بر او گشاده گردد و مربع این است الوهّاب یعنی بخشاینده
بانواع عطاها و نعمت ظاهری و باطنی بندگان بی غرض هر که بعد از نماز
چاشت سر بسجده نهد هفت نوبت این اسم را بگوید از خلق مستغنی گردد
و حضرت امام علیه السلام فرموده اند که این اسمی است بغایت پر خاصیت و
سریع الاجابت و خواص این بیش از آنست که بشرح راست آید صاحبان دعوت
این اسم فرموده اند که از بزرگواری این اسم هر که دعا کند بدین طریق
که بعد از فراغ نماز دستها را بردارد و هفت نوبت این اسم را بگوید
و حاجت خواهد البته دعای او مستجاب گردد و خداوند تعالی صد او را
محبوب شود و اهل تحقیق گویند هر که درویش باشد و هر روز هزار و سه
پنج بار بگوید یا وهّاب یا ذا الطول روزی بر او فراخ گردد و اگر
مداومت نماید با این اسم از جائی که گمان نداشته باشد روزی او برسد
و درویشی از دو سه مرد از شیخ فرموده هر کسی که مهمی پیش آید با حرارت

ر	ا	ه	ف
ه	ف	ر	ا
ف	ه	ا	ر
ا	ر	ف	ه

۷۶	۷۹	۸۲	۶۹
۸۱	۷۰	۷۵	۸۰
۷۱	۸۴	۷۷	۷۴
۷۸	۷۳	۷۲	۸۳

ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا
غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف

۳۱۹	۳۲۲	۳۲۸	۳۱۲
۳۲۲	۳۱۳	۳۱۸	۳۲۳
۳۱۴	۳۳۰	۳۲۰	۳۱۷
۳۲۱	۳۱۴	۳۱۵	۳۲۹

[illegible]

مطلبید

در شرح کلمه مبارکه الوهاب (۳۷)

مطلب یا در دست خصمی گرفتار باشد در زندان یا او نسبت باشند یا از عمل
خود عزل شده باشد یا دنیا خواهد یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن
یا تمنای دوست هر مراد که داشته باشد شب در نیمه شب برخیزد و
وضو سازد دو رکعت نماز حاجت بگذارد در مسجد یا در خانه در و سر
برهنه کند دستها بلند بردارد صد نوبت این اسم بگوید حاجت عرض
کند حق سبحانه و تعالی حاجت وی روا کند شیخ فرموده که هر که چهل
روز هر روز بعد تکبیر عوت این اسم کند بحضور دل معده را خالی دارد
آنچه خواهد بیابد بیشان عدد تکبیر صغیر یکصد و هفتاد و پنج است و عدد
کبیر هزار و چهارصد و هشتاد و چهار است بجهت حصول مراد و مقصود شدن
عنه و ادای قرض و وسعت روزی حلال و خوشنودی خدای تعالی و خوشحالی
و فرح و برکت عمر و قوت باصره مربع ساختن این اسم را بطریق شیخ و باخود

و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه
ب	ا	ه	و
ه	و	ب	ا

٣٦٣	٣٧٧	٣٧٤	٣٧
٣٧٥	٣٦٩	٣٦٤	٣٧٦
٣٦٨	٣٧٢	٣٧٩	٣٦٥
٣٧٨	٣٦٦	٣٦٧	٣٧٣

دارد نقل است که از جهت ادای قرض و وسعت رزق و دوام دولت دنیائی
و توانگری دو رکعت نماز در روز جمعه یا پنجشنبه بگذارد روزه باشد
و انو پیش از نماز صبح بصلوات فرستد بجهت که دارد شروع در نماز

تا چهل شب هر شب چهار نوبت بخوانند
تا یابد و ما الا حاجت مرتفع
و هفت روز تا یابد و اسم مبارک نیز تکرار
بخوند برسد از ابن ایزد از ارای فتوح و
کنند سوره را تمام کنند و ما الا اسعد عجیب
الی غیب النهایه و کلمات وارده از کعبه
نفی غیب دارد که عفو اعاضعو
اسنح و دا انجم الغا انعام
الا اسم غط ساط اسو والبا
منا هی والکیر سبحانه تا شد سوره الیا
کمبی بیش زمر و بنا شا مط شفا با
نو اسد لیو بیا بکیر هکند
افضا ابند والیل و سوره
شب و دو سوره طه نب و سوره الله
عسل سوره الرحمن تبارک الرو
یا و یایم الله لا حول ولا قوه
رب العالمین و ملک له دا ت
بالله العلی العظیم حسبنا و بنا
باشد حاصل کرد و بعضی گفته
انشاء الله افضا دو بعضی گفته
رسیده که مسکن الله نبا حق یا
ان عشا مضم سوره و الشمس و
سوره و اللیل و ضحی سوره

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوهاب

کنند و در هر رکعت بعد از فاتحه پانزده بار آیة الکرسی بخوانند و پنج نوبت قل هو الله احد بعد از نماز چهل و یک هزار نوبت یا وهاب بگوید جهد کنند که از اول نماز تا اتمام تسبیح نماز سخن نگوید و بعد از فراغ از نماز دعا کند که البته مستجاب الدعوه گردد این تجربه کرده اند و تجربت این اسم که چهار ده عدد است در مربع وضع نتوان کرد اما اگر کسی خواهد که جهت حصول مراد و وسعت رزق حلال و مقصود شدن و خوشحالی و فرح و برکت عمر و قوت باصره و خوشنودی خدا تعالی جل جلاله مربع سازد این اسم احد گیرد اسم خود را نیز عدد گیرد از مجموع سی کم کند باقی را چهار قسم کند و در مربع بطریق شطرنج وضع کنند مثلا اسم یا وهاب بیست و پنج عدد است و اسم محمد نود و دو است مجموع صد و هفده بود سی عدد طرح کردیم هشتاد و هفت باقی ماند چهار قسمت کردیم بیست و یک شد کسر سه ماند بدین طریق وضع تا آسان باشد مربع این است

الرزاق یعنی روزی دهنده هر روزی خواری بدان قدر که غایت او باشد این نامی است که فرشتها بر کشتها خوانند و از برکت این اسم دانه در خوشها پیدا شود و بر هر دانه نامی نوشته است که رزق

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۳۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

قل یا ایها الکافرون هفت مرتبه سورهٔ اخلاص هفت بار و سورهٔ معوذتین هر یک هفت بار بخواند بعد از آن بگوید هفت بار اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و بخواند در شب اول یا دوم یا سوم یا چهارم یا پنجم یا ششم یا هفتم البته باید با اجابت رسد بفضل و نعمتها در شرح دعوت است ختم سورهٔ والضحی هر که بجا آرد بلا فاصله بدون تکلم در یک قبله یا طهارت و با کم لیالی متبرکه مثل شب جمعه و امثال آن بخواند هر مهمی البته حاجتش بر آورده است ختم سورهٔ ما ینجی والکفر در شب بخواند امتحان شود ختم سوره طارق هر که بشب جمعه یا دو شب بخواند جهت وسعت رزق و ادای قرض جمعه و برکت نافع و مجرب است ختم سوره القدر جهت منفعت و فتح بخواند ده روز و یا مشو ختم سوره القدر جهت امتحانات و کفایت مهمات در یک مجلس صد و هفت بار بخواند حاجتش روا شود

کیست پس اهل تحقیق گویند که هر که احصاء این اسم کند باید که طعام
و شراب از بندهای خدا دریغ ندارد و غم روزی نخورد و اهل طریقت
گویند هر که چهار طرف خانهٔ خود در هر کنجی صد بار بگوید این اسم را
بهای بلا فقر و درویشی از راه در آن خانه نباشد و دعوت این اسم
مناسب کسانی است که تنگ روزی و درویش حال باشند تعبیر را
با خود دارند و بعد تکبیر با بعد تکبیر عدد وقت نمایند هر روز پیش
از صبح و یاد با اطراف خود و جوانب عالم دمند توانگر گردند و دنیا
بسیار و درویشی در آن خانه نرود و عدد تکبیر این اسم هزار و هشتصد
چهل و پنج است و هر که چهل روز هر روز چهار عدد تکبیر بخواند
خدای تعالی چنان دنیائی کرامت فرماید که صفت نتوان کردن و
توانگر گردد و چهار عدد تکبیر هفت هزار و ششصد و هشتاد نوبت
است اگر هر روز با یک نوبت نتواند بخواند باید که در چهل شبانه
روز چهل هزار و چهار هزار و هفتصد نوبت بخواند و در
آخر مربع بر نقره نقش کند و با خود دارد و چون اربعین تمام شود
دو رکعت نماز قبول ختم و استجابت دعا بگذارد و دعا کند و صدقه
بدهد پس توانگر خدای تعالی نعمت بی حساب باو ارزانی فرماید
انشاء الله تعالی و مربع مذکور در صفحهٔ بعد مشحر احبه شود

الفتاح یعنی گشایندهٔ هر کار بسته هر که خواهد خدای ا

ختم [illegible] الکوثر [illegible]
[illegible] الم نشرح [illegible]
اول دو سلام [illegible]
چهل [illegible]
و برای [illegible]
والشمس [illegible]
وقت طلوع آفتاب [illegible]
سوره را بخوانند [illegible]
بجهت [illegible]
البته [illegible]
خواهد [illegible]
و جهت ختم [illegible]
وقت [illegible] انصافا [illegible]
بیاورد [illegible]
از جهت توانگری سورهٔ الم نشرح [illegible]
تا صفر [illegible]
و اذا جاء نصر الله [illegible]
نوشتن [illegible]
ختم [illegible]
اول سورهٔ فاتحه [illegible]
با صلوات [illegible]
بخواند بعد از [illegible]
سوره

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

د	ذ	ا	ق
ا	ق	د	ذ
ق	ا	ذ	د
ذ	د	ق	ا

۶۲	۸۸	۸۲	۷۶
۸۴	۷۴	۶۴	۸۶
۷۲	۷۸	۹۲	۶۶
۹۰	۶۸	۷۰	۸

این اسم کند باید که کار و لبستگی که او را پیش آید رو باستانه مفتح الابواب آورد و بداند که ابواب رحمت را و را هم گشاده است حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز بعد از نماز صبح هفتاد و هفت نوبت بگوید دست بر سینه فرود آورد زنگ غفلت از دل او برود و هر کاری که او را پیش بر آید رد و یکی از اکابر گوید هر که هجده شبانه روز هشت هزار و هفتصد نود و سه نوبت بخواند که سه عدد تکسیر است او را امری واقع شود که هرگز قبض و بسط نه بیند در باطن او را از عالم غیب فتوح متواتر رسد و چندان صفای باطن یابد که مطلق روی از دنیا بتابد اما باید که از قرائت این اسم باز نماند و بعد از این دولت هر روز پانصد نوبت کمتر نگوید شرح این اسم جای دیگر خواهد آمد مربع در صفحه بعد است

العلیم یعنی خدای دانا در ازل بر همه بودنیها از نیک و بد تا ابد اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصای این اسم کند باید که

خداوند را

نوبت بعد از آن هفت بار و فاتحه را بخواند و صد صلوات بفرستد مهمی که داشته روزی نگذرد که مهم او حاصل گردد و مجرب است وسعت رزق چهار و یکبار سوره الم نشرح را بخواند نافع است

ختم بیست و قل یا ایها الکافرون کتابعه ... در مرویست که هر کس ثلث یا ... بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده بار این سوره را بخواند و صد بار صلوات بفرستد باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم هر مراد و مقصدی که داشته باشد بیشک بر آورده خواهد شد راوی گوید من تجربه کردم

ختم سوره انا انزلناه بجهت وسعت رزق هر روز دوازده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند وقت دولت را مشاهده نماید و از جمله مجربات است

ایضا بعضی از علما و اهل دعا گفته اند که اگر کسی این سوره را برای هر حاجت و مطلبی مقصد و شصت و سه مرتبه بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتّاح

خداوند را عالم السّر والخفیات داند بحقیقت خود را در نزد هیچکس را نااعتبار نکند متواضع باشد تا عالم علام او را عاو

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۴		ح	ا	ت	ف
۱۲۷	۱۱۵	۱۲۱	۱۲۶		ت	ف	ح	ا
۱۱۶	۱۳۰	۱۲۳	۱۲۰		ف	ت	ا	ح
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۹		ا	ح	ف	ت

عالم کرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرماید هر که این اسم را
در دل خود بسیار کند او را از علم لدنی بهره‌مند کردد و اگر خواهد
که از امر پنهان آگاه شود سه شبه متعاقب وضو سازد و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از نماز صد پنجاه نوبت این اسم را با وضو بخوانند
و صلوات بگوید تا در خواب شود از عالم غیب او را امر بکند نمایند و اگر
این حرف را در ساعت بنویسد با خود دارد و بعد از نماز در شبهای
جمعه صد بار صلوات فرستد بعد از آن بعد تکبیر که چهار صد
پنجاه نوبت است بخواند مع صد و مؤخر تا فاتحه ای هزار و هفتصد
بیست و یکبار روی پای تا و صد و مؤخر سی هفت نوبت بخواند و باز
صد بار صلوات فرستد از کار چنان ساخته کردد که خوف باری در
آن متحیر ماند و صفای باطن و ظاهر در او حاصل کردد و اگر همین لوح را
در خاتم نقش کند و در انگشت کند در محل دعوت در لوح نگاه میکند

انچه احتیاج بر اورده شود و همین عمل
از برای دفع فقر و فاقه و دورو
از برای غنی و ثروت و توانگری
و احتیاج ازبرای زینت واز حضرت
و ادای دین از تجربیات است که هر که ملازمت
صادق علیه السلام روایت است که هر که
کند باین سوره و تعویذ او را حاجتی بر
گردد تا آنکه نباشد بعضی گفته اند
که علم خیمه انسب و صلاح و بقا است
خصوصیت دوم از لفظ از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که این
سوره را در هر کاری که در زمانه هفتاد
باد بخوانند بخلاصی یابد و اگر همین عدد
بحروف این [illegible] الکریم را بخوانند بخلاص یابد و اگر
این را بر [illegible] بنویسد و باخود
سوره بر پوست بنویسد و معامله دار
دارد روزی او فراخ گردد و در وقت
منفعت تمام یابد بشرط آنکه در او
از خود دور کند. خصوصیت سوم تکاثر از آیات
مسائل خاص است [illegible] نافع است و اینها
بیست و یکبار بخواند سوره را وقت
بکرات این سوره را [illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القابض

زود اثر میکند مراد است و بخوبتر وجهی معتبر کرده اهل حقیقت گویند
این اسمی است که کودکان از برکت این اسم گویا و دانا گردند و صاحب
دعوت این اسم را خدای تعالی معرفت کرامت فرماید ان شاء الله مربع این است

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی

۳۰	۴۳	۴۰	۳۷
۴۱	۳۶	۳۱	۴۲
۳۵	۳۸	۳۵	۳۲
۴۴	۳۳	۳۴	۳۹

القابض یعنی تنگ کننده هرچه خواهد بعدل و حکمت خویش
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را دشمنی قوی باشد
و از او ترسد این اسم را سه شب هر شب بنشیند و هزار بار بخواند البته
آن دشمن دوستی کند یا هلاک گردد یا آواره شود اهل حقیقت گویند
هر که چهل روز این اسم را بر چهل لقمه نان نویسد و بناشتا بخورد خدای
تعالی او را از خوف جوع و عذاب قبر ایمن گرداند و این عمل مناسب
کسانی است که اول بلوغ رسیده باشند و این اسمی است که ملک
الموت بقوت این اسم جان بندگان قبض میکند و قوت این اسم بقول
جمعی از اکابر از جهت دفع دشمن صد تکبیر است و عدد تکبیر دو هزار و
هفتصد و نود و شش مع صد و موخر پنجهزار و چهارصد و دوازده است
و بقول مغربیان دو هزار و هفتصد و نود و شش مع صد و موخر پنجهزار و

چهار صد

عبث ناید بخوانند و از خدای تعالی حاجت خود را
بخواهد البته از تخلف روا شود
و اگر این سوره را بر گلاب بخوانند و
قدری از آن در چشم کشند روشنائی
چشم زیاد شود و اگر این سوره را بر
چشمی خوانند که درد داشته باشد
یا مریض بگیر شفا یابد البته ختم
سورهٔ تکاثر از برای هر مطلب از
خواص صادق منقولست که در دل شب و
بیست و پنج بار در خلوت بخوانند و بخور
خوش نماید بعد از آن هزار بار صلوات
بفرستد که ان شاء الله برآورده است
ختم سورهٔ و العادیات از جهت غلبه
کردن بر دشمن بسیار خوب است خاصه بجهت
و بطرف دشمن اندازد مقهور گردد و
اگر بر بیمار بخوانند یا خوش شود و تسکین یابد
و اگر بخوانند این سوره مداومت نماید
از مشقت هر چیزی شر آن ایمن گردد و اگر میت
این اعمال را بکند از هر موجود و مفسده
ایمن باشد ختم سورهٔ القارعه
اگر کسی بخواهد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباسط

چهار صد و هفتاد است اگر بعد صبح ها بخواند دوازده روز مداومت
نماید بنیت هر که خواند اگر از آهن و سنگ بود چون او زین بگدازد
و لوح مربع این است الباسط جل جلاله یعنی خدا فراخ کننده

۲۲۵	۲۲۸	۱۲۲	۲۱۸		ض	ب	ا	ق
۲۳۱	۲۱۹	۲۲۴	۲۲۹		ا	ق	ض	ب
۲۲۰	۲۳۴	۲۲۶	۲۲۳		ق	ا	ب	ض
۲۲۷	۲۲۲	۲۲۱	۲۳۳		ب	ض	ق	ا

آنچه خواهد بحکمت خویش اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصه
این اسم کند باید که طعام و شراب از بندگان خدا تعالی دریغ ندارد
تا حضرت باسط او را انبساط کرداند و همیشه خرم و خوشدل باشد
هر غمزده را که نظر بروی افتد اندوهش بفرح مبدل گردد و این نامی است
که میکائیل باران انهار ابرکت این نام میفرستد حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که در سحرگاه با طهارت دست برداشته دارد
و ده بار بگوید یا باسط و دست بروی خود فرود آورد هرگز مغموم و مقبوض
نشود دعوت این اسم مناسب کسی است که تنگ دست شده به بلای قحط
مبتلا باشد دعوت این اسم تعلق بخواندن است که سه شبانروز ده عدد تکبیر
بخواند و عدد تکبیر این اسم دویست و شانزده است مع عدد مؤخر
چهار صد و سی و دو عدد است و در این سه شبانروز یکهزار و دویست و

و دو

شود و بعد از نماز شام
بشر و از نماز نوده او بعد از آن فرود
و دیر آن بار و این سوره را بخواند او دو
چهل و یک بار بخوانند او دو
او حاجت بگوید انشاء الله تعالی روا شود
خط و حاجت نیز خدا از فضل الله غنی
دیگر ختم سوره القارعه یکصد و هشتاد
بار از همه مطالب و آکو معیشت برو
بخوانند مجلس و آنجه خود دارد دو
تا ادا شود پس سوره الحاقه
مثل یا شده خصم سوره قریش
او سبع کرد والیه بخواند
اگر کسی این سوره را الباسط حرکت
ادا شود و حاجت روا شود این سوره
واسباب و سعت و رزق که جست اند
و اگر بعد اسم مبارک الباسط شنید
کد این سوره و ورد خود نمایند غنی سازد
فقر و بلا زایل شده باشد خاصیت این سوره
که کسان باشد از جهت فتوح یازده
آیت آن الله از شب به صبح بعد از
نماز و صبح بخواند ورد خود گرداند
این سوره با آیه الذین آمنوا اتقوا
انتام سوره بنام این قل و اعوذ
و اتقوا

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباسط

نود و شش هله مبشود و اگر پیش از خواندن تواند این عدد را در مربع چهار
در چهار بر اطلس سفید کشد در محل دعوت پیش سجاده نهاده و در وی
نظر کند و بر نگین فیروزه بحروف تکسیر مغربی نقش کند و در دست دارد و در وقت
خواندن در خاتم نگاه کند خوشحال و توانگر گردد و هم بظاهر و هم بباطن و
در سر او انبساط باشد که سلاطین عصر در نزد او و نظر او خوار نمایند بحسب
دنیا و آخرت کامل گردد و بامید دنیائی که او را باشد چندان اکرام و سخاوت
کند که اهل دنیا نتوانند کرد و نشاط و خرمی در باطن خود داند هر مهموم
که با صاحب دعوت ملاقات کند مفرح و شادمان شود و جرّبتی که باید نقش
کند این است که کار او در خلا بر گشاده شود و بکر خود را غمگین نه بیند
اما باید که بعد از دعوت هر روز دو بیست و دو نوبت که عدد تکسیر است
بخواند و ترک نکند تا در اثنا ... حاصل نماند ان شاء الله و مربع این است

١٧	٢٣	٢٩	٣
٢٧	٥	١٥	٢٥
٧	٣٣	١٩	١٣
٢١	١١	٩	٣١

ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا

الخافض یعنی فرود آورنده اگر خواهد بعلم قبض هم و قدرت بالغه
هرچه را اراده او بود و این نامی است که حضرت موسی و ابرهیم علیهما السلام
از برکت این اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند هر که را خصم بسیار

لعلکم تفلحون را بخواند و
پانزده بار صلوات بفرستد و بعد
سجده کند و حاجت خود را
بخواهد که برآورده است ختم
سورهٔ تبت در بعضی کتب
مسطور است که هر که در شب
سه شنبه یا چهار شنبه این سوره را
بخواند بعد هر حرفی که در خود
این سوره است هر دفعه که در
بجانب دشمن کند و بپل دشمن
هلاک شود و این سوره بیست و سه
کلمه و نود و هشت حرف است
یا قدوس در ختوم متعلقه
بمهمات قرآنی و دعوات فوائد
از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام بود
شیخ بهاء الدین علیه الرحمه از
منقول است که هر که را مهمی پیش
آید باید که چهار خط بکشد
چنانکه آبادی بنوده باشد
میان از چهار خط بکشد یک خط در
قیر مطلع حضر سوله
فرصت و نصو

در شرح کلمه مبارکه الخافض

بود و دشمن قوی و دایم متوهم باشد خواهد که احصای این اسم
کند اول باید سه روز روزه دارد و افطار بحلال کند اندک
خورد و در این سه روز این اسم عدد میخواند و روز چهارم روزه دارد
و بخلوت رود و دو رکعت نماز بگذارد و متوجه قبله برای دفع عدو
هفتاد هزار نوبت بخواند چون با تمام رسد بسجده رود و دفع
دشمن از خدا خواهد از شر شیطان ایمن گردد و عدد که هر روز برای
محافظت بدن احسن بود اعداد این است یکهزار و پانصد و هشتاد و
یک و اگر بر نگین نقش کرده بتکبیر شیخ رد کند بر اعداء غالب آید
و اگر در شرف شمس بر خاتم نقره مربع چهار در چهار بطریق که حروف
اسم را منقوش سازد و پادشاه در انگشت کند یا بر صفحه نقره
چهار در چهار نقش کند الخافض الرافع الرقیب الحفیظ و نام پادشاه
میان مربع بطریق نوشته و این صفحه بر سر علم بسته هر لشکر
که دیدار رود منهزم شوند سپاهی که این صفحه در آن میان باشد
هر چند اندک باشند در نظر اعداء بسیار نمایند و مهیب باشند
عدو مغلوب گردد و اگر در جات و دقایق شرف نگاه دارند در وقت
نقش از عجایب و غرایب این لوح از بد چیز زمانه شیخ مغرب گوید
لیبیا بود که در لشکری همراه بوم و این صفحه یابند بود لشکر خصم
بی آنکه دیگر با او آیند خوار منهزم شوند و قدم هر پادشاه بر خود مبارک

نماید و نظر در همان نقطه میان آنکه
قبله فرض کرده بنماید و اشارت نماید و
دوازده هزار بار بگوید صلی الله
علیک یا رسول الله و آله آنحضرت کفایت
شود و خواننده را حاجت دست دهد
که لفظ را نزاد و با یستجیب لهم
لا اله الا الله از برای جمیع مطالب
و مقاصد مجرب و آزموده است و اگر باشند
اینها اگر دوازده هزار بار بگوید و
دو شنبه دوازده هزار بار بگوید
همچنین تا روز جمعه شانزده هزار بار
بگوید که مجموع هشتاد و یک هزار
نوبت گفته شود مطلب بر آورده است
بجهت عقد اللسان و دفع عون
وفتح خلق و انجاب دعا از برای کار اهل
دعوتی خلایق و اینها بیرون بخواند دعا
هذا و رسی و سیر است
شصت ... و القرآن ذی الذکر ص و القرآن
ن و القلم و ما یسطرون
و القرآن المجید ق و القرآن الحکیم یس
و بجهت ... و دفع عدو

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحافظ

گرفته بودند بنده را معلوم بود که این از خواص آن لوح است
اگر کسی برای خود این لوح ببندد و یا خود دارد هیچ محل شرمساری
وخجل نشود دایم مظفر ومنصور بود واز عمل عزل نگردد وهر که
دارنده این لوح را بدی نرسد اگر خواهند که بدی با و رسانند با ایشان

د	م	ح	ا		حفیظ	رقیب	رافع	خافض
ح	ا	د	م		رافع	خافض	حفیظ	رقیب
ا	ح	م	د		خافض	رافع	رقیب	حفیظ
م	د	ا	ح		رقیب	حفیظ	خافض	رافع
۲۴۲	۲۵۰	۲۴۵	۴۳۹		ض	ف	ا	خ
۲۴۴	۲۴۰	۲۴۶	۲۵۱		ا	خ	ض	ف
۲۴۱	۷۴۷	۲۴۸	۲۴۵		خ	ا	ف	ض
۲۴۹	۲۴۴	۲۴۲	۷۴۶		ف	ض	خ	ا

راجع شود وخواص این لوح بسیار است اگر در بیان او بکوشیم بطول
می انجامد مختصر کردیم واگر اسم حامل چهار حرفی باشد ومکرر نداشته
باشد بدین سطر توکه اسم حامل نوشته شد بوضع الرافع نقش کنند دارنده
آنچه خواهد از مرتبه سفل باعلا درجه برسد این نامی است که اسمائها
برکت این نام بیستون ایستاده و پادشاهان را مملکت از برکت وی بزرگی

وشفای بیمار وحصول حاجات کلیه وطلب
بزرگی وتوانگری سه هزار وسیصد و
سی وسه بار بخوانند اگر ممکن باشد در
یک مجلس والا هر قسم که تواند
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
جهت حصول حوائج وهلاک دشمن و
دفع خوف عقد الله ت جمله اخصما
هزار و یکبار بخواند مجرب است انا نحن
نزلنا الذکر وانا له لحافظون
جهت وسعت رزق وطلب جاه ومنصب
بزرگ وصحبت سلاطین عقد الله ت
امراء ووزراء صد و یکبار بخواند الله لطیف
بعباده یرزق من یشاء وهو القوی
العزیز ایضا جهت ادای قرض و برآمدن
حاجات وخلاصی از حبس و دفع دشمنان
والد و تا یک هفته یومی هزار بار بگیرد
بخواند و اگر زیاده بخواند اولی است
دعای شاید که حضرت رسول صلعم در جنگ
بخواند مرتبه بگوید یا خالص یا مخلص یا خلاص
خلاص کرده ایاک نعبد وایاک نستعین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرّافع

این اسم سید است و اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصّهٔ اسم
رافع کند اول باید انقدر که تواند آزار خلق خدای تعالی بر دارد
تا حضرت رافع رایت ولایت وی را افرازد شیخ طریقت گوید هر که بشب
پانزدهم ماه اسم رافع را صد نوبت بخواند و بر این مداومت نماید حق تعالی او را
ببرکت این اسم از خلق برگزیده عزیز و مکرّم گرداند بدهد وی را توانگری
و آنچه خواهد و دعوات این اسم مناسب اهل جاه است در دنیا چون این اسم را
ورد سازد اعمال و دولت مستقیم ماند و روز بروز زیاده گردد و صاحب دعوت
این اسم گوید هر که صد بیست روز شبا روز بعدد تکسیر که عدد نه هزار و
چهارصد و هفتاد و هشت است بخواند بعد تکسیر مع صدر موخر هزار و هشتصد و
شصت و شش میشود و بعد تکسیر مع صدر موخر شانزده هزار و هفتصد و
نود و چهار و اگر میسر شود که در این ایام باسعد بخوانند زیاده از آنکه مذکور شده
خواص خواهد دید چون مداومت نماید در این ایام باسعد بخوانند زیاده از
آنکه مذکور شد خواص خواهد دید چون مداومت نماید در این ایام باسعد
بیابد مرتبهٔ اعلی و جاه و نعمت کامل در صورت و معنی که میسر نشود هر روز
عدد تکسیر که مکرر ابجد است بخوانند همین عمل کند اما از تعلق
بصدق و اعتقاد و جهد تمام داری گردد و لوح الرافع باین طریق بنویسد و در حین
خواندن دعوت عدد تکسیر بخوانند و در آن لوح نگرد بر طلا نقش کند یا بر نقره
یا بر نقره و دایم نظر خود دارد و در آن بنگرد چون از خواندن فارغ شود لوح را با خود دارد تا در نزد
بزرگی

مجرب است بجهت هر مطلب [illegible]
مرتبه بگوید یا بدیع مطلب او روا
خواهد شد و در کتاب مجمع الدعوات
وارد است که بجهت ازاله غم و اندوه
[illegible]
[illegible]

مستقیم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعزّ

مُستقیم ماند و از زوال نعمت از برکت این لوح ایمن باشد لوح این است

ع	ف	ا	د
ا	د	ع	ف
د	ا	ف	ع
ف	ع	د	ا

۸۷	۹۰	۹۴	۸۰
۹۳	۸۱	۸۶	۹۱
۸۲	۹۶	۸۸	۸۵
۸۹	۸۴	۸۳	۹۵

المُعِزّ یعنی عزّت دهنده آنرا که خواهد بعد از خواندن این نام است
استکه انبیا و اولیا از برکت این اسم بر ظالمان ظفر یافته اند
اهل تحقیق فرموده اند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که همه
مخلوقات خدا تعالی را عزیز دارد خصوصاً متقیان را که عزیز کرده های
خداوند که اِنّ اکرمکم عند الله اتقیکم تا حضرت عزت نیز او را عزیز
و مکرم دارد در دنیا و آخرت و شیخ گفته که هر که شبهای جمعه و شنبه
صد و چهل یک نوبت میان نماز شام و خفتن بخواند حضرت حق تعالی خوف
از دل او ببرد و او را شکوه و هیبتی در میان خلایق پیدا آید و مراد از خلایق
حکام و سلاطین اند و اکابر و کار دین و شیخ مغربی که صاحب دعوت
این اسم است میگوید هر که طالب عزّت و حرمت و جاه و بزرگی باشد در
دین و دنیا باید که چهل و یک روز دعوت این اسم کند بطریق و شرایطی که
مذکور شده در شرح اسم الرحیم و عدد تکبیر معز سیصد و چهارده است
و یک عدد تکبیر مع صدر و مؤخر ششصد و بیست و هشت و هفت صد

یا خفیّ الالطاف نجّنا مما نخاف
یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی
از برای حوائج و مرادات این
کلمه را سه هزار و بیست و سه بار
بخواند بعد از طلوع صبح و قبل از طلوع
آفتاب بعد از نماز فریضه و بوی
خوش بکار برد یا کافی یا غنی یا
معین یا فتاح یا رزاق ختم
ایضاً مبارکه و من یتق الله تا آخر
برای وسعت معاش روز پنجشنبه اول
ماه شروع کند تا چهل و یک روز هر
روز سیصد و پنجاه و نه مرتبه بخواند
بدون تکلم که مجرب است و بعد از تمام
هر آیه یکبار بگوید یا فتاح یا رزاق
یا واسع ایضاً حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده اند که جهت زیادتی
رزق و استجابت دعا و وسعت دنیا
ابتدا از روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه
نماید و چهل روز هر روز یکصد و پنجاه و
نه مرتبه بخواند و طهارت لازم است که وقت
خواندن بعد از نماز صبح
باشد

تکبیر

در سر کلمه مبارکه المعز

تکبیر چهار هزار و سیصد و نود و شش است و سه عدد تکبیر یکهزار و ششصد
هشتاد و چهار و با تقوی و صوم و عزلت باین نوع خواند یا معز یا عزیز
در هر شبی سه عدد تکبیر درود و هفت عدد و در هر شبانه روزی ده
آخر هر دعوت یکصد و چهل و یک نوبت باین نوع میگوید یا عزیز
یا معز اعزنی بعزتک و چون شرایط دعوت بدین منوال بجای
آورد حق تعالی او را عزیز دارد و بدهد او را رتبه که برگزیدگان پیغمبرا
عطا فرموده است که تسخیر قمر در این اسم است هر کس خواهد که تسخیر
قمر کند شرط دعوت آنست که ترک جلونات کند و کم خوردن عادت سازد و
مدت پنجاه و دو روز هر شبانه روزی یکصد نوبت بخواند و اغلب در شب
خواند و باید که دایما سخن کم گوید از گفتار ما لا یعنی دور باشد
و با طهارت و تنها باشد با مردم اختلاط نکند و چون مراد حاصل شود هر روز
هزار و دویست و شصت و سه نوبت کمتر نخواند و صاحب دعوت این اسم را بر
عدد بعدد تکبیر یا حروف او را تکسیر نقش کند هر کدام که خواهد و اگر
هر روز او را نقش کند خوب و نیکو بود و ما هر دو را مثال نمائیم تا بر عاملان
دشوار نگردد و عددی که در مربع باید نهاد این است و مربع دیگر بدین نوع
نویسد و چون خاتم نقش کند در انگشت کند با طهارت باشد و شرایط
تقوی بجای آرد تا حق تعالی او را عزیز گرداند و از عالم غیب در های
جمعیت و گشاد کرد و او را بتوانگری در عالم صورت و معنی در میان

و وقت آن باید تخلف نکنند و در روز
چهلم یکصد و هشتاد بار بخوانند که
تمام آن ششهزار و دو سیصد و هشتاد
نوبت باشد موافق عدد ابجد و باید
قبل از شروع غسل کنند و بعد
دو رکعت نماز حاجت بکنند و بعد
از نماز صد مرتبه صلوات بفرستند و
بعد از ختم صلوات شروع بخواندن کنند
مجرب از متعدد اشخاص تجربه کرده
خلف

ز	ع	م	یا
م	یا	ز	ع
یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۲۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

۳۱۵۰	۳۲۱	۳۲۷	۳۰۰
۳۲۵	۳۰۲	۳۱۳	۳۲۳
۳۰۴	۳۳۱	۳۱۷	۳۱۱
۳۱۹	۳۰۹	۳۰۶	۳۲۹

در شرح کلمه مبارکه المعز

خدا بتو عزت و حرمت تمام او را بود و بر اعداء نصرت و ظفر تمام یابد
و دشمنان وی مقهور کردند و هیچکس را بر وی حکم نباشد مطلع کرد اما
ایزد سبحانه و تعالی او را بر منسوبات قمر چون کانهای نقره و دفاین عالم
و خزاین دنیا چندانکه صاحب دعوت خواهد تصرف تواند کرد و علو
جاه او بلند کرد و تسخیر قلوب وزراء و اکابر در وی مندرج است و صاحب
دعوت عجایب و غرایب را خواهد دید صفت این اسم از حیز بشر بیرون است
اگر خواهد که با الف و لام تعریف بخواند در میان دعوت چند نوبت
بگوید یا عزیز یا معز اعزنی بعزتک و هر شب چهار دهم از دعوت
در خلوت پاکیزه یا در مقام شریف و بوی خوش بر آتش نهد و حاضر
وقت باشد خاطر جمع دارد که وقت ظهور تجلی انوار اسماء است و ظهور
عجایب و غرایب است و محل نزول قمر یعنی ملائکه قمر بصورت خوب پیش
صاحب دعوت آید که در این ایام مذکور غسل مهیا کند و آب روان
یا در خانه خلوت و حمام برود و در این ایام جامه های سفید پوشد و شرایط
نگاه دارد و مربع اینکه در اینجا است و شیخ معروف گوید که اگر کسی تسخیر قمر
خواهد باید این مهر را بر چهار مثقال نقره نقش کند (نقش مهر
در صفحه مقابل نمود شده است) و شبها چهار دهم قمر بخور بسیار
بسوزد و این مهر را بر بخور دارد و پیش جای نماز خود بنهد و اسما
بخواند و در این مهر نظر کند که در بعضی و اصل شود و این مهر را

موجب دوام انس و الفت میشود و بر
اعداء ظفر یابد و حاجات و دفع خصمان این کلمه
را هفتصد و هشتاد بار بخواند
مجرب است کهیعص و الحمد لله
کلمه حمعسق را بر او ضم کند و هر
دو کلمه را هزار و یکصد و پنجاه مرتبه در
یک مجلس بخواند البته مراد حاصل
انشاء الله از برای مهمات
کلیه خاصه جهت خلاصی از
حبس در شب جمعه بعد از نماز
عشا دوازده هزار مرتبه در یک
مجلس بی تکلم بخواند البته مؤثر
و مجرب است

بعزتك	اعزنی	یا معز	یا عزیز
یا عزیز	یا معز	اعزنی	بعزتك
اعزنی	بعزتك	یا عزیز	یا معز
یا معز	یا عزیز	بعزتك	اعزنی
٢٩٠	٢١٢	٢١٥	٢٠٢
٢١٤	٢٠٣	٢٠٨	٢١٣
٢٠٤	٢١٧	٢١٠	٢٠٧
٢١١	٢٠٦	٢٠٥	٢١٦

ذکر کلمهٔ مبارکهٔ المذلّ (۵۱)

برحصول مقصود بنام هرکس که در آب ندازد یا در شربت و بخورد او
دهد مطیع گردد و خطا ندارد باید که این مهر را از نظر زنان و
ناپاک پوشیده دارد و با بوهای خوش با خود دارد و مهر این است
المذلّ یعنی خوار و ذلیل گرداننده
که خواهد و حضرت رضا علیه السلام
فرموده این نام است که مظلومان
از برکت این نام از ظالمان امان
یابند هرکه خواهد احصا این اسم کند



باید اول خود را بر طریق شرع راست کند و امر خلاف شریعت
از او بظهور نیاید تا خصم عزّت دشمنان و برا ذلیل و خوار گرداند
اهل طریقت گویند هرکه را خصمی قوی باشد جابر و قهار و
ظالم و خایف باشد وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و سر
بسجده نهد هفتاد و پنج نوبت این اسم را بتضرع تمام بخواند
و از حق جلّ جلاله در خواهد خدای تعالی او را ایمن گرداند و
خصم او را خوار و ذلیل و از مرتبه که باشد معزول گرداند شیخ
مغربی گوید اگر کسی را خصم قوی باشد یا در تسلط ظالمی گرفتار گشته
یا لشکری گران قصد ولایتی کرده یا شهری را خصمان محاصره
کرده باشند از دفع ایشان عاجز باشند قوت مقاومت ندا

امّن يجيب المضطر اذا دعاه و
بعضی نسخ و یکشف السوء را با او
ضم کرده اند و فاقضها انه مجرب هفصد
از برای جمیع مهمات بخوانند مجرب است
شصت و نه بار بخوانند
و دو روز ده هزار
جهت وسعت روزی یا علی یا ولی
بگوید یا غنی یا قوی یا وسیع و کریم
خداوند روزی حلال و وسیع و فضل
نماید از جمله مجربات بزرگان
حوائج و انجاح مهمات کبری نوشته اند
سلسله اولیاء الله نوشته اند عجیب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باشند

باشند باید که سی و یک روز این اسم را در هر شبانه روز ده هزار
نوبت بخوانند بنیت فتح بحضرت الله تعالی الخصم را مقهور گردانند و
بخواری و زاری از آن مملکت آواره کنند اگر صاحب دعوت هلاک
او را خواهد چون بر چهل و دو رساند دشمن هلاک گردد بحرمت و
بزرگواری این اسم گویند تسخیر عطارد این اسم است و بسیاری
فواید بقای این اسم شد اگر خواهد که دعوت و تسخیر عطارد کند
اگر رعایت شرایط کرده و قواعد نگاه داشته شصت و دو روز و اگر
شرایط رعایت نکرده باشد نود و دو روز در هر شبانه روز ده هزار
نوبت بخلوت بخواند دعوت عطارد بخاطر آرد و نیت درست کند
چون شرایط نگاه داشته باشد روز سی یکم صورت عطارد حاضر
گردد و با صاحب دعوت وحشت ننماید الا در شصتم و در نود و دو
تمام شود عطارد حاضر شده او را گوید ای بنده خدای تعالی تو را
از دعوت من مقصود چیست گوید مراد من دوستی تو و از طلب معاونت
و علم و هنر تو عطارد قبول کند مراد از عطارد ملک عطارد
که حاضر میگردد باید که صاحب دعوت نشانی طلبد مبالغه نماید
عطارد نگینی بدهد که اسمی برآن نوشته باشد درخواست کند
تا اسم بدان آموزد تا صاحب دعوت هرگاه که عطارد خواهد این اسم را
هفت بار بخواند صورت عطارد با ملک عطارد حاضر گردد و مهم او

فصل سیم و از جمله عجایبات که هیچ نشنیده
از تربیت این است که سی شب متوالی
در گوشه خلوتی بنشیند و در هر شب
هزار مرتبه بگوید یا حی یا حی قد
انقطع رجائی عن الخلق و انت
رجائی ایضاً از اسرار عجیبه
که خود عمل نمودم بکرات و مکرر
اتفاق افتاد که در اثنای ذکر یا حی
رسیده از این است که بیشتر دست
نمی یکصد بیست و نه دانه باشد
این عمل مخصوص است لیلهٔ دوشنبه
یا جمعه اگر شب جمعه عمل نماید باید
روز پنجشنبه را روزه دارد و اگر شب
دوشنبه بود یکشنبه روزه بگیرد
و افطار کند بغیر حیوانی
و در اطاق باشد که کسی در آنجا غیر از
او نباشد اول دو رکعت نماز گزارد
بنیت حاجت و بعد صد و بیست و نه مرتبه
یا لطیف و بعد از تمام هر روز بگوید

در شرح کلمه مبارکه السمیع (۵۳)

کفایت کند و این از خواص این اسم شریف و اگر صاحب دعوت باشد که بطریق بای نداشته باشد و دعوت موثر افتد مقصود برآید و لوح آن مثل این است

۱۹۲	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵		ل	ذ	م	یا
۱۹۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۶		م	یا	ل	ذ
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۳	۱۹۰		یا	م	ذ	ل
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹		ذ	ل	یا	م

السمیع یعنی شنونده هر آوازی از پست و بلند اهل حقیقت گویند هر که خواهد خاصیت این اسم کند باید که زبان و گوش را از دروغ و غیبت نگاه دارد و آواز ملاهی نشنود و بعضی برآنند که اسمی از دعوت که با شرایط بجای آورند مستجاب الدعوة گردند اسم شریف حضرت عزت سبحانه و تعالی در کلام مجید فرقان حمید خود چند جا سمیع بصیر و سمیع علیم آورده و هر آینه وجه غائی که کلمه سمیع علیم در آن مندرج است خاصیتها گفته اند حضرت طیب موجودات علیه افضل الصلوات فرموده اند که هر که هر صباح سه نوبت بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و باد بر هر دو کف دست دمد و بر روی خود فرود آورد در آن روز بهیچ بلا و زحمت مبتلا نشود و اگر در شب با این ورد قیام نماید در آن شب از نکبات محفوظ و سالم باشد حضرت

آیة الکرسی و امر مهمی پیش آید در [illegible] درمانده شود که هیچ چاره نتواند [illegible] شب جمعه [illegible] بنشیند از نماز عشا در [illegible] الله تعالی [illegible] کفایت شود انشاء الله تعالی [illegible] است که هر که ابتدا [illegible] برای قضای حوائج [illegible] البته حاجت برآید [illegible] خصوصاً [illegible] شفای [illegible] بخواند [illegible] الا الله [illegible] الا الله [illegible] یا حی یا قیوم [illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible] تمت

در شرح کلمه مبارکه السمیع

امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز پیش از آنکه سخن
دنیا گوید بعد از ادای صلوة فجر هفت نوبت بگوید فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم خداوند تعالی از برکت این کلمات قرآنی
جمله مهمات وی را در آن روز کفایت کند و اگر ورد سازد بعد از نماز
فریضه بعزت این اسم قیام نماید هر که هیچ چیز محتاج نگردد و مراد
او را حضرت سمیع بقدرت کامله کفایت سازد و اگر این آیه کریمه را
باین طریق که نموده میشود در مربع وضع کند در شرف آفتاب و با
خود دارد حق تعالی او را در نظر خلق عزیز گرداند و اگر کسی را میسر
گردد بر کاغذ مهره زده بطلا بنویسد و درجات و دقایق شرف
نگاه دارد که هیچ منحوس ناظر شمس و قمر نباشد معطر ساخته
در والای دیگر دوزد تاج نهد نزد پادشاهان باحرمت و مقرب
گردد و نزد خلایق مکرم شود و هر که او را ببیند عزیز دارد و مهمات خلق
از پیش او کفایت شود هر کار و هر کس که متوجه شود بمقصود رسد و در
کار و عمل خود فتح بیند که متصور آن نبوده باشد حضرت مولینا
شرف الملة والدین الیزدی چند جا این آیه کریمه را آورده اند بروش
غیر مکرر و هر یک شیء را خواصی گفته اند از جمله فرموده اند که اگر کسی
شکسته فرومانده و عیال بسیار و قرضدار باشد این مربع را
با خود دارد فتحی در کار او ظاهر گردد و روز بروز ترقی در کارها او

باشد

از زندان و نجات از دست ظالمان
و دشمنان این آیه را هفتصد و بیست و یک بار
بخوانند آزموده است لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین
ختم مبارک اسم شریف امیر
المؤمنین علیه السلام و راوی
گوید این ختم را از برای مطلبی عمده
کردم چهار روز نگذشت که روا شد
از برای هر مطلب مشروعی در مسجد
یا در خلوت دوازده هزار بار بگوید
یا علی البته برآید و بر سر این کلمه
اسم اعظم خداوند است شرح عظیم
و در دفع آن این اسم جهت قضای
حاجات و نجات از شر اشرار و دشمنان
یا قصه میخواند و چهار بار این اسم
بخوانند که از جمله مجربات است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در دفع
دشواری ها نیز این اسم را بسیار میخواندند
یا رءوف یا رحیم جهت وسعت
معاش و دفع قرض و در روز جمعه دو هزار
و سیصد و هفتاد و شش مرتبه این
اسما را بخوانند

در شرح کلمه مبارکه السمیع

باشد باید که در تاج نگاه دارد و موم گرفته کرنوا صر بسیار دارد
جهد کنند که طرح کسر را غلط نکنند مثال نمودیم تا عامل را مشکل
نگردد و شیخ مغربی فرموده هر گاه بعد کبیر این را در خلوت مداومت
نماید او را هرگز احتیاج بیرون آمدن نباشد مگر بجهت طهارت و اگر
کسی بجهت کفایت مهلکی قرائت بعد قیام نماید مقصود او حاصل شود
وضبط آن مهلک نتواند کرد اما در این نسخه شرح را اختصار کردیم و
این لوح در آخر کتاب با چند لوح دیگر خواهد آمد خواص شرح نوشته
ان شاء الله و اگر زیاده خواهند رجوع بجواهر القرآن کنند و مربع این است

۱۹۲	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵
۱۹۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۶
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۳	۱۹۰
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹

العلیم	السمیع	الله وهو	فسیکفیکهم
فسیکفیکهم	الله وهو	السمیع	العلیم
السمیع	العلیم	فسیکفیکهم	الله وهو
الله وهو	فسیکفیکهم	العلیم	السمیع

۴۴	۴۷	۵۲	۳۷
۵۱	۳۸	۴۳	۴۸
۳۹	۵۴	۴۵	۴۲
۴۶	۴۱	۴۰	۵۳۰

ع	ی	م	س
م	س	ع	ی
س	م	ی	ع
ی	ع	س	م

و در جواهر القرآن آورده که اگر کسی این آیه کریمه را بر لوح بلور

مجربست یا کافی یا شافی یا فتاح
تا یقین ختم اسم مستعمل درجمیع
الدعوات مذکور است هر که آنرا
یا [illegible] [illegible] است و [illegible] الله
[illegible] شود بجهت [illegible] استعمال
بکوید [illegible] خواب ختم [illegible]
دیگر و آن توبه [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]
که بخواند در [illegible] [illegible] [illegible]
شود و [illegible] اختصار جمیع [illegible]
از دشمن [illegible] [illegible] [illegible]
از دشمن [illegible] [illegible] ختم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] هر که [illegible]
ما شاء الله [illegible] [illegible] [illegible]
حصول [illegible] ما شاء الله لا حول و
[illegible] بکوید ما [illegible] [illegible] [illegible]
قوة الا بالله [illegible] [illegible] [illegible]
از حضرت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
دنیا [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

ثلث زعفران بنویسد بشوید با گلاب صاحب این اسم بخورد
از زحمت نجات یابد و اگر بر سقف خانه نویسد بر خراب گردد و اگر
نوشته در تاج نهد حاکم قوم خود گردد و اگر با سنطریون در مربع وضع
کند با خود دارد اما دعا بساعات سعد کند تا مراتب او بلند
گردد و وضع شریف محتاج وی گردند بی واسطه سابقه مردم او را
عزیز دارند و فتوح متواتر او را رسد و مقبول القول گردد و اگر
بخوانند این آیه را بنجم هشت جمعه قیام نماید و هر شب از روز جمعه
چهار هزار و ششصد و هشت نوبت بخواند خدا تعالی او را بملکی
برساند اگر خود سلطنت روی زمین باشد اگر در این هشت هفته
در خلوت خانه رنجهای بطریق او را قیام نماید هر روزی دو یکهزار
نه نوبت این آیه را بخوانند چون جمعه هشتم شود سلاطین عصر و اکابر
روزگار روی بپابوس وی آیند از مشاهیر عالم گردد و این آیه را خواص
بسیار گفته اند و آیه که بهتر است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَاِذْ
یَرْفَعُ اِبْرٰهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَاِسْمٰعِیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا
اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و اگر این آیه را بر بالای سفیده در مربع
با این طریق نویسد بر گردن خروس سفید بندد و در جائی که گمان دفینه
دارد و بر ظرفی بمداد نوشته با بنشاسته بشوید در آن مقام بر آب پاشد
و آن خروس را رها کند آن مرغ برود و بر بالای گنج قرار گیرد و اگر در

مدتی بخواند هر چه خواهد بیابد انشاء الله
اگر والی هر ماه چهارشنبه و عدد آن
دو اسم را سه هزار و ششصد و شش نوبت
مداومت بخواند با وضو و رو بقبله در
خلوت با جمعیت خاطر تا آنچه بیابد
سوم از خواص عجایبات مجرب است
ختم صلوات چهارده هزار و هشتاد
صلوات بفرستد و هدیه نماید
بارواح مکرمه چهارده معصوم ع
مجرب و آزموده است با این نحو هزار
اول بروح پیغمبر خدا صلعم دو هزار
دوم بروح امیر المؤمنین ع هزار
سوم بروح حضرت فاطمه زهرا ع هزار
چهارم بروح حضرت امام حسن ع
هزار پنجم الی آخر چهارده معصوم
مطالب او روا گردد و دعا اینست
لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضٰی
بعد از اسم خود بخواند با حضور قلب
انشاء الله بمقصد خود خواهد رسید
و اگر روزی یکصد و ده مرتبه بخواند
از اولاد و منتفع گردد و
بر خصوص کسی

در شرح كلمه مباركه البصير

انمقام در نخواهد رود و از عالم غيب و را اعلام گردانند و بمقصود رسد اينهم از بركت السميع است و اگر كسی اين اسم را روز پنجشنبه بعد از نماز چاشت پانصد نوبت بخواند دعا و حاجتی كه خواهد روا گردد و اگر قادر باين قيام نمايد مستجاب الدعوه گردد و در هر روز بطريق او را چهارصد دو نوبت بخواند يا سميع يا بصير هرگز هيچ چيز محتاج نگردد و در سوء نشود و سميع و را از پريشانی نگاه دارد و دعاهای او را مستجاب گرداند و صفای باطن او را حاصل شود و جلای قلب دهد اين و اسم است و مربع آيه كريمه اين است

البصير يعنی ببينند چيزهای پنهانی آشكارا اهل تحقيق گويند هركه خواهد كه احصای اين اسم كند اول بايد كه چشم از عيوب

واذ يرفع ابرهيم القواعد	من البيت واسمعيل ربنا	تقبل منا انك انت	السميع العليم
تقبل منا انك انت	انت السميع العليم	واذ يرفع ابرهيم القواعد	من البيت واسمعيل ربنا
السميع العليم	تقبل منا انك انت	من البيت واسمعيل ربنا	واذ يرفع ابرهيم القواعد
من البيت واسمعيل ربنا	واذ يرفع ابرهيم القواعد	السميع العليم	تقبل منا انك انت

خلق بپوشد و بعيوب خود بينا گردد و از خلاف شرع ديده نگاهدارد و دنيا خصوصاً غرض او را در باطن و در ظاهر بيجا كرامت

در فضائل الرحيم
در امر ظاهر گردد و هر روز اين
دولت و گشايش كار دنيا هر روز بخواند
ابرو اسيصد و پنجاه بار بخواند قال الله تعالى ان الفضل
كه از مجربات است ربنا و الله
بيد الله يؤتيه من يشاء و الله
ذو الفضل العظيم از برای امور دنيا
وسعت رزق و گشايش نماز صبح هر روز
عمل كنند بعد از نماز رو بقبله با وضو بخوانند
تا طلوع تكلم نكنند و دو ركعت نماز حاجت
روز اول دو ركعت صلوات بفرستد و روز دوم
و صد مرتبه صلوات نماز دو ركعت گزارده مرتبه
و بعد از نماز بخواند و قصد نمايد
صلوات بفرستد و در ركعت اول ابدا النور
و اكبر و اول سوره ربنا انزل علينا
بعد و آيه السماء تكون لنا عيدا
مائده من السماء و آية منك و ارزقنا
لاولنا و آخرنا و انت خير الرازقين و الكعب را
و انت خير الرازقين و دو صد سبحان
محتاج نبود و دنيا
اللهم صل علی محمد و آل محمد

در شرح کلمه مبارکه البصیر

فرماید این نامی است که انبیاء و اولیاء علیهم السلام از برکت این نام
معجزات نموده اند و معراج یافته اند و اولیاء از برکت این نام
مقرب گشته اند هر که میان فرض و سنت نماز جمعه صد یک نوبت
بخواند یقین او درست گردد بنظرات عنایت و مکاشفات اسرار
اسماء الله تعالی و دیگر اهل حقیقت گویند هر که دعا بر زبان و یافتن
کند در توفیق باید که دست انابت بدرگاه حضرت عزت بر دارد و دعا
کند باید در اول یا در آخر دعا یا سمیع یا بصیر بگوید البته خضوع
دعای او را باجابت مقرون گرداند و در دعا الحاح نمودن از جمله
شرایط است و دعوت این اسم مناسب کسانی است که در کارها فرو
مانده باشند و امرهای کلی بر ایشان مشکل گشته و در مهمات خود
سرگردان شده باشند شیخ مغربی گوید هر که چهل روز هر روز پنج
صد تکبیر تکرار کند و عدد تکبیر شیخ مغربی یکهزار و ششصد و شصت
پنج عدد است و پنج عدد تکبیر هشت هزار و سیصد بیست و پنج و مع
و مؤخر شانزده هزار و ششصد و پنجاه است و شرایط کم خوردن
و کم گفتن و کم خفتن و نظر از محارم نگاه داشتن و اگر میسر
شود در شب خواند و اکثر اوقات در خلوت باشد تا جمیع مرادات دین
و دنیا و صفای ظاهر و باطن و مهم و مقصدی که دارد جمله بمدعای
او گردد و کارها بر نیت او جمع شود و واجد اقلبی حاصل شود

أنْ تُنجيني من هذا الغم
و عدد کبیر این کلمات دویست و
شانزده است و صغیر شش چهار و ده
البته از غم زایل گردد جهت
حصول مطالب از روز پنجشنبه
شنبه شروع کرده تا ده روز هر
روز ده مرتبه بخواند بسم الله الرحمن
الرحیم یا مفتح الابواب یا مسبب
الاسباب و یا مقلب القلوب
و الابصار یا مدبر اللیل و النهار
و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث
المستغیثین و یا مالک یوم
الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
برحمتک یا ارحم الراحمین
مطلبش بر آورده است و راوی
گوید تجربه کردم ایضاً جهت
هر حاجت و مطلب در پانزده روز
هر روز هزار و هفتصد و هشتاد
بار این آیه را بخواند و افوض
امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکم

که هر کس از پیش وی گذرد ضمیر و مزاج خود ملکه نام او را از بزرگواری
این اسم بداند و بعد از وقوع مراد هر روز شانزده هزار و ششصد و
پنجاه نوبت که عدد تکسیر است بخواند اگر میسر گردد بعد از نماز
سیصد و نود نوبت بخواند و در آن حالت مستقیم گردد و مقیم ماند و مقاصد

۷۴	۳۸	۹۲	۵۳		ر	ی	ص	ب
۸۹	۵۶	۷۱	۸۶		ص	ب	ر	ی
۵۹	۹۸	۷۷	۶۸		ب	ص	ی	ر
۸۰	۶۵	۶۲	۹۵		ی	ب	ر	ص

او بی سعی او برآورده گردد **الحکم** یعنی داد دهنده و جدا کننده
بحکم خویش میان خلق حق را از باطل این نامیست که مقربان برکت
این قرب یافته‌اند با حوال دمیان هر که در نیم شب چندان بگوید
که از خود برود یا در بیعت باطن او را محرم اسرار خود گرداند و در از علم
غیب بر دل او کشاده گردد و اگر زیاده بان در قیام نماید صفا باطن
و ظاهر زیاده از آن شود که بود و مربع آن خود دارد و آن مربع اینست

۱۶	۱۹	۲۴	۹		م	ک	ح	یا
۲۳	۱۰	۱۵	۲۰		ح	یا	م	ک
۱۱	۲۶	۱۷	۱۴		یا	ح	ک	م
۱۸	۱۳	۱۲	۲۵		ک	م	یا	ح

واگر مطلب حاصل نشود تا
چهل روز بخواند البته بمراد
برسد مجرب [illegible]
در ایام هفته روز یکشنبه اول بعد
از نماز عشا [illegible]
هر کسی که [illegible]
از نماز صبح یا فتاح [illegible]
[illegible] مرتبه بگوید و روز دوشنبه
نصرت یابد [illegible] هر که یکصد و
[illegible] مرتبه بگوید یا لطیف
در ساعت اول [illegible] مرتبه بگوید
بیست و [illegible] مرتبه یا وهاب
مال بی نهایت یابد و کرامت و
روز سه شنبه در ساعت اول [illegible] بگوید
هر که [illegible] ساعت اول هر که
یا قابض [illegible] چهار شنبه
[illegible] هر که یا [illegible]
در ساعت اول [illegible] یا متعال
چهل روز [illegible] یا کرامت
[illegible] پنجشنبه هر که
در ساعت اول

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العدل

العدل یعنی خداوند راست گفتار و راست کردار و دادده هر
چیز بی حد و مقدار اخیر این نامی است که سحرهٔ فرعون به برکت این
نام مسلمان شدند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که با خلق خدا تعالی
عدل و احسان پیش گیرد تا حضرت عادل بوی دهد هر چه مستحق آن باشد
و نخواهد که از وی غیر عدل و احسان ظاهر شود و اعتقاد کند که اسم و
احکام و اعمال بر عدل و احسان نهاده است و هرگز ظلم گرد سراپردهٔ
کبریای حضرت عادل نگردیده است من جمیع الوجوه اهل تحقیق گویند
هر که شب جمعه این اسم را بر بیست و یک پارهٔ نان حلال نویسد و
بخورد حضرت عزت وی را از کارها فرمود باز دارد و خلایق را مسخر
او گرداند و دل او را محرم اسرار خود کند و براستی دارد و از کجی و قلبی
دل وی را ایمن نماید و ظلم از باطن او بیرون رود و دعوت این اسم کسی را
که به ظلم ظالمان و جور جابران گرفتار شده باشد سی و پنجروز
بصدق و شرایط مذکوره تکبیر این اسم قیام نماید پیش از کلام
بعد از ادای فرایض شام حضرت ملک علام انواع آن ظالمان
مسلمان گرداند و جبار آنرا مقهور سازد و اگر بعد نماز صبح که
هنوز سخن دنیا تکلم نکرده بعد تکبیر نه نوبت تکرار کند که سه هزار و
صد نوبت شود چون خواهد که تکرار گرداند تا نه نوبت پنجهزار و
ششصد و شانزده نوبت خواهد شد که چون در این ایام یا بیرون رود قیام

پس صد و هشت مرتبه بگوید یا
رزاق خداوند از فضل رزق و
مال باو دهد که حساب آن را
خدا داند **روز جمعه** در
ساعت اول دو بیست و پنجاه و
شش بار بگوید یا نور در چشم
خلایق عالم شیرین گردد اگر
چیزی گم کرده باشد در وقت
خواب دو رکعت نماز کرده اسم
مبارک یا نور را بعد [illegible]
بخواند در خواب باو گویند که
برده است **روز شنبه**
هر کس در ساعت اول هزار و ششصد
مرتبه بگوید یا غنی بمرتبه غنی
گردد که جمیع مال داران بر او حسد
برند و از جمله مجربات است که
[illegible] بتجربه رسیده است
عظم لیست از کلام
ایمة المعصومین علیهم السلام
و از آن برات که در وقت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

نماید ایزد تعالی شر آن ظالمانرا دفع کند جبارانرا ابنکبات دنیا گرفتار سازد و قادری بر همه منصور و مظفر آید اسرار غریبه از باطن خود مشاهده کند باید که بعد از ختم هر گاه که دعا کند چهار نوبت بگوید یا عادل مستجاب الدعوه گردد و این مربع را با خود دارد و مربع این است **اللطیف** یعنی خداوند رسانندهٔ

۲۵	۲۸	۳۳	۱۸	ل	د	ع	یا
۳۲	۱۹	۲۴	۲۹	ع	ی	ل	د
۳۰	۳۵	۲۶	۲۳	یا	ع	د	ل
۲۷	۲۲	۲۱	۳۴	د	ل	با	ع

نیکویها و نعمتهای پوشیده و پنهان بر بندگان بر سانی چنانکه او را علمی نباشد دران و در دنیا هیچکس اسرار انرا ندانند این نام سامی مرعایدانرا که ملائکه ببرکت این اسم عمال المؤمنانرا باسمان برند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که دایم بایند گان خدای تعالی بلطف و نیکوئی و شفقت و نوازش اقدام نماید تا ایزد تعالی او را مظهر لطف خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز هشتاد نوبت این اسم را بخواند از هیچ مقصود نامراد نگردد و مهمات و کفایت شود شیخ مغربی فرموده هر کس که هیچ از اسباب معیشت نداشته باشد و درویش حال با

طلوع کوکب عطارد و نظر کردن
بران این قطعه را یکبار دبیران
کوکب بخواند انچه از خداوند بجو اهد
عطا خواهد شد و هیچ شک در عطا
این عمل و اجابت آن نیست مبلغا
آسم الله طال ترقبی فهبا
مسا آئی آو آل ذا فاغنها و المنی
انا فامنحنی قوی ابلغ ح
و ذلک العلوم الغامضا تکونها
و ان تکفنی الحظوظ و الشر
کلمه یا سمیع الطلبات یا خالق
الارض و السماء یفعل الرحمن الرحیم
اکسیر هذا لبنا را بگوید لبیه اللهم لا اله الا الله محمد
و هذا بابا داد الحمد لله و هذا دنیا بصادقات
رسول الله و هذا دنیا زان هذا دنیا دو دیه
بفرستند بعد از ان که برا و ظلم کرده
بد و حق ظالمی کند یا منکوب کرده
البته انتقام ایمیر دیا منکوب کرده
از بعضی اکابر منقول است که شیعیان بوده
روایت شده که هر که از مقصدان معلق بوده
مطلب و مقصد کار خود باشد

در شرح کلمهٔ مبارکه اللطیف

دو وافتاده باشد از دیار و دوستان یا غایبی دارد یا دختری
بخت بسته باشد یا بیماری که از علاج عاجز باشد یا مرادی دارد
که تدبیر از دست او رفته باشد یا مهمی که کفایت نمیشود این جمله که گفته
شد میخواهد که ساخته گردد تدبیر انست که غسل کند یا وضوی
کامل بسازد و دو رکعت نماز با خضوع و خشوع کند و چون سلام
باز دهد همچنان بر روی سجاده با قلب سلیم متوجه قبله صد نوبت
بگوید یا لطیف بار نخست حاجات و مرادات حاصل گردد
و مهمات کفایت شود و مقاصد بنوعی شود که در تصور نیاید.
یکی از اکابر در خواص این اسم فرموده که فیها اسرار عجیبة و فوائد
جلیلة فی التفتیح فی اتیان جمیع ما یطلب فی الخلوات من
المکاشفات والتجلیات و اثار ما یراقبه من الکمالیة
الظاهریة والباطنیة وحصول رتبة المحبة ودفع الشدائد
والالام بفضل الله ورحمته وانچه شیخ ابو العباس فرموده
اندر دعوت کبیر این اسم و صوت تکبیر بنا از این است که هر کس
دعوت خواهد کرد اول شرط بجای آورد و شرط دعوت آنست
که بر نگین عقیق یا بلور یا نقره خالص تکسیر حروف این اسم را
نقش کند با طهارت و تعظیم تمام انرا نگاه دارد و در زمان
دعوت گاه گاه نظر در آن کند و در آخر مجلس این کلمات را از سر

دو رمانده باشد و هیچ چاره آن
کار نداند و معلوم نباشد
که آخر آن چه طریق خواهد شد
بعد از نماز عشاء هزار و یک مرتبه
بگوید یا کریم و بعد از آن
هزار بار صلوات بفرستد و
مطلب در افضل نماید و در بستر
بخوابد در خواب او را دلالت
بر مقصود کنند و بچاره آن اورا
خبر دهند و این عمل از جمله مجربات
است از خواجه نصیر الدین
طوسی علیه الرحمة منقول است که
از برای مطالب عظیمه و دفع علی
اگر این بیت را یکصد مرتبه بخواند
بیشک حاجت روا شود و مهمات
کفایت شود و بسیاری از بندگان
باین بیت مداومت نمود بمقصود
رسیدند یا قاهر العدو و یا والی
الولی یا مظهر العجائب یا مرتضی
علی ازبرای دفع دشمن

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

تواضع و تعظیم تمام بگوید یَا لَطِیفُ اُلْطُفْ بِی بِلُطْفِکَ و
مدت دعوت هفتاد و پنج روز است و اگر تکسیر این اسم بر
خاتم میسر نشود بر دو پارهٔ کاغذ نویسد یکی را تعویذ کند یکی را
در نظر دارد و در شبانه روز هفتهزار و سیصد نوبت تکرار کند
و در هنگام دعوت در خواب یا بیداری بسی چیزهای عجیب و غریب
ببیند و داند و انواع علوم و خواص اشیاء بر او کشف شود و باید
که با آنها التفات نکند که سبب حجاب میگردد و اثری عظیم دارد
در اجابت دعوت و اکثر اوقات و کشف احوال و ظاهر شدن حقایق
و سر حکمت و فوائد و شیخ مغربی گوید که این مربع اَللّٰهُ لَطِیفٌ
بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ اسماء را باین طریق بنویسد مکرر او
یکی را متصل در نظر دارد و دیگری را در موم گرفته در تاج
نگاهدارد و مربع این است در صفای باطن و جلای قلب و تسخیر قلوب
و وسعت رزق و
شدن اعداء و تسخیر
دارد و در وقت
و دعوت اسم اعظم

اَللّٰهُ لَطِیفٌ	بِعِبَادِهِ	یَرْزُقُ	مَنْ یَشَاءُ
مَنْ یَشَاءُ	یَرْزُقُ	بِعِبَادِهِ	اَللّٰهُ لَطِیفٌ
بِعِبَادِهِ	اَللّٰهُ لَطِیفٌ	مَنْ یَشَاءُ	یَرْزُقُ
یَرْزُقُ	مَنْ یَشَاءُ	اَللّٰهُ لَطِیفٌ	بِعِبَادِهِ

فتح کارها و مقهور
مطالب خوص بسیار
نوشتن مربعات
باید که بوی خوش بکار
دارد و بخور بسوزد و در خلوت لباس پاک بپوشد و بیشتر اوقات
روزه باشد شرایط اسماء مذکور شده در اسم الرحیم و نقش خاتم

از روز پنجشنبه تا یک هفته هر روز
صد و چهل و شش مرتبه بگویند حسبی
الله البتة از رنج و محنت کفایت شود
و علاوه دفع شود و از بلای غریب ایمن جمعی از
مطالب مهم خوانند نزد نحو لیث گفته اند
بزرگان دین و مشایخ شیعه و صوفیان بر
کرامت برای حصول مطالب و وصول غناء را
غایب هفتاد و یک مرتبه ابتدا از شب دوشنبه و
بخوانند که عجایب مشاهده است و اگر
گفته اند که تجربه شده ظاهر گردد و
شب بخوانند روز اثر بسم الله الرحمن الرحیم يَوْمَ لَا يَنْفَعُ
بالعکس یا حلیم یا قیوم
یا حی یا قیوم إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ
مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ و قبل غَيْرَ بَعِيدٍ
لِلْمُتَّقِينَ واراده کرده اند
مجیب الدعوات هفتاد در شبانه
حاجت بوده باشد با وضو رو بقبله
حاجات را بخوانند مجرب است
بدون تکلم
یا مجیب

در شرح کلمه مبارکه الخبیر

بروش شیخ بابی عبد انکه نموده شد نقش نکند و اکر شرح این اسم هر
اسم بکوکند زیاد این خواهد که در این نسخه نوشته شده رجوع بشرح کبیر شیخ نماید

۳۴	۳۵	۳۸	۲۴		ف	ی	ط	ل
۳۷	۲۵	۳۱	۳۶		ط	ل	ف	ی
۲۶	۴۰	۳۳	۳۰		ل	ط	ی	ف
۳۴	۲۹	۲۷	۳۹		ی	ف	ل	ط

الخبیر یعنی خدای آگاه بر نهانها این نامی است که نبیان مندان ببرکت آن بی‌نیاز گشته‌اند و مقبول شده‌اند و اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند بدعوات قیام نماید اول باید که باید که از خدا تعالی ظاهر و باطن را پاک گرداند و اندیشه بد از دل بیرون کند و با همه کس برضای خدا را و شفقت و مهربانی سلوک کند تا حضرت خبیر او را از اسرار قلوب با خبر گرداند دعوت این اسم مناسب کسانی است که به بدفعلی گرفتار باشند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند هر که این اسم را بسیار گوید از شر شیطان و جور سلطان و بلاهای ناگهان ایمن باشد ما دام معین نکرده الله و شیخ ابو العباس فرموده هر که بعد تکبیر خواند تا بنشیند و یکروز از شر نفس و حیله حسودان و مکر خصمان محفوظ ماند و دانا شود بر سر نهانی که باشد از ضمایر واند بشکر دد خاطر خلایق باشد

یا علی یا فاطمة یا صاحب الزمان ادرکونی و لا تهلکونی و بعضی گویند از برای هر مطلب که خوانده شد اثرها کلی بظهور رسید و ایضا در بعضی کتب وارد است که اگر کسی با وضو در خلوت بنشیند و تا سه شب هر شب در میان هر شب چهل هزار و چهارصد و بیست و چهار مرتبه بگوید یا باسط البسته دفع پریشانی و فقر از او میشود و من حیث لا یحتسب روزی از برای او میرسد و تنگی معیشت او بوسعت و فراخی مبدل گردد و شخص بزرگی فرموده که تا دها تجربه کردم و از برای دولت و زوال نعمت نظر و عقد ختم صلوات ... بجهت هر مطلب در مدت ... و ماه تمام هزار بار صلوات بفرستد ...

دخیر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

واز سر خواص اشیاء و غیره واقف شود و عدد تکسیر این اسم هزار و چهارصد سی و شش عدد است و عدد تکسیر مع صدر و موخر چهار هزار و دو هشتصد چهل و دو عدد است و مربع این است

۲۰۲	۲۰۵	۲۱۰	۱۹۵		د	ی	ب	خ
۲۰۹	۱۹۶	۲۰۱	۲۰۶		ب	خ	د	ی
۱۹۷	۲۱۲	۲۰۳	۲۰۰		خ	ب	ی	د
۲۰۴	۱۹۹	۱۹۸	۲۱۱		ی	د	خ	ب

الحلیم یعنی بردبار و تاخیر کننده در عقوبت عاصیان مانند که غایب شدن از ذات تعالی قدیم ممکن نباشد تمام مخلوقات در تحت قدرت وی‌اند عاصیان و مجرمان از دست قدرت او نتوانند گریخت اهل تحقیق گویند که مرتبهٔ مرکب شتاب و طمع بر مخلوقات واقف عالم مرکب این نام است اهل طریقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید که بدرد حلم آتش خشم خود فرو نشاند و هر چند خلایق و طریق ادب غایب نکنند و تحمل و بردباری شعار خود سازد تا اگر کسی ویرا بیازارد بر او شفقت و مرحمت نماید و قهر نکند غضب ترم اند و گوید با وجود کمال توانائی و قدرت بر غضب حضرت عزت بر بندگان نافرمان خود حلم میورزد و روزی بدخواه میرساند هر چند گناه و بی ادبی میکنند او برد

تمام شود مطلبهم بر آورده
خواهد شد انشاءالله تعالی
نخواهد بعضی از مشایخ
شجره و بزرگان دین گفته اند
که اسمای عزت و حرمت و مطلب جاه
و قربت نزد سلاطین و بزرگان
در بیان مطلب فضا و هشتاد و دو
خوانند که مطلب حاصل گردد و هم
با مشغول بخوانند تا شصت تا اینجا هم
بوده و معتقد و عدد بکصد و هفتاد است
تا و منبع او را ادا کند این اسم [illegible]
والحکیم [illegible] الله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحیم و گفته اند که
وقتیکه قهر و را اسد باشد این
[illegible] نقش کند [illegible] نبود
و تا بخود دارد حکم بر او غالب نبود
و انکیم با او [illegible] انصاب
بعضی از علماء [illegible] اند که دوراین
اسم [illegible] غضب و [illegible]
و وسعت و جاه و حشمت و [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

پس ایشان بیهوش شدند در افشای سرّ ایشان صبر میکنند تعالی شانه
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که برای فرو کشتن آتش غضب
پادشاه صد بار بگوید الحلیم خشم سلطان به حلم مبدل گردد
اگر در وقت آب دادن زراعت بجهت برکت زراعت این اسم در کاغذ بنویسد
و بر آن آب بشوید و آب بر زمین که رسد برکت آن زیادت شود و از آفات
ممتنع و بری شود و دیگر و از غرق و از آفات سالم ماند و موقت این اسم مبارک
مناسب کسانی باشد که مخوف از ظالمی باشند چون جبابره این اسم را
بسیار خوانند دفع شر از وی شود انشاءالله و اگر پیوسته بعد از هر نماز
هشتاد و هشت نوبت ذکر را بکند دل او از خوی بد و کبر و حسد و بخل پاک گردد
افعال ذمیمهٔ آدمی را هیچ عقوبتی بتر از خوی بد نیست و شیخ مغربی فرموده
هر که بر پارهٔ چینی فاتحة الکتاب یازده نوبت اسم الحلیم بنویسد بشوید
بدهد حق تعالی او را شفا دهد این را بزرگان آزموده اند و اگر کسی را
معیشت کم بود و روزی تنگ بود بعد تکبیر بخواند بشرایط مذکوره او را حلمی
که اگر جباران عالم بر وجود او ظلم کنند و آن صبر کند بردباری
و در درجهٔ حلم او بمرتبه رسد که سلاطین عصر سر بر خط فرمان
او نهند جن و انس مسخر او گردند و اگر تقوی را رعایت
کند بمرتبهٔ انبیا و اولیا رسد و صفای باطن و جلای
قلب و علم و خواص اشیاء او را میسر گردد بلکه

ایام این است حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و علما این اسم هفتاد و شش ... و بعضی گفته اند که هر کس هر روز هفتاد بار بخواند جمیع مهمات او کفایت شود و اگر بنویسد و با خود دارد ... و با علی ... یا قادر ... یا لطیف ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم (۶۷)

بر دفاین عالم مطلع شود امّا ورا در ختم این اسم همین باید که اگر
گنجهای عالم را براو ظاهر سازند نظر در ان نکند و از همه چیز
و از همه خلق خدا بتعالی او را بی نیاز گرداند و خواص این دعو بسیار
است و عدد تکبیر این اسم با مضاعف بیست و هشت عدد است در دوری که
عدد خواهد خواند چهار مربع بدین شکل بنویسید با خود دارد که اثر
عظیم دارد و خواص بسیار و این مربع را استادان این علم حوائج المرام
نام کرده اند از بس سریع الاثر است و مربعات این است

۲۱	۲۵	۲۸	۱۴
۲۷	۱۵	۲۰	۲۶
۱۶	۳۰	۲۳	۱۹
۲۴	۱۸	۱۷	۲۹

م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی
ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل

۲۴	۲۷	۳۱	۱۷
۳۰	۱۸	۳۲	۲۸
۱۹	۳۳	۲۵	۲۲
۲۶	۲۱	۲۰	۳۲

م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی
ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل

العظیم یعنی خداوند بزرگ و بزرگواری و زیاده از آن است
که وهم و ادراک ورا در یابد این نامی است که ملائکه و رسل از

هفتاد بار بخواند مجرب است
جهت هر امر مشکلی که روی دهد و از جانب دو
وضو بسازد و رو بروضهٔ امیر المؤمنین
مقدس شاه حضرت نماید و صد بار و دو بار
علیه السلام این دعا بخواند که مجرب است
این دعا را یا علی یا ذا النعیم
یا امیر المؤمنین یا ذا الکریم
یا امام المتقین یا ذا جاننا
انّا جئناک فی حاجاتنا فیها نعیم
لا تخیبنا و قل انعام شود و دو
و هر وقت کند یا علی یا باب الکریم
بار بگوید فتح و این ختم را از جمله مجربات
انفتح و این ختم اعتصم بحبل الله
شده اند ختم دشمن هلاک شود و دشمن
از برای دفع دشمن و شر از دشمن
نوم شب بخواند البته دشمن دفع
دفع شود و عنا و بغض علی الله
گردد ختم کلمهٔ توکلت علی الله
از برای قضای حوائج و مخفی نماند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

هیبت این نام بیچاره اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصائی
این اسم کند باید که نفس خود را خوار و ذلیل داند و امر و فرمان
خداوند عظیم را من الوجوه گردن نهاده تعظیم کند خلاف فرمان
او نکند تا حضرت عزت او را معظم کند بیجا که هر که در دیده او نظر
کند پیش اغنیا او برا تعظیم کند امور او را گردن نهد شیخ فرموده
که هر کس مداومت نماید بخواند این اسم را باطن ذاکر ربانی گردد و
تمسکاً او را عظیم القدر گردانند و مرتبه بلند کان خود عزیز و مکرم
کند دعوت این اسم مناسب کسانی است که طالب مرتبه تعظیم و جا
و بزرگی و عظمت باشند یا آنها که بدین مراتب رسیده اند خواهند که
در آن مقیم باشند اگر کسی خوار و ذلیل باشد خواهد که از فقیری
بعظمت رسد باید قدری اطلس سرخ و بطلا این مربع چهار در چهار

۵۲	۵۵	۵۸	۴۵	م	ی	ظ	ع
۵۷	۴۶	۵۱	۵۶	ظ	ع	م	ی
۴۲	۶۰	۵۳	۵۰	ع	ظ	ی	م
۵۴	۴۹	۴۸	۵۹	ی	م	ع	ظ

در شرف آفتاب بدان بنویسد اگر میسر نشود بر کاغذ نیز در دهم میشود
که بمداد بکشند و بنویسد عظیم را اما باین روش که نموده شد با خو

بودن از قضا باید بعد خود این کلمه
هزار و بیست و سه عدد بخوانند تا فه د
مجربست مختوم دعای امیر المؤمنین
از برای حصول حوائج صد مرتبه بعد از
نماز صبح بخوانند مجربست حمداً
لک یا فتاح شکراً لله
فی کل صباح و مساء
عن غیرک یا فتاح
افتح لی کل باب و فتوح
من ابواب فتوح فتاح
افتح لی ابواب کفایت و کفایت مهمات
و حصول مرادات کل و جزئی و
و رسیدن بمطالب و دفع اعدا
این کلمات را دو هزار و سیصد و
هفت بار بخوانند مناسب است و کفی
بالله ولیا و کفی بالله نصیرا
و کفی بالله حسیبا و کفی بالله علیما
و کفی بالله وکیلا و کفی بالله شهیدا
ایضاً جهت خلاصی از مهالکه
که روی دهد نظر نا میمان کنند هزار
یکبار بگوید یا بدیع
السموات

داند واگر این مربع دیگر را خود دارد که عدد این از تکسیر مکسر خاصه
سید العلما است بنهند بطریق وفق که مذکور شده طرح کنند
کسر بنهند عدد لوح هفتصد شصت ربع او دویست هفده و کسر او دو است
و این مربعات را خود دارد هر روز یازده عدد تکسیر بخواند شیخ مغرب
فرموده باید که هر که این دعوت کند و این مربعات را خود دارد چهل روز سلطنت
روی زمین بیابد و اسکندر که سلطنت بر او دوام کرد از وحی به
او نازل شد از برکت تعظیم و تکریم این اسم بود و حکماء جهت او این مربعات
ترتیب کرده بودند و بعد از عجایب و غرایب عامل و قادر خود
بیکجا علی میرساند و بعد از این ایام هر روز یک عدد تکسیر بخواند تا
مدام دارا عظمت بماند و در تعظیم امور حضرت عظیم تقصیر نکند پس
لازم بود روایات عدد تکسیر و دلیل و عدد تکسیر دو هزار و بیست است
و یازده عدد تکسیر هزار و صد بیست و دو است و عدد تکسیر مع صد
موخر شصد دوازده است مجموع هفده هزار و سیصد و چهل
الغفور یعنی آمرزنده جرم جنایتها را از معاصی و این نامی است
که طاعت مطیعان و توبه عاصیان به برکت این نام قبول است و اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که حصه این اسم کند باید که گناه جمله خلایق
بپوشد و هر چه از ایشان صادر شود عفو کند تا حضرت عزت عفو کند گناهان
وی را و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که چه پنهان ماند

والارض جمیعا فاقم بست احمد استغفر الله
روی عن الصادق علیه السلام فی کل
انه من قرء هذا الدعاء سبعین
بعد مائة مرة غفر له من المال والاولاد
رزقه الله تعالی من اربع ملئة
من العالم وهی قول استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم بدیع السموات
والارض من جمیع ظلمی وجرمی واسرافی
علی نفسی واتوب الیه
و روی بعضی با آنچه و بعضی هر یک
هر یک از اینها بدانند است
بخوانند که از عجایبات آیت
ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم
والله الغنی وانتم الفقراء
اسماء الحسنی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغفور

از قطعه و تنها داشتن او و یکی هزار و دویست و نود و نه نوبت بوسند
شبها خواند در جاهای اند و یکی از اکابر فرموده که از جهت درد
سر و جمله بیماریها که از علاج آن عاجز باشند بر سه پاره کاغذ بنویسند
و بر هر پاره سه بار یا غفور بخوانند و بدمد از آن مرض نجات یابد و بصحت
مبدل شود و اگر دل تنگی یا غم زده این عمل کند فرج یابد و سرور در هر
شود و هر که مداومت بر این اسم نماید در خیال اندوه او بشادی مبدل
گردد و این مربع را با خود نگاه دارد که بسیار نیک است

غ	ف	و	ر		۳۱۴	۳۲۷	۳۲۴	۳۲۱
و	ر	غ	ف		۳۲۵	۳۲۰	۳۱۵	۳۲۶
ر	و	ف	غ		۳۱۹	۳۲۲	۳۲۹	۳۱۶
ف	غ	ر	و		۳۲۸	۳۱۷	۳۱۸	۳۲۳

الشکور یعنی جزا دهنده کرامت بسیار بر اندک طاعتی و مختصر عملی
این نامی است که پیش از خلقت ارواح به پانصد هزار سال ارزاق
مخلوقات ببرکت این اسم موجود شده است اهل تحقیق گویند هر که
خواهد که احصا این اسم کند باید که رزاق مخلوقات ذات حق تعالی را
داند و هیچ چیز از کسب مال و غیره نداند و محکم فرموده اند داود
محکوم فرمان حضرت حق گردد تا خداوند شکور ماوای وی بفردوس

و بعضی بنا ذکر کرده اند و ادعای تجربه
نموده است ایضاً هر که در شبانه روز
تمام و نصف هزار در ساعت بار
بگوید یا غنی
بنویسد گفته و در این مورد صاحب خیر و
ادعای تجربه نموده است ایضاً
روایت است که هر که در نصف آخر
شب برخیزد و سر برهنه کند و دستها
بالا کند و روی بقبله صد مرتبه
بگوید یا وهاب حق تعالی ذهاب
و فاقه و مشقت الاسباب او را
البته توانگر گرداند و بعضی از
علما فرموده اند که اگر یکصد و
سی بار بهمین طریق مذکور بخواند
در تاثیر اقوی خواهد بود و بعضی
شرط کرده اند که این عمل در زیر
آسمان نیمه باشد اوراد الوهاب
که هر که با مداومت قبل از نماز صبح
در صحن و زاویه خانه خود
در صحن زاویه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الشکور

اعلی کرده‌اند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند که هر که دفع
غم و کدورت را خواهد چهل و یک نوبت بخواند و بر آب بدمد بیاشامد
غمهای او دفع گردد و بزرگان گویند هر که را معیشت تنگ شده باشد
و روزگار بد شود بی گذرانند باید که بذکر این اسم مداومت نماید
تا معیشت بر وی گشاده گردد و اگر کسی چهار روز هر روز بعد نماز پیشین زیاده
از هزار نوبت بخواند حقتعالی باطن او را از غل و غش و حقد پاک
دارد و اگر کسی چشم تیرگی داشته باشد این اسم را چهل و یک نوبت
بر آب پاک بخواند و چشم را از آن چند نوبت بشوید شفا یابد
این مربع که در حاشیه است خوبی دارد که خواص بسیار ببینید
العلی یعنی بزرگواری که منزه است از شرکت و شبه این نامی است که
انبیاء و اولیاء و ملئکه از عظمت این اسم در تزلزل اند اهل تحقیق گویند
که هر که خواهد حصه‌ای از این اسم کند باید که حضرت او را بزرگ داند و
خود را خوار و حقیر و ذلیل تر از جمله مخلوقات تا حضرت العلی او را
غالب جناب گرداند و بزرگ حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند هر که
این نام را بسیار گوید بدان مداومت نماید قدرش بلند گردد و اگر غریب
بخواند این اسم مداومت نماید با آبرو بوطن خویش باز گردد و یکی از
اکابر فرموده هر که بنویسد این اسم را باین طریق (طریق مهر) و با خود
دارد و بعد کبیر بسازد و یکصد و ده روز بخواند اگر خوار بود عزیز

ده بار بگوید القرآن و ابتدا
از دوست و راست کند و بیاید
از دو بیت و اندر نفس و فا فرخا را
قبله و رو دارد اضحا هم کاه و دریای
عجایب بسیار سنفت در و
اول هر روز ... البشر و روز
یکبار یا قرآن ...
از دو ... گردد و محبت ... و هر که
منور گردد و ... باشد ...
کیمیا ... یا معطی ...
یا ... مقصود حاصل ...
...

ش	ك	و	د
ك	ش	د	و
ش	ك	و	د
ك	ش	د	و

١٢٤	١٣٧	١٣٤	١٣۶
١٢٥	١٣٠	١٢٥	١٣۶
١٢٩	١٣٢	١٣٩	١٢۶
١٣٨	١٢٧	١٢٨	١٣٣

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلی

گردد و اگر در مرتبه دنی بود عالی گردد و اگر غریب بود در وطن خود
رود و بر دشمن
قوی و مظفر
گردد و او را د
میان خلق
هیبت تمام
بود و تقرب
بملوک و سلاطین
یابد و خواص

العلی العلی العلی العلی

یا علی یا علی یا علی یا علی

۱۲۵۷	۱۲۶۱	۱۲۶۸	۱۲۵۴
۱۲۶۴	۱۲۵۸	۱۲۵۳	۱۲۶۵
۱۲۵۲	۱۲۶۶	۱۲۶۳	۱۲۵۹
۱۲۶۷	۱۲۵۵	۱۲۵۶	۱۲۶۲

یا حی یا حی یا حی یا حی

بسیار دارد اما در وقت نوشتن باید که آفتاب در برج سنبله باشد
تا نوزده درجه حمل و قمر با سعد ناظر بود و از نحسین دور باشد
و احتراق هیچ کوکب نباشد در چنین کتابت این لوح حساب او
بخور لبخود و در جائی شریف خلوت پاک و تنهائی جا بر دارد و با
حضور دل نو بیه اگر باند روز سه هزار و سیصد سی و نه بعد
از هر نماز بگوید با مردم کم اختلاط کند در خلوت بخور لبسوزد و نماز
بجماعت گذارد بخلوت رود و اگر تواند در این ایام هر روز غسل کند
جامهای پاک بپوشد چون از نمازهای پنجگانه فارغ شود بخواندن
آیة الکرسی قیام نماید با خبر گردد باطن او از علم لدنی و علوم غیبی

در باب بگوید الرزاق را بعد
از دست راست کند بجانب چپ
دود از عفونت و فاقه خلاص شود باید
این اسم را هر گاه در ساعت اول
از هر روز سیصد و هشت دفعه
بگوید یا رزاق البته روزی
او وسیع گردد و من حیث لا
یحتسب مرزوق گردد و مجربست
و هر گاه کسی را حاجتی باشد
هر روز شصت بار بگوید یا
معطی السائلین البته
مقصودش حاصل شود و اگر
در نصف شب سر برهنه کند و
دست بدعا بردارد و تا شب متصل
این اسم را سیصد و دوازده مرتبه
بگوید البته مطلب او روا و
حاجت او بر آورده خواهد شد
و هر گاه کسی را مطلبی باشد
عظیم بعد از نماز صبح قبل از
مشغول نماز با عقیده تمام این
دعا را صدق بار ده
بار

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلی

و عجایب و غرایب عالم و خواص اشیاء و اطاعت سلاطین و امراء واقع
شود و دوستی خلایق چنانکه هر کس او را ببیند اگر چه دشمن بود
مطیع و گردد و هر که نام او شنود محب او گردد و محبوب مخلوقات شود
و هیچکس از اطاعت او بیرون نرود و در امور دنیا حاکم خلایق شود
و هر کافر که توجه کند اسلام آورد و این دعوت ضعیف قلب را قوی مرتبت
گردانند اما باید که بعد از دعوت هر روز صد و ده نوبت بگوید که عدد
تام است و اگر خواهد زیاده خواند باید که در شبانه روز بعد تکسیر
حروف ملفوظ اسم یکهزار و یکصد و هشتاد و یک نوبت است مع صد
و موخر بخوانند بعد از آن تمام شود و دعوت شاهی او دو که هر که از جهت
از دیاد دولت خود یا دیگری صد یازده نوبت بخوانند و طلب جاه و منصب
کند ببیند آنچه مقصود او است **الکبیر** یعنی خدای بزرگ و پاکست

ال	ع	ل	ی		٢٥٠	٢٦٤	٢٦١	٢٥٨
ل	ی	ال	ع	٢٦٢	٢٥٤	٢٥٧	٢٥١	٢٦٣
ی	ل	ع	ال		٢٥٦	٢٥٩	٢٦٦	٢٥٢
ع	ال	ی	ل		٢٦٥	٢٥٣	٢٥٥	٢٦٠

ذات او از صوت و خیال و شبیه و مثال شیخ جلال الدین فرمود
که روزی از شیخ بزرگ سؤال کردم چون است که شرح این اسم نوشته
نشده است شیخ فرمود نامی است که از هیبت این نام اسمانها و زمینها

بخوانند اگر مقصود حاصل نشود
تا سه روز همین دستور دعا کنند
البته مقصود حاصل است و چون
دعا تمام شود بلند و یکبار بگوید
یا ذا الجلال والاکرام و ده
نوبت صلوات بفرستد و چهل یا الله
یکبار در میان نفس بگوید
و علما گفته اند در نهار و نهار
ایند عا را ابنا اهل ... و باید در
که از مجربات است مطلب ... و طلب
و آنچه طلب کنند آن را بخوانند
بکنند و اگر خواهند بخوانند
معانی کنند و بعضو طلب ... و بشد
بهتر است و در دعای ... کرده
بجز بیست ... السموات است
تا مرتبه ... بخوانند ... باید
ایشان ... و غلبه بر خصم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الکبیر

و عرش و کرسی و بهشت و دوزخ و قلم بقبضهٔ اقتدار وی ثابت اند
هر که خواهد که دعوت این اسم اعظم کند باید که حضرت کبیر را
بزرگ خواند و بزرگ داند و هیچ کس را در درگاه آنحضرت عظیم قدر
و بزرگ نداند که انبیا و اولیا و اقطاب سر بر آستان او بر زمین
نهاده و او را بزرگ داشته اند تا بدان مقام رسیده اند پس هر که
طلب جاه و بزرگی کند در عالم صورت و معنی در روزی هفت هزار نوبت
بخواند عزت و شرف یابد اما باید که نیت فوقیت نشود در طلب جاه
و منزلت بعالم باشد تا زیانکار نگردد و یکی از بزرگان فرموده
هر که صد و بیست و دو روز دعوت این اسم کند بشرایطی که در اسم الرحیم
گفته شد در شبانروزی دو هزار و چهار صد و شصت و شش نوبت
بخواند با خضوع دل و خلوت اصل و اربعین آخر در خلوت نشیند
بی ضرورت بیرون نیاید ترک حیوانات کند و حلال خورد اشکال
گردد برا او ارواح انبیاء و اولیاء و مسلمین و ملائکه و با او انس
گیرند و بیشتر در شبها با او باشند و اسرار عالم ارواح و ملکوت و
عجایب عالم کبیر با او بگویند و مسخر صاحب دعوت گردد قلوب
اکابر و قضاة و امراء و وزراء و ملوک و سلاطین و رعایا و
خلایق طالب دیدار و صحبت با او گردند و او را بود بزرگی در عالم
صورت و معنی و در اربعین باید که شب و روز از تکرار غافل نشود

و کمتر

بعد از فریضهٔ صبح قبل از طلوع
آفتاب بعدد اسم خود تا چهل روز
بخواند مجرب است أَمَّنْ يُجِيبُ
الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ
السُّوءَ ایضاً منقول است که
هر که پیش از نماز صبح بر خیزد و به عنبر
بخور کند و هزار و یک بار این
آیه را بخواند إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ
ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ تا یک هفته
بدین نحو عمل کند البته مقصود
حاصل آید خصوصاً اگر وسعت
رزق و تحصیل مال حلال باشد
از جهت کشتن دشمن دو روز در
نصف شب هزار مرتبه بگوید
سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ
الَّذِي لَا يَمُوتُ بسیار نافع است
از جهت هلاک دشمن در
نصف شب هزار بار بگوید الْقَابِضُ
انشاء الله دشمن هلاک شود
البته

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الکبیر

وکمتر از هفتاد هزار بار نخواند واگر زیاده خواند باکی نیست
وبباید خاتمی از نقرهٔ خالص در ساعت سعد ونظرات خوب
چون تثلیث وتسدیس وشرف سعدین ونقش کند حروف اسم را بر
ان خاتم باین طریقه باید که چون خاتم تمام شود روز یکشنبه یا

ك	ب	ی	ر	۵۰		۶۴	۶۱	۵۷
ی	ر	ك	ب		۶۲	۹۶	۵۱	۶۳
د	ی	ب	ك		۵۵	۵۹	۶۶	۵۲
ب	ك	ر	ی		۶۵	۵۳	۵۴	۶۰

دوشنبه یا پنجشنبه پیش از صبح غسل کند در اب روان یا در حمام
خلوت وشکر وضو بگذارد واستغفار گوید درود فرستد انگاه
خاتم در انگشت کند چون ابتدای دعوت کند باید اول با تعظیم وحضور
دل بگوید یا کبیر یا کبیر ودر حین دعوت در نقش خاتم نظر کند و
معانی اسم در دل میگذراند ودر اخر هر مجلس میگوید یا کبیر اکبرنی
وچند نوبت درود فرستد ودر اول واخر هر دعا درود فرستادن سبب
اجابت دعا است ودر دعوت کبیر شرح این اسم نوشته اند وعمل نموده اند
وبعضی از بزرگان فرموده اند که در ان سه ربعین هر شبان روز بی
بعد اول خواندن نود اجابت است وعدد اول هفتهزار است ....

الحفیظ یعنی نگاه دارنده هر چیز از انحراف وبوا این نامی است

از برای قضای حوائج دنیوی و
اخروی وغفران ذنوب وحصول
مقاصد دعا البر خوانند ودعا عشاء
مجربست بعد از عصر روز جمعه طهارت
مشروع کرده بخوانند باجابت مقرونست
واصل دعا با شرح آن در مفتاح
بعضی کتب معتبره مسطور است وهم
لبنا در مبارك ومیمونست ودر
خیرات بخوانند دعای بسیار گران بها
اخر روز جمعه نزد بعضی خصوصا از دو
از برای قضای حوائج بسیار تا چهل روز
دفع دشمن مجربست واجهد
جمعه وار نقیضیان است تا نظر
کشاده و دکان ها در میان اسم خوانند
وعصر روز جمعه بعد اسم کبیر
سبحان الله بعد عصر سه روز
بخوانند و در حصول ثروت و سعد وادوار
روزی و سعد روزی دو
دوشنبه

در شرح کلمهٔ مبارکه الحفیظ

که نوح پیغمبر علیه السلام ز برکت این نام ز طوفان نجات یافت
هر که خواهد خاصیت این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان و دست
خود را از جمله مناهی و خطا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از
بلیات محفوظ دارد و شیخ مغربی گوید هر که خواهد از غرق شدن
در آب و سوختن در آتش و شر دیوان و دیگر حرام ایمن بود این اسم را
بنویسد و بخورد یا با خود دارد و یا بر بازو بندد از نکبات ایمن بود حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعدد این اسم که هشتصد و نود و هشت است
مکرر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط باریک و طومار کند و
بر بازو بندد از وسوسه شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار
و عقرب و خیالات فاسد در امان خدا بوده باشد و شیخ فرموده

ح	ف	ی	ظ	۲۲۷		۲۶۶	۲۵۷	۲۴۸
ی	ظ	ح	ف		۲۶۰	۲۴۵	۲۳۰	۲۶۳
ظ	ی	ف	ح		۲۴۲	۲۵۱	۲۷۲	۲۳۳
ف	ح	ظ	ی		۲۶۹	۲۳۶	۲۳۹	۲۵۴

اگر کسی این که نموده شد نقش کند بر لوح نقره و با خود دارد ایمن
گردد از شر تمام مخلوقات و حرارت مفاجات و قرض و درد پشت و جمیع امراض و بلیات
آخر الزمان و غم و آنچه تعلق بنکبت دارد و اگر نقره میسر نشود در روز شرف آفتاب
بر کاغذ نویسد همین خواص دهد اگر این نوشته را در دم با مال نهد ...

وقت طلوع آفتاب شصت هزار و دو شصت
بار بگوید یا غنی آن بوده است
ختم چهار ضرب الکه چه کیفیت
از بهشت وجه دکتب نقل شده
لکن دو سه جان بهتر بن وجوه است
که در این رساله ایراد می شود اول
قسمی است که محل اعتماد جمیع علما
است و آن این است که در روز دوشنبه در
زیر آسمان هفتاد و چهار بار ابتدا نموده
بوجهی که بسی و هفت دانه را بلند
و بسی و هفت دانه بدست چپ و دیگرها
دست راست بطرف راست و دست
چپ بطرف چپ دارد و بعضی و دیگر
نماز حاجت گذارد و بر هر یک از دیگرها
بطرف راست ده مرتبه صلوات بفرستد
مکرر یک انخوی که بر او شش بار صلوات
بفرستد که مجموع سیصد و شش بار
شود و بعد دیگرها طرف چپ
بر هر یک ده مرتبه ...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

گرد دوا اگر اهل کشتی بخوانند این اسم قیام نمایند بساحل رسند و از امواج و جانوران و بلیهٔ دریا ایمن بوند و دیگر فرموده اند هر که نقش کند این اسم را بتکسیر بر عقیق یا بلور یا نقره و لوح سازد یا بخط بوکه نموده میشو که لوح ز پنج جزو یک جزو از طلا باشد و

نقاش یا طهارت باشد یا صاحب دعوت در روز جمعه در خلوت متوجه قبله یا در روز دوشنبه یا در ساعت شعد و قمر یا ناظر بسعد و این یا حفیظ احفظنی در ده سطر بمیزان هر سطر و تمام را بنویسد سطر را نقش کند و هر دو در حین نقش کردن ذاکر باشند و هیچ سخن نگویند چون تمام کرد صاحب دعوت معطر ساخته این لوح را نگاه دارد در روز پنجشنبه

ی ا ح ف ی ظ ا ح ف ظ ن ی	
ی ی ن ا ظ ح ف ف ح ی ا ظ	
ظ ی ا ی ی ن ح ا ف ظ ف ح	
ح ظ ف ی ظ ا ف ی ا ی ح ن	
ن ح ح ظ ا ی ف ا ی ی ظ ف	
ا ن ف ح ظ ح ی ظ ی ی ا ف	
ف ا ن ی ف ی ح ظ ظ ی ح	
ح ف ی ا ظ ا ظ ن ح ی ی ف	
ف ح ی ف ی ی ح ا ن ظ ظ ا	
ا ف ظ ح ظ ی ن ف ا ی ح ی	

یا یکشنبه یا جمعه سحرگاه در آب روان غسل کند یا در خلوت بنماز رود و در خلوت دو رکعت نماز بگذارد و بعد از ان بعدد تکسیر میخواند و لوح را در پیش سجاده نهد و در وی نظر کند و اگر مجموع عدد تکسیر در مربع نهد نگین خاتم از عقیق یا بلور و یا بطریق بنویسد ظهر و رقه

بخواند منکر اخری که برا و بشوش حزینه
میشد بخواند بنحو صلوات و بعد
اذان دست بدل عابد داشته مطالب را
از خدا بخواهد پس اذان و بنگهداری
اول را و دو را ب روان بدان زده و بگهه
دوم را دو ها انجا از حص و احضر کند
ودوفن بها بیک تخلف نداده و نابدها
بخانه مشوع است وحبه وجوه سیصد و
روز یکشنبه یا چهارشنبه سیصد و دو و
شصت شرا ابرجو برمیان دو و
کتار بلطف ابدود و روبقبله بود هر جو
یکبار جار ضربت را بخواند تا تمام
شود و بعد در گود الی ببرد و ان
گودال را بنهان کنند و بعد و روی آن
بول نماید بود و بشرط انکه گودال
قلم یا سر قلم بنهد اب ماند کند
شود و این طریقه بنهد بخبر شده
است وحبه شق و روز دوشنبه بعمل
ود و چهار صد و بیست و پنج و یک
ببر چند و در میان قبر
کهنه گود الی بکنند

وخاتم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

وخاتم در انگشت کند بهتر است و در وقت دعوت بر لوح خاتم نظر

کند و آهسته تکرار میکند
یا حفیظ والحفیظ نیز مجرب
است و در آخر مجلس میگوید
یا حفیظ احفظنی اگر
میسر شود بر این مداومت
نماید والا دعوت این نام

٥١٣٨	٥١٥٠	٥١٤٩	٥١٤٣
٥١٤٨	٥١٤٤	٥١٣٧	٥١٥١
٥١٤١	٥١٤٧	٥١٥٢	٥١٤٠
٥١٣٥	٥١٣٩		٥١٤٦

هشتاد و شش روز است که بعدد تکسیر بخوانند و اگر بعد از ان کم کنند (٥١٤٢)
شاید اما ترک نباید کرد و آنکس که این دعوت بجای آورد از جمله
آفات و بلیات و شر دشمنان و حاسدان و مکاران و قهر سلطان
و کید زنان و سحر ساحران و بیماریهای گران و شر شیطان و آفات آخر
الزمان محفوظ باشد و پیوسته در کنف عنایت و حرز حمایت حق تعالی
باشد و باطن او را بود جمعیتی و سلامتی از وسوسه و خیالات فاسد
و باید که خود را از کبایر نگاه دارد که اسم اعظم است و حضرت عزت
جل جلاله حافظ و ناظر او است و باید که خاطر از اندیشه دور
دارد و این وقتی میشود که اگر وضو نداشته باشد وضو کند و اگر
میسر شود تیمم کند و در وقت جنابت و قضای حاجت تربیت لوح از
خود دور کند و عزیز دارد تا مقاصد و مطالب و بر وی میسر گردد و در ان

روبقبله بطریق یکی یک مرتبه چهار
مرتبه را بخوانند و در گودال اندازند و بعد
مرد کوان برود و برود و اگر دفعه اول
مطلب نشد دوشنبه دوم و سوم
عمل نماید که مطلب سد بجهته
هلاک دشمن و ستمکاران روز
چهارشنبه وقت طلوع آفتاب چهل
یکدفعه با دعای که مذکور میشود بخواند و
فتحنامه او بد مدالبته یا هلاک شود
یا ذلیل گردد و مکرر تجربه شده است
بعد
بفضل بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم ببرکت
بسم الله الرحمن الرحیم یا اباالغیث
اغثنی نادعلیا مظهر العجائب
تجده عونا لک فی النوائب
کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی
یا علی یا علی ازبرای قضای
حاجات ابتداء از روز
چهارشنبه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقیت

مدام بماند و نزد بعضی تکسیر الحفیظ شش هزار و یکصد و هفتاد و
چهار عدد است مع صدر و مؤخر دوازده هزار و سیصد و چهل و
هفت عدد است و عدد تکسیر یا حفیظ شش هزار و پانصد و چهار عدد
است مع صدر و مؤخر ده هزار و یکصد و چهل و نه عدد است و عدد
تکسیر حفیظ دو هزار و هفتصد و نود و چهار عدد است و مع صدر و مؤخر
پنجهزار و نهصد و هشتاد و هشت عدد است و عدد اصل حفیظ هفتصد و
نود و هشت عدد است **المقیت** یعنی خدای توانا بر نگاه داشتن
هر چیزی و هر کاری بقدر و مقدار و این نامی است که پرورش جمله
آفریدگان ببرکت این نام است اهل تحقیق گویند هر که خواهد صاحب
این اسم گردد باید که خود را از زاید دایم و اوقات خود را صرف
بندگان خدای تعالی کند و دایم خواهان آن باشد که افتاده را دست
گیرد و فرومانده را خاطرجوئی کند و با ضعیفان فروتنی کند و شفقت
و مرحمت از دوست و دشمن دریغ ندارد تا حضرت عزت نفس او را
مطیع و گرداند و قوتی کرامت کند که تواند با اژدهای هفت سر
هزار وجه مجادله کرده او را مسخر و گرداند و حضرت امام رضا
فرموده اند هر که این اسم را هفت نوبت بر آب بخواند و آن آب را به
طفل بدخوی بخوراند خوشخوی گردد و خوش ذهن میشود که هر چه بخواند
یاد گیرد دیگر فرموده اند که خواهد نفس خود را بعذاب تشنگی

و گرسنگی

کند و هر روز صد بار بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم یا مسبب الاسباب
یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار
یا دلیل المتحیرین یا غیاث
المستغیثین یا مالک یوم
الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
و باید دوازده بار خواند
حرف نزند و اگر حاجت روا شود بفضل الهی
و دیگر بخوانند که بفضل الهی
و این نسخه از خط میرداماد
علیه الرحمه نقل شده بود
مصطفی صلی الله علیه
بخوانند یا مقلب
الرحمن الرحیم یا مسبب
یا ارحم الراحمین لا یعلم
من کان عدو

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقیت

وگرسنگی معتد کردانند و بیران قادر نباشد یا در روزه و سلوک طاقت ندارد یا در سال قحط بطعام اندک صبر نتوانند کردن یا طفلان شیر باز کرده بود یا در غربت بجای گرفتار گشته یا در بیابانی بی آب بی طعام مانند این نام را هفتاد و هفت نوبت بر کوزهٔ نیچی یا اعتقاد تمام بخوانند و یا در درون کوزه بدمد و پر آب کنند و ازان آب بیاشامد جملهٔ علتهای مذکور را مفید بود و در بیابان و در کشته ایزد تعالی او را صبر کرامت فرماید و تشنگی ببرد و اگر بعدد تکسیر بقول شیخ کردوا زده هزار و یکصد بود عدد است مع صدد و مؤخر بر خاک پاک خوانند ایزد تعالی نگاهدارد هر قلیل الصبر کرا و در حین جوع و عطش قدری ازان خاک بر بستر کند و بو کند او را تسلی تمام حاصل گردد و غریب قادر این نام زود بوطن باز رسد شاد کام و توانگرا ما مربع را با خود دارد

۱۳۷	۱۴	۱۴۳		۱۳۰	ث	ی	ق	م
۱۴۲	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		ق	م	ث	ی
۱۳۲	۱۴۵	۱۳۸	۱۳۵		م	ق	ی	ث
۱۳۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۴		ی	ث	م	ق

الحسیب یعنی خدای بسنده است خلایق را و روا کردن حاجات و دفع بلیات این نامی است که کرام الکاتبین میگاه بندگان

من اللحوق الفرسند فیه و یقول تکلّموا حقّ منها حبة القوی و یرمیها الطیور یکفی شرّ عدوه و من اکثر ذکر القادر عند وضوئه غلب علی خصمه و کذا من اکثر ذکره المنتقم کفی امر عدوه از برای ظهور گمشده و دزد برده و امور غائب و اشکارا شدن معدنها و اطلاع بر عاقبت کارها که بیدا نه میشود شب پنجشنبه در یک مجلس دویست و بیکبار بخوانند که مقصود حاصل گردد و ادعای مجربه کرده اند ایة این است الم تعلم ان الله یعلم ما فی السموات والارض ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر و هر که مشکل از برای قضاء حوائج مشروعه را هفت روز هر روز هزار بار بخواند و ابتدا از روز جمعه

بیرکن

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحسیب

ببرکت این اسم اطلاع می یابد و حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که از جهت دفع دشمن قوی ورد کند هر روز هشتاد
نوبت بگوید از روز پنجشنبه ابتدا کند از شر او خلاص شود
و اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول
باید هر روز حساب اعمال ذمیمه خود کند از او پشیمان و نادم
بوده چنانکه سرور انام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله
میکرده اند میان برای کفایت خلایق و دربند و در حصول
مقاصد خلق کوشد کار خود را بخدا گذارد تا حساب قیامت
بروی آسان کرد دیگر فرموده اند هر که خائف بود از شر دشمنان و بیم
دزدان و چشم زخم و کید عدو و همسایه و همراه بد و زوج و زوجه
ناسازگار و ترس سلاطین و حکام جابر و بلای سفر و ترس قرض
نحوه و شر زندان و موذیان باید که از روز پنجشنبه تا روز چهارشنبه
این ایام دوره دارد در این ایام هفتاد و هفت نوبت بگوید
حسبی الله الحسیب و شبانگاه همچنین میگوید مراد او حاصل
گردد و از جمله علل نجات یابد و بعد از دیگر حاجت بروزه
ببیند هر که هر بامداد و شبانگاه بیعدد او درد سازد از برکت این
اسم مال و فرزندانرا و از جمله نکبات و آفات لیل و نهار ایمن
باشند و شیخ مغربی فرموده هر که این چهار کلمه که حسبی ربی من

تا بی در پنجشنبه ختم کند و ببار
خبیر کرده اند و در جمعه یا الله
شنبه یا رحمن یا رحیم
یا هو شنبه یا احد و دوشنبه
یکشنبه یا واحد یا احد یا
یا فرد یا صمد سه شنبه یا حنان یا منان
قیوم چهارشنبه یا ذا الجلال والاکرام
پنجشنبه یا [illegible] [illegible] علیه السلام فرمودند
از حضرت امام حسن علیه و آله فرمودند
جنابت [illegible] صلی الله علیه و آله فرمودند
که [illegible] یا مفضل یا من [illegible]
روز [illegible] یا حی یا قیوم
خبر [illegible] شنبه [illegible]
یکشنبه یا [illegible] سبحان الله والحمد لله
دوشنبه یا الله یا رحمن [illegible]
سه شنبه یا [illegible] یا غفور
الله و [illegible] الوکیل و الاله [illegible]
جمعه یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحسیب

مِن کُلِّ ربّی دو مربع چهار در چهار وضع کنند و حینیکه آفتاب در ابتدای حمل باشد و بسعادت ناظر و قمر از نحوسات ساقط بنویسد و با خود دارد و هر روز بیست و یک نوبت بخوانند و بر خود دمند اگر همه عالم دشمن او گردند هیچ آفتی بوی نرسد اگر شخصی را بتهمت گرفتار ساخته باشند و او را از سلطان بیم بود این مربع را با خود دارد چون او را چشم بر پادشاه افتد این اسم بخواند تا آنکه حکام با او سخن گویند هرچه گوید بجواب خدا تعالی از سلطان و امیر رحیم و مهربان گرداند و از نظر او سالم بیرون آید باید که با او چندان شفقت و مرحمت نماید چندانکه خلایق از آن حیران بمانند این از برکت الحسیب است و اگر بر اطلس سبز بطلا بنویسد بغایت خوب مبارک بود

حسیبی	ربّی	من کلّ	مربّی
مربّی	من کلّ	ربّی	حسیبی
ربّی	حسیبی	مربّی	من کلّ
من کلّ	مربّی	حسیبی	ربّی

ح	س	ی	ب	۵		۳۱	۲۵	۱۹
ی	ب	ح	س		۲۲	۱۷	۷	۲۹
ب	ی	س	ح		۱۵	۲۱	۳۵	۹
س	ح	ب	ی		۳۳	۱۱	۱۳	۲۳

چهل مرتبه باین تفصیل بخوانند از شنبه تا
شنبه یک مرتبه یکشنبه سه مرتبه
دوشنبه پنج مرتبه سه‌شنبه هفت مرتبه
و چهارشنبه هم هفت مرتبه پنجشنبه هشت
مرتبه جمعه نه مرتبه مجموع چهل
مرتبه میشود و دعای صنمی قریش
از دعاهای مشهور است و منسوبست بحضرت امیر
المؤمنین ع در قنوت نماز شب میخواندند
و در کتاب جمال الصالحین وغیره مسطور
است شرح و ثواب مبسوط دارد
بجهت هر مهمی که داشته باشد
این اسم مبارک که سلام قولا من رب رحیم
هفتصد بار بخوانند در هر روز
تا یازده روز و ابتدا از روز چهارشنبه
نماید بغایت مجرب است
اما حق آنچه بنظر رسیده در خلوت بعد
نماز صبح بنحوی که در بیان هفته هر روز
ختم نماید بعد از آن در یک هفته دیگر
هر روز نه بار بخوانند از شنبه کنند و جمعه
شروع کنند و بجمعه

الجلیل

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجلیل

الجلیل یعنی خدای بزرگوار بذات و جمیع صفات این نامی است که
همه مخلوقات از هیبت و جلالت این نام میترسند اهل حقیقت
گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که بعین یقین به بیند
و بعلم یقین بداند که جلالت و عظمت و بزرگواری خاصهٔ حضرت جلیل
جبار است و صفت بنده مسکنت و ضعف است و چندان مسکنت و عجز خود
اظهار کند و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازد تا حضرت
جلیل او را حشر گرداند با طایفه که حضرت بهترین موجودات صلی
الله علیه و اله فرموده اند اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا
واحشرنی فی زمرة المساکین و حضرت امام رضا فرموده اند هر که
هفت روز هر روز بنویسد این اسم را بمشک و زعفران و گلاب و شکر
بنان و بخورد و هر روز یک نان صدقه کند او را بود در میان خلایق
افراز تمام ز برکت این نام دیگر فرموده اند هر که هفتاد و سه نوبت
بنویسد این نام را بمشک و زعفران و گلاب بکاغذ بقلم باریک
و بر بازوی راست بندد و بر خاتم نقره که بیچیک او طلا باشد نقش
کند بحروف تکسیر و در دست چپ کند و هر روز بعد تکسیر میخواند
مجربست برای بزرگی و حشمت و طلب جاه میان خلایق و تقرب نزد
سلاطین و هیبتی باشد از او در دل خلایق و اعدا او که خواهد که
بدعوت این اسم قیام نماید بعد تکسیر تا بعد کبیر خواند و عدد تکسیر

تمام نماید بخور دهم بسوزانند بعد از اتمام
دو هفته هر روز یکبار دست بخوانند انشاء الله مهمش برآید
مجربست **ختم الفتاح** این اسم
سبحانه چهارده مرتبه بگوید بعد از هر نماز
خداوند او را غنی کرداند و هر کس دو دست ها را بلند
شب بیدار او بر هفته کند دست را بگوید الهی بنده
نماید صد مرتبه این اسم را بگوید و قضا شود
فقر او و بلا کرفع و حاجتها و دو تسبیح از حضرت
مجرب دفع فقر و برآید حاجت منقول است که هر
رسول صلی الله علیه و اله منقول است
در شبانه روز صد بار این دعا بخواند الرحمن الرحیم
غنی کند بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم
یا کبیر یا الله یا اکرم یا الهی یا حسنات
احسن الی یا احسن **الحسنین** یا رحمن
یا ارحم الراحمین نعمت باد دو و نیز باد
باشد که همچنین هر روز بخواند یا اوردات
کالبی کفاف و باشد بخواند اندو حاجت
کمان را انجو ادا حاجت او
رسد حاجات
ان شاء الله

در شرح کلمه مبارکه الجلیل

در بینه و نور زاست و سمع صد و هشت و چهار صد هشتاد است در این اسم مناسب کسانی است که سر و نور دل گشته باشند و دنیا خراب و خواهند که همچنان بمانند در وقت خوابیدن نقش خاتم گاه گاه نظر کنند و دیگر کسانیرا مسلم است خواندن این اسم که ایشان متجلی گشته باشند بصفات عظمت و بزرگواری حضرت عزت جل جلاله

۱۸	۲۱	۲۴		۱۰	ل	ی	ل	ج
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ل	ج	ل	ی
۱۲	۲۶	۱۹	۱۶		ج	ل	ی	ل
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ی	ل	ج	ل

الکریم یعنی خدا پاکست و صفت نیکو دارد و در گذرنده جرم و تقصیر نبندگان کار پریشان روزگار این نامی است که هر که تعهد و مداومت باشد برکت این نام بوقرار دانند اهل حقیقت گویند که هر که خواهد دعوت این اسم اعظم کند باید خود را موصوف بکرم سازد و انمقدار که تواند رحم و شفقت و کرم و معرفت از خلق خدا دریغ ندارد بلکه منت قبول کند و حضرت امام رضا علیه السلام میفرمایند هر که این اسم بسیار گوید حضرت کریم مقاصد دنیا و آخرت او را کفایت

یا عمادی عند کل کربة ومعاذی عند کل شدة ومحبوبی عند کل دعوة از هفته هر مطلب برآید ابتدا از روز دوشنبه نماید تا دوازده روز بعد از نماز صبح بگوید لا اله الا الله القابض العلی العظیم وصد مرتبه بگوید محمد رسول الله النبی المختار الکریم وسی مرتبه بگوید علی ولی الله المخلص الصفی العظیم وصد مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی الامی محمد وآله وسلم وصد مرتبه بگوید یا الله حسبک ومنک مدد وعلیک معتمدی ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی وصد مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

در شرح کلمۀ تبارک الکبیر

منقولست از شیخ ابو العباس که هر که این اسم شریف را بسیار گوید معظم و
مکرم گردد و هر که در نماز خواب میداند این اسم را چهل بار بگوید که
در خواب بیند ملکی را که بگوید دعا کن که دعای تو سریع الاجابت
و دیگر فرموده اند هر که بعد و لیستی فقر و عیال فرو مانده باشد چون
بر این اسم مداومت نماید مفتاح رزق وی بود و روزی او از جائی برسد
که گمان ندارد و مداومت این نام بعدد کبیر یا بعدد تکسیر باید و
عدد تکسیر الکریم یکهزار و هشتصد و شش است عدد تکسیر یا کریم
یکهزار و ششصد و هشتاد و شش است عدد اصلی دویست و هفتاد و
و کبیر زیاده از هزار بار و عدد تکسیر شیخ مغربی مع صدر و موخر
سه هزار و ده است یا کریم مع صدر و موخر دو هزار و دویست و هفتاد است
و لی صدر و موخر یکهزار و ششصد و بیست قادری بهر عدد که خواهد بخواند
و مربع این نام در سعت رزق اثری عظیم دارد خواه بعدد و سر تکسیر و
خواه بعدد و سر کبیر هر دو را مثال نمائیم تا عامل را مشکل نباشد

ك	ر	ی	م		٦٠	٧٣	٧٠	٦٢	[illegible]	٥٧٤	٥٨٨	٥٨٥	٦٨١
ی	م	ك	ر	[illegible]	٧١	٦٦	٦١	٧٢		٥٨٦	٥٨٠	٥٧٥	٥٨٧
م	ی	ر	ك		٦٥	٦٨	٧٥	٦٣		٥٧٩	٥٨٣	٥٩٠	٥٧٦
ر	ك	م	ی		٧٤		٦٤	٦٩		٥٨٩	٥٧٧	٥٧٨	٥٨٤

٦٣

اما باید که بر نقره نقش کنند بطالع سعد و نگین کنند تا اثر عظیم دهد

[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرقیب

و اینرا بعد ازین خواهد کرد باید که در شرف آفتاب یا در تثلیث و تسدیس
سعدین و قمر بعید از منحوس متصل و از نحسین منصرف باشد عدد این اسم را
یا عدد اسم خود در مربع نهد چنانکه سابقاً مذکور شد عمل نماید خواص
تمام یابد اگر بر لوح نقره نقش کند اثر تمام دارد و اگر بر نقره میسر
نشود بر کاغذ نویسد همین خواص دهد و چون الواح با خود دارد هر
روز کم از هزار و دویست و هشتاد و یک نوبت نباید بخواند
الرقیب یعنی نگاهدارنده همه کس و همه چیز در همه حال این نامی است
که حضرت شعیب بجهت گوسفندان امیرفت این نام را بسیار میگفت هر که
این نام بسیار بخواند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که خاصیت این
اسم کند باید که خدای تعالی را در نهان و آشکارا ناظر و نگهبان خود
داند و دایم متحرز باشد که نباید از او قول و فعل و اندیشه صادر شود
که مرضی حضرت عزت نباشد تا حضرت رقیب پردهٔ دل او را ناظر بملک
ملکوت نماید حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را دشمنی
قوی باشد هفت نوبت بخواند از شر او ایمن شود شیخ گوید هر که بخواند
این اسم مداومت نماید چندانکه تواند بنیت اهل و فرزندان و نفس و
مال و عیال از آنچه میترسد ایمن گردد و از آفات و بلیات سالم ماند
و اگر کسی را عورت جمیله یا پسر صاحب جمال بود این اسم را بسیار
خواند حق تعالی او را نگاهدارد و بحفظ خود نگاهدارد (مربع الرقیب در صفحهٔ مقابل)

بعد از نماز صبح بیست و هشت بار
بگوید یا رقیب [illegible] بسیار آزموده و مجرب
و در جمیع دعوات [illegible]
بعضی از شرایط و آداب دعا [illegible]
دانستن بعضی مفصل [illegible] قیام نماید
اینست که در وقت دعا [illegible] رو بقبله
بنشیند و با وضو باشد [illegible]
ادب باشد و در اثنای ذکر [illegible]
و از غفلت [illegible]
بخلاف [illegible]
شود و دل حاضر [illegible]
کند و در دعا و الحاح [illegible]
با استجابت [illegible] طلب نکند
ملول نشود و در [illegible]
ملاحظهٔ حلیت و حرمت [illegible]
اول با خود دعا [illegible]
این شرایط و آداب [illegible]
در فایدت [illegible]
بیان [illegible]
نماند [illegible]
لطیف [illegible] انشاء الله

در شرح کلمه مبارکه المجیب

	٢٢	٨٣	٨٩	٦٣
	٨٧	٦٥	٧٥	٨٥
	٦٢	٩٣	٧٩	٧٣
٨١		٧١	٦٩	٩١

ب	ی	ق	د
ق	د	ب	ی
د	ق	ی	ب
ی	ب	د	ق

المجیب یعنی خدای اجابت کننده است انرا که خواهد این نامی است که
اسمعیل علیه السلام میگفت و کارد بر گلوی وی کار نکرد و حقتعالی از جهت او
فدا فرستاد و نجات یافت چون کسی خواهد که احصاء این اسم کند
باید که هر حاجتمندی که حاجت خود را براو عرض کند بامقدار که تواند
اجابت کند و او را نومید نگرداند حاجت خود را بجز خدا تعالی نگوید
تا حضرت عزت حاجات وی را بر آورده گرداند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که صد ده بار بگوید حاجت خود عرض کند حاجات او
بکلی بر آورده گردد و هر که دایم مداومت کند ایمن بود از نکبات دنیا
شیخ ابو سعید گوید هر که در اخر هر دعائی بیست و شش بار بگوید
یا سریع یا مجیب برود دعای او مستجاب گردد و شیخ شهاب الدین سهروردی
فرموده که این مربع (در صفحه طه) با خود دارد در همه حال از بلا
ایمن بود اگر کسی را مهمی و کاری بود و در حصول ان مضطر گشته جمعی
با یکدیگر در یک مجلس این نام را نود هزار بار بخوانند البته اثر اجابت
ظاهر گردد و اگر میسر نشود نوزده هزار نوبت بگوید در نسخه شاهی

بعباده یرزق من یشاء وهو القوی
العزیز و چون سلام دهد بعد از
السنه و صلوات بفرستد یا لطیف و بعد ازین
اسم را بگوید بعدد که انشاء الله
و حاجت بخواهد مقصود زود انشاء الله
تعالی باجابت مقرون گردد و قضاء حاجت
میکنند اگر تاخیر افتاد نظر نماید
باز دو رکعت نماز بعد ازین مرتبه بخواند
و اسم مذکور را مفصل سه مرتبه بخواند
عجایب و خیر تجربه نموده ام المجیب
هر حاجت و شغل که ... صلی الله علیه وآله وسلم
صلی الله علیه واله و سلم درود
هر کسی که ... یکبار و هر سوره به
یکبار بخواند بعد از سلام ده مرتبه
صلوات بفرستد و سبحان الله العظیم
استغفر الله العظیم و اتوب الیه
... یا شدید از ... انشاء الله
و هر حاجت که داشته باشد بر آورده
تعالی ایضا جهة هر حاجت
در هم ... اوقات

ذیل شرح کلمهٔ مبارکهٔ المجیب

از نوم انده هر که بخواص صفتها الدعوة قد استجابت که مذکور

م	ج	ی	ب
ی	ب	م	ج
ب	ی	ج	م
ج	م	ب	ی

٦	٢٠	١٦	١٣
١٧	١٢	٢	١٩
١١	١٤		٨
٢١	٩	١٠	١٥

٢٢

شد هر روز شصت و شش نوبت بگوید در آخر بخواند استجب
دعواتی کلها یا ذا الجلال والاکرام همه دعوات مستجاب شود
الواسع یعنی خدا گشاده است فضل و رحمت او و فهم و علم او و رسانند
این جمله است بر بندگان این نامی است که عرش به برکت این نام قائم است و اهل
تحقیق گویند که هر که خواهد حصه‌ای از این نام کند باید که حسد و بخل را و من جمیع الجود
از خود دور گرداند آنچه دارد ببیند که از خدا است تعالی ایثار کند طعام دهد تا
گرداند و جمعی از اکابر گویند هر که را خدا تعالی مالی داده باشد
و بر آن قناعت نکند در جمع مال حریص باشد چون بدین نام مداومت
نماید قانع گردد و یکی از اکابر فرموده هر که را معیشت تنگ بود و بزحمت
گذراند این اسم ابو بکره بر پوست تکسیر نقش کند اگر میسر نگردد
بر کاغذ نقش کند با خود دارد مداومت نماید حق تعالی روزی او را
فراخ گرداند بآسانی و سهولت با و رسانند بعد از آنکه هر روز بخواند

[illegible]

حاجتی که باشد دو رکعت نماز بگزارد
و بعد از سلام بلا فصله بخواند
قل هو الله احد دست برداشته
و سر بر زمین نهاده یکصد بار بگوید یا غنی
و پیری و تا ده روز بخواند
در بلغ قرب ناشد هر که
و فهم و رسانند هر که
مجرب است گرداند انشاء الله
عاذ قول اللهم حقه هر حاجت
رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد
سوره توحید ده بار بخواند و ده مرتبه
آیه مبارکه را در رکوع و ده مرتبه
بعد از سر برداشتن از رکوع و ده مرتبه
در سجده اول و ده مرتبه در سجده دوم
و ده بار بعد از سر برداشتن از هر دو
سجده ده بار در هر دو رکعت و ایا بن
بکند بعد از سلام سر بسجده گذارد و
ده بار بگوید فقال رب اغفر لی وهب
لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی
انک انت الوهاب پس هر دعا
از خدا خواهد که
را ورده

مربع کلمه مبارکه الواسع (۸۹)

ع	س	ا	و
ا	و	ع	س
و	ا	س	ع
س	ع	و	ا

۳۴	۳۷	۴۰	۲۶
۳۹	۲۷	۳۳	۳۸
۲۸		۳۵	۳۲
۳۶	۳۱	۲۹	۴۱

۴۲

و هفتاد است عدد تکسیر چهارصد یازده نوبت است و تکسیر
این است و ا س ع و س ا ع س و و هم شیخ فرموده که از عجایب
خواص بزرگ دعوت این اسم چهار اسم است الودود الواسع
اللطیف الشهید هر که بعد تکسیر این چهار اسم را مداومت
نماید چهل روز او را باشد در دعوت این اسماء علو مرتبه و منزلت عالی
در هر امر که خواهد و تسخیر قلوب سلاطین سبب فتح جاه و
مناصب و احوال عجیب حالات غریب و وسعت رزق در دعوت این اسما
است سه هزار و بیست و پنج عدد است الحکیم یعنی خدای
تعالی صواب کار است و بسیار معانی پوشیده است در گفتار و کردار
این نامی است که روح به برکت این نام در قالبها ز هیبت این اسم
در و شیخ فرموده هر که را دولت دست دهد در آن مضطرب گردد
و او را تحمل آن دولت نکاه نبود و از زوال ترسد این نام را بسیار خواند
او را در آن دولت عظمت و بهشت پیدا شود و حضرت امام رضا علیه

ارتفاع از جمیع خفضا عند حدوث
الامر ببشت سبعة عشر و نفرح و
و لا تطلب الغیب الا بالشمس تکالیفه
و کتا الشریعه ما ذکرها است بعد
این اسم که جمیل و جلیل الله
دو رکعت اول و افوض امری الی الله
صد بار بگوید و دو رکعت دوم لا اله
الا الله صد و پنج بار بگوید سبحانک انی کنت من الظالمین
صد از هم بیست و پنج انک انی کنت من الظالمین
الا انت سبحانک و نجیناه من الغم
فاستجبنا له و نجیناه و دو رکعت
کذلک ننجی المؤمنین و دو رکعت الله
لا اله بیست و پنج بار بگوید حسبی الله
سوم بیست و پنج و رکعت چهارم نعم
و نعم الوکیل و دو رکعت لا حول و لا
بیست و پنج بار بگوید و بعد از
قوة الا بالله العلی العظیم و بعد
سلام بیست و پنج بار صلوات بفرستد
و حاجت بخواهد از خدا بخواهد
منجز است و مکرر تجربه
شده است

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکیم

فرموده اند هر که جهت انجاح هر دو شغلی این نام را بسیار گوید انکار
ایشان کردن اهل دانش گویند که در این عجایب و غرایب بسیار است
هر که را مهمی پیش آید از قبض و بسط و قرض و غربت و تنگی معیشت
و درویشی و امثال این باید که مداومت نماید بر این اسماء نمایند اهل
حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که زبان
از اعتراض نگاه دارد و در کارهای مخلوقات مدخل نسازد و بداند
که هر چه از ارادهٔ حضرت حکیم بوده موجود گردانیده و جملهٔ موجودات را
چنانکه میخواست آفریده و هر چه بهر که داده عین حکمت است و غیر
آن نمیشایست پس باید که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت
حکیم حقیقت اشیا را بر وی منکشف گرداند و دعوت این اسم مناسب
کسانیست که خواهند در علم حکمت شروع کنند و آنچه دانند در زیاد
او کوشند باید که این اسم قیام نمایند و هر چند بیش خوانند زیاده
یابند از آنچه خواهند و این را عدد معین نساخته اند چنانکه بسند
صحیح آورده اند که روزی مردی نزد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
آمد و عرض کرد یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد قرض بسیار دارم
حضرت فرمود این اسما را بخوان روزی و عدد تعیین نفرمود بار دیگر
آمد استدعا کرد که یا رسول الله وام ادا شد اما از متاع
دنیا هیچ ندارم فرمود تکرار همین آیات قیام نما بعد از مدتی آمد و

عرض کرد

ایضاً از جملهٔ نمازهای برای قضای
حوائج دو رکعت که بعد الحمد در هر رکعت
ده بار سوره قریش بخوانند و بعد از
سلام ده مرتبه یا صمد بخواند و هفت مرتبه صلوات
بفرستند بعد از آن در سجده ده بار بگوید اللهم
اغننی بفضلک عن خلقک و ده
بار بگوید اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک و بفضلک عمن سواک

ایضاً جهت مطالب عمده

و وسعت رزق و غالب شدن بر خصم
در شب جمعه یک ساعت پیش از
طلوع صبح برخیزد دو رکعت نماز
افتتاح بجا آورد در رکعت اول
بعد از حمد سورهٔ اذا جاء نصر الله را
تا آخر بخوانند و در رکعت دوم بعد از
حمد سورهٔ قل هو الله احد را بخوانند
و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات
بفرستند که اخراو و عجل
فرجهم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکیم

عرض کرد یا حبیب الله دشمن بسیار دارم و همسایه بد دارم و مرا بعداوت همین آیه کریمه فرمود و دو گذیر این گذشت باز بخدمت رسول خدا آمد گفت از حکام و سلاطین میترسم فرمود همین آیات بر زبان میران و از هیچ فریبی مترس و هر امر مشکل که ترا پیش آید که در آن متحیر مانی در این آیات شروع کن تا خدا تعالی از برکت این چند نام بزرگ آسان گرداند راوی گوید که حکمت چه بود که این آیات فرمود و آیه دیگر ارشاد نکرد اهل حقیقت گویند که معانی پوشیده در ضمن این آیات بسیار است و شرح این آیات بحر [illegible] را هیچ ... بجواهر القرآن است حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که این آیات بخواند ثواب آنها را بروح والدین بخشد ایشان را هیچ حقی در گردن آن فرزند نماند و آیه کریمه این است

بسم الله الرحمن الرحیم فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله العظمة فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الفضل فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین

بوده باشد و بعد از آن هزار و یکبار بگوید یا لطیف ارحم انا عبدک الضعیف عدد کبیرش چهل و یک روز و عدد صغیرش یازده روز افضلها از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت است که چون حضرت امیر المؤمنین را [illegible] کار دشوار روی دادی جامه پاک پوشیدی و وضو ساختی و بجای پاکیزه ترین جای خانه رفتی و نماز کردی چهار رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت و در رکعت دوم اذا جاء و در رکعت سوم قل یا ایها الکافرون و در رکعت چهارم قل هو الله احد خواندی و بعد از آن دست به دعا برداشتی و این دعا خواندی اللهم انی اسئلک باسمائک التی

در شرح کلمه مبارکه الحکیم

وله النور فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم فلله
الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الملک
فی السموات وهو العزیز الحکیم و شرح این آیات در این مختصر هم
قدر کفایت میکند بعد شیخ مغرب که تکسیر کرده اند و عدد تکسیر
نکرده اند اول تکسیر است نزد استاد شیخ ابو العباس عدد تکسیر
الحکیم پانصد چهل و پنج عدد است با حکیم چهارصد چهل و پنج
عدد است عدد تکسیر مغربی با الف و لام پانصد چهل و پنج عدد است
و بنای نزد چهارصد چهل و پنج عدد است بر مجموع عدد قاری صغیر است

ح	ک	ی	م	اقا هر چند پیشتر خوانند فایده بیشتر دهد	۱۲	۲۵	۲۲	۱۹
ی	م	ح	ک		۲۳	۱۸	۱۳	۲۴
م	ی	ک	ح		۱۷	۳۰		۱۴
ک	ح	م	ی		۲۶	۱۵	۱۶	۲۱

۲۷

الودود یعنی خدای تعالی دوست مطیعان است و دوست دارند
هر دوست فرمانبردار را و این نامی است که آدم و حوا علیهما السلام را
مودت زیاده بیشتر اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصای این
اسم کند باید که مر طاعت و دوستی مخلوقات بر مهابان بندد
و تمامی ایشان که مخلوق حضرت دوست نبی دوست دارد و از دواه عداوت
کینه هیچ آفریده در دل نگیرد تا حضرت ودود او را بخلق خود محبوب

اذا دعیت بها علی ابواب السماء للفتح انفتحت و اذا دعیت بها علی مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت و اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی ابواب العسر للیسر تیسرت و اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی القبور للنشور انتشرت و صلی الله علی محمد و آل محمد و اقلبنی بقضاء حاجتی چون این دعا را بجا آورد بحق خدا قسم که قدم بر ندارد مگر حاجت او روا شود ایضا جهت قضای حاجات دینی و دنیوی و فتح جمیع مطالب این دو رکعت نماز را در شب چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه بعد از حمد سوره یس را بخواند و در هر رکعت بجا آورد و بعد از نماز بگوید الله کبیر الله کبیر

در شرح کلمه مبارکه الودود

گفته‌اند که هر که او را بپیوند و ثانی در حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که هر روز جمعه از جهت الفت ازدواج بر هزار و یک
مویز خواند ها بر طعام و هر دو بخورند موافقت یابند یکی از اکابر
فرموده اگر کسی را خصمی قوی باشد یا جمعی دشمن شخصی باشند جهة
دفع آن خصم نبوک چهل روز دعوت این اسم کند بعد که آن عدو محب
و مهربان گردد باذن الله تعالی و یکی از اکابر در فضیلت اسم الودود
المجید در جواهر القرآن آورده که جهت جاه و قدرت و قوت و حرمت میان
خلایق و عزت نزد ملوک و سلاطین و گشادگی کارها و دفع غم
حزن و خصم قوی و بخت های بسته و بر آمد حاجات و رفع هیبت و تعظیم
و صفای باطن و جلای قلب و دفع وسوسه سودا و حصول مراد باید که
در روز آخر شعبان یا روز عرفه عید قربان یا روز جمعه غره ماه هر ماه که
باشد هر نحبت که باشد یا بعدد بخواند عدد کبیر و هزار و چهل و بیست و
دو عدد است و عدد وسیط هزار و دویست پانزده است و عدد صغیر هفتاد و
هفت است البته روز دعوت غسل کند روزه دارد و بیک مجلس بخواند
و بخور بسوزاند و متوجه قبله باشد بی آنکه سخن گوید چون وقت افطار
شود و اندر دعوت چیزی باقی باشد افطار کند اما سخن دنیا نگوید و چون
از طعام فارغ شود بقیه آن بخواند و با تمام میرساند صباح آن شب
آنچه تواند تصدق کند و از هفته مقاصد بحصول پیوندد و از برکت

انفعا بجهت قضای حوایج خصوصا
رفعت وقت و جاه و دولت دو
رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد
از نماز حاجت یکبار اسم عظیم را
با فضلت هفت صد بار بگوید
و بعد از سجده تمکن از شدید
الغنم فلله الغنی جمیعا و بعضی
و در بعضی نسخه تفتیش کرده است
انفعا از جمله نمازها حاجت
است که روز جمعه یا هفتم روز
انباست بر نیت حوایج است
و الی باشد یا از کسی خوف داشته
باشد یا امر مشکلی پیش آید یا نماز
بجا آورد و قدرتی از غم نجات یابد
که از شب جمعه بگذرد و در دعا آید
و باید پیش از نماز قضای حاجت نماز
کند غسل از برای قضای حاجت دو رکعت
نماز بجا آورد و بعد از سلام سر بسجده
بگذارد و در سجده و آنجا که
بجا آورد و در هر بار که بگوید یا الله
از جهت آل محمد امری یا الله
تعجیل یا قریب

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الودود

این کریمه محبوب خلایق گردد و هم آورده‌اند که شخصی بود قطاع الطریق
و بزنا کردن مشهور و شارب خمر و عاق والدین و کذاب که هر چه گفتی
غیر این کردی و اغلب دروغ گفتی و در ایذای اهل اسلام کوشیدی
و ترسا بودی نوبتی باوی ملاقات کردم احوال قیامت بگفتم که گریه
بروی غالب گشت بعد از فرصتی گفت ای شیخ مرا دعائی کن گفتم اسلام
آور تا ترا کلمهٔ چند بیاموزم تا بآن قیام نمائی خدای تعالی ترا
از این ضلالت نجات بخشد کلمه عرض کرد این اسم نوشتم و بوی تعلیم کردم
تا سه روز این اسم را حفظ کرد روز غرهٔ ماه رجب که جمعه بود او را
غسل داده بدعوت این اسم ارشاد کردم و بنده بمحبت تسخیر قلوبهم
در آن چنین خوانده بودم چون ختم را با تمام رسانید او را دیدم که در ادای
حقوق مسلمانان شروع کرده از هر کس که بجهل در قطع طریق چیزی
برده بود میکوشید تا عوض باز دهد تا واقعهٔ قربان او را در عرفات
دیدم و رنگ زرد و شادی بر جمعی که با او مصاحب بودند همراه او
او برآمده در یک جانب از دشت پر خلایق بسجده افتاده‌اند و مناجات
میکنند نزدیک ایشان رفتم چون روی از خاک برداشت گفت ای شیخ
دیدی که حضرت دوست بنده خود را از برکت اینکلام خود از درجهٔ اسفل
بمرتبهٔ علی میرساند یا شیخ بسر من رسید آنچه در ضمیر خلایق است
و چند کلمه بیان کرد که مشکلات دینیهٔ من از آن حل شد و او را دیدم

و در دو رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید نصر من الله و فتح قریب و در
رکعت سوم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید الا الی الله تصیر الامور و در
رکعت چهارم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید انا فتحنا لک فتحا مبینا
و چون سلام باز دهد صد بار بگوید
غفرانک ربنا و الیک المصیر
پس سر بسجده نهد و صد بار
بگوید استغفر الله و اتوب الیه
هنوز سر از سجده برنداشته باشد
حاجت او روا شود ان شاء الله تعالی

ایضاً

از اهل بیت عصمت منقولست
که هر که دو رکعت نماز بگذارد در موضع
پاکیزه و در آن بعینه و بشب یا روز و
در هر رکعت حمد یکبار و آیة الکرسی
یکبار بخواند و چون فارغ شود از نماز
پا برهنه و سر برهنه کند و دستها را
باسمان بلند کند و قطره
در گردن نماز

یا مقام

با صفا باطنی که بصورتم نبود در میان خلایق عرفات در آمدند و قربانی
میکردند میگفتند یا ودود یا ودود تا از میان آن جمع بیرون
رفتند و دو اوی بادیه پیش گرفته برفتند دیگر ایشان را ندیدم و اگر
کسی این دعوت را بخواند کردیا این دو صغیر که هفتاد هفت است مداومت
نماید این کو بیم را شرح بسیار است در این مختصر بدین قدر اختصار
کردیم تا بتطویل نیانجامد آیه این است إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ وَ
هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ
المجید یعنی خدای پاک و منزه است از گرفتن زمان و مکان
و در سیدن آثار و بزرگواری هر کس این نامی است که آدم صفی بمرتبه
وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ببرکت این نام رسید اهل تحقیق گویند
هر که خواهد دعوت این اسم کند باید با عمدادی که تواند بندگان
خدای را شفقت کند و نفع رساند مدت تا حضرت حق تعالی او را نور
بندگان محکوم کرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر سالک را
که قبض بود و فتح نشود در ریاضت طالب را نسبت تکرار این اسم مداومت
نماید ابواب سیر و سلوک بروی بگشاید و یکی از اکابر فرموده در میان
ابنای جنس خود هر که بی اعتبار گشته باشد ورد کرده هر روز بعد از
اتمام نماز بامداد نود و نه بار این اسم را بخواند و باد بر خود دمد بعزت
و رفعت و جاه و طلب عزت و هر که ترسد از علت برص و جذام و نقرس

وسوره ... البناده تمام کند
چون بر کیف تکون برسد سجده
کند و در سجده بگوید فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء و الیه
ترجعون و بعد از آن حاجت
خود را از خدا خواهد هر حاجت باشد که
بسته شده باشد انشاء الله تعالی
حاجت او روا شود و اگر مشکلی پیش آید
ایضا آن کریم را شد دو رکعت نماز
با خشوع بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سوره
بگذارد در رکعت ثانی انا فتحنا تا ونصراً عزیزا
اخلاص و در رکعت دوم بعد از حمد سوره انا فتحنا را
بخواند و در رکعت الم نشرح ونصر اعجاز
اخلاص و الم نشرح گشوده خواهد شد
تا آخر بخواند البته گشوده شود انشاء الله تعالی
برای ورد هفتاد و دو بار در نصف شب
ایضا جهت هر مطلب دو رکعت نماز
پنجشنبه دوازده رکعت
بگذارد و در هر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباعث

وجملهٔ علمها باید که ایام البیض روزه دارد و در این سه روز
متصل تکرار این اسم قیام نماید حق سبحانه وتعالی او را از آن علل
نگاه دارد اگر بعلت گرفتار بود خدا تعالی او را صحت کرامت
فرماید علی الخصوص از این سه علت الباعث یعنی
برانگیزانندهٔ هر نفس و تن مرده و پیدا کنندهٔ هر چیز زنده این نامی
نامی است که در روز محشر مردگان را ببرکت این نام زنده کردانند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد عوت این اسم کند اول باید که امر معروف
ونهی منکر لازم گیرد بندگان خداوند را و باعث طاعت شود تا
حضرت ملک علام با عمل دل مردهٔ او را زنده کرداند در روز محشر
او را سفیدروی برانگیزاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
هر از مومن را که عقده شهوت بود یا آنکه نفس خود را کشته بود
او را امر بدست دهد که بان قیام باید نمود هفت روز هر روز
پانصد بار بگوید و در مربع نوشته بانظر بی در بازو ببندد بگشاید

ب	ا	ع	ث
ث	ع	ا	ب
ا	ب	ث	ع
ع	ث	ب	ا

۱۳۵	۱۴۹	۱۴۶	۱۴۳
۱۴۷	۱۴۲	۱۳۶	۱۴۸
۱۴۱	۱۴۴		۱۳۷
۱۵۰	۱۳۸	۱۴۰	۱۴۵

۱۵۱

و در نظر هیچکس خجل نشود و یکی از اکابر فرموده هر که را دل مرده بود

بعد از حمد ده بار سورهٔ طاعون بخواند
و بعد از هر دو رکعت که سلام دهد
بیست بار بگوید استغفر الله چون
از نماز فارغ شود سر بسجده نهد و
حاجت خود را بخواهد البته
باذن الله روا میشود و ایضا
از برای توسعهٔ رزق و محبت و غیره
و توانگری نزدیک صبح برخیزد و دو
رکعت نماز حاجت بجا آورد و در رکعت
اول بعد از حمد هفتاد مرتبه سورهٔ قل یا
ایها الکافرون و در رکعت دوم
هفتاد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
و در رکوع هر دو رکعت هفتاد مرتبه
ذکر رکوع و در سجود هر و هفتاد
مرتبه ذکر سجود و بعد از نماز هفتاد
مرتبه آیة الکرسی را بخوانند که مجربست
و گفته اند که از کنوز مخفیه است و بهر
کس نیاموزند ایضا
از حضرت رسول

اوقفلت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباعث

از غفلت هوا و هوس و وسوسهٔ نفس و خیالات فاسد و حرص
و جمع کردن دنیا و افراط شهوت بیکار داین اسم اعظم مداومت نماید
خاصه بوقت خواب دست بر سینه نهد صد بار این اسم را بگوید
حق تعالی او را مطلع انوار معرفت خود گرداند دل مرده او را به
معرفت خود زنده سازد و چون مشهور است شیخ مغربی فرموده که
دعوت این اسم موجب صفای باطن و گشایش سلوک و دفع وسوسه شیطان
هر روز بعد تکبیر بخواند عدد تکبیر شیخ مغربی الباعث هزار و
بیست عدد است و عدد تکبیر شیخ ابو العباس الباعث سه هزار و دو صد
چهل میشود نزد این هر دو بزرگ عدد تکبیر باعث هزار و هفتصد و
نوزده است و قاری مخیر است هر عدد و کیفیت که خواهد بخواند

الشهید یعنی خدای تعالی آگاه و بینا است همه چیزهای اند
و بیناست نهان و آشکارا این جا است که طفل از ادر شکم مادر
بطفیل این اسم سعادتمند شد اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این اسم کند باید که هر چه گوید راست گوید و کلمه الله را از هیچ
کس دریغ ندارد و از هیچ کس نترسد اگر او را گواهی باشد در محل خود
راست ادا کند و مخل میل و کتمان قرار ندهد تا حضرت الله تعالی او را
در روز موعود سفید حشر کند بپای که گواهی دهد یکی از اکابر
فرموده هر که را زن و فرزند یا کنیزک یا کس دیگر اطاعت نکند هر صباح

روایت است که هر که روز جمعه چهار
رکعت نماز قبل از نماز جمعه بگزارد
و در رکعت اول بعد از فاتحه یک بار سوره و
سوره اخلاص و فاتحه ده بار
و در رکعت دوم بعد از فاتحه ده بار
و در رکعت سوم بعد از فاتحه و ده مرتبه
و پانزده مرتبه
و در چهارم بعد از فراغ
توحید بخواند و بعد از فراغ بخواند
خود را از فاتحه
بود ایضاً از حضرت
خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله
میلاد است که هر که بکند و دو رکعت
که از چهار خارج باشد و ده مرتبه بعد از
نماز حاجت بگذارد و ده مرتبه بعد از
نماز حاجت صلوات بفرستد و ده
دست ها را بر دارد و دعا کند
با ایمان نماید در دل
بکند

در شرح کلمه مبارکه الحق

دست بر پیشانی او نهند یا بر پیشانی او دست بگیرند و بیست و یک بار
بگویند یا شهید حق تعالی او را مطیع فرمان بردار او گرداند
و بلطف و صلاح باز دارد. الحق یعنی خدای هست و هستی او
بی سبب و سزاوار خدائی این نامی است که یوسف ببرکت این نام به
یعقوب واصل گشت و موسی بمرتبه خود بزرگواری این نام رسید و خاتم
سلیمان به بزرگواری این اسم قرار یافت و نوبت و قوم تخت سلطنت
نشست و عزت داشت این نام را مملکت بر او قرار گرفت اهل تحقیق
گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید اول بداند که تعظیم
و تکریم مر غیر خدا تعالی را جایز نیست و استعانت و امید از همه کس
باطل است من کل الوجوه رو بحق آرد تا خدا تعالی دیده دل
او را نوری و حضوری بخشد که در هر چه نظر کند حق تعالی را معاینه
مشاهده کند یعنی تجلی نور حق را هم بنور حق مطالعه نماید

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که نیم شب برخیزد
و وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و دستهای خود را بسوی آسمان
بردارد و صد بار بگوید یا حق و بر این مداومت نماید دل او نورانی
گردد و بصفاء باطن و جلاء قلب بجائی رسد که ضمیر الناس بر او
منکشف گردد و شیخ معز فرموده که هر که را چیزی ضایع شده باشد
و اسباب حصول آن نمانده باید که نام آن چیز را بر چهار گوشه کاغذ

ده مرتبه بگوید تقضا بحق ...
پس رو بقبله دستها را بلند کند
و بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم ایاک نعبد و ایاک
نستعین اللهم کف عنی بأس
الذین کفروا فانک اشد بأسا
و اشد تنکیلا و بعد از آن دست را
باز کنند که برودی فتح و فیروزی
نماید

ایضاً

بمقاصد عظیم و مطالب کلیه دست یابد
پنجشنبه را روزه دارد و با غسل
صد مرتبه صلوات بفرستد و
دو رکعت نماز حاجت بگذارد و
در هر رکعت بعد از حمد یازده
مرتبه آیة الکرسی و بیست و پنج بار
قل هو الله بخواند و بعد از سلام
بلا فاصله چهل و یک بار
بگوید

بنویسید در میان قفسه حق بنویسید یکی از بزرگان عکس
این فرموده یعنی بر چهار کنج کاغذ حق بنویسید نام ضایع شده
در میان صفحه چون نیم شب شود با طهارت تمام آن نوشته
بر کف دست نهد و رو بجانب آسمان کند چندانکه میتواند
اسم یا حق بگوید اگر چند شب این مداومت نماید حق تعالی
آن غایب شده را بوی باز رساند یا عوض آن چیز که نیکوتر از
آن باشد بوی رساند و اگر از جهت مرده غلبه شده این عمل
کند و از یاد ببرد برود بدست یکی خواص اسماء حضرت
عزت هر چه و حرفی است در آخر کتاب نوشته خواهد شد ان شاء الله
الوکیل یعنی خدا پیش برنده آنچیز که به تفویض وکیل
گشته است مر بندگان متوکل را این نامی است که محنت سلیمان
از برکت این نام دهوا صرفت و کشتی نوح از طوفان نجات
یافت و بن ابراهیم از آتش نمرود سلامت شد همه از برکت این نام
بود اهل تحقیق گویند هر که خواهد خاصیت این اسم کند اول
باید که اعتماد کلی بر خدا تعالی کند کفایت مهمات مخلوقات را
از حضرت وکیل داند که در کلام مجید و فرقان حمید فرموده است که
وکفی بالله وکیلا و شیخ احمد تمیمی در شرح کبیر آورده که در
جمیع مهمات شصت و شش بار بخواند کفایت کند و دعوای این اسم

یا وهاب ادعای مجرب کرده اند
و گفته اند بسیار سریع التاثیر است
ایضاً مجرب قضاء حاجات روز
پنجشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و در
رکعت اول بعد از حمد یکبار
سوره اخلاص و در رکعت دوم دو بار
بار سوره اخلاص و در رکعت سوم سه بار
دوازده بار و در رکعت چهارم چهار بار بخواند
رکعت چهارم چهار و یک بار سوره
بعد از سلام هم پنجاه و پنج بار صلوات
اخلاص بخواند و پنجاه و در سجده
بفرستد پس سجده کند و حاجت
صد بار بگوید یا الله یا رب
خود را بخواهد که از مجربات است
ایضاً منقول است که هر که را غم و
باشد از مقوله دولت و دنیا باشد از
باشد یا الله یا الرحمن و جز
غنی یا فتاح یا قیوم ... یا حی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوکیل

مناسب کسانی است که ناسپاسی و سوسهٔ ایشان غالب باشد و طلبی ذوق مضطر باشند و علی الله وانم دنک یود و زسرگشته اند این چنین کسی باید که بدین اسم قیام نماید و دعوت این اسم چنان است که عدد این اسم شصت و شش است موافق عدد الله باید که ضرب کند صاحب دعوت شصت و شش در شصت و شش و به بیند که چند عدد میشود سه روز هر روز با عدد بخواند بشرط صوم و طهر و خلوت خدا تعالی او را از آن وسوسه نجات بخشد و فقیر محرر این رساله حساب کردم عدد نوشته در این سه روز هر روز چهار صد و نود و شش میباید خواند چون در این ایام باین عدد بخوانند دیگر بعد از هر نماز اگر تواند شصت و شش نوبت بخواند و اگر نتواند بعد از نماز بامداد هر روز پیش از آنکه سخن گوید شصت نوبت بخواند همین خواص دارد

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱		۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

ل	ی	ک	و
ک	و	ل	ی
و	ک	ی	ل
ی	ل	و	ک

القوی یعنی خدای توانا است بر هر چه خواهد[۲۴] این نامی است که فرعون و شداد و نمرود از هیبت این نام هلاک شدند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که تحصیل این اسم کند اول باید که خود را

و در وقت خواب شب جمعه در ثلث آخر شب برخیزد و وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد در هر سوره که خواهد و صد مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن هزار و یک بار دیگر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و باز صد بار صلوات بفرستد و مطلب خود را از خدا بخواهد و اینعمل را در سه شب جمعه بجا آورد که تخلف ندارد و بارها تجربه شده است **ایضاً** هر که در شب جمعه و بعد از نماز تهجد چهار رکعت نماز حاجت بگذارد بعد از هر دو رکعت سوره مزمل را سه مرتبه بخواند و بعد از اتمام نماز صد صلوات بفرستد و حاجت خود را از خدا بخواهد البته روا خواهد شد **ایضاً** نماز کی بگوید از بزرگان قضا و حوائج نماز که بسیار تجربه از بزرگان دین برای این امر کرده اند

وتمام مخلوقات را در نزد قدرت حق ضعیف وحقیر ومسکین داند
وخود را چنان اعتبار کند که خاشاکی در صحرائی در تند باد
افتاده که هر سو رانده او را امید واند وهیچ اختیار این ندارد
وتا خود را در پیش قدرت حقتعالی چنان اعتبار نکند تمام نیست
آنگاه او را حضرت عزت قوت دهد و بر اعدا غالب باشد شیخ بونی
وشیخ مغربی وجمهور بر این متفق‌اند که هرکه را دشمن قوی
باشد و او را در پیش قهر خصم مضطرب سازد بیاورد قندی را آرد
وخمیر کند هزار ویک گلوله بسازد وهر یک یکبار این اسم بخواند
وآن خمیرها را بمرغان دهد اما باید که در زمین پاک ریزد ودر
دل دفع دشمن گذراند حقتعالی آن دشمن را قهر کند اگر بعد از آن
عمل بذکر این اسم مداومت نماید بعد کبیر دشمن هلاک شود واتباع
او فانی گردند وگویند خواجه نصیرالدین طوسی را ورد همین
جهت خلفای عباسیه این عمل کرد وآن فتنه انگیخت اهل طریقت
گویند هر که بدست نفس اماره گرفتار بود ووسوسه شیطان دارد
برای دفع این چهار اسم اعظم را از وقت طلوع صبح تا ادای فرض
بامداد بعد از اتمام نماز تا طلوع آفتاب بذکر این اسماء قیام نماید
حقتعالی او را بر نفس وشیطان غالب گرداند ودر حین سلوک
سالک را از ذکر این اسماء غافل نباید بود الفائدة المقتدر

اجابت شود
واو را موثر یافتند وانها
بعد از نماز خفتن شب جمعه بمقام
خلوت بعد وضو دو رکعت نماز حاجت
بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سوره
انعام تا وکنتم عن آیاته تستکبرون
بخواند ودر رکوع وسجود بعد از حمد
ودر رکعت دوم بعد از حمد تا آخر سوره
ولقد جئتمونا فرادی کما تا بعد از آن
بخواند وسلام نماز دهد ودعا کنند وحاجت
صلوات نبی بفرستند ودعا کنند ومغفرت
بخواهد البته باجابت رسد وحاجت بر آید
اگر چه مهمات عظیم باشد بعد از
نماز کن فیکون گردد ووقت آن
تا شب جمعه پیدا شود وانرا
انجام دهد البته حاجت بر آید
عمل کنند ودو رکعت
کنانید
عملیه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القوی

القوی القائم وهم شیخ فرموده هر که مداومت نماید بذکر این اسما
بعدد کبیر جمل بوی پیدا اید واقوت وقدرت وتوانائی در نفس
که بدان غالب اید بر هر چه در سالک ستر عجیب درخواص این اسما
وشرح آن در تصنیفات صاحب دعوت این اسما ازمکاشفات
عالم غیب اسرار این اسماء واقف گردد دعوت این اسم مناسب
کسانیست که با اهل دولت وسلاطین که از زوال ملک دولت
ترسند دعوت این اسم قوی صحت شان شود ومداومت بعدد اسم
اما بعدد کبیر باید بخوانند هر روز یکبار ودر هر یک محل خواند و
میان طلوع صبح صادق وبر آمدن آفتاب ولی اسم خوانند
این اسم اگر چه چهار اسم در مربع نهند با سطر بنویسد با خود دارد هر که

القادر	المقتدر	القوی	القائم
القائم	القوی	المقتدر	القادر
المقتدر	القادر	القائم	القوی
القوی	القائم	القادر	المقتدر

۱۷۸	۱۹۲	۱۸۹	۱۸۵
۱۹۰	۱۸۴	۱۷۹	۱۹۱
۱۸۳	۱۸۷		۱۸۰
۱۹۳	۱۸۱	۱۸۲	۸۸۸

۹۴

یا	ق	و	ی
و	ی	یا	ق
ی	و	ق	یا
ق	یا	ی	و

۱۴	۴۰	۳۴	۲۸
۳۶	۲۴	۱۶	۳۸
۲۴	۳۰		۱۸
۴۲	۲۰	۳۲	۳۲

۴۴

یادارنده

بنویسند بعد از آن بخوانند قلب ایشان را
یکصد و یازده بار بخوانند که البته مطلب
حاصل است و بخوانند و دعا است بسمله
یا من لعزته خضع السموات العلی الی
منتهی قرار تخوم الارضین
السفلی غیاث المستغیثین
نزلت من غیبک یا الله فرج ما بنا
وانجح طلبتنا فانک اعرف
بحاجاتنا یا ارحم الراحمین
وبعضی از علما گفته اند که بنویسند از
جهت دفع شدائد وبرای اصحاب بیماریها
در یک مجلس چهار ده هزار و یکصد
یازده بار بخوانند که مجموع هزار و
یا صد و پنجاه و چهار باشد بخواند برای
دفع ضرر و فاقه و دفع عسرت وجهت وفای
دین و بر طرف شدن ضیق ورفع نوائب
زیادتی دولت و نظم دنیا و سعت
معیشت اعدا وهلاک ظالم
واهل ستم وغیر
ذلک

باو دارند این لوح مجادله کند مقهور گردد اگر پادشاه با المتین
با شجر فروبیند بر شقه علم در روز هیچ لشکر با او مقاومت نتوانند
کرد و در وقت نوشتن بخور شرط است ساعت تعیین نکرده الله
و اکو قمر متصل بسعد باشد بهتر و در این مربع عجایب و غرایب بسیار است
المتین یعنی خدای استوار کار این نام است که شیر در
پستانها و آب در چشمه‌ها از برکت این اسم فزاید پس اهل
حقیقت گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که
حکم هیچ حاکم فانی را در این عالم فانی محکم نداند و هر را محکوم
حکم خالق داند و غیر خالق را هباء منثورا داند تا خدا تعالی
او را بدرگاه خود بقبول صادق کرامت کند حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده‌اند هر زن عورت را که شیر در پستان کم
باشد این نام را در کاسه چینی نویسد باب باران نیسان بشوید
که دعا خوانده باشند بدهد تا بخورد شیر زیاده شود و هر که را
قبض و بسط در کار واقع شده باشد باید که چون قمر از نحوسات
خارج بود و بسعود ناظر این مربع را در ظرف سفید یا طبق چینی
با انگشت مشک و زعفران نویسد با آب رشته کند محکم نگاه
دارد و هر روز از آن قدری بر کف دست کند بوی فالده و هنوز خشک
نشده دعا بدین وا بشوید فتح در کارها او پیدا شود و در میان

اسمای مجرب ایضاً بعضی از
علما در شرح این روایت نبی کریم اند
که جهت هر حاجت صفت شب جمعه
بر خیزد و دو رکعت نماز بکند و بعد از
نماز هزار بار بگوید یا مجیب ایضاً
مقصود او است حاجت او روا شود
و او را اسم اکرم در شب جمعه در هر
رکعت بعد از فاتحه دو رکعت نماز گزارد
سوره و الضحی چون ... سوره ... بعد
و الم نشرح ... بعد از ... بخواند
انا انزلناه ... سوره تبارک و ... لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم ... و بعد
ده بار ... یا رب یا رب ... تا ...
از انواع ... و ... حاجت ... بخواند و
... نماز ... بعضی ... بیع حاجت ... و
که بعد از ... نماز ... و ... حاجت

مرهم را بر و گرد و این بطور کشت و زرع کرد بسط خدا بتعالی برکت
وجمعیت ذات او نعم زیاد گرداند و زمینی که دخل کو دهد اگر او را
آب نشنیده شد و یا باغ و یا چنان بود که مقصود زارع نباشد
و هرگاه از آب شد یا بود و یا بیالد با مجموع و نقص او نتیجه اسیاید
باید و اگر عورتی بیشوهری را باید از این آیت در شربت و داخل سازند
به اشتها باور دهد مریض این است و اگر محبوس بسیار خواند نجات یابد

۱۲۴	۱۳۰	۱۳۶	۱۱۰		ن	ی	ث	م
۱۳۴	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۲		ی	ن	م	ث
۱۴۰ ۱۱۴		۱۲۶	۱۲۰		ن	ی	ث	م
۱۲۸	۱۱۸	۱۱۶	۱۳۸		ی	ن	م	ث

و دعوت این اسم جناب کبار است که در توکل استوار باشند
این اسم را هر روز بعد تکبیر بخوانند یقین استوار گردد و عدد
تکبیر با متین سیصد شصت و شش میشود جهت ادای قرض اگر
ورد کند در هر روز باین عدد بخوانند کفایت گردد و اگر طفل را
از شیر باز کنند صبر نتوانند کردن این اسم را بر خوردنی خوانند و
بدان کودک دهند با مجرد صبر گردد **الولی** یعنی خدای
نیکو دارنده دوستان و بندگان پاکیزه اعتقاد و معنوی بکر
خدای دوست دارنده دوستان و این نامی است که محبت خدا بود

و ایضا هر که در نصف شب شنبه دو
دو رکعت نماز بکند و بعد از سجده دو
و در سجده هفتاد بار بگوید یا
وهاب تو انگری یابد و هر حاجت که
خواهد بر آورده خواهد شد البته
ایضا جهت قضای حوائج و انجاح
مهمات در ماه دوازده روز هر روز
وقت صبحی که دو ساعت از روز
برآمده باشد در گوشه خلوت دو
رکعت نماز بگذارد به نیت حاجت
و در هر رکعت بعد از حمد دوازده
مرتبه سوره قل هو الله بخواند و
بعد از سلام هزار و دویست مرتبه
بگوید یا بدیع العجائب بالخیر یا بدیع
و مکرر اقتاد که در همان روز
اول مطلب بر آورده است ایام را
بعمل بیاورد ایضا الحوائج
دو رکعت نماز کرده روبه
قبله دو هزار و
سیصد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الولیُّ

دلهای مؤمنان بعظمت این نام فریفته میگردد اهل تحقیق گویند
هر که احصای این نام کند اول باید که تمامت اعضا و جوارح مطیع
امر خدا باشد امری بخلاف حکم حضرت عزت نکند دوستان و مطیعان
خدا را دوست دارد با همه اشیا محبت ورزد و دیده طمع از همه کس ببرد
تا ولی متعال او در دنیا و آخرت ناصری باشد ذکر این اسم مناسب
کسانی است که چشم از نامحرمان نگاه توانند داشت باید دعوت این اسم
قیام نمایند هر روز در ساعت پنجاه و هفت نوبت بعد از هر نماز
بخوانند و اگر کسی را عورت سلیطه باشد یا کنیزکی بد زبان این اسم در حضور
ایشان بکند آهسته بلب بخواند خدای تعالی ایشان را خوی نیک دهد
و اگر کسی بعد از هر نماز چهل و شش نوبت بخواند حق تعالی همه خلق را
دوست و مهربان او گرداند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
که اگر سلطان یا امیری از کسی در غضب باشد و خواهد که تسخیر
قلوب ایشان کند یا یکی از خواتین محتشم را خواهد که مطیع
خود گرداند این نام را با اکرام بر گلی یا میوه بقول شیخ مغربی به
عدد تکبیر یا ولیُّ ششصد یازده نوبت و بقول امام رضا
علیه السلام چهل و شش نوبت و چون آن گل یا میوه بنزد او عرضه
کرد یا میوه را بخورد خدای تعالی او را رحیم و مهربان گرداند
و باید شک نیاورد تا بمراد برسد انشاء الله و مربع یا ولی در صفحهٔ بعد است

بود و جهانرا با نکو بود لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین
تا ایشان مطلب حاصل گردد ایضاً
از برای قضاء حوایج دو رکعت نماز
بگذارد و در هر مجلس هزار بار بگوید
کهیعص الکفی حمعسق
سبحان القادر القاهر الکافی
شده از دعا مجرب
و در ایضاً هر که نصف شب
است ایضاً از نماز حاجت کند
بر خیزد و دو رکعت نماز بگوید
و سبحان داود و سجده نماز حاصل شود
ما شاء الله منادا و حاصل
و ایضاً در مکارم الاخلاق
وارد است که هر که را حاجت باشد
در صباح پنجشنبه نیت آن حاجت
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از حمد معوذتین و اخلاص
و آیة الکرسی و آخر سورهٔ حشر
خلق السموات والارض

درشرح کلمه مبارکه الحمید

یا	و	ل	ی
ل	ی	ما	و
ی	ل		ما و
و	یا	ی	ل

۴	۱۷	۱۴	۱۱	
۱۵	۱۰	۵	۱۶	
۹	۱۲		۶	۱۴
۱۸	۷	۸	۱۳	

الحمید یعنی خدای ستوده بذات خویش بسبب کرم و ستایش و پرستش بندگان و بنداشت هر چند که مراد این نامی است که زبان قاطع این اسما باقی را ببرکت این نام میگوید اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصاء این اسم کند اول باید که دل و زبان خود بحمد حمید آرام و ذاکر سازد و صحبت صلحا و حامدان کند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند جهت دفع سفاهت خود یا دیگری بنویسد و هر بار که نویسد بر ظرفی که آب بخورد اندازد و از آن بنوشد تا بحمد الله ان فعل و قول از وی برود و دعوات این اسم مناسب هر الان و فحش گوینده‌ها است حضرت شیخ فرموده اند هر که را عورت یا کنیزک یا خادم که زندگانی نه بر صورت صلاح و نیکنامی کنند بر منع ایشان قادر نباشند بنویسد این اسماء را بر طعام میخوانند و با ایشان میدهند تا میخورند حق تعالی ایشان را بصلاح باز آورد و هر که فاحش بر زبان خود بسیار مشغول و فحش میگوید هزل میکند از قول و فعل او ابداء بر خلاف میرسد خود نیز از آن پشیمان میشود اما ضبط

بخوانند چون سلام دهد تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بخوانند و بگویند مولای یا مولای انقطع الرجاء الا منک و خابت الآمال الا فیک فاسئلک یا الهی بحق من حقه واجب علیک ممن جعلت له الحق عندک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و مطلب را بخواهد که البته حاصل است

ایضاً جهت هر حاجت بعد از نماز صبح دو رکعت نماز حاجت بگذارد و مطلب را در دل قصد نماید و قنوت و رکوع و سجود را طولانی کند و بعد از سلام پیشانی را بمهر گذارد و یکصد بار بگوید یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی بعد از آن طرف راست صورت را بگذارد و یکصد بار همین کلمه را بگوید و بعد طرف چپ را بمهر بگذارد و یکصد مرتبه بگوید و بعد پیشانی را بگذارد و یکصد و ده مرتبه بگوید

در شرح کلمهٔ مبارکه المجید

احوال خود بمیتوانند کردن با حاکم یا بزرگی است و مردم از انفعل وی
رنجیده خاطر میگردند خود با غیر این مربع بر کوزه که آب مجود
بنویسند اگر این لوح را بر طلا نقش کرده در ظرف آب وی اندازد
و دایم از آن آب بخورد لکنت زبان و بخیر و صلاح آید انصف از وی
برود و بنیکوئی مبدل گردد و مقلب القلوب با او را مجد ثنای خود
جا رساند و نزد خلایق عزیز و مکرم گردد و هر کس که بعدا و مشا ببر وی
اسم اَلْوَلِیُّ وَالْحَمِیْدُ مدت شصت روز بعد تکبیر بند اسم نبا
نماز هزار و چهار صد و سی عدد است بی یا و الف و لام عدد تکسیر چهار
صد و سی و دو بار میشود و چون عمر کند چنید آید در بالطن و اصفی
و خاصیتی که بدان دوست خلایق گردد و لسینه عهد خود گردد و مکن کور
زبانها شود و معزز و مکرم امراء و وزراء و سلاطین علوم شود او را
دلها و مشهور کار گردد و غم بر او راه نیابد دایم مسرور باشد مربع این است

	۱۵	۱۸	۲۱	۸		د	ی	م	ح
	۲۰	۹	۱۴	۱۹		م	ح	د	ی
۲۳	۱۰		۱۶	۱۳		ح	م	ی	د
	۱۷	۱۲	۱۲	۲۲		ی	د	ح	م

المُحصی یعنی خدا دانا است عدد هر چیزی این نامی است که
بندگان نام خوب بر کتابی این نام خواهند خوانند اهل تحقیق گویند که هم

بگویند و بلند آوازان برخیزند و بکار خلق
محتاج نیابد بر هیچ کس تا باید گردون را کج
کنند و یکصد مرتبه یا مجید یا وهاب
وحاجت را از خداوند بخواهد بقربات
برآورده و از مجربات است که خواب
حضرت مجید بکند و بصاحب بنظام
که هنوز علی تمام نشده اثر اخبار کرد
شد انفصال جمیع مطالب و در نیه
نماز حاجت بکند او بعدا از محاسن
اثنا بر او بخواند الله لطیف بعباده
بجز قوت و هو القوی العزیز و
چون سلام دهد بر یا السید
یکصد بیست بار بکوید یا الطیف
و بعد بسیار گناه خواجه که
با خدا بیفروز خواهد شد و ناس
رفته صبر کند آنرا که حاجت او واقع
شود بیاند و در کفش بر طرف بکار اورد
واسم بنگوید از انفصال بسم بغیر بخواند
مجلس وی گویند و بر کنه خود
خبر یا کرده

(۱۰۸)

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المحصی

احصا این نام کند اول باید که بداند که علم خدای تعالی بر کلیات
و جزئیات محیط است پس روی بحضرت دوست ورد و ملازم مطیع
حضرت عزت باشد تا او را عالم بر خواص اشیاء و مخلوقات
کرداند و یکی از اکابر فرموده هر که ورد سازد روز جمعه هزار و پانصد
پنجاه و پنج نوبت بخواند حساب قیامت بروی آسان کردد حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده اند هر که شب جمعه هزار و پانصد و پنجاه و
پنج نوبت بخواند روز آخر حساب وی سهل گیرند اما اگر کسی ورد سازد
و هر روز هزار و پانصد و پنجاه و پنج بار بخواند اگر حساب مملکتی
بوی دهند از عهده بیرون تواند آمد و بروی آسان کردد دعوت
این اسم مناسب کسانی است که در حساب عاجز باشند و عدد تکسیر این
اسم هفتصد و پنجاه و چهار و بقول شیخ هزار و یکصد و این عدد کبیر
است و مدت چهار روز باین عدد باید بخواند تا نسیان دفع
شود و هر چه بشنود یاد گیرد و در حساب اشتباه نکند

م	ح	ص	ی
ص	ی	م	ح
ی	ص	ح	م
ح	م	ی	ص

۲۲	۴۸	۴۲	۳۶	
۴۴	۳۴	۲۴	۴۶	
۳۲	۳۸		۲۶	۵۲
۵	۲۸	۳۰	۴۰	

المبدئ یعنی فزاینده هر چیزی علت و حاجت این نام است

ایضاً هرگاه کسی را حاجتی
باشد سه روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه را روزه بدارد و روز جمعه
قبل از زوال بعد از غسل دو رکعت
نماز به نیت حاجت بکذارد و در
هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه
قل هو الله را بخواند و ده مرتبه در
رکوع قل هو الله و بعد از رکوع ده
مرتبه و در سجود اول ده مرتبه و در
سجدهٔ ثانیه ده مرتبه و بعد از سجدهٔ
دوم ده مرتبه و هر دو رکعت بهمین
طریق تمام نماید و بعد از فراغ حمد
خداوند بجای آورد و صلوات بر
محمد و آل او فرستد و حاجت خود را
از خداوند بخواهد که مجرب است

ایضاً از سید کائنات صلی الله
علیه و آله منقول است که چون کسی را
مشکلی پیش آید

که

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المبدئُ

که ارواح و اشباح ببرکت این نام دنیا و رند اهل تحقیق
گویند هر که خواهد این اسم کند اول باید که حضرت عزت را آفریننده
همه اشیا و خلایق بداند تا خدا تعالی بقدرت کامله او را از بلیات
و نکبات دور دارد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
هر که در کاری شروع نماید اول باید که این نام با اکرام را پنجاه
و شش نوبت از سر تعظیم بگوید بعد از آن بدان کار اقدام نماید
البته با تمام رسد شیخ فرموده هر که طالب فرزند باشد باید که این
اسم مبارک ورد نماید دایم در دل خواند وقت صحبت با حلال خود زن و
شوهر هر دو وضو داشته نمایند حضرت عزت ایشان فرزند صالح
کرامت فرماید و اگر از فوت شدن حمل ترسند این اسم را بر لوح عقیق
با این طریق نقش کند با بریشم سبز عوض بگردن خود بندد و مرد
انگشت شهادت را بر گرد شکم زن براورد و اگر شوهر حاضر نباشد
باید با برادر عسل کند بدین عمل قیام نماید چون زن نماز بامداد
بگذارد همچنان بر جای نماز نشسته روی بر روح حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرستد نود و نه بار این اسم بخواند و باد بر
حامله دمد و هفت روز چنین کند آنچه در شکم زن بود
خدای تعالی ایمن و سالم دارد و اگر حامله نبد که این اسم مداومت
نماید بزنکه وضع حمل شود و اگر عورت بود که دایم حمل او ضایع

دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت دوم بعد از سر
سجده نهد و سی بار یا ابتدا غایب شود
بخواند الله البدیع بسم الله الرحمن الرحیم و کفایت
اللهم انی اسئلک باسمک
العظیم الکبیر الاکبر الذی اذا
دعیت به اجبت و اذا سئلت به
اعطیت ان تقضی حاجتی بحرمة
محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین که
افضل ادوات
شخصی خدمت امام جعفر صادق
علیه السلام مشرف شد و شکایت
از فقر و فاقه نمود حضرت امر فرمود
که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
روزه بدارد و روز جمعه بعد از نماز
غسل کند و از نماز کند و بعد
سورهٔ ... هر روز ... کند و
حضرت ... فرمود
دست ... کند و
مقابله

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعید

میشود یا حامله نمیشود و تصور میکنند که عقیم شده اگر این اسم مداومت نماید بعدد کبیر و این لوح عقیق با خود دارد و اگر میسر نشود بر طلا و اگر طلا نیز میسر نشود بر اطلس سرخ یا کاغذ زرد نویسد با خود دارد خداوند باو فرزند کرامت فرماید و لوح ما باید مدام بخوانند تا از نکبات محفوظ مانده در پناه خدا باشد ح ولو احسنت

۱۳	۱۷	۲۰	۶
۱۹	۷	۱۲	۱۸
۸		۱۵	۱۱
۱۶	۱۰	۹	۲۱

۲۲

ی	د	ب	م
ب	م	ی	د
م	ب	د	ی
د	ی	م	ب

المعید یعنی خدای باز برنده هر چیز فانی و نا چیز شده مرده و زنده باول حال خویش این نامی است که ارواح در وقت صور از برکت این نام ببدنها در آیند اهل تحقیق گویند هر که خواهد اخص این اسم گشت باید که خدای تعالی را افریننده و زنده کننده و میرانده داند و مقر و صادق و معتقد بود بر آنکه یُخرِجُ الحَیَّ مِنَ المَیِّتِ وَ یُخرِجُ المَیِّتَ مِنَ الحَیِّ صفت او است تعالی شانه و از مذاهب حلولی و وجودی و اتحاد اجتناب کند یا انطباعه هرگز صحبت ندارد و از هستی خود بپرهیزد تا در خدا فانی شود تا خدای تعالی او را زنده جاوید گرداند و بقای ابد و وصول اکبر کرامت فرماید

ابتدعا بخوانند اللّهمّ انتَ انت انقطع الرجاء الّا منک وخابت الآمال الّا فیک یا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل لی من امری فرجاً و مخرجاً و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و بعد سجده دو و این کلمات بگوید یا معین اجعل لی رزقاً من فضلک چون این عمل کنند روز شنبه شود مکرر آنکه روزی شود بی یاد وسعت **ایضاً بجهة** قضاء دین دو رکعت نماز بگذارد و بعد از ان این دعای مبارک که قل اللّهمّ مالک الملک را بخوانند و این کلمات را بگوید یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی منهما من تشاء و تمنع منهما من تشاء صلّ علی محمد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعید

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که خواهد که هیچ چیز از او فوت نشود باید وقت قیام نماید هر روز در چهار طرف خانهٔ خود هفتاد نوبت بگوید یا معید ایزد تعالی آنچه از او فوت شده است باز گرداند اگر غایبی داشته باشد بر وی بوطن بیاید و حضرت شیخ فرموده که اگر کسی غایبی داشته باشد و از او خبر ندارد در شب جمعه و دوشنبه و پنجشنبه چون مردم آرام گیرند برخیزد و غسل کند باید که پیشتر صدقه داده باشد دو رکعت نماز بگذارد و روی بقبله کند و سیصد و پنجاه مرتبه یا معید بگوید و در هر کنج خانه هفتاد بار دیگر بگوید دست بردارد و انتظار کند تو اند بگوید طلب غایب کند چون از این شب قیام نماید بر وی غایب با خبر و برسد از چگونگی احوال او مطلع گردد و هر کس که بدعوت این اسم مداومت نماید چهل روز بعد تکبیر که هزار و یک بار است یا بعد تکبیر که مع صغر و موخر هشتصد عدد است که باید خواند اما اگر بعد تکبیر خوانند در هر شبانه روز باید ده عدد تکبیر بخواند که هشت هزار باشد او را بود مثل صاحبان دعوت اسماء الله تعالی منزلت قدر تعالی که اندر یافت آن عاجز باشد و این اسم را بذل عجیب و خواص عجیب دارد و در مثال دعوت بر صاحبان ظاهر گردد و مشایخی که دعوت این اسم کرده اند طالبان صادق را وصیت کرده اند بمداومت

ان

و آل تحمید و افضل تمجید دعای

افضل

دین بزرگوار ادا شود و وسعت رزق نماز

جهت ادای دین و توسعه رزق امام محمد

است منسوب بحضرت ... بخواند

علیه السلام و آن نماز ... و سلام بود

چهار رکعت نماز بسلام دو و چهار بار سوره جمعه

رکعت اول بعد از حمد سوره اذا جاء

بخوانند و در ثانیه بعد از حمد آمن الرسول تا آخر

و آیة الکرسی و بعد از سلام ... الابد

سوره بخوانند و بعد از ان سبحان الله الابد الابد

ده بار بگوید سبحان الواحد الاحد سبحان

سبحان الله الواحد الصمد سبحان الله

الله الفرد الصمد سبحان من رفع السماء بغیر عمد

الذی رفع السماء بغیر عمد و در رکعت اول

لا صاحبة و لا ولد و دو مرتبه

با صاحبه و رکعت ثانیه بعد از حمد سه مرتبه خوانند

از دو رکعت الهیکم التکاثر بخواند

سوره الهیکم التکاثر ... مرتبه

و قل هو الله احد ... مرتبه

در شرح کلمه مبارکه المحیی

این نام و دعوت این نام مناسب کسانی است که از شقاوت عاقبت
ترسند مداومت این اسم فرمایند هر که زوال کوه میسر شود بعد از هر نماز
صد بیست و چهار نوبت بگوید ختم او بر سعادت ایمان شود و مربع این است

۳۰	۳۶	۴۲	۱۴		د	ی	ع	م
۴۰	۱۸	۲۸	۳۸		ع	م	د	ی
۲۰		۳۲	۲۶		م	ع	ی	د
۳۴	۲۴	۲۲	۴۴		ی	د	م	ع

۴۹

المحیی یعنی زنده کننده و جان دهنده هر جاندار مرده این نامی
است که استخوانهای پوسیده از برکت این نام هم شوند اهل تجسو
گویند هر که احصای این اسم کند و لابد که بداند که میرانند و زنده
کننده جمله مخلوقات او است و لابد که به بیند که را از فضل بها
از چوب خشک گیاه سبز و نرم بیرون میاورد و کلام مجید فرموده
که فانظروا الی آثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها
و چون بنده خدای خود را باین صفت بدانست بدعوای این اسم شریف
قیام نماید محیی قدیم دل او را زنده گرداند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که از رنج صعب و سل و قولنج فرموده هر که را از سلطان
ترسی است و از کشتن یا بند کردن بیم دارد هفت روز در حالت صحت
و فراغت این اسم بود و نوبت بخواند بر خود مدد جمله آفات ایمن گردد

سوره قدر و سه مرتبه سوره اذا
زلزلت الارض بخواند و چون فارغ
شود در سجده هفت بار بگوید
اللهم انی اسئلک التیسیر
فی کل عسیر فان تیسیر
العسیر علیک یسیر
و سر از سجده بردارد و ده بار این را
بخواند فلله الحمد رب السموات
و رب الارض و هو العزیز الحکیم
جهت توسعه رزق و انواع فتوح
و دفع فقر این نماز سریع الاثر و مجرب
است از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله روایت است که
هر که پیش از نماز بامداد دو رکعت
نماز بگذارد و در رکعت اول هفت
بار سوره حمد و یکبار سوره
توحید و در رکعت ثانی الحمد لله یکبار و
توحید یکبار بخواند و بعد از سلام
تسبیحات اربع ده بار و
صلوات

و چو

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المُمیت

وشیخ مغربی فرموده هر که خواهد که رقیب از هم بمیرد تا قیامت کرد و دوا و دوح دمند این نام را بعد تکبیر که بیست و نه بیت بخوانند تا له مانند از پوست در پیچ

۱۶	۲۲	۳۸	۲		ی	ی	ح	م
۲۶	۴	۱۴	۲۴		ح	م	ی	ی
۶		۱۸	۱۲		م	ح	ی	ی
۲۰	۱۰	۸	۳۰		ی	ی	م	ح

۳۳

المُمیت بمعنی میراننده هر نفس این نامی است که انبیاء و
اولیاء را کام از طلب این نام بشکند اهل حقیقت گویند هر که
خواهد که اثر این اسم کند باید که خود را پیش قدرت حق چون میت
داند در تحت تعالی تا خدای سبحانه و تعالی او را از هر بند نگاهدارد
در دنیا و آخرت و او را بنور معرفت خود زنده دارد تا تواند باشد علم که بجد
ثابت شد است صفا و منت باید در مبا سنت و فرض با مداومت
خدا تعالی او را از زوال ایمان نگاه دارد و دل او را بنور روشن کرداند
و دعا این است اَللّٰهُمَّ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ
یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ اَنْ
تُحْیِیَ قَلْبِی بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ اَبَدًا یا قَرِیبُ یا مُجِیبُ اَللّٰهُمَّ یا وَلِیَّ
الْاِسْلامِ وَاَهْلِهِ ثَبِّتْنِی عَلَی الْاِسْلامِ حَتّٰی اَلْقاكَ بِهِ
اَللّٰهُمَّ رَبَّ جَبْرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ وَاِسْرافِیلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ

ده بار بفیسند وده مرتبه بگوید
یا غنیا انت المستغنی عن اغنی عنی
تا از غنا و استغنا الهی طلب
حاجت کرد روا شود خاتمه
کتاب البته در دعوات و کلمات
در بیان مطلق و فضائل عباد
موثره و اشیاء نافعه در تعبیر
اللّٰه فاعلم الیه ابتداء و امر
ادعیه جن والنس و دنیا و دولت و آن
وورد ادعیه و ادعیه مطلوب
یابند خواست که بعضی حروف اسم
حاصل حروف است و بعضی اسم از اسماء
هشتگانه بنسبت حروف ضمیر و تعیین
الله یا از انسب حروف استخاره
شده که هر یک مناسب مطلوب اسماء
ذکر او کرده و بعضی اسم مطلوب
الله و آن کرده که یا از آن حروف مطلوب
وضع شده و بعضی اسماء جلالی و بعضی
اسماء الله و اخوانه و جمالی و مد
نماییم

صلی الله

در شرح کلمه مبارکه الممیت

صلی الله علیه و آله و اعوذ بک من النار یا مقلب القلوب والابصار ثبت قلبی علی ما تحب و ترضی یا ارحم الراحمین

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که آنکس که نفس اماره بر او غالب باشد خواهد که مطیع وی گردد باید که بوقت خواب هر دو دست بر سینه نهد و صد بار بگوید یا ممیت بعد از آن همچنان میگوید تا در خواب شود حق تعالی نفس او را مطیع وی گرداند و اگر سلخ ماه به نیت ظالمی صد یک نوبت بخواند ظالم هلاک شود برای دفع خصمان قوی چهل روز هر روز بعد از تکبیر که هزار و یکصد و پنجاه و هفتاد نوبت است بخواند دشمن مقهور گردد و در فضیلت این پنج اسم المصور المبدی المعید المحیی الممیت شیخ فرموده که این اسماء ذکر اهل عبادت است و هر کسی که یک اربعین بذکر این اسماء مداومت نماید عالم گردد و اگر طالب علم بدعوت این اسماء قیام نماید عالم گردد و فهم و ادراک و عقل او زیاد گردد که خود هم متحیر بماند و هیچ

المصور	المبدی	المعید	المحیی	الممیت
المحیی	الممیت	المصور	المبدی	المعید
المبدی	المعید	المحیی	الممیت	المصور
الممیت	المصور	المبدی	المعید	المحیی
المعید	المحیی	الممیت	المصور	المبدی

مثلا محمود نامی اگر مطلوب باشد بعد از حذف مکررات م ح و د است بعینه که در مقابل میم وضع شده است ... عدد نام ... بعد از آنکه مقابل حروف ... شده است که یا مهیمن باشد بعد علی او که چهل باشد بخوانند پس از آن اسم مناسب واو که سلام باشد بعد از آن اسم مناسب دال را بگیرد که یا مالک باشد و بعد عدد او که ودود باشد بخواند البته آن شخص مطیع و مسخر وی گردد ... اند که اگر ... نبود و بعضی گفته اند که در مقابل هر حروف

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحیّ

چیزی برا و مشکل نگردد حلال مشکلات خود گردد و اگر چیزی
برا و مشکل شود باز رجوع باین اسماء کند بگشاید از خواص این
اسما آنست که اگر کسی دعوت این اسما کند تمام ملک را ضبط تواند کرد و
محاسبهٔ این اسما بجا طریق که تواند داشت قاعده که دارد بعینه هر روز بخواند هزار و هفت صد و چهل

م	م	ی	ث
ی	ث	م	م
ث	ی	م	م
م	م	ث	ی

١١٥	١٢٨	١٢٥	١٢٢	
١٢٦	١٢١	١١٦	١٢٧	
١٢٠	١٢٣		١١٧	١٣٠
١٢٩	٦١٨	١١٩	١٢٤	

الحیّ یعنی زنده و پاینده از ذات خویش نه از سبب دیگر این نام فی
است که ملائکه را از برکت این نام احتیاج بخوردن و خواب نیست
اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصای این اسم کند باید که الله
تعالی را زنده جاوید اند ازلی و ابدی همیشه و پاینده تا حق او را در
دنیا و عقبی زنده دل گرداند و اهل طریقت حیّ و قیوم را اسم اعظم
گفته اند و یکی از اکابر فرموده که اگر بر سر بیمار خوانند بعد تکبیر یا هفت
و نه البته صحت یابد اگر بر باغ یا پالیز خوانند بعد تکبیر هفت روز
اثمر بعد از آفت سماوی و امان باشد و از هر سال بهتر دهد
اگر چشمش درد کند یا از نابینایی ترسد بعد تکبیر بخواند صحت
یابد و از کوری سالم ماند انشاء الله تعالی و عدد کبیر صد و یکی و بیست

تعیین شده بعد از آنکه بعد از آن
اسم قرائت کرد و بعد از آن حروف هم
بخوانند مثلا و در اسم محمد بعد
از آنکه بعد خود اسما را چنانچه بعد
شد خوانند یا رحمن را بعد حرف میم
که چهل است بخوانند و مهیمن را
بعد حرف خا که هشتاد است بخوانند
و هم چنین سلام و مالک الملک را بعد
او و دال که شش و چهار است بخوانند
البته بر وجه یا جابت مقرون است
مجرب آزموده است و اسما بعضی
حروف یا علی انها بعنوان که متعلق
یا الله ٥ — یا قدوس ١٧٠ — یا مالک الملک ٩١ — یا مؤمن ١٣١
یا رحمن ٢٩٨ — یا سلام ١٣١ — یا مهیمن ١٤٥ — یا جبار ٢٠٦
یا رحیم ٢٥٨ — یا عزیز ٩٤ — یا متکبر ٦٦٢ — یا خالق

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

۱۲	۱۵	۱۸	۴
۱۷	۵	۱۱	۱۶
۶		۱۳	۱۰
۱۴	۹	۲	۱۹

ی	ح	ل	ا
ل	ا	ی	ح
ا	ل	ح	ی
ح	ی	ا	ل

القیوم یعنی خدای قایم و پاینده و همیشه بی زوال که
ذات و قایم بخویش است نه بواسطهٔ غیر این نامی است که هیچ افریده را
از عظمت این نام بر ذات خود تصرف نیست اما حقیقت گو بنده که
خواهد حصه ای از این اسم کند باید که قیوم پاینده و قایم داند قیام
جملهٔ مخلوقات و حرکت همه موجودات بقوت کاملهٔ او شناسد تا
از قیوم نام وی نصیبی یابد که تا ابد خود پاینده دارد حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده که این دو اسم را ورد ساعات عمر خود را زگرد
و مرادات او حاصل شود و بر دشمنان غالب بود و او را بود نصرت فرد
دلها و مرادات و حاصل شود بر وی از کلی و جزئی به برکت اسم حی و قیوم
و یکی از اکابر فرموده هر که صبا و مسا به تکرار این اسم خاصه بوقت
سحرگاه قادر گردد بر آنکه تصرف کند در دل خلایق چنانکه خواهد
اکثر اکابر بر آنند که اسم اعظم این دو اسم است که از جملهٔ اسماء ذات است
و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود دیدم رسول خدا را
در حالت اضطراب که میگفتی یا حی یا قیوم در حال فتوح شد یک و هم شیخ

یا باری — یا مصور — یا غفار ۱۲۸۱ — یا قهار ۳۰۶ — یا وهاب — یا رزاق ۳۰۸ — یا فتاح ۴۸۹ — یا علیم ۱۵۰ — یا قابض ۹۰۳ — یا باسط ۷۲ — یا حافظ ۹۸۹ — یا رافع ۳۵۱ — یا معز ۱۱۷ — یا مذل ۷۷ — یا سمیع ۱۸۰ — یا بصیر ۳۰۲

بجهت ظهور گم شده
دگر جهت دزد و دزدیده و آمدن غایب
و اظهار خفایا و امثال آن در دیگر
مجلس و پس باز این آیه را بخوانند
در خواب یا در بیداری با و منکشف
گردد آزموده است الم تعلم
ان الله یعلم ما فی السموات والارض
ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی
الله یسیر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم (۱۱۷)

فرموده که این دو اسم را اهل مراقبت و سلوک طالبان نجات و عزت جویندگان رزق بسیار روا و ثبات دعوت این اسم زود تسخیر تا طلوع آفتاب است و از جمله اسماء تحت پاکی این است یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت و بعضی دیگر گفته اند یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و بدین نام هر چه بجوید بیابد و هر چه خواهد تواند کرد از خواص این اسما حکایات غریب گفته اند از ظاهر شدن قدرت و سرعت اجابت و قضا شدن حاجات و برآوردن مقاصد و آنچه متقدمان در کتب ذکر کرده اند از خواص این اسما و بر ایشان کشف شده ما جمله را درین مختصر بیاوردیم تا بر دوستان آسان کردیم و بدان عمل اقدام نمایند حضرت شیخ فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پنجاه و یکبار بخواب دیدم عرض کردم یا رسول الله مرا چیزی تعلیم نما که بدان زنده کردی دل من و پاک گرداند از کدورات آنحضرت فرمود که بر تو باد که هر روز چهل و یک نوبت بگویی یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی بنور معرفتک ابدا یا الله و خواص این بسیار است و جمعی از بزرگان فرموده اند هر که خواهد که بدعوت این اسما قیام نماید با مردم اختلاط کم کند کم خوردن پیش گیرد و پیوسته صائم و با وضو باشد تا تواند در خلوت ذکر کند بیشتر و در وقت سحر ذکر را باشد یکی از شرایط آنست که بعد تکبیر تمام حرف مشتاق

جهت حصول مرادات و ولایت
بتسبیح صلوات بفرستد و فرماید
بگو یا الغالب و الغیاث ... و کفی بالله
و کفی بالله حسیبا و کفی بالله
بگو ... و کفی بالله ولیا و کفی بالله
علیما و کفی بالله ... مجرب است
شهیدا محمد رسول الله ... مسطور است

در تسخیر ...
کر آکو اراده کند ... که ...
و ...
...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفقر

نقره نقش کنند که صورتش این است و پنج دانگ و نیک دانک در باشد

واو و او درست کنند و بعد تکبیر

بخوانند و اگر خواهد که تسخیر قلوب

یکی از سلاطین کند نام طالب را

با اسم مطلوب و این دو اسم تکبیر

کنند بعد کامل بخوانند یعنی

	۹۵۳	۹۵۷	۹۶۰	۹۴۶
	۹۵۹	۹۴۷	۹۵۲	۹۵۸
۹۶۲	۹۴۸		۹۵۵	۹۵۱
	۹۵۶	۹۵۰	۹۴۹	۹۶۱

ببینند که عدد تکبیر اسما و تکبیر اسمی چند است و این دو اسم را بعد

بخوانند و انگشتری را عزیز و مکرم دارد و در حین غوث گاه گاه در نقش

نگاه کند چون بدین طریق بعمل آورد منتها بد از برکت این اسما کار دها

او بجائی رسد که بو هر فرد که نظر نماید بشفقت دل او زنده

گردد و از نفس او بیمار شفا یابد از چوب خشک بنفس او میوه حاصل

اید اگر شرایط بجا آورد آما باید که پنهان دارد حالات غریب و عجیب

در حال غوث ظاهر گردد یکی آنکه صاحب غوث را در سر چشمه آب

حیوان برند و خضر رساند در خود دنیا اما باید نخود دنیا خدای او را جان

ابدی کرامت فرماید تا او نخواهد روح زنده او مفارقت نکنند و

شرح این زیاده از آن است اما باید که در خواص عقل ناقص را ابتدا

نبینند از دگر بوده که در هر کجا باشد اگر در اعتقاد او نقصان باشد

رجوع بدعوت نکند که اصل اعتقاد است و نفع تمام این بود که نموده شد

که هر کس وقت صبح قبل از تکلم بسته بار

این آیه را بخواند روزی او فتوحات و از

جائی برسد که گمان نداشته باشد

بسم الله الرحمن الرحیم ربنا

انزل علینا مائدة من السماء

تکون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و

آیة منک وارزقنا وانت خیر الرازقین

از شیخ بهاء الدین علیه الرحمه

منقولست که هر کرا حاجتی باشد

هفتاد بار این آیه را بخواند الحجب

او برسا بعبر من لعنت تمایه لا اله

الا الله بعزتک و قدرتک لا اله

الا الله بحق حقک لا اله الا الله

فرج من رحمتک یا حی یا کریم خواهد رقعه

سلطان رقعه بدو رسانی بعلم مسیحی

بنویسد حاجت ویرا بدو ما یعنی

بنویسد ان الله و عدا الصابرین نصرا

و وعد لی النبی کل علیه الشی

و نشفع لی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

وعدد تکسیر این دو اسم سه هزار و هشتصد و شانزده عدد است و اگر نتواند این عدد را پیش از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب بخواند و از برآمدن آفتاب تا استوا یک عدد بخواند و بعد از نماز پیشین تا نماز شام یک نوبت بخواند و از نماز شام تا وقت خواب یک نوبت دیگر بخواند که در شبانروزی یک عدد تکسیر خوانده باشد و قرار و ثبات بخواند تا حق یا قیوم یا حی یا قیوم و معنای نام در خاطر گذراند تا زود مقصود حاصل گردد و این خاتم را هم در انگشت کند که حکم خاتم سلیمان بن داود علیهما السلام دارد که جمیع خلایق مطیع و فرمانبردار او گردند و در حکم و فرمان او سر نتوانند پیچید اما آن خاتم را از عورت و کودک و از چشم خلق بپوشد و از نساء نگاه دارد تا خواص نیکو دهد

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		م	و	ی	ق
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		ی	ق	م	و
۳۳		۴۰	۳۶		ق	ی	و	م
۴۱	۳۵	۳۴	۴۶		و	م	ق	ی

۴۲

الواجد یعنی خدای توانا است هر چه خواهد این نامی است که طالبان صادق را از برکت این نام وجد و رقت حاصل میگردد اهل تجربه گفته اند هر که را داعیهٔ حصول این اسم باشد اول باید که بداند هر چه بر جمیع بندگان آدم پوشیده است بر آنحضرت ظاهر است و می بیند

وقت آمد
و از آن صد
و عوض لیله است صد لیلة اجهد
بیگانه آن مع القصیر بخواند
و بعد احلام و در وقت خواب و الله
خرج من بین الصلب و الترائب جهت
انه علی رجعه لقادر و ابن اسم را
در روز جمعه هزار بار بخوانند و بخورد
بر انار شیرین بخوانند و به نهایت
مطلوب رسد و شیرینی آن الودود
و نان فرود جهت احبا انشود و از
جهت قطع دعا فتنه انان خوبی که
و با غ این بر بیشتر تا بنعولید و حاک نام
همام شام کام نام
پیش شود تا شبی کبیره از مجلس فرود
مبارکه خود شنیده از دانو نوشته در
بیان در و د اینها اسم ها را نوشته
مبارک و آنچه با جیب گذارد و بلند اخرج
یا شیخ شاه محمد شاه ما مالک بن
هذا الملعون اکسیر و نفر باشند طالب
نولید و اگر سخن باشد ملا عن
نو لید

و خوف این چنین امید باشد و پنهان و آشکار این خلق را معلوم دارد
خاصیت هر چیز را خود داده است و هر چه بر ضمیر بنده خواهد گذشت
از خیر و شر بنده آن حضرت ثابت است پس باید که با خلق خدا مالک و نیک
و یک دل باشد تا وی را دولتی دینی و دنیائی دهد که هر چه بجوید بیابد
و دعوای این اسم مناسب کسانی است که طالب حال و اخلاص باشند
وجد برایشان ظاهر گردد و این اسم را مداومت کند بعد نماز بامداد
صد و پنجاه نوبت یا واجد بگوید احوالات وجد بر ایشان ظاهر و کشف
شود و اگر بعد از نماز بامداد قیام نماید اولیا واصل شود و اگر در حین
طعام خوردن هر لقمه را بگوید یا واجد آن طعام در درون
او نور گردد و اثر او نور دل او ظاهر شود ان شاء الله تعالی

۲۱	۲۴	۲۷	۱۴
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵
۱۶		۲۲	۱۹
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸

۲۹

د	ج	ا	و
ج	د	و	ا
د	ج	ا	و
ج	د	و	ا

الماجد یعنی بزرگوار در عطا دادن و ثواب بسیار دهنده و عطا
زیاده از یافت عقول و این نامی است که جمله کافران و مشرکان از
هیبت این نام بیمار شوند یا معزول و مغلوب گردند اهل حقیقت
گفته‌اند هر که خواهد حصار این اسم کند باید که خداوندان حکم برد

جهت مقهور کردن خصم
شکست و بلا نماند که نام شخص و بلد
منیه سوره الم نشرح را بخواند و بخور
خانگی بخور دارند دشمن ذلیل و مقهور شود
ازین الساعت حبس علیه ...
جهت غم نشدن در هفتم هر ماه نوشته
نوشته ساقو و لوح دار بیرون ناخورده که
بیننا مجرب است باید در مکان العهد
خود نگاه دارد ل ل ل ل ل ل ل ل
ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل
ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول
ذو الطول ذو الطول ذو الطول
ذو الطول ذو الطول ذو الطول الکریم
اینچه و روز را بر کنند و ... هر کس
نعل مطلب صلا است هم هده
لاه لان ارشیح نفی علیه الرحمه
منقول است که جهت جل النعمان ابو حنیفه که
وا ... ما ... تا سر ... ای الیمان
جمیعا ... مقطعه ... و ... وزن

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الماجد

و بزرگ کنند و بجلالت داند و اکرم و برا عزت دارند و اعتقاد کنند به بزرگی باید
که بجهت آن بود که خدا از بندگان خود برگزیده و بزرگ گردانیده و
خود را در درگاه آنحضرت حضور کمترین جمله بندگان شمارند بر امید قبول
تا آنحضرت واهب العطایا او را از بندگان و مقربان درگاه گرداند و
شیخ فرموده هر که در خلوت تا نیم شب چندان یا ماجد بگوید که از
حس طبیعی بیرون رود و بیهوش گردد در آن حالت نوری در دل او افروزد
که از پرتو آن نور باطن او معمور گردد و در میان خلایق به سرافراز شود و اگر
این ذکر را گردان گوید مغلقات در دل بگشاید و دعا اجابت شود و
این اسم مناسب کسانی است که اهل خلوت و سلوک اند ایشان را قبض واقع
است و از آثار نور باطن محروم مانند مداومت بر این نام باید کرد و این را
عدد تعیین نفرموده است شیخ علی کبیر زیاده از هزار و یا کمتر گفته اند اما
بطریق جفر بعضی عدد معین کرده طریق ایشان زید بر این منوال است
که زبر و بینات قسمت میکنند عدد بینات میگیرند میم الف جیم دال عدد
اول بین که خواهند بکبیر خوانند جفر زیاده از ده عدد میخوانند از ده عدد

	۱۱	۱۲	۱۸	۴	تا پانزده عدد	د	ج	ا	م
	۱۷	۵	۱۰	۱۶	و در این باب	ا	م	د	ج
۲۰	۶		۱۳	۹	این دو قاعده	م	ا	ج	د
	۱۴	۸	۷	۱۹	کافی است	ج	د	م	ا

ببندد حامله شود و فرزند متولد شود که بمقصد
زن زادم و حامله شد [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم [illegible]
المولی الجلیل [illegible]
[illegible]
القاضی [illegible] لا اله الا [illegible]
[illegible]
[illegible]
الله الملك [illegible] افضال [illegible]
[illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الواحد

الواحد یعنی خدای تعالی یگانه است در صفات الوهیت و پادشاهی
خویش این نامی است که از بزرگی صفت این نام در دل هیچکس نگنجد حضرت
امام رضا علیه السلام فرماید هر که را مرض صعب روی دهد و
هر روز صد و یک نوبت بگوید یا واحد از آن بیماری صحت یابد و
از اکابر گفته هر که در راهی یا جائی از تنهائی بترسد یا از وحشت شخصی خائف
بود یا در خلوت متوهم باشد این اسم را هزار و یکبار بخواند نجات یابد از

و	ا	ح	د	نوشتن این کرد	۵	۱۸	۱۵	۱۲	
ح	د	و	ا		۱۶	۱۱	۶	۱۷	
د	ح	ا	و		۱	۱۳		۷	۲۰
ا	و	د	ح		۱۹	۸	۹	۱۴	

الاحد یعنی یگانه در یگانگی و بی همتائی در ذات خویش است
این نامی است که همه عالم و عالمیان ببرکت بزرگواری این نام خلق
شده و ظاهر گشته اند اهل حقیقت گویند هر که را عبد و عوت این
اسم شد اول باید اعتقاد کند که احد قدیم است و هر یک از افراد عالم را
باو احتیاج است و حضرت او محتاج هیچکس و هیچ چیز نیست چون بنده را
این اعتقاد واقع شود حضرت احد او را به کار طریقت برساند تا الهیات را
بشناسد و دست در دامن توکل زده پا در دامن قناعت کشد و یکی
از اکابر فرموده هر که مداومت نماید در خلوت بعد کبیر بخواند چون غوث

یا ابا القاسم ادرکنی ادرکنی ولا تدعنی
فانی عاجز ذلیل

جهت دفع

وعنت و فواحش دوزخ و محبت علکبیر در
سه شنبه شش بار و عدد و شیطنتش چهل
هشت بار و صغیرش هفت مرتبه در یک
مجلس بخوانند مجربست فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم

منقول است

که این حرز جهت قضاء حوایج عظیمه مجرب
است و انبیاء و بزرگان برای مدد
نموده و مطلب خود را دریافته اند یا
قاهر العدو یا والی الولی یا
مظهر العجائب یا مرتضی علی

از شیخ

بهائی علیه الرحمه منقول است که هر که روز
چهارشنبه شروع کند تا ده روز که آخر
آن جمعه باشد هر روز یکصد مرتبه بخواند
با حضور قلب و طهارت جامه و بدن بخواند
اگر مطلب عمده و ... باشد
بسم الله الرحمن الرحیم یا

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الاحد

بکمال رسد ملائکه برا وظاهر گردند بدانکه دعوت صغیر اسما
از یکی است تا هفتصد نود ونه که عدد صغیر خوانند وکبیر از هزار و
یک تا ده هزار که عدد کبیر خوانند وبدانکه در هرجا عدد اسما معین
نکرده اند قاری مخیر است خواه کبیر خواه صغیر بخواند وانچه عدد
معین شد این نسخه بحساب جمل وتکسیر وفق مجموع جامع نوشته
تکسیر کرده ام بانواع تکسیرات وتا ازان تحقیق نکرده وبیرون نیاورده ام
وبوهر نکته که بربیاض مکتوب شده یا رها در رسایل وکتاب شمار
اسماء الله تعالی نظر کرده ام ننوشته ام وجز جمت تکسیرات اصل اسما
بالف ولام یا بی یا ندا وطلب در رسائل مشایخ بتحقیق ودرموش تعات
وظاهر گردانید رموز واشارات از خود هیچ دراین کتاب درج نکرده ام
ودراین کتاب از قاریان اسماء الله وعاملان خریعتا وصاحب دعوات
بعد از تحقیق بدعا خیر امیدوار بوده ام لتوفیق الی الله تعالی
یکی از اکابر فرموده الواحد الاحد واسم عظمند اسم اسم لکان آ است
که دلها ایشان معلق گشته باسرار الهی واسرار توحید هر شی درو که
طالب بنحال بود برا و باد که مداومت نماید کواین اسماء خاصه است
ودر خلوت که شب خلوت اهل معنا است وبزرگان گویند که شب روز
نا زاد مردان است واین دو اسم عدد معین نکرده اند برا که سالک هر چند
ذکر بیشتر گوید جلا قلب او زیاده شود ودر اخرو واحا لتی دست دهد که

یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب
والابصار یا دلیل المتحیرین ویا
غیاث المستغیثین توکلت علیک
یا رب وافوض حاجتی والکف مهمی و
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی محمد واله اجمعین
ازین دعا را درشب جمعه بر چهار پاره
کاغذ نویسید ومطلب خود را دو نیت
کاغذ نویسید ولیث هر دو کاغذ را
هر یک نبویسید ودو زیر بستر مقابل
بهم بخسپانید وپیش از طلوع آفتاب
بلند آید وبخواند وانا انداز در البئر
ببلند شود وابروانا انداز در الرحیم
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
حاصل است الذی لم یزل سبحان
سبحان القدیم الذی سبحان الجواد
العظیم الذی لا یجهل سبحان الحلیم الذی
الذی لا یبخل سبحان ذا برحمتک یا
لا یعجل اقض حاجتی وصلی الله علی خیر
ارحم الراحمین وصلی الله علی طریقه
خلقه محمد واله اجمعین
دعوت اسماء الله تعالی
نحو است

(۱۲۴) در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصَّمَد

اگر یک طرفة العین از ذکر خدا غافل شوی از طرف خدا درج گردی

	۱۰	۱۴	۱۷	۳		د	ح	ا	ما
	۱۶	۴	۹	۱۵		ا	ما	د	ح
۱۹	۵		۱۲	۸		ما	ا	ح	د
	۱۳	۶	۷	۱۸		ح	د	ما	ا

الصَّمَدُ یعنی خداوند معبود و پناه همه نیازمندانست در همه حال اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصهٔ این اسم کند باید بداند که براورندهٔ حاجات مسکینان و شنوندهٔ دعا مظلومان و پناه نیازمندان بغیر حضرت او دیگری نیست در هر حال که وی را پیش آید و بدرگاه صمدیت کند و عرض حاجت خود را بجا برد تا حضرت صمد او را از جملهٔ حاجات مستغنی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در خلوت بسیار گوید در انجمن او را از هیچکس بیم نبود و یکی از اکابر گفته هر که بعد از تهجد یا در سحرگاه وضو ساخته روی بر زمین نهد و صد و یازده بار بگوید یا صمد و معنی او را در دل نقش کند و براین مداومت نماید بمرتبهٔ اهل یقین برسد و از جملهٔ صادقان گردد و هر کس را که بر جوع طاقت نبود باید که این اسم مداومت نماید بعدد کبیره حق سبحانه و تعالی درهای رزق بروی بگشاید در صورت و معنی

کدام یک اسم را زیاده از اسماء الله که عدد آن موافق باشد با عدد اسم خود تحصیل نمود و در خود نشاند و همیشه بعدد اسم خود بخواند اثرها ببیند اما باید عدد اسماء الله بیک عدد علاوه باشد از عدد اسم قاری و اگر اصل عدد اسم زیاد نباشد اسم خداوند را یک عدد زیاده بخوانند و این اسم را اسم اعظم دانسته برای خود و ترک ننماید که فواید بسیار دارد و در نسخهٔ دیگر بنظر رسیده که اسمی از اسماء الله که در عدد موافق اسم خود باشد تحصیل نموده بهمین عدد اسم جلاله سورهٔ فاتحه و اخلاص و معوذتین و الم نشرح بخواند و بعد از عدد صلوات بفرستد بعد از آن اسم را بانعده بخواند و در غیر یوم شنبه و سه شنبه و مذکور را با بعضی از ادعیه بخواند بجهة انجاح مقاصد اسم خداوند را که موافق با اسم خود باشد بگیرد و در وقت

القادر

۳۳	۳۶	۳۱	۱۶		د	مر	ص	یا
۳۸	۲۷	۳۲	۳۷		ص	یا	د	مر
۲۸		۳۴	۳۱		یا	ص	مر	د
۳۵	۳۰	۲۹	۴۰		مر	د	یا	ص

۴۱

القادر یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد بی مدد و معاونت
دیگری در همهٔ احوال این نامی است که ادریس علیه السلام
بر قوم خود به برکت این نام نبوت یافت اهل تحقیق گویند هر که
خواهد خاصیت این نام با هیبت و احترام کند باید بداند که توانائی
بحقیقت قادر است هر چه خواست کرد و هر چه خواهد کند یفعل
الله ما یشاء و یحکم ما یرید پس باید ترک تردد و حصول مراد اگر کند
و کار خود بکارساز باز گذارد تا قادر روزی توانائی دهد
آنچه خواهد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در
وقت وضو ساختن بر هر عضوی این اسم بگوید بر خصمان غالب باشد اگر چه
ضعیف بود و یکی از اکابر فرموده هر که در محل قتال و جدال با خصم
بد کرد این اسم مداومت نماید بر خصمان غالب گردد و هر که را خصم قوی
باشد و در دست او اسیر و عاجز شده باشد این اسم را در وقت طلوع آفتاب
بلا مداومت نماید حق تعالی خصم وی را ضعیف گرداند امر بیع از بعد ضعف

و هر روز از آن چهار اسم بعد از نماز
خود بخواند عجایب مشاهده نماید امام
راوی گوید که بخدمت امام بودم
جعفر صادق علیه السلام بودم مردی آمد
عرض کرد که پادشاه ما را خوف و غم از خصم
دشمن از او و اتباع او خبر است اکنون در
و محمود شاه اگر چه شهر و قلعه عرض کرد
اطراف خود شهر و قلعه را فتح نموده اند
چگونه بر او غالب آئیم و از وی ایمن شوی
که حضرت فرمود از فضل خدا امید داری و در
بخوان سوره قل هو الله ... تا
چهل روز هر روز بعد از نماز صبح بخواند
از پیش روی و بعد از نماز عصر و بعد
از نماز مغرب بعد از نماز عشا بخواند تا
چهل روز پس بعد از آن بخواند باشد
اِن بالای سر بعد و قلعه باشد
برای حق تعالی کند تو را ادراک از این
که حافظ و سلطان شد و حضرت امام جعفر
ضد پادشاه ...
از حضرت امام
صادق

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقتدر

ر	د	ا	ق
ا	ق	ر	د
ق	ا	د	ر
د	ر	ق	ا

	۷۶	۷۹	۸۲	۶۸
	۸۱	۶۹	۷۵	۸۰
۸۴	۷۰		۷۲	۷۴
	۷۸	۷۳	۷۱	۸۳

المقتدر یعنی خدای تعالی توانا بر برآوردن و بیرون همه چیز از مرتبه اسفل بر اعلی درجه از کمال درجه اعلی تا زیر بنده یا اسفل این نامی است که روح دهد از برکت این نام در آید از طبیب این اسم بیرون رود اهل حقیقت گویند هر که از خواب بیدار گردد همچنان چشم بر هم نهاده گوید یا مُقتَدِر و مکرر سازد حق تعالی روز قیامت چشم او را روشن سازد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در حرب خصم نوشته با خود دارد بذکر آن ندا و مداومت نماید غالب شود بر خصم و دل او بیدار گردد از خواب غفلت یکی از اکابر فرموده که این اسم را درین مختصر بیان کنیم بدو خاصیت اول در جاه و منصب و قدرت و منزلت نزد اکابر و خویشان و دوستان و دیگر شکست و خواری و کسر اعدا و عزل ایشان از اعلی درجه با سفل هر که خواهد تا این دو مقصود یکی یا هر دو بر آید دعوت این اسم بعدد کامل تکسیر هفتاد روز باید که اگر جاه و منصب مقصود است نام خود و نام آنکس که تقرب با وی جوید با این اسم

که آنحضرت بغلام خود فرمود که هرگاه خواهی که جهت حاجتی بکسی بنویسی که آن حاجت مقصود تو بعمل آید بنویس با قلم نو تراشیده مثل دوات آنچه

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله وعد المتقین والصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون ودر نظر رسید در نسخه دیگر بجای یکرهون یخافون نوشته و بعد از نوشتن این اسم یا ربنویسد ابوتراب ابوتراب ابوتراب

ایضاً بجهت این مطلب قدری خاک در دو رهنه بپوشد و بعضی بالاکنند البته مقصود بعمل آید

تکسیر کنند مثلاً محمد تقرّب محمود میخواهد چنین تکسیر کنند
که در حاشیهٔ این صفحه نموده میشود و طالب مطلوب پس مجموع
این حساب کردیم هزار و هفتصد و هشتاد و شش بود قاریرا
مخیّر ساختیم اگر تواند هر روز با یبعض یا مقتدر بگوید درین
ایام مذکور و اگر میسر نشود ابیعض را باین طریق بر کاغذ
وضع کند یا خود دارد و بعضی کبیر که زیاده از هزار بار است
میخوانند و تا توانند یا بعض کامل خوانند که تقرّب واقع شود که
عاقبت محمود گردد و این را بسیاری از بزرگان تجربه کرده اند و
بتقرّب سلاطین رسیده اند و مقاصد کلی از این عمل حاصل
شده و در یای ندا و الف و لام تعریف مخیّر است در تمام
اسما و در این ایام شرایط خلوت بجای آورد و بخور بسوزد بعود
و صندل و بعضی کامل خوانند یا بعض تکسیر یا اوراد و خواص
دهند و برای کسر نام خود و نام خصم تکسیر کنند اما بشرایط
نام خصم بر نام خود مقدّم دارد و در وقت تکسیر و خواندن
مقهور شدن اعداء در خاطر آورد و هر عدد که از تکسیر بیرون
آید بر والای سیاه بر نیل و زنگار در مربع نهد بنا دارد و بیرون
و اگر چنان بود که باد از وا لاگند ردو بخانهٔ دشمن رسد
نود تر مقهور گردد (و مربعات در صفحهٔ بعد وضع شد)

صحّ

م ح م د م ح م و د م ق ث
د د م د ح ث م ق د م م د
ح ~~م ق د م د ح~~ و م م ا
ز و م ح د د ح م ث م م ر ق
ق م د د م و م م ث ح م ح
د د ق ح م د د م و ح م ت
و م م م د م ق و ح ث م م
د ح د م م م و د د م ح ق
د و م ح ~~ق د م ح م~~ ث
م م م ح د م د و د د م ق
ح ح ت ق م م م د م د
ح و د د م م ح د ث ر ق
و م ح م د م م د د م م ح
م د د ت م ر ح ق م و و
د م م ق م ح ح د م م ت
د د و ث د د م م م ق د م
ح ح د ح و م ت ر د
ق د م م م م

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المُقَدِّمُ

	۴۴۸	۴۵۱	۴۵۴	۴۴۱		۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸
	۴۵۳	۴۴۳	۴۴۷	۴۵۲		۱۹۱	۱۷۹	۱۸۴	۱۹۰
۴۶۵	۴۴۳		۴۴۹	۴۴۶	۱۹۴	۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳
	۴۵۰	۴۴۵	۴۴۴	۴۵۵		۱۸۸	۱۸۴	۱۸۱	۱۹۳

ر	د	ت	ق	م
ت	ق	م	ر	د
م	ر	د	ت	ق
د	ت	ق	م	ر
ق	م	ر	د	ت

المقدم یعنی پیش اندازنده نیکی و بدی و هر چه سزاوار باشد این نامی است که موسی علیه السلام ببرکت این نام بر طور قوت یافت کلام بیچون شنید اهل تحقیق گویند هر که خواهد که این نام کند اول باید که در جمیع امور که او را پیش آید کار دین بر دنیا مقدم دارد تا حضرت عزت او را در زمرهٔ ارباب یقین دارد و دعا او را بقصد اجابت کشد و دعوت این نام مناسب کسانی است که ایشان را قبض و بسط باشد کار ایشان در هیچ مراد پیش نرود بدعوت این اسم شروع نمایند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در حین خوف این نام را بسیار گوید ایمن گردد و از هیچ چیز نترسد و یکی از اکابر فرموده که مربع این اسم را باین طریق (در صفحه بعد نموده میشود) اگر سلطان بر سر علم بندد تا هر لشکر که با خود دارد بر خصم غالب آید اما باید در دو مربع نویسد یکی بحروف و یکی بعدد و حروف را بر عدد مقدم

دارد

از شر دشمن محفوظ شدن مجرب است کرده که چون در روبرو شود دشمن کهیعص کهیعص حمعسق و در هر حرفی یک انگشت عقد کن و ابتدا کن از انگشت ابهام دست راست و ختم کن بانگشت ابهام دست چپ پس بخوان سوره فیل را چون بکلمه ترمیهم رسی این کلمه را ده بار مکرر کن و در هر بار یک انگشت را بگشاید و این از عجائب و مجربات است **ایضاً** از جمله مجربات بجهت حصول مراد و قضاء حوائج چون

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المؤخر

...وارد و دارندهٔ این لوح بر اعداء غالب گردد و هراس در دل دشمنان

۴۵	۴۹	۵۲	۳۸		م	د	ق	م
۵۱	۳۹	۴۴	۵۰		ق	م	م	د
۴۰		۴۲	۴۳		م	ق	د	م
۴۸	۴۲	۴۱	۵۳		د	م	م	ق

۵۴

افتد که بتوسط فراد برقرار دلالازم داشتی اگر بر لوح نقره نقش
کنند اثر زودتر واقع شود سلطان را واجب که در روی مصاف ماند
این اسم بر زبان براند و بر خود و سپاه خود بدمد تا از شر خصم محفوظ
المؤخر یعنی پس دارنده آنچه شایسته خواری و پس بودن است
این نامیست که او بندگان را بسبب این نام فنا خواهند شد اهل
تصوف گویند هر که خواهد که این اسم کند اول باید که در جمیع امور
ترک هوای حظ نفس کند و رضای خدا تعالی را بر مراد نفس خود
مقدم دارد تا الله تعالی جل جلاله دعای وی را بسبب تأخیر بکار بندگان
خود کرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را عمر
به آخر رسیده باشد و اعمال خیر نداشته باشد باین اسم مداومت
نماید عمرش دراز گردد و عمل او را مقبول گرداند و یقین او بحق تعالی
زیاده گردد و در آن متمکن بماند انشاء الله (مربع مؤخر در صفحهٔ بعد)

[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الأوّل

	۲۱۱	۲۱۴	۲۱۷	۲۰۴
	۲۱۶	۲۰۵	۲۱۰	۲۱۵
۲۱۹	۲۰۶		۲۱۲	۲۰۹
	۲۱۳	۲۰۸	۲۰۷	۲۱۸

د	خ	و	م
و	م	د	خ
م	و	خ	د
خ	د	م	و

الأوّل یعنی خدای همیشه بود کمال عنایت این نامی است
که جمله مکونات از برکت بزرگی این نام پیدا شده اهل حقیقت
گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که قدم در راه
خدا تعالی نهد هر دانند در ابتدا اوّل و آخر خداوند تعالی
شانه و دعوت این اسم مناسب کسانیست که بفراق غایبی گرفتار شده
باشند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود جهت غایب یا هر کار
صعبی که باشد چهل شب جمعه هر شب هزار بار بگوید غایب حاضر گردد
و جمله مرادات او حاصل شود شیخ فرموده که هر که طالب فرزند
باشد یا در مقامات امید بیند دارد و فتوح عالم غیب میخواهد
و هیچ جا کار ندارد بعد از هر نماز جمعه بعد او مثل این اسم قبلها
نماید در چهل جمعه چون اربعین تمام شود مقصود او حاصل گردد
و مربع الأوّل در صفحه بعد است بانجام مراجعه و استفاضه نماید
الآخر یعنی خدای همیشه باشد و هم زوال اهل تحقیق

هر که در نیم شب پنجشنبه دو مرتبه بگوید
یا جامع المتفرقین و مطالب را
بخواهد انکس مطیع و گردد **جمعی**
هلاک دشمن هفتاد نوبت بخواند
مجرب و آزموده است بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم شتت شملهم
و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم
و خرب بنیانهم و بدل احوالهم و
قرب آجالهم و قطع اعمارهم و
اشغلهم بابدانهم و خذهم اخذ
عزیز مقتدر یا قهار یا قهار یا
قهار یا جبار یا جبار یا جبار
و اما ناممکن باشد این عمل را انکه
کرامت عجیب دارد **ایضاً** اگر باید
مشت خاکی که از خرابه هفته و یکی از
مسجد خرابه و یکی از قبرستان خرابه
و یکی از چهار راه و اینجا
مخلوط کرده

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الآخر

	۹	۱۲	۱۵	۱	ل	و	لا	ا
	۱۴	۲	۸	۱۳	لا	ا	ل	و
۱۷	۳		۱۰	۲	ا	لا	و	ل
	۱۱	۶	۴	۱۶	و	ل	ا	لا

گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که با خود شرط کند و عزیمت جزم گرداند که هر قول و فعلی که از او در وجود آید خالصة لله باشد و هیچ عمل بریا نکند تا خاتمهٔ کار او بخیر و صلاح باز گردد و در تحت این اسم مناسب کسانی است که در دنیا از خاتمهٔ کار ترسند و در شان ایشان حق سبحانه و تعالی ختم کار شان بسعادت ایمان کند شیخ فرموده که قاری این اسم دایم همه حال بصفای باطن و خوشدل بود دایم دل و خرم باشد با ایمان و معرفت کامل دایم متوجه آستانه کبریا بود و او را رضوان اکبر نصیب گردد چون بصدق دل گوید معنی بدل و دیگر بر زبان گذراند تا دل وی زنده و جان وی ذاکر باسماء حسنی گردد انه

	۱۲۰۰	۲۰۳	۲۰۶	۱۹۲	د	خ	لا	ا
	۲۰۵	۱۹۳	۱۹۹	۲۰۴	لا	ا	د	خ
۲۰۸	۱۹۴		۲۰۱	۱۹۸	ا	لا	خ	د
	۲۰۲	۱۹۷	۱۹۵	۲۰۷	خ	د	ا	لا

کرده و هفت بار سورهٔ لم یکن را
بر آنها بخوانند و در وقت خفتن
در خانهٔ دشمن بنا باشد و میان
شود و خانهٔ آنها ویران گردد و هلاک
جهت اعلاء کلمة الله
شود [illegible] فانا مرادی
انفع [illegible] نوشته در [illegible] الا
شخص [illegible] نوشته و ما محمد الا
کند [illegible] کرده [illegible] قبله الرسل
رسول قد خلت من قبله الرسل و علی
آفان مات او قتل انقلبتم
[illegible]
اعقابکم [illegible] و اراده مطالب
معنی واحد [illegible] و انجاح [illegible] علیم
بجهت قضاء حوائج [illegible] الشهداء [illegible]
متوسل [illegible] هشت [illegible] و ابیه
شود [illegible] و اخیر [illegible] و امه
الهی بحق [illegible] و سکینه [illegible]
و ابیه [illegible] و [illegible]
صلی علی محمد

در شرح کلمه مبارکه الظاهر

الظاهر یعنی خدای که پیدا است هستی وی بآثار و علامات بینا و در ظهور و وجود اهل تحقیق گویند هر که خواهد صاحب این اسم گردد باید که ظاهر و باطن او با خلق خدا یکی باشد چنانکه باشد بنماید و چنانکه نماید باشد تا روز حشر از صفت محشور گردد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد از طلوع آفتاب هر روز یاد این نام را بگوید ایزد تعالی او را از نابینائی نگاه دارد و اگر امید ظهور مخفیات دارد ایام بیض روزه دارد و هر روز هزار بار بگوید تا در خواب پیدا آید و او را از آن امر نشانه دهند یکی از اکابر فرموده هر که ورد سازد و هر روز بعد از نماز چاشت این اسم را پانصد نوبت بگوید خدا تعالی بکمال قدرت ظاهر و باطن او را نورانی گرداند و دل او را از خواب غفلت بیدار کند و از تاریکی دل ایمن شود و عقوبت این اسم مناسب کسانی است که خواهند دشمن خود را مقهور گردانند که ایشان هیچ خللی در آن نباشد و زوال نعمت ظالم خواهند و صد مرتبه بخوانند بخوانند این اسم بعد تکبیر پنجاه و هر روز هشتاد و پنجاه و دو مرتبه دشمن مقهور گردد

	۲۱۶	۲۷۹	۲۸۲	۲۶۹	ر	ه	ا	ظ
	۲۸۱	۲۷۰	۲۷۵	۲۸۰	ه	ر	ظ	ا
۲۸۴	۲۷۱		۲۷۷	۲۷۴	ر	ه	ا	ظ
	۲۷۸	۲۷۳	۲۷۲	۲۸۳	ا	ظ	ر	ه

و آل محمد و اخرجني من الهم الذي
انا فيه ومن الغم الذي انا فيه
برحمتك يا ارحم الراحمين البته مهم
او کفایت شود و از برکت این دعا
حاجتش ادا و برآورده میشود و از برکت این بزرگوار
برطرف میگردد اما اگر درد هم و غم او
وحضور دل طلب شود در مسجد باوضو
برای قضاء حوائج
هفتاد و دو نوبت بخواند بهتر است
مجرب است ابتدا دعا را
بخواند گفته اند بسم الله الرحمن الرحیم
الهی انا عاجز فی کل شیء وانت القادر
علی کل شیء ارحم عجزی واقض حاجتی
برحمتك يا ارحم الراحمين
هر حاجت که باشد
صلوات بفرستد و جمیع امور مهمه ده بار
بخواند البته مطلب برآورده
است و دعا مستجاب
کرده اند

در شرح کلمه مبارکه الباطن

الباطن یعنی پوشیده ذات و از دریافت بصار و اوهام
این نامی است که جمله جانوران از عظمت و بزرگواری این نام حق تعالی
شناخته اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند
باید خود را چنان بخلق نماید که در باطن نزد خدای تعالی باشد زیرا که
سبحانه و تعالی باطن او را از ضلالت نگاه دارد حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که امانتی جایی بسپارد و بنهد
این نام را بوفق این سوش مربع با آن از حروف نهاده را امانت بنهد
از دست دزد سالم ماند و دست غیر بآن نرسد هیچکس بر آن
مطلع نگردد از برکت این لوح بزرگ فرموده هر که هر روز سه
هزار بار بزبان راند و مداومت نماید حق تعالی او را از همه چیز بی نیاز گرداند

١٨	٢١	٢٤	١٠
٢٣	١١	١٧	٢٢
١٢		١٩	١٦
٢٠	١٥	١٣	٢٥

٢٦

ن	ط	ا	ب
ا	ب	ن	ط
ب	ا	ط	ن
ط	ن	ب	ا

الاول الآخر الظاهر الباطن این چهار اسم
خواص بسیار است و اسرار عجیب و احوال غریب و دعوات این اسمات
هر که مداومت نماید در دعوت این نامها هفتاد روز بشرط مذکور در

وانا نا اهلا ان نغفر وانت ربنا اللهم
لا سهل الا ما جعلته سهلا
وانت تجعل الحزن اذا شئت
سهلا وسهل لنا امور الدنیا
والآخرة یا مسهل یا سلیم
فرد یا قدیم برحمتک یا
ارحم الراحمین و بعد از فراغ
حاجت خود را از خداوند بخواهد

در شرح اسماء الله اوراد

هر که بامداد قبل از نماز صبح
در چهار زاویه خانه خود در
هر زاویه ده بار یا بدیع العجائب
الرزاق
زاویه ده بار از دست راست کند یابد
وابتدا از دست راست کند خلاصی یابد
قبل بود از فقر و فاقه خلاصی
از برای فضل ... اخرج بعد
نماز صبح صد مرتبه
جمعه صد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباطن

شمارد و بعد تکبیر اصل اسما بخواند که پانزده هزار و چهار صد و
هشتاد و دو عدد است چون تمام شود و این دعوت توفیق یابد
بر او ظاهر گردد اسرار عالم و مکشوف گردد آنچه علم ظاهر و باطن
است و صاحب دعوت این اسما و خواص ظاهر و باطن اشیا را
بداند و بر ظاهر و باطن هر موجود بینا و توانا گردد و بیش از این
در شرح این اسما شروع نمایی گردد که از حد اعتدال در گذرد
و چون ختم با تمام رسد باید که بالکلیه ترک ذکر این اسما
نکند و همچنان بخوانند و اگر همه آن عمل نتوانند خواند باید که بعد
تکبیر بخوانند تا مدام در آن حالت بمانند و این مربع را نوشته با خود دارد

الاول	رزهم	الظاهر	ربهم
الظاهر	الباطن	مرفوع	الآخر
الباطن	الظاهر	الآخر	رزقهم
رزهم	الاول	ربهم	الظاهر

۵۲۵	۵۳۸	۵۳۵	۵۳۲	
۵۳۶	۵۳۱	۵۲۶	۵۳۷	
۵۳۰	۵۳۴		۵۲۷	۵۴۰
۵۳۹	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۴	

الوالی یعنی پادشاه فرمانروا بر جمیع مخلوقات این نام سامی
که جهانوا برکت این نام داشته اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این نام کند باید که صحبت صالحان باشد و خود نیز صلاحیت
پیش گیرد و مهمات جزئی و کلی خود را بخدای تعالی گذارد و ظاهر

باطن

مرتبه جلی این نام را بگوید بشرط
حضور قلب و خضوع و خشوع البته
از نتایج این اسما و عدد خواهد شد
و بجهت نجاة من الکرب العظیم
افزونی طلب مال و توسعه در
احوال و جمیع نعمات و مال بعد از
سلام نماز صبح بلا فاصله بگوید بسم
الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین ادعوک یا سمیع
الحسنی و بعد صد و شش مرتبه بگوید
یا جواد یا لطیف یا باسط یا مغنی
یا الله یا من لا اله الا هو یکبار بعد
بگوید اسئلک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تعطینی من خزاین جودک
ما تغنینی عن الاحتیاج
الی غیرک و ان

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوالی

باطن خود ایکی سازد تا والی المتعال کارهای او و اتباع او را ملکه
بدعای او امور و مهمات بندگان نیز ساخته گردد و خواص این اسم
مناسب کسانی است که خواهند برتبهٔ ولایت رسند حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که این نام بر کوزه نویسد و پر آب کند
و در چهار حد خانه و بام سرای خود بپاشد آن خانه از دزد و صاعقه
و سیل و زلزله و جملهٔ آفتها ایمن بود و بزرگی فرموده هر که این
مربع را بنویسد در شرف آفتاب یا در تثلیث سعدین و با خود دارد و این
اسم را بعدد کبیر هر روز بخواند ایمن بود از قهر سلطان و عزل عمل
و تنزل جاه و منصب و غرق و حرق و سالم بود در بر و بحر از آفات و
بلیات و نکبات آخر الزمان
محفوظ ماند و اگر این نام را
یازده عدد تکسیر بخواند هر
روز تا بیست و دو روز دارد
و در خلوت خواند چون بیرون
آید تمام خلق ولایت او مطیع و

	١١٢٤	١١٢٧	١١٣١	١١١٧
	١٩٣٠	١١١٨	١١٢٣	١١٢٨
١١٢٣	١١١٩		١١٢٥	١١٢٢
	١١٢٦	١١٢١	١١٢٠	١١٣٢

مسخر او گردند و خبر بزرگی او باطراف و جوانب عالم منتشر گردد
و اگر در این دعوت بصدق و اعتقاد بود و جهت تسخیر خلایق بخواند
بدرجهٔ ولایت رسد و صفای باطن وی زیاده نماید که بر او منکشف

نعیتقوی علی طاعتک و ادای
حقک الیک از مجربات است
از دعوات قضاء حوائج شرعیه
بعد از نماز عشاء این دعا را
صد بار بخواند و صد بار صلوات
صد بار بخواند و حاجت او روا شود
بعینه البته حاجت روا بسم الله الرحمن الرحیم
لبیک لبیک [illegible] فادعوه و لا
الهی [illegible]
[illegible]
[illegible]
فان کان دعوتی [illegible]
خالصا فصل علی محمد و آله [illegible] العالمین
[illegible]
[illegible]
و علیه السلام [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتعالی (۱۳۶)

گردد علوم غریبه علم لدنی وحالات عجیب وغریب عدد تکسیر سبع مع صد و موخر چهارصد و شصت و نه بود و باز عدد ان چهار هزار و چهار صد نود و نه عدد است و بعضی از اکابر گفته اند هر که روزی سه نوبت بخواند و معنی ان در دل کند داند چنانکه غیر در خاطر او خطور نکند از اصحاب یقین گردد انشاء الله تعالی

و	ا	ل	ی
ل	ی	و	ا
ی	ل	ا	و
ا	و	ی	ل

۴	۱۸	۱۴	۱۱	
۱۵	۱۰	۵	۱۷	
۹	۱۲		۶	۲۰
۱۹	۷	۸	۱۳	

المتعالی یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش با نهایت پیدا اهل یقین گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که با کمال تمجید و تمجید خود را عاجز داند در اعلی درجه که با وجود کمال حضرت رسالت صلی الله علیه واله میفرماید که لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک پس در احوال و اقوال و افعال موافق حضرت پیغمبر موجود گردد علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات تا اثر و متعالی در او بزرگ گرداند این نامی است که حق تعالی به برکت این نام مصون است حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر زنی که در غالب حیض و نفاس این نام بسیار گوید ایمن ماند از علم

منقولست که بعد از وفات موجود دانست باین نامها متحیر گردند و دارنده این اسماء عجایبها از او مشاهده گردد هر که مواظبت و مداومت نماید در دل جان او روشن گردد بخواند که اسرار غیبیه بر او منکشف شود و شرح این اسماء مبارکه بسیار است اما بطریق ایجاز و اختصار از برای هر اسمی شرح علیحده فرموده اند که هر کس بخواند اندیشهای او مستجاب گردد اسم اول الله اگر کسی پادشاه از او در بیم باشد و باو مستغنی باشد چون نزد پادشاه رود هفتاد بار برابر رو او بخواند و برخی بعد هر روز دل پادشاه مهر عجیب این شخص پیدا شود و بجهت هر که بخواند همین فایده بخشد و اگر بیمار بخواند دل

افعها

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتعالی

افهها خصوصا از استحاضه یکی از اکابر فرموده هر که مداومت
نماید بعد تکسیر این اسم باطن او پاک گردد از غل و غش و کدورت
و جمیع عیوب ظاهری و باطنی و هر که نقش کند حروف این اسم را
بر نگین عقیق و یا بلور و اگر دست نه دهد بر نقره خالص بعد
تکسیر و با حرمت نگاه دارد و دعوت روز یا در شب طهارت
عدد کند حاصل اید او را مرتبه عالی در صورت و معنی و شیخ معروف
هر که این عدد در روز خواند مرتبه ظاهری او بلند گردد و اگر در
شب خواند مرتبه عالی در یابد در باطن و طریق مربع که بحروف و نویسند ابواب

لی	عا	ت	م
ت	م	لی	عا
م	ت	عا	لی
عا	لی	م	ت

	١٣٧	١٤٠	١٤٤	١٣٠
	١٤٣	١٣١	١٣٦	١٤١
١٤٦	١٣٢		١٣٨	١٣٥
	١٣٩	١٣٤	١٣٣	١٤٥

و بعد نقش کند هر دو را و عدد تکسیر که بخوانند هزار و دویست و
هشتاد و هشت عدد است نام متعالی و دو هزار و سیصد و بیست و هشت
عدد است المتعالی هر کدام که خواهند عوض فرمایند و دعوت این
اسم مناسب کسانی است که در سلوک یا در دنیا خواهند که به درجه
کمال رسند عوض این نام قیام نمایند اگر بعد تکسیر نموده خوانند

اوچنان روشن گردد که از رها
مشکل براو آسان شود و شر از ان
دل او بیرون و حفظ و جاه و مرتبه
او زیاد شود و اگر با غسل و نماز
پاک صد بیست و یکبار در جمعه جمعه دور
بخواند و مطلوب مرجو خواند مطیع و
منقاد او دیگر دد و بواو قرا اینکه
سبحانك یا لا اله الا انت یا رب در بعضی نسخ
کل شیء و وارثه و واحد دیده شده
و وارث فرد و واحد اگر بعضی ...
نبود بادی و قومی اگر معنا شد بر
است اسم قوم مرحم باشد بر
تا بشد و در نظر مردم بخواند فراخ
روز هر روز با نیه بار بخواند و رحالت
دشمن و جلالت و وسعت ...
پیدا شود و در نظر خلق ...
همه او را بر پیشاند و
و عزیز شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اَلتَّوّاب

ی	ا	ب	ر		۴۳	۵۶	۵۳	۵۰
ب	ر	ی	ا		۵۴	۴۹	۴۴	۵۵
ر	ب	ا	ی		۴۸	۵۱		۴۵	۵۸
ا	ی	ر	ب		۵۷	۴۶	۴۲	۵۲

اَلتَّوّاب یعنی خدای توبه دهنده و توبه پذیرنده است این نامیست که توبهٔ آدم علیه السلام را ببرکت این اسم قبول کردند اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که اگر روزی از راه سهو و غفلت جرمی واقع شود روز و شام گریبان ندامت را گرفته روی بدرگاه کبریا آورده سر بسجده نهد و توبه کند و با تواضع و عجز و نیستی دامن کرم و جود و رحمت را نگذارد و اگر بنده از بندگان خدا تعالی بنسبت وی عذر آورد بایدکه الحال قبول کرده و بپذیرد و عذرخواهی کند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز سی نوبت ورد کند دفع وسوسه و آفت جن کند و شیخ مغرب گوید هر که هر روز دو نوبت بر طفل خواند تا از شیر باز کند آن طفل از آن آسایش یابد و شیخ فرموده هر که بعد از نماز چاشت این اسم را سیصد و شصت بار ورد کند از هر خویش یاد بکوی حق سبحانه و تعالی او را توبه کرامت کند و قبول نموده وی را از نزدیکان گرداند

و از برای شخصی سه روز روزه دارد و هر روز تا پنجاه بار این اسم را بخواند چون روز سوم شود بجای خود که در پیش رو و بقبله باشد و رود که درویش رو تا به این غسل کند و چون بیرون آید بنویسد اسم را بر کف دست راست باشد که بر آنکس رود آن بار که و برابر آنکس شود یا رحیم و از صحبت او برآید **اسم رحیم** و از جمله اطبا و زمینی سیح و اگر کسی مریض باشد و اطبا از علاج آن عاجز باشند این اسم را با زعفران بر کاسهٔ چینی نویسند و بشویند و با آب غسل کند و اگر بیمار شفا یابد با آن آب و اگر خدا و وی نیابد بآن اسم کند هر که بعد از این اسم روح یابد و بمحبت ملکی حق حق تعالی **اسم شفیع** و اگر کسی با وی بند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ البرّ

بعد وسیط که اصل عدد است بخوانند که پانصد پنجاه و یک
نوبت است تا بقول شیخ بعد کبیر که زیاده از هزار بار است بخوانند
البرّ جلّ جلاله یعنی خدای نیکو کننده با خلایق
خویش و نیکوئی او همه جا و همه کس رسیده است و این نامی است
که خوردان از برکت این نام ببزرگی رسیده اند اهل تحقیق
گویند هر که خواهد حصار این نام کند اول باید که شفقت
و مرحمت از خلق خدا دریغ ندارند و تا تواند تشنگان را سیراب
گرداند و تصدق بدهد تا برّ و رحیم وی در میان ابرار درج کنند و
در جنت الخلد وی را جای دهد و منزلی کرامت فرماید و دعوت
این اسم مناسب کسانی است که از آفت دهر و تنزل جاه و منصب
می ترسند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم را
بر کودک چون بسن بلوغ رسد ایمن بود از آفت روزگار و بزرگی
فرموده که چون طفل متولد گردد سه روز هر روز هفتاد بار بخوانند
و نفس بر او دمد آن طفل از آفات و بلیات محفوظ ماند تا حد
بلوغ و شیخ مغربی گوید هر که مداومت نماید سرّ و علانیه بذکر
این اسم خسیس ما و نیکی او بسازد آنچه طلبکار آنست و اگر بعد تکسیر
که ششصد و نود و نه نوبت است یا بعد کبیر بخواند زود بمقصود واصل
گردد و آنچه مطلوب او است بی واسطه بوی رسد (مو بقیه در صفحه بعد است)

و دیگر تنگدست و درویش نگردد
یا الله الاّ هو الرفیع جلاله اسم
شصتم که هر که روز جمعه وضو سازد
و جامه پاک پوشد و بمسجد جامع
رود بعد از نماز جمعه دویست و [illegible] نوبت
این اسم را با خلوص بخواند با اعتقاد
درست به نیت هر حاجت و هر مطلب
و هر مرادی که داشته باشد البته ان
حاجت بر آورده است یا الله
المحمود فی کل فعاله
اسم شصت و چهارم اگر کسی قاهر و
تند خو و بد خلق باشد و مردم از
او در ترس و آزار باشند و خواهند
که این صفت از او دفع شود و رحم
دل گردد این اسم را بمشک و زعفران
بر سر بنویسد بنام خود نقش
و مداومت نماید و منزل از تکسیر
کنند و جای او را از نقش ...
بخشد تا زود زایل گردد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المنتقم

واگر کسی را وسواس و خیالات فاسده و وسوسهٔ شیطان نفرت رسانند و دل خود حاضر نتواند کرد در میان فرض و سنت نماز یا مداومت صد بار بگوید تا از بلیه نجات یابد دل او و با خود مشغول کند حق تعالی او را نور معرفت از باطن بر افروزد و اگر بر آن مداومت نماید از اهل قلوب گردد

	١٠٢	١٠٥	١٠٨	٩۴		ب	ا	وّ	ث
	١٠٧	٩٥	١٠١	١٠۶		وّ	ث	ب	ا
١١٠	٩٦		١٠٣	١٠٠		ث	وّ	ا	ب
	١٠۴	٩٩	٩٧	١٠٩		ا	ب	ث	وّ

المنتقم یعنی خدا تعالی انتقام کشنده است از بندگان بدکار و بر چنانکه حق او است این نامی است که پیغمبران بر کافران از برکت این نام ظفر یافته اند و این اسم مناسب کسانی است که از ظالمان انتقام خواهند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصهٔ این نام کسب نماید که هرگز بر هیچکس جفا نکند در حق مخلوقات و هیچ جا بزند ندارد و اینچه تواند از نیکوئی در حق مخلوقات دریغ ندارد تا حق سبحانه و تعالی او را شوکت و ابهت و شجاعت کرامت کند در باطن تا انتقام مظلوم از ظالم بستاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر جا خصم صبر نتواند کرد این اسم را ورد کند هر جمعه و شصت و شصت و یک نوبت بخواند چون سه جمعه بکند دفع خصم راضی

و کم ذهن باشد که هر چیز را فراموش کند و یاد نگیرد هر روز جمله روز بیست و یک بار یا بیست و هفت بار این اسم را بخواند دل وی عفو گردد و هر چه بشنود و بخواند نفخ الصور یاد گیرد و فراموش نکند و اگر کسی را او چیزی گم شده باشد روز شنبه صد و بیست نوبت بخواند چون بخواند [illegible] گم شده را بیابد و اگر مال و هفت غایب دزد در خانه او را ه بنماید قال الله تعالی یا قوم ارهطی اعز علیکم من الله [illegible]

اسم منتقم چون کسی را فکر و خیال باطل بسیار باشد و باطن او مشوش باشد اگر این اسم را بسیار بخواند نجات یابد و اگر کسی خوفناک باشد از دشمن و غم و [illegible] بشیر غسل کند

یامقهور

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العفوّ

یا معفو گردد شیخ فرموده هر که قوت مقاومت با دشمن نبود
دشمن او قوی بود باید بسیار بخواند تا خصم قوی وی ضعیف است
مدت بیست و یک روز هر روز بعد تکبیر با تکبیر کند دو هزار و
پانصد و شصت و چهار نوبت است بعد از آن دشمن چنان مطیع
مهربان گردد که عفو کند هر چه بوی کرده و خدا تعالی گردد اوی را بر وی تکیه

۱۵۷	۱۶۰	۱۶۳	۱۵۰	م	ق	ث	ن	م
۱۶۲	۱۵۱	۱۵۶	۱۶۱	ث	ن	م	م	ق
۱۵۲		۱۵۸	۵۵	م	م	ق	ث	ن
۱۵۹	۱۵۴	۱۵۳	۱۶۴	ق	ت	ن	م	م
۱۶۵				ن	م	م	ق	ث

العفوّ یعنی خدای درگذرانندهٔ گناه مخلوقاتست به تخصیص آنکه
بسیار از گناه ترسد این نامی است که آب حوض کوثر به بندگان
برکت این نام خواهد رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این نام کند باید بداند که هر چه از بنده گان خدای تعالی
عفو میکند حضرت خدا وند و صد هزار چندان در میگذراند
چون بنده از بنده عفو فرماید تا نامهٔ اعمال وی را پاک گرداند والله
سبحانه در کلام مجید فرموده است هل جزاء الاحسان الا الاحسان
و اثری باقی نماند چون بنده از ضعیفان زبردست عفو فرماید

ونماز کند چون از نماز فارغ شود
پنجاه بار این اسم را بخواند از ترس
و خوف دشمن ایمن گردد و دشمن
بوی مهربان شود یا واحد الباقی
اول کل شیء و آخره و اسمه ...
اگر کسی خواهد که در کارها ثابت
قایم باشد سه شنبه از سه روز روزه
دارد و هر روز با وضو سیصد بار این
اسم را بخواند خدا تعالی حاجت او را
روا کند و اگر پادشاه یا فقیر بخواهد
که دولت مستقیم بماند این اسم را انگشتر
در نگین زرین بنگارد و مدت دولت و
نشانند روز شرف آفتاب ... بر آفتاب
دعا ... مستدام بماند ... اسمه الصمد
و لا زوال الملک و بقاء ...
اگر دو دعا ... نماز کار ... شوهر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرؤف

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هرکه را گناه بسیار بود چنانکه نزدیک بنا امیدی رسد نعوذ بالله این نام را بسیار گوید ملائکه مدد تمام دهند و بهشت نصیب وی گردد فرموده که مداومت با این اسم موجب رسیدن بمقامات عالیه است

و	ف	ع	ال
ف	و	ال	ع
ال	ع	ف	و
ف	و	ال	ع

	۳۸	۴۲	۴۵	۳۱
	۴۴	۳۲	۳۷	۴۳
۴۷	۳۳		۴۰	۳۶
	۴۱	۳۵	۳۴	۴۶

الرؤف یعنی خدای بخشاینده و مهربان بر خلقان و نمایندهٔ راه فلاح و نجات باهل فساد و طغیان بواسطهٔ این نامی است که اهل

شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را باین نام خوانند و اهل تحقیق گویند هرکه خواهد حصهٔ این نام کند باید بداند که خدای تعالی رحمتش در دنیا شامل است مؤمن و فاسق و کافر و منافق و هر طایفه که هست گردانیده اما در عقبی مخصوص بمؤمنان است پس باید که طریق مؤمنان پیش گیرد و بر فاسقان و فاجران رحم کند و در حق ایشان دعای خیر کند تا حضرت ملک رؤف دعای وی را قبول کند و او را برحمت بی نهایت بیامرزد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هرکه خواهد مظلومی را از حبس ظالمی برهاند باید این اسم را بگوید برابر آن ظالم شفاعت او و داد خواه آن مظلوم

این اسم را بمشک و زعفران بکاسهٔ چینی نوشته و باب چشمه بشوید و آن آب را بیاشامد مهربانی پیدا شود و هرگز خصومت نکند

یا صمد من غیر شبه فلا شیء کمثله

ارحم اگر کسی خواهد زبان بدگویان بروی بسته گردد که در حق وی بد نتوانند گفت باید لوحی بسازد از سه مثقال سرب و این اسم را بر آن نقش کند و نام خصمانرا بنویسد و در شکم ماهی نهد و در زیر زمین دفن کند زبان ایشان بروی بسته گردد و هرگز در حق او سخن نگویند یا بادی فلا شیء کقوة بدایته ولا امکان لوصفه

اسم ارحم اگر کسی اندیشه کرده باشد باید هفت روز روزه دارد و بوقت جواب کند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الودود :

قبول کند او را بوی بخشد دعوت این اسم مناسب کسانی است که
ضعیف الحال و نحیف الجثه باشند یکی از اکابر فرموده هر که گرفتار
باشد بدست خصم قوی یا محبوس بود در چنگ ظالمی یا مبتلا بدست
کافری اسیر باشد این اسم را بعدد کبیر یا تکسیر بخواند و کبیر او هزار
بار زیاده است بقول شیخ مغربی عدد تکسیر هزار و هفتصد و چهل و
هشت عدد است تا هفت روز خدای تعالی رحم گرداند ظالم را و
نجات یابد از محبوس از برکت این اسم و هر که را مهمی پیدا باشد یا
حاکم که بهیچ وجه مهربان نگردد روز جمعه این اسم را بعد از نماز دویست
نوبت بعد از الکلام بر شیرینی یا بر آب خواند یا بر نبات و در کوزهٔ آب
اندازد در جواب خود مطیع و مسخر گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید

ف	و	ء	د
ء	د	ف	و
د	ء	و	ف
و	ف	د	ء

	٧١	٧٤	٧٧	٦٤
	٧٦	٦٥	٧٠	٧٥
٧٩	٦٦		٧٢	٦٩
	٧٣	٦٨	٦٧	٧٨

مالك الملك یعنی پادشاه پادشاهان و شکنندهٔ گردن
هر جباری و متکبری موصوف بر نیکو داشت هر شکسته دل بیچاره
عاجز اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصهٔ این نام کسب نماید هرگز
هیچ حاجت خود بکسی عرض نکند خدای تعالی بفضل نویسنده کار او خود

وهر روز هزار بار این اسم را بخواند
چون عدد تمام شود دشمن مقهور
گردد و اگر قرضدار باشد باید
ویکرد و مت نماید قرض او ادا
اسم ملك و مت انت الذی لا تهتدی
یا کبیر انت الذی لا تهتدی العقول لوصف عظمته اسمه
شود العقول لوصف عظمته بخواند این
دوازدهم الکبیر کسی که از جذام و
اسم را با خود دارد امداد نظر زده
برص ایمن باشد و اگر کسی نظر زده باشد این
باشد و یا جادو کرده باشد این
اسم را بر نخجه هفت نقش کند و بدو
و با خود دارد و بجا دو ... او
شود و سعت رزق و خوش ...
اسم سیزدهم الحفیظ یا حافظ
با خود دارد از غم و اندوه ...
مثال ... هفت روز روزه دارد
اگر کسی ... ازمانا ... باشد

در شرح کلمه مبارکه مالک الملک

همت عالی کرامت فرموده که هرگز حاجات خود را بخدای خود عرض نمیکنند زیرا که بتحقیق میدانند که خدای تعالی بر جمیع اشیا و ضمیر تمامت مخلوقات از آنچه در ضمیر ایشان گذشته و خواهد گذشت الی یوم القیمه مطلع و دانا است بعلم قدیم این نامی است که پادشاهان عالم از برکت و جلالت این نام بپادشاهی و سلطنت رسیده اند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این نام را بسیار خواند بحسب دنیا توانگر گردد و منصب یابد و بزرگی فرموده هر که این اسم را بجز هفتاد باد کند که یا مالک الملک یا ذا الجلال و الاکرام تعالی شانه و بر این مداومت نماید بعد کبر یا بپادشاهی و سلطنت و جاه و منصب و عزت و توانگری در عالم صورت و معنی دارا بجز همت او بود و اگر خواهد که تصرف در قلوب ملوک و سلاطین و تسخیر قلوب خلایق کند شرطی که مذکور شد در اسم الرحیم بجای آورد و همت بلند داری در ریاضت نفس کوشد و چون نفس را ضعیف سازد روح قوت گیرد و چون روح قوت یابد عروج بعالم علوی تواند کرد و کار او بالا گیرد و فیروزی در توفیق باشد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و صحبه فرموده بر شما باد که در وقت عرض حاجات مبالغه نمائید و الحاح کنید در گفتن یا ذا الجلال و الاکرام هر حاجت که خواهد روا

و هم روزه غسل کنند و جامه های پاک بپوشد و در مکان خلوت هر روز هزار دو بجاه و پنجاه بار بخواند و خط دراطراف خود بکشد و بخور بسوزاند و چون روز چهارشنبه هفتم از دعوت فارغ شود هفت تن مسجد و مریدی و گدا دو آنچه طعام دهد اطاعت وی کنند بشرط آنکه در این ایام از جمیع معاصی اجتناب نماید و از اکل الطاهر من کل ذی روح ... الله حاجت دارد اگر کسی حاجتی داشته باشد بر یا جایی سلاطین بسم ... بمشک و زعفران بر پوست آهو بنویسد و در خانه انگشتری فیروزه ... نگاه دارد ... یا کافی ... الموسع للخلق ... من عطایا ... فضله ایشان ... مر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ مالک الملک

شود و کام روا گردد و اگر عدد این اسم را در مربع چهار در چهار وضع
کند و در مربع یکو که در جیب نشست باین طرز نویسد یا خود دارد

الاکرام ٢٧٤	و ٢٧٧	الجلال ٢٨٤	یا ذا ٢٧١
یا ذا ٢٨٠	الجلال ٢٧٥	و ٢٧٠	الاکرام ٢٧١
و ٢٦٩	الاکرام ٢٨٢	یا ذا ٢٧٩	الجلال ٢٧٦
الجلال ٢٨٣	یا ذا ٢٧٢	الاکرام ٢٧٣	و ٢٧٨

٢٨٠	٢٩٣	٢٧٦	٢٨٩	٢٧٢
٢٧٣	٢٨١	٢٩٤	٢٧٧	٢٨٥
٢٨٦	٢٧٤	٢٨٢	٢٩٠	٢٧٨
٢٧٩	٢٨٧	٢٧٠	٢٨٣	٢٩١
٢٩٢	٢٧٥		٢٧١	٢٨٤

٢٨٨

ایمن و سالم بود از جمیع بلیه و آفات آخر الزمان اما جهد کنند
تا در شرف آفتاب و خوشحالی مشتری نویسد حامل این مربع نزد
وضیع و شریف مقبول القول گردد و کارهای بسته او بگشاید و اگر
عدد این اسماء با عدد نام خود و نام هر که خواهد در شرف زهره پنج
در پنج بهمان نکس مطیع و گردد و در اول هر دعا یا ذا الجلال والاکرام
بسیار گوید و فتوح مقصود رسد داننده این مربعات خواص بسیار بیند

المقسط یعنی خداوند بداد دهنده بهره هر شخصی زیدی
و نیکی که باید رسد چنانچه در ازل قسمت فرموده است اهل تحقیق
گویند هر که خواهد احصاء این اسم کند اول باید اعتقاد چنین
کند و بیقین داند که اینچه بوی و بهمه عالمیان رسید و خواهد رسید

اما نصیب بنده ازین اسم آنکه کلی ورد
انصاف ما نشد نخواند انصاف
ظالم را گوشمال نماید تا از جور کشد
اسم مظلوم و ضعیف را بستاند و ضعیف را
از دست ظالم رهاند و تقصیر و تعدی
مستحق اجر گردد بعد ازین
در ظاهر خلق اسم مقسط نشاند
فعال او اسم [illegible] بلسان صدق
دست و چشم و زبان را بدو بخواهد
هیچ کار از وی بیاید تا از وی بدو
کار او منع نیک شود و بسته کار او سوده
باینکه بمعونت این اسم مشغول شود و همه
فرض دولت را حواله به نماید و روز بروز
هنر خود ان این اسم ... کار ها
الهی خلوت ...
مثال ...
[illegible]
[illegible]
و عملها ...
...

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقسط

الی یوم القیمة همه دانسته که دراز پیش از انکه خلق عالم موجود
شوند بر لوح محفوظ نوشته بقدرت کامله تقدیر فرموده از افراد
آدمیان که حال از ایشان چه رسد خواه کسید هیچ نعمت و بلا
از خود نداند و نگوید اگر چنین بمیکردم این نوع بلیه بمن نمی رسید
و این کار میکردم این نعمت بمن میرسید اینها همه خطا است آنچه
قسمت شده تغییر نمی یابد چون خود را بدین معتقد ساخت و همه را
از خدا تعالی دانست و بداده خدای تعالی راضی شد از بندهٔ
عارفست اگر سائل سؤال کند که چون هرچه بود و هست و خواهد
بود جمله بتقدیر اوست پس کافر را در کفر و زندیق چه گناه چون
کفر در ازل نصیب وی آمده است جواب گوئیم که مشیت تابع
علم است و علم تابع معلوم چون خدا تعالی میدانست که شعد
کافر مقتضی کفر است عطای ایمان منافی حکمت و عدل بود
قوله تعالی وما ظلمهم الله ولکن کانوا انفسهم یظلمون
دال است برین معنی که گفته شد یا بهر کرا نرسیده حسد نبرد
و بداده مقسط راضی گردد تا وی را در مقام رضا از جمله مطیعان
گرداند و نیز گرفرموده هر که را وسواس بود با این اسما محتلم گردد و
خیالات فاسده را تشویش دهد این اسم را بدین طریق در مربع
وضع کند و در موکل نقره موه کرفته با خود دارد و بعد تکبیر وی

مقسط بر ایشان از روی عدالت که دور از
نسکد یشتی خلاص شود با منتان
در الاجابات معتقم اجل الاربعین
منشد و فضلاه اسم هیبت عظمی
الکبیره ما ... بجای ... یکبار دربن
اسم را در میان ... نیت یکبار درد
اوافت ... شغول ... مانده و
الکریمه ... نوبسد ولی نبود تا
دیار ... فتکل بعموم ... ضیعا
طبیعته و رغبته اسم
نور ... کیمه غائبی داشته
باشد این اسم را بجهت دیار ... غائب
بو ... ان غائب ... نماید
و غائب ... اسم ... باشد
یا خالق ... السموات و الارضین
و کل ... معاده
امد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقسط

۵۲	۵۵	۵۸	۴۴		ط	س	ق	م
۵۷	۴۵	۵۱	۵۶		ق	م	ط	س
۴۶	۶۰	۵۳	۵۰		م	ق	س	ط
۵۴	۴۹	۴۷	۵۹		س	ط	م	ق

کند از آن بخواند چون عدد آن چهل و یک بکند در بر
انواع حکمت مطلع گردد و برکت و دولت در کار او ظاهر گردد
و از مخلوقات خیره مند شود اما باید که او را از خلق هیچ طمع
نبود و هر چه خواهد از خدا خواهد چون بنده بدین اعتقاد باشد
گردد خدای تعالی خلق خود را مطیع و فرمانبردار وی گرداند شیخ
مغربی گوید هر که اسم مقسط و جامع را در مربع پنج در پنج وضع
کند به جهت کارهای پریشان جمع گردد و آنچه مطلوب او است
میسر گردد و این مربع جهت گریخته و دزد برده و غایب اثر عظیم دارد

و چون وضع سما در مربع وقوع
نماید نام گریخته یا چیزی که دزد
برده بر پشت مربع نوشته اند او را
در میان کتابی نهد که گریخته و دزد برده
ظاهر گردد و وا رسد و از فوائد

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴
۵۵	۶۳	۷۶	۵۹	۷۶
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰
۶۱	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶

[illegible] این اسم را [illegible] که [illegible] بیست و یک بار
دو ساعت [illegible] که [illegible] اسم [illegible]
[illegible] او را [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] تا [illegible]
مطلوب [illegible] تا [illegible]
[illegible] شود تا [illegible] اسم [illegible]
و [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] کرده و [illegible]
[illegible] القول [illegible]
و [illegible]
[illegible] نام [illegible]
[illegible]

الجامع

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

الجامع یعنی جمع دارنده چیزهای پراکنده و پریشان بقدرت و رحمت گویند این نامی است که بر نگین سلیمان علیه السلام بوده که مخلوقات از برکت و هیبت این نام مهر سلیمان را مطیع و مسخر گشتند اهل تحقیق گویند هر که خواهد اختصاص این نام کند باید که متابعت حضرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم فرماید یعنی علم با عمل جمع کند چنانکه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند العلم بلا عمل وبال والعمل بلا علم ضلال و چون علم ضروری حاصل کرد و با او عمل جمع ساخت حضرت جامع او را جمعیت کرامت کند در ظاهر و باطن که در آن جمعیت جامع جمیع حاجات عالمیان گردد و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که را پریشانی دست دهد و از دوستان و یاران دیار خود دور افتاده باشد و در کار خود سر گشته و سر رشته از دست داده باشد روز یکشنبه چاشت غسل کند و نماز گذارد و دو دست بردارد و هر انگشت یکبار یا جامع بگوید و انگشت عقد کند و جمع گردد در مجمع یاران و دوستان خود شیخ فرموده اگر میان دو کس از دوستان یا میان زن و شوهر عداوت باشد که سبب تفرقه شود این اسم را بخوانند بنیت جمعیت هر که نام ایشان خاصه وقتی که در جامه خواب در آیند هفتاد بار

این اسم را بخواند لباس چیزهای پنهانی بروی آشکارا گردد و مقصود ببیند و هر مراد که داشته باشد بحصول پیوندد یا مبدع البدایع لم یبغ فی انشائها عونا من خلقه اسمیست و بیست و هشتم هر که هر روز روزی هزار و یک بار بخواند در دولت و اقبال بر روی وی گشاید و در نظر خلایق عزیز و محترم باشد و هیچ کس با وی مقاومت نتواند رسانیدن و جمیع مهمات او بخوبی کفایت کرده گردد یا علام الغیوب فلا یفوت شیء من علمه ولا یؤوده حفظه اسمیست و بیست و نهم هر کس این اسم مداومت نماید هیچ کس با او مباحثه و مجادله نتواند کرد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

دراز نا کرده بدانکه نوبت باز زیاده یا دکتان و حشه ان
مبان برو و اگر در غربت فتاده این اسم را ورد کند و مداومت نماید
بعد کبیر یا عدد تکسیر باز رسد بمقصود و مقصد اگر پریشان
و تفرقه دیده و بحال خود مضطرب گشته دعوت این اسم کند و به
عدد تکسیر بخواند که پانصد و هشتاد و چهار عدد است پریشانی او
بروی جمع گردد و اگر بقول شیخ معرفت هر روز پنج عدد بخواند که دو
هزار و پانصد و بیست عدد است جمعیت روی دهد و مراد برسد
روی بوطن او و اگر در وطن بود از نکبات نجات یافته و از دره و تنگی
خلاص شده توانگر گردد و جامع شود هرچه خواهد نصیب شود
او را جمعیت صوری و معنوی و صاحب دعوت این اسم اگر شرط
مذکور تمام نماید دعوت این اسم مناسب کسانی است که پریشان
و مفلس باشند و ایشان را آرزوی غنا باشد این مربع را با خود
دارد تا اثرش زود تر بخشد جمعیت زود تر فراهم آید

٢٨	٣١	٣٤	٢١		ع	م	ا	ج
٣٣	٢٢	٢٧	٣٢		ا	ج	ع	م
٢٣		٢٩	٢٦		ج	ا	م	ع
٣٠	٢٥	٢٤	٣٥		م	ع	ج	ا

٣٠

٣٦

واکر
و هر چه گوید لبیک آید و اگر
جمل و ملک با او با این اسم را بوبه
یا سبیع بخواند و بجود مطلوب
رهد و دوست و مهمان گردد و اگر
نو لیست بیاورد و همه خاص شد
دارد یا حلیم و الآن داده و قدا
بعباد لا شیئی من خلقه و الیه
بخمس اکرکه از شهر خود و اواده
شده باشد در وطن با این اسم بخواند
مدتا بخواند بوطن خود باز گردد
اکر هیچ قدر بخواند فتح لساله
مکار اعیب باشد و زبان جمله
بیکو نان بر و لسه گردد یا صبیه
مالا فنا داد ابدا آنکه اتفاق آن عوبه
منه شفا فیه اسم اسبا بخواند هیچ
اکر کسی این اسم بود در نظر هیبه
به قدر معتصمه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

الغنی یعنی خدای بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال این نام
است که اهل بهشت را از اندوه و کاهش نان و ذل به برکت این اسم
زایل کرده اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصهٔ این نام یابد
اول باید که بداند غنی مطلق او است غیر او همه فقیرانند و نیاز مند
اند و به هیچ شیء کار او را میسر کرده طمع از خلق ببرد احتیاج خود
به هیچ کس نگوید هیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا ایزد غنی او را
از خلق مستغنی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
هر که به بلای طمع گرفتار باشد مبتلا گشته باشد تا آنکه هر
ببیند از او چیزی طلبد اگر چه بظاهر طلب ننماید و اما باطن
طامع تو این اسم را هر روز بخواند و بر عضوی از اعضای خود
دست بمالد قطع طمع کرده و دعوت این اسم مناسب کسانی
است که ایشان را آرزوی غنا باشد بزرگی فرموده هر که به بلا
و شدتی گرفتار باشد باید در وقت فقیری وی دریافته عیب
و قرض دار باشد در حال اضطرار چون وضو ساخته باشد دست
بر دارد بعد از نماز بعد از ذکر تواند بگوید یا غنی خدای تعالی او را
از آن بلیه نجات بخشد شاه از اسماء الله تعالی چنین فرموده
ذکر الغنی بعد التکبیر فی ذلک الصبح فانه یستغنی عن جمیع العلوم
و قاعده این بر سیم است قال آنکه الف و لام اضافه میکند

کردند خدای تعالی ایشانرا از نعمت
بهشتی هر که از حساب انتها ندارد
داده و همه خلق محتاج
و درجه و ... که تمام خلق را او
حاجت برند و هرچه بایستی بخواهند
بی نیاز است و هر وقتی که دولت
هزار درجه تمام شود ... العمر
هر دو از هزار دینار بخواهند ...
حبیبه از مودت است یا جمیع الغنائم
ذا الغنی ... جمیع خلقه باللطف
اسمی ... و هفتم اگر دو بار
دو جلد و ... باشند این اسم
بخوانند ... نصف
کرده و ... که ... فرموده
کرده و هر کس ... یا ... الغنی
فلا ... و عظم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

مثل الغنی و دو انصوت پنجهزار و پانصد پنجاه و پنج عدد است
دوم آنکه بحروف ندا تکسیر میکنند مثل یا غنی در این نوع پنجهزار و
سیصد پنجاه و پنج باشد سوم آنکه بی یا و الف و لام مثل غنی در
این مثال سه هزار و صد هشتاد عدد است و اکثر ائمه این اسم را بی الف
و لام و یا ندا تکسیر کرده اند و صاحب گلشن و شیخ عبد اللطیف تبریزی
و مولانا فخر الملة و الدین بردی و مولانا شرف الدین علی یزدی و شیخ
ابو العباس در کتاب شرح اسماء حسنی چنین آورده اند که چنانچه
میخوانند تکسیر کنند بی یا ندا یا با الف و لام و تمام اسما برین قیاس کنند

	۲۶۴	۲۶۷	۲۷۱	۲۵۷	ی	ن	غ	ال
	۲۷۰	۲۵۸	۲۶۳	۲۶۸	غ	ال	ی	ن
۲۷۳	۲۵۹		۲۶۵	۲۶۲	ال	غ	ن	ی
	۲۶۶	۲۶۱	۲۶۰	۲۷۲	ن	ی	ال	غ

المغنی یعنی بی نیاز کننده نیازمندان در همه چیزی این نام
است که آب در کاریزها و چشمه ها و سنگها ببرکت این نام جاری و
ظاهر میگردد اهل تحقیق گویند هر که خلوه در احصاء این اسم کند
اول باید بداند که مغنی بر خواست تمام مخلوقات و اشیاء از بی
نیاز است و او هیچ کس نیاز نیست و چون انمعنی دانست باید که هر چه

اسمیست و پنجاه و هشتم الکریم و
کرده باشد حضرت او را بملک امانت
داده و مشغول باشد پاک گرداند اسم را
دوستان او بخوانند بنام الکریم الستر
گرفته به پیدا شود و ما ... آید
و اگر ... باشد این اسم را
تمیلت ز عفران بر کاشته حنیفه و
و بخور دو گشاده گردد یا فاعل ...
البطن الشافی و ... بنام الکریم
انتفا ... اسم ... علیه ... و نظر خلق
باین اسم ... و ... ید و ...
غنی و ... و ... و عقد النوم
دستمی ... و عقد ... اف و ... و
و ... انقطاع ... کریم
اسما ... المتعال ... و عظیم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المغنی

را شب باشد و غنا از همه باز ندارد و ما توانند بمهمات حرم تمام
نماید و استعداد بی خلق را اجابت کنند و تا مغنی علی الاطلاق او را از خلق
بی نیاز گرداند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر محنت زده
و از خلق نا امید گشته که هر روز ده هزار بار بگویند بر او را خدای
توانگر گرداند و اگر میسر شود که بعد صبح کو در یک مجلس تا آفتاب بخوانند چون
فارغ گردد غنی شود و او را بعالمیان هیچ احتیاج نباشد

۲۷۴	۲۷۷	۲۸۱	۲۶۷		ی	ن	غ	م
۲۸۱	۲۶۸	۲۷۳	۲۷۸		ن	ی	م	غ
۲۶۹	۲۸۴		۲۷۲	۲۲۵	ی	ن	غ	م
۲۷۶	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۳		غ	م	ی	ن

الغنی الکافی والمغنی صاحب سر مکتوم فرموده که هر طلب
توانگری یا کفایت معاش و برآمدن مراد و حصول مقاصد کلی دارد
باید که روز جمعه بعد از فرض بامداد غسل کند و در خلوت رود یا
بمسجد جامع رود و بگوشه بنشیند و هفت بار این کلمات را بخواند
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بعد از آن دو
رکعت نماز سنت کند و چون تکبیر بندد هفت بار این کلمات بگوید
بعد از آن اعوذ و بسمله بگوید و فاتحة الکتاب بخواند و بعد از فاتحه

اسم سمیع مر او را اگر کسی کار او
بسته باشد و هیچ کار بسر او
انجام نگیرد بستاند دل گوسفند
سیاه را و هفتصد مرتبه این اسم
بران بخواند و بلع کند بعد از آن
بنویسد و در مسجد دفن کند کار
او بفرمان خدای تعالی گشاده گردد
و جهت هلاک دشمن مدت هفته
هر روز هزار بار و با اعتقاد درست
بخواند که هلاک شود و جهت دوستی
هفتصد بار در شب بخواند و بخورد
مطلوب دهد دوست شود و با
مهر دل کل جبار عنید بعجز عزیز
سلطانه اسم سمیع بسم الله اگر
کسی را دشمنی باشد و خواهد که بر
وی غالب آید روز یکشنبه روزه دارد
و آنگاه غسل کند و
جامه

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

سوره یس تا آخر بخواند و برکوع رود و در رکوع این کلمات هفت بار
بگوید در سجده اول هفت بار بگوید در سجده دوم هفت بار
دیگر اینکلمات بگوید در رکعت دوم پیش از فاتحه سوره تبارک
الذی بیده الملک را بخواند و مثل رکعت اولی آخر رساند و چون
خواهد سلام دهد هفت بار دیگر این تسبیح بگوید بلفظ سلام
از نماز بیرون آید بعد تکبیر این اسماء را بخواند و عدد تکبیر
با الف و لام تعریف سه و پنجهزار و ششصد و سی و چهار عدد است
مع صد موخر و عدد تکبیر اصل اسم صد و موخر بیست و هشت هزار و
سیصد و شصت و هشت عدد میشود و بیای ندا چهار هزار و هفتصد و
سی و چهار و بتکسیر کبیر میر سید حسین اصل اسماء غنی کافی
مغنی سی و هفت هزار و بیست و چهار عدد است و قاری مخیر است هر
کدام که خواهد اما بقول شارح شیخ ابو العباس افضل آنست که
بیای ندا خوانند چون ختم باتمام رسد ستبر دارد و از خدای
تعالی توانگری خواهد با عافیت و نماید که هفت جمعه این دعوت
بجای آورد و اگر هفت روز پیوسته باین عمل قیام نماید یعنی روز
جمعه ابتدا کند و روز پنجشنبه باتمام رساند و دعا کند شب جمعه
خدا تعالی او را توانگری کرامت فرماید از خلقان بی نیاز نماید
اما توانگری که او را بود با تواضع تصدق و عطا بسیار باشد

پاک پوشد و بعضی خالی از غرض خود
درود و هزار و هفتصد بار این اسم را
بخواند و حاجت طلبد بر دشمن ظفر
یابد و غالب گردد بفرمان خدای تعالی
تا نور و کلی نتیجه و هذا ه آنت الذی
تا نور و کلی نتیجه بنور ده اسم سبحان و
قلوق الکلمات بنور ده اسم بخواهد بکند
دوم آنکه هر روز دلیل بخواهد بکند یاد شت
و یا آنکه غنی نماید بخویکه کلدای یاد شت و معنی کرده
شود و اینجا خواهد از برای ومی یابد هم مبینی
درمدت نیکاه مه او مقعا یابد و هم همیشه
خواند بهتر است و بعد از نیکاه وفا بنوش زیاد
مشغول باشد بهتر بود و عالی الشان هوش نظر
خواهد بود یا عالی اسم سبحان و سوعی و
نتیجه علوم از بقاعد اسم باشد با این اسم
آنکه هر روز بخود و مبتلا باشد گردد و اگر
نماید و مشکل بقع گردد و اگر
جنبیده

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

واو وا بود دل سلیم و باطن روشن و اگر خواهد که دولت بروی مدام بود و پاینده باشد و از آن برخوردار بماند باید که اسمای در انگشتری نقره که از پنج جزو یک جزو زر باشد در روز جمعه بعد تکبیر حروف و آنرا بنویسد یا بنظر بوی نقش کند و انگشتر در انگشت

غنی	کا	فی	مغنی		۱۹۰۱	۱۹۱۴	۱۹۱۱	۱۹۰۸
فی	مغنی	غنی	کا		۱۹۱۲	۱۹۰۷	۱۹۰۲	۱۹۱۳
مغنی	فی	کا	غنی		۱۹۰۶	۱۹۰۹		۱۹۰۳ ۱۹۱۶
کا	غنی	مغنی	فی		۱۹۱۵	۱۹۰۴	۱۹۰۵	۱۹۱۰

کند و صدقه بدهد از حلال بفقراء و مساکین و آن خاتم را پاک و با حرمت نگاه دارد و اگر دو خاتم سازد بر پشت هر دو شارح زود تر اجابت شود هر دو روایت را مثال نمود شد و بعد تکبیر بدکو این اسما و مداومت نماید اگر میسر نشود بعد تکبیر میخواند و البته باید که ترک نکند و بوی خوش بکار دارد و هر گاه این نماز با تسبیح کند در میان مؤمنین و مؤمنات مشهور است میگذارد و بعد تکبیر بخواند و اگر وی را کاری یا مهمی نزدیک دست دهد روز جمعه غسل کند و نمازی که معهود گورش بگذارد و این اسما را بعد تکبیر که با الف و لام شصد و شش هزار و پانصد و سی و هشت عدد است بخواند و عدد تکسیر صد موخر پنجاه و هشتهزار و ششصد هشتاد

شده باشد و یا کسی در کار او بستگی شده باشد بگیرد دل گوسفند نو سیاه را هفتصد بار این اسم را بر آن بخوانند و بنویسد این اسم را و در میان دل نهد و در آستانه مسجد بر سقف دفن کنند گشاده کرد دو و در کار ظاهر شود یا قدوس الطاهر من کل شیء فلا شیء یعادله

اسم سی و چهار اگر کسی بخواهد این اسم مداومت کند کارهای وی نیکو شود و آراسته شود و همه کس مطیع و منقاد وی گردد یا مبدع البدایا و معیدها بعد فنائها بقدرته

اسم سی و پنجم اگر کسی بجماع ضعیف شده باشد این اسم را بسیار بخواند و بخواند بقصد شفا و اگر کسی را حکم بقتل او کرده باشند هم بسیار بخواند خلاص شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المغنی

عدد اسمش مجموع یکصد و پنجاه و دو و بینتش هجده عدد باشد
با بعد بخواند الغنی المغنی الکافی الفتاح و بعد از آن
خدای تعالی بجوید هر چه از مراد و مقاصد دارد که خدای تعالی
عطا فرماید صاحب کتاب نقل میکند از شیخ احمد محمد الله که او فرمود
مرا از جهت معاش هجوم متعلقان خاطر متفرق بود از شیخ خود
التماس کردم که مرا چیزی بیاموز که وجه معاش من حاصل گردد

الغنی	المغنی	الکافی	الفتاح		۵۲۲	۵۳۶	۵۳۳	۵۲۹
الکافی	الفتاح	الغنی	المغنی		۵۳۴	۵۲۸	۵۲۳	۵۳۵
الفتاح	الکافی	المغنی	الغنی	۵۲۸	۵۲۷	۵۳۱		۵۲۴
المغنی	الغنی	الفتاح	الکافی		۵۳۲	۵۲۵	۵۲۶	۵۳۲

شیخ فرمودند که بذکر اسماء اربعه مداومت باید نمود و این اسما را
تلقین کرد که بگوی یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق
پس بگوشه نشستم و خلوت اختیار کردم و بعد تکبیر ذکر این اسما
میکردم و اوقات بخصوص میگذرانیدم روز چهلم دیدم که سقف خانه
باز شد و چهل همیان زر سرخ در صفه انداختند و آوازی شنیدم
که بزبان فصیح گفت یا احمد گر تو درین ذکر بیفزائی ما نیز در زر بیفزائیم
و اگر کم کنی ما نیز کم کنیم و اگر این باز ایستی ما نیز باز ایستیم
و تمام تکسیر این چهار اسم یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق چهل

و اگر مداومت نماید با این اسم [illegible]
[illegible] و همه خلق محتاج
[illegible]
عن کل شیء [illegible]
[illegible]

ششهزار و دویست و هفتاد و شش عدد است عدد تکسیر صدر و موخر چهل و پنجهزار و دویست و چهار عدد است مجموع هشتاد و شش هزار و

یا لطیف	یا غنی	یا فتاح	یا رزاق
یا فتاح	یا رزاق	یا کریم	یا غنی
یا رزاق	یا فتاح	یا غنی	یا کریم
یا غنی	یا لطیف	یا رزاق	یا فتاح

۴۸۴	۴۹۸	۴۹۵	۴۹۱
۴۹۶	۴۹۰	۴۸۵	۴۹۷
۴۸۹	۴۹۳		۴۸۶
۴۹۹	۴۸۷	۴۸۸	۴۹۴

پانصد و هجده عدد است یکی از بزرگان حکایت کرد که وقتی بجهت مهمی متوجه این اسماء بودم یکی از سالکان با من گفت که مرا در مکاشفه اسرار الهی چنان معلوم شد که غنی و مغنی می‌باید گفت و ازین دو معنی مناسب تو است و مرا یقین حاصل شد که این اسماء عظام را بطریق با کلمهٔ المغنی ذکر میباید کرد پس توکل بالله تعالی کردم و بذکر این اسماء خمسه مداومت نمودم و منتظر میبودم که چون اربعین تمام شد آن مهم کلی ساخته گردید از برکت خواص اسماء الله تعالی روز بیست و ششم تا بیست و هفتم که آن مهم ساخته شد بی سعی و کوشش و در آن قضیه مرا امری غریب که شرح آن طولی دارد روی داد و از جمله غرایب است و عدد یا کافی یا غنی یا مغنی یا فتاح یا رزاق بتکسیر سه و یکهزار و دویست و سی و شش است و تکسیر

قوله اسمی و هشتم اگر کسی مدیون باشد مداومت بر این اسم نماید بزودی ادا شود و اگر پادشاه و یا بزرگی بر او در غضب باشد هزار بار بخواند بلطف و مهربانی مبدل گردد یا عظیم ذو الثناء الفاخر و ذو العز و المجد و الکبریاء فلا یذل عزه اسم سی و نهم اگر کسی خواهد که مقاصد و مهمات دینی و دنیاوی او بتمامی برآید و جمیع مهمات او حاصل گردد یا عجیب تنطق الالسن بکل الایة و ثنائه اسم چهلم اگر کسی این اسم را همیشه بخواند و نزد سلاطین عزیز و مکرم گردد و هیچ کس بر وی دست نیابد و از دردان و غیره در امان باشد شرح این اسماء از خود جدا نکند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

صد و هفتاد و نه هزار و ششصد و شصت و هفت عدد است مجموع
جمل هشتاد و هشتصد هفت عدد باشد شیخ ابو العباس گفته
کذا الکافی الغنی المغنی الفتاح الرزاق لا یذکرها احد بالسرط
الا وجد ما یتمنی و قد لا یذکرها عند القلیل الا کثر و علی
شیٔ الا ظهر و نبه زیادة بامر الله تعالی و جمعی دیگر از شارحان
اسماء الله گفته اند هر که این پنج اسم را در شرف آفتاب که زهره
مسعود بود و مشتری خوشحال و قمر در شرف باد رخانه خود و عطارد از
نحوست میرا فی حل و مریخ مستقیم باشد در لوح پنج در پنج که آن لوح
منقاطلا باشد یک مثقال نقره ممزوج کرده با خود دارد مسعود باشند
این هفت کوکب را زنده را مسخر کرده اند مطیع شوند العاقل یکفیه الاشاره

یا کافی	یا عزیز	یا مغنی	یا فتاح	یا رزاق
یا فتاح	یا رزاق	یا کافی	یا عزیز	یا مغنی
یا مغنی	یا عزیز	یا فتاح	یا رزاق	یا کافی
یا رزاق	یا کافی	یا عزیز	یا مغنی	یا فتاح
یا مغنی	یا فتاح	یا رزاق	یا کافی	یا عزیز

المعطی یعنی دهنده
مصحح معاش هر چه خواهد
مرتبه کامل این نامی است که
آدم علیه السلام را از برکت این
نام بر جملهٔ اشیا مکرم
کرد اینده بزرگی فرمود

هر که خواهد محتاج نباشد بهیچ چیز و هیچکس به عوض این اسم مداومت
نماید بعد کبریٰ زانج بگوید یا معطی السائلین از خلق بی نیاز گردد

لیسا بو شحفه کیف بهم نا حال العاصل
ت بو د نا غنیا فی عند کل کوبه
و مغانی عند کل شی و عجیب
عند کل غموه اشتمال انفصاله
علی محمد و آل محمد و اما فیه عمو
الدنیا و الاخرة فصل در بیان
خواص حرف فتح الف هر که
صد بار در دو نوبت از خواندن الف
با خود دارد به نزد پادشاه و بزرگان
غرق و حرمت با شد او را و بیت
و دلش را صاف کرداند و در ملک پادشاه
کردانیده باشد در آن و در هنگام قبر و هر روز
ابتدا و اسم را پنجاه بار با سبحان بالله
با مداد و آن ده دست بمعنی و بعد
یکشنبه از نو افق و و وقت ملح
بعد و جمع و را در مقام او و وقت ملح
و اول شود و و آن بیح
فی الشغل بماد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المانع

المانع یعنی خدای باز دارندهٔ از بلا و نعمت و راحت و محنت از هر که
خواهد بندگان اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این نام
کند بیند که اگر اهل عالم با جمع شوند خواهند که قصد وی به ضرر
رسانند نتوانند رسانید تا تقدیر نشده باشد پس بنده تا که مانع خدا
تعالی را بداند سعی گیرد از غیر خدا خاطر جمع دارند که نه خیر توانند رسانید
و نه شر و نفس خود را از هوی منع کند تا مانع بلای دنیا و آخرت از او دفع
کند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در بعضی ناسازگاری شد
هنگام خواب این نام بسیار گوید سازگاری شود بزرگی فرموده اند در زمان زوال
آفت مثل لشکر بیگانه و برف بسیار و آمدن ملخ و باران و باد و طوفان و
هر بلا که باشد از آن ترسند باید که این اسما قیمتها نمایند و از آن بلیه سلامت
مانند و اگر در میان جمعی خصومت افتد از هر جانب که مداومت دعوت این
اسم نمایند غالب بشند یا میان ایشان صلح شود یکی سعی مقصد ...

م	ا	ن	ع
ن	ع	م	ا
ع	ن	ا	م
ا	م	ع	ن

۳۲	۴۶	۴۳	۴۰
۴۴	۳۹	۳۳	۴۵
۳۸	۴۱		۳۴
۴۷	۳۵	۳۷	۴۲

الضار یعنی رساننده الم و خواری و مصیبت بر هر که خواهد این
نامی است که زمین و آسمان به برکت این نام قائم اند اهل تحقیق گویند که

عجیب افتد و اگر کسی مریض باشد که سه
پیمانه نویسد و بخورد در وقت نوشتن
این اسم بخواند یا رحمن یا رحیم تا
هر که چهار صد ت بنویسد روز
چهارشنبه در هنگام طلوع آفتاب
و بخورد دل گوی بلا برود و حفظ بیفزاید
و همه چیزها یاد تواند گرفت و اگر حجت
مهر شیشه باشد بنویسد و در میان مصحف
نهد بارها یابد و پریشانی از او برود
و اگر با خود دارد از دشمن ایمن گردد و
در وقت نوشتن این دو اسم بخواند
یا قیوم یا واحد ف هر که پانصد
ده ت بنویسد در روز شنبه وقت
زوال و در دیوار خانه کند از جانب قبله
یا بنشیند و بیند در کاهها تا بیت عدم باشد
و حرام دوزند و گناه نکند حتی که تعویذ
کتابت و در کوزه آب اندازد و بخورد ذن
و سوگند دهند کس بعضی ... ده
یا بنشیند ... جلا ...

خواهد

در شرح کلمه مبارکه النافع

خواهد حصار این نام کند باید که از او هیچ مضرت بکسی نرسد و برا این باشد
که نفع رساند تا حضرت عزت سبحانه و تعالی ضرر بخلق از او دور دارد و نفع بخلق
فرموده هر که را طلب جاه و مرتبه عالی باشد فی بادی قدرت و منزلت خویش
و آنرا باخود خواهد هر شب این اسم صد بار بخواند از خواب و دولت این کرد
و بدولت و سعادت و منزلت عالی برسد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
هر که را جاه و منصب باشد از زوال آن ترسد هر شب جمعه بعضی ایام
این اسم صد بار بگوید از دولت پاید بماند دیگر روزها و شبها جمعه بسیار
خواند تا دولت و نایت مرتبت عالی او با کمال عزت برقرار بماند
النافع یعنی رساننده منفعت و شادی و صحت و صوت خیر یا دور شر
و مکروه این نامی است که دعاها به برکت این نام نهایت ندارد اهل حقیقت
گویند هر که خواهد حصار این اسم کند باید که اول بدان و اعتقاد کند
که خیر و شر و نعمت و غم و شادی و بلا و راحت که به هر کس میرسد بارادت و
تقدیر او است و توانگر آن باشد که از خود نفعی به بندگان خدا رساند
و نیکخواه خلق باشد تا خدای تعالی در دنیا و آخرت با او نیکوئی کند
چون نیت و نیک بود نیکوئی بیند حضرت طهرین موجود علیه افضل
التحیات فرموده اند که انما الاعمال بالنیات حضرت امام رضا ع
۲ فرموده هر که بسیار بگوید علی الخصوص شبها جمعه تقربی بر او واقع شود
با شناکیر یا بیچون و اگر دایم گوید کردر میان ایشان هیچ دشمن و هیچ ضرر

ودر وقت نوشتن این دو اسم
بخوانند یا احد یا صمد یا حی
هر که بیمار و سرحجم بنویسد در وقت طلوع
آفتاب و یا نوشتن با هفتاد و ذرات بدیند
بر و لیسند شفو و جهالت غسل واح بریکت
واگر از علت افتاده باشد بنویسد و وقت
در غم و بیماری شود و در آن یا بدیع
دو اسم بخوانند یا بادی یا بدیع
هر که هیچ کاری کند که نادر افتد
نقیضی باشد

ال	ض	ا	د
ا	د	ال	ض
د	ا	ض	ال
ض	ال	د	ا

۲۴۲	۲۵۸	۲۵۲	۲۴۹
۲۵۳	۲۴۸	۲۴۳	۲۵۱
۲۴۷	۲۵۰		۲۴۴
۲۵۹	۲۴۵	۲۴۶	۲۵۱

بوی نرسد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که در عالم از خصم و ستم باشند
یکی از اکابر فرموده هر که در سفر و در وقت خرید و فروخت و در حین نزول عمارت
بند کرد این اسم مداومت نماید و از بودن آن کار در سود بسیار و دزدان کشتی
دخل بجی نیابد و بمال وی هیچ نقصان نرسد و اگر کسانیکه در کشتی باشند
ده کس هر یک ده هزار بار این اسم را بخوانند اگر سه تن یا دو تن یا یک تن
اسم را صد هزار بار بخوانند ایمن گردند از غرق شدن و اقتحام دریا و
شیخ مغربی فرموده که النافع را شش عدد هر که تکسیر بخواند بسبب
توانگری و غم وی شود اما باید که این اسم را در شرف آفتاب یا در شرف زحل
خوش لحنی مشتری بر لوح نقره نقش کند بطریقی که در جا نموده میشود
و در حال خوانند در جام سفید یا کاسه چینی سفید نهاده در وی
آب و گلاب ریزد و باشد در نظر خود نهاده هر روز در وی نظر کند و هر روز
یکعدد تکسیر بخوانند و شنبه ابتداء کند روز پنجشنبه تمام کند و شب
جمعه اگر توانند با شش عدد تکسیر بخوانند و دعا کند البته با جابت مقرون
گردد و اگر شب جمعه نتوانند خوانند توانگر شود در دنیا و اگر شب جمعه بخوانند
خدای تعالی او را ظاهر و باطن توانگر گرداند و جمله خصمان وی
مقهور گردند و نفع رسد همه خلقان بوی و او را نیز حالتی دست دهد
که دائم خواهد دم زد و منفعت کردند بحسب ظاهر و باطن صفائی
واقع شود که فیض و همه اشیاء برسد بوی و مقامات نتوانند کرد

و یا خود بنگاه دارد سحر و جادو کار نکند
و چشم زخم بوی نرسد و اگر بمشک
و زعفران بنویسد و در حریر پیچد و
در موم سپید گرفته در زیر دندان
نهد جمیع ارواح را به بیند و در وقت
نوشتن این آیه و اسم را بخواند یا باری
یا ذوالقوی ح هر که شخصی در
آخر ماه و در خانه خود ... و در روز یکشنبه
بنویسد در جای خالی ...
اویزد و دود ... بنویسد
این نقش و اسم را بخواند

ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف

٤٢	٥٦	٥٣	٥٠	
٥٤	٤٩	٤٣	٥٥	
٤٨	٥١		٤٤	٥٨
٥٢	٤٥	٤٧	٥٢	

وابراهیم اعظم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ النور

و این اسم اعظم را خواص بسیار است عدد تکبیر نافع ششصد و سی
عدد است مع صد و موثر هزار و دویست و شش عدد است عدد تکبیر
النافع مع الف لام هزار و صد و شش عدد است مع صد موثر هزار و
هشتصد و پنجاه عدد تکبیر نافع مع یای ندا هزار و ششصد عدد است و مع
صد موثر هزار و پانصد و پنجاه عدد است و شش عدد تکبیر نافع هفتصد و
پنجاه عدد است شش عدد تکبیر نافع هزار و دویست و پنجاه و هشت است
و شش عدد تکبیر النافع یازده هزار و صد و هشت عدد است قاری مخیر است
در یای ندا و الف و لام **النور** یعنی خداوند پیدا و روشن هستی
بنشانها ظاهر و بتجلیها از دلها بندگان تو ای که خواهید این
نامیست که موسی در بیابان از صوت آتش اِنّی اَنَا اللّٰه شنیدند آه حقیقت
گویند هر که خواهد ختم این اسم کند باید معتقد باشد بر آنکه جمله
موجودات بنور وی ظاهر گشته اند دست نیاز و تواضع دامن کبریا و عظمت
باری تعالی زند تا وی را نور محض گرداند و پیوسته با وضو باشد که خود را
از ظلمت گناه نگاه دارد اهل طریقت و شیخ بزرگ چنین فرموده اند که هر که
سحر نور را هفت بار بخواند بعد تکبیر این اسم تکرار کند نور در باطن او
ظاهر گردد و اگر مدتی مداومت نماید آن نور در ترقی باشد اگر میسر نشود البته
هفت جمعه پیوسته مداومت نماید اگر در روزها میسر این اسم مدام و مداومت نماید
در ایام مذکور و شبها بعدد تکبیر تکرار کند نوری در باطن وی پیدا آید و دیگر

یا نافع یا رحیم و هر که [illegible]
[illegible] و هر که نام این اسم [illegible]
[illegible]

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الهادی

دل او منور بنور الهی شود و شرف کرده و از باطن او شعله‌های نور بر افروزد و شیخ
در شرح کبیر اسماء الله آورده که هر که این اسماء را که البدیع النور القابض الباسط
یا مبصوت که نموده شود تکسیر کند ااا ل ل ل ب ب ق ق د و ای ب ی ع ض
بر فضه نقش کند بردارد بوده ان الله نور السموات و الارض و بکل شیء
علیم نقش کند روز جمعه در وقت طلوع آفتاب و در وقت نقش کردن
غسل کند و جامهٔ پاک بپوشد با بخور دارد و هر روز این اسماء را چهار صد بار
بخواند شروع کند و هر امر کلی که خواهد از تقرب سلاطین و خلاص صحیح
و اسیر ابلکه در استخلاص آنها که حکم بر قتل ایشان کرده باشند و مراد ابد
او بلند کرده و نجات یابند **الهادی** یعنی پیدا کنند و راه نماینده
باشیا نفع و ضرر مریدگان را این نام بیست که دلها بندگان مقبر به معرفت
خدای تعالی ببرکت این نام راه می یابند اهل حقیقت گویند هر که خواهد
احصای این نام کند لیکه باید که راهنما بحقیقت او است و هر که را
دیده دل نگشود و راه راست ننمود هیچ کس را نتواند نمود و در ضلالت
جاوید بماند پس باید که طریق نیکی پیش گیرد بحکم اهدنا الصراط
المستقیم طلب هدایت کند تا هادی المضلین وی را راه نماید و رشد
خلعتش شادشنی فرموده هر که نظر باسمان کند و دست بردارد و چندانکه
تواند این اسم بگوید و دست بروی خود فرود آورد الله سبحانه و تعالی او را راه
نماید و دلیلی بفرستد و از عین عنایت بالهام ورا راه نماید دعوت

با عدد خون نیت باشد در وقت نوشتن
ایند و اسم را بخواند یا رحمن یا رحیم
ت
هر که هفتصد بنویسد و روز دو
شنبه عند الغروب و در گورستان دفن
کند چند علم که از مردم پوشیده است
بر او منکشف شود و بیک لک سعد و قمر
نوشتن این دو اسم بخواند یا مبدع
یا علام
سع
بنویسد در روز جمعه با خود نگاه دارد
هر که صد و بیست
هیچکس با او بحال نکند و هر چه
کند بر خلق
نیکو بود

ال	ن	و	ر
و	ر	ال	ن
ر	و	ن	ال
ن	ال	ر	و

۵۶	۷۰	۶۷	۶۳
۶۸	۶۲	۵۷	۶۹
۶۱	۶۵		۵۸ ۷۲
۷۱	۵۹	۶۰	۶۶

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ البدیع

این اسم مناسب سالکان راه است هر که راه راست خواهد باید که دعوت
این اسم کند و بعد تکسیر کبیر بخواند شبانه روزی پنج نوبت و در خلوت ذکر
کند این اسم را و در آخر هر دو بگوید یا هادی المضلین حسبنا و نعم الوکیل
او را راه راست نماید صفای باطن کرامت کند و در آن مشهور عصر گرداند
و مردم رو براه هدایت جویند در آن مستقیم مانند عدد تکسیر این اسم
چهار هزار و نهصد و چهل و چهار است و پنج عدد تکسیر بیست و چهار هزار و
هفتصد و بیست و شش و شش فرموده که یا هادی خوانند مناسب تر است

۱۲	۱۵	۱۹	۵		ی	د	ا	ه
۱۸	۶	۱۱	۱۶		د	ی	ه	ا
۷		۱۳	۱۰		ی	د	ا	ه
۱۴	۹	۸	۲۰		ا	ه	ی	د

۲۱

البدیع یعنی نو آفریننده هر چیز بی مثال و ماده اصلی این نام که
آسمانها یکو کب و زمینها با شجار مزین به برکت این نام است و یوسف
پیغمبر از زندان بیرون آورد این اسم نجات یافت و سلطنت و عزت
مصر رسید حضرت امام رضا علیه السلم فرموده اند هر که در وقت دعا هفتاد
بار بگوید دعای او مستجاب گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصاری
این اسم کند باید داند که حضرت بدیع بر عالم را از کتم عدم بعرصه وجود
در آورده بنوعی که نظیر ندارد از بی نظیر هر چه پدید آید بی نظیر خواهد بود و زنان

واگر بسفر رود و بوطن باز آید مقدم مردم
از گوهر بپسندند و در وقت نوشتن این
واسم بخوانند یا حلیم یا معید مثل
هر که سیصد و شصت مثل مقبول بود و
در روز چهارشنبه در حمام رود و نظام
آب بشوید و بوی سرکه بکند و اگر بخورد و
گشاده کرده دانا یا مالک یا باسط و اسم را
مثل شود و در وقت نوشتن نابع و اسم هر که **صد**
خوانند یا جمیل یا عزیز مثل و زعفران
فوق و پنج مثنا بنویسد کاسه بشکنند و از آن
آب بگیرد و کرده باشند بحمام برود و اگر بخورد
آب بریزد و بیمار باطل شود و اگر در میان
جان باشد بعد پنج مثل شود و در **ضل**
مصحف جلد و دشمن هلاک شود و اگر بخورد
این و اسم بخوانند یا فاطر یا عزیز بنویسد
هر که هفتصد و پنج مثنا بنویسد مثل علی بن
و بیچ آنانا ببندد و بنویسد
خانه بود و بدو

در شرح کلمه مبارکه البدیع

اغراض کوتاه کند از مخلوقات و تا حشر بدیع علی الاطلاق او را
از بی نظیران گرداند و بزرگی فرموده هر که را اندوه یا غمی پیش آید و در
آن مضطرب گردد و نجات نخواهد کار او فرو بسته بود و خواهد که
آن امر اقدام رسد غسل کند دو رکعت نماز بگذارد و بجهت امور کلی هفتاد
هزار بار بگوید یا بَدِیعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ و آنچه تواند از وجه حلال
صدقه دهد بعد از تمام ختم و چون شد قضا و بجای آرد یک هزار بار دیگر
بگوید آبروی کار درست شده گردد و شیخ مغربی فرموده از برای هر مهم
کلی این مربع را بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ کشد یا با خود دارد و در روز

یا	بدیع	السموات	والارض
السموات	والارض	یا	بدیع
والارض	السموات	بدیع	یا
بدیع	یا	والارض	السموات

جمعه این کلمات را بعد تکبیر در یک
مجلس بخواند چنانچه رضی الله عنه
سخن نگوید گویا فی المثل سلطنت
خواهد حق تعالی وی را بامید رساند
و برای هر مهم مقصود که این ختم
بخوانند را از هفته تمام کفایت گردد و عدد تکسیر این کلمات بیست و چهار هزار و چهار است

الباقی یعنی خدا همیشه باشد هست تغییر و تبدیل این نامی است که
اهل بهشت از برکت این نام در بهشت باشند و از هول قیامت ایمن گردند حضرت
امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد
اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید اندکی بقا و فنا

هر چیز پیش کسی داشته باشد باز بود
و سنگ جو در میان مردم عزیز گردد و دوست
نوشتن این دو اسم را بخوانند با ما یزال
با نور ط هر که نوزده ط بنویسد و در
شب جمعه بمشک و زعفران و در زیر نگین هشتن
جمال الباکمال حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در خواب ببیند و اگر آن نوشته را در آب
اندازد و از آن آب بخورد نور در دل او
پیدا آید و اگر بر شمشیر نقش کند بر هر
زن ببندد و اگر با خود دارد در نظر
سلاطین عزیز باشد و در
نوشتن این دو

ب	د	ی	ع
ی	ع	ب	د
ع	ی	د	ب
د	ب	ع	ی

١٤	٢٧	٢٤	٢١	
٢٥	٢٠	١٥	٢٦	
١٩	٢٢		١٦	٢٩
٢٨	١٧	١٨	٢٣	

درشرح کلمهٔ مبارکه الباقی

بیند قدیم ذات او است و مالک ملک او است و ازلی و ابدی او است و نخواهد بود
وَکُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ تا حضرت باقی وی ذات ابدی کرامت فرماید
یکی از اکابر گفته هر که هر شب این اسم صد نوبت بگوید شب جمعه هزار بار
خدا تعالی دعا او را مستجاب گرداند اعمال و مقبول حضرت عزت گردد و حضرت
عزت بنظر عنایت در وی نظر کند و از جمله مقبولان گردد و عدد این اسم مع الف و
لام صد و چهل و چهار است و با بی نداء صد و بیست و چهار و بی الف و لام صد و سیزده عدد

	۲۸	۳۱	۳۴	۲۰		ی	ق	ا	ب
	۳۳	۲۱	۲۷	۳۲		ا	ب	ی	ق
۳۴	۲۲		۲۹	۲۶		ب	ا	ق	ی
	۳۰	۲۵	۲۳	۳۵		ق	ی	ب	ا

الوارث یعنی خدای باز ستاننده دادها است از خلق اهل تحقیق
گویند هر که خواهد که مدعا این اسم کند باید بداند که مخلوقات مجموع فانی اند
جز خدا تعالی وانجا و بخواهد خواهد ماند و حضرت وارث تنها در خواهد ماند
کر لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ چون چنین اعتقاد کند باید
که ادب نگاه دارد و از ملک خدای چیزی بخود اضافت نکند ملک و مال و
علم و حیات و ارادت و قدرت و سمع و بصر و کلام همه را بلکه نسبت باز کند ذات حضرت
وارث وی را ملک سرمدی کرامت فرماید بحیات ابدی مفوض کرداند و در
انتها انسانی و علم لدنی ارزانی دارد بعزیزی و گویند هر که صد و مدت خاصیت

اسم بخواند یا عالی یا قدوس
ده ظ بنویسد
ظ هر که مضطر باشد و ده دفعه بخواند
شب جمعه خسته با خود دارد و در وقف نوشتن
و در هیچ کار فرو نماند و در دو لیلی یا متعالی ع
این و اسم بخواند یا والی و در روز پنجشنبه بنویسد
هر که صدق عجز و در روز جمعه اوشود
هر که ایمان کامل و در روز اسم یا
و با خود دارد و در روز نوشتن این هزار
مشهور عالم گردد و ع هر که
بخواند یا محصی یا کریم و در روز جمعه با خود
شصت بنویسد و در روز و [illegible]
دارد هر که محتاج باشد و [illegible]
بیابد یا عظیم یا مجیب
این و اسم بخواند و در [illegible]
هر که نود و هر کار نوشتن این اسم
[illegible] و در وقت نوشتن اجابت
نبود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوارث

طلوع آفتاب نباشد دل وحشی و گریزنده در جای خود آید و آنکه هفتاد و صد
کند اسم خاصه در شب وقت خواب طلب دوزخ تا تنهایی حضرت حق و دوستان تنها بکند از
ورد فر لطف خود مونس وی گرداند باید که دوام فکر این اسم هفت نوبت نوبت ابد
بخواند رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ تا از وحشت ایمن گردد

۱۷۶	۱۷۹	۱۸۳	۱۶۹		ث	ر	ا	و
۱۸۲	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰		ا	و	ث	ر
۱۷۱	۱۸۵	۱۷۷	۱۷۴		و	ا	ر	ث
۱۷۸	۱۷۳	۱۷۲	۱۸۴		ر	ث	و	ا

الرَّشِیدُ یعنی خدای صواب کار و درست کار این نامی است که خضر
خضر آب حیوان در ظلمات از برکت این نام یافت اهل تحقیق گویند هرکه
خواهد حصه‌ای از این نام گیرد اول باید که در راه خدای بندگی خدای تعالی
راست باشد البته مذهب بباید بود و کار در طاعت و گناه و معصیت با خلق
بمکر و حیله و تزویر پیشه نبود خود را چنان باید نمود که هست و نیکو عمل و نیکو
و نیک صحبت باید نمود در راه خدای تعالی تا حضرت رشید وی را در طریق وی راست گرداند
و دعوای این اسم مناسب کسانی است که طالب راه راست باشند و کسانی که
سررشته تدبیر گم کرده اند و ندانند که احوال ایشان چگونه خواهد بود و بعضی
از اکابر فرموده هرکه ورد کند بعد نماز شام تا وقت خواب بنا ایشان تا وقت قیام
نماید قطع نکند و بعد از تمام هزار بار اسم الرشید بگوید به فتح و تدبیر

یا غیاثُ یا مغیثُ ف هرکه صد هفتاد بار
این ف بنویسد یا خود دارد از بند
زندان نجات یابد و درد دل برود و کار گشاید
و در وقت نوشتن این اسم بخواند
یا ملِکُ یا مُهیمنُ گ
مجلس بلند کاف بنویسد یا خود دارد هرکه
همه دشمنان و غمها ازو دور شود و در دل
بزرگوار گشاده شود و در وقت نوشتن
این اسم بخواند یا حلیمُ یا کریمُ
ل هرکه هفتاد بار لام بنویسد
در شب چهارشنبه و یا خود دارد از مکر
خلایق ایمن گردد و در وقت نوشتن
این اسم بخواند یا شکورُ یا غفورُ
م هرکه نود میم در ورق چینی بنویسد از
طلوع آفتاب بنویسد یا خود دارد و بر طعام
کرده خورد و اگر در باغ یا زراعت
هیچ آفت نگزند از ملخ وغیره
در امان باشد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصبور

وسرانجام کارها باهتمام اردو باین سنت هو الذی سخر البحر لتاکلوا منه لحما طریا وتستخرجوا منه حلیة تلبسونها وتری الفلک مواخر فیه ولتبتغوا من فضله لعلکم تشکرون واگر کسی به نیت استخاره هزار بار بخواند نفع وضرر آن کار بر او روشن گردد

ر	ش	ی	د
ی	د	ر	ش
د	ی	ش	ر
ش	ر	د	ی

۱۲۱	۱۳۴	۱۳۱	۱۲۸	
۱۳۲	۱۲۷	۱۲۲	۱۳۳	
۱۲۶	۱۲۹		۱۲۳	۱۳۶
۱۳۵	۱۲۴	۱۲۵	۱۳۰	

الصبور یعنی صبر کننده در مکافات عقوبت گنهکاران و در عذاب فرستادن بر کافران بنا میست که ایوب بر برکت این نام شفا گشت اهل تصوف گویند هر که خواهد تحصیل این نام کند باید که در کارها شتاب نکند و هر بلا و شدت و محنت و گرسنگی که وی را روی نماید از خدا داند و خوار و مشقت و برهنگی از خلق نداند و قبض و بسط و حبس و نسیان و طعام اعتقاد نکند و در این امور اگر وقوع یابد صبر شعار خود سازد تا حضور زیادت شود و وی در دایره صابران در آید و نام وی در جریدهٔ صابران نویسند که این آیه گویند انا وجدناه صابرا نعم العبد وی را ستایش کند براین صبر پس هر کس که خدا را ستایش کند غنیمت و صادقی بد همی از شادی خدا اسما الله عدد این اسم هزار بار و وی اند از برای المهمین تا امن

ودر وقت نوشتن ابن ع واسم را بخوانند یا خالق یا محیط ن مکرر صد و شش نون نویسد در شب شنبه و یا نور و درد از همه امراض شفا یابد و در وقت نوشتن ابجد و بر آن آسان گردد و در وقت یا الله یا اهل و اسم را بخوانند یا آخر بر بعد و نیست در شنبه هر که سی روز روزه دارد و ببرد بر حب عبادت و کرد و لطف و بعد از نماز خواند یا ودر بیان مضعف ضعف در اشرف دو اسم را بخوانند ه و در وقت نوشتن ه مکرر یا غفور یا غفار حکیم یا شکور و در آن بصیرت گردد یا نور سند و بر وقت نوشتن ی مکرر یا قوی یا قادر یا قیوم و در وقت نوشتن ی باید یا واحد یا حی یا خالق یا ناصر و در هر چیز که باشد بر خود پر ببرد از سر ما بیست حرف سنه ۱۲ و ۱۳ علیه السلام حصین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصبور

اما بزرگی فرموده اگر کسی را دردی باشد طاقت آن نداده و در حال استغفار

در تروکرها و نوفها آنکه از ذاتی این اسم اینه اکنند تقویت ایشان کند سعی

سه هزار و یا خواهند چون سه هزار و با تمام سه بار بر سکرد اید بر سد

با ایشان برسد چون عدد کل تمام شو حضرت صبوری ایشان را ... صبر

و اطمینان خاطر کرامت کند اگر محبت دیگری خوانند عکس را هم خلق ...

صبر جمیل کرامت کند دعوت این اسم مناسب کسانی است که صبر نداشته

باشند و بی‌تاب و سخی شود و این اسم علما ... عدد معین نکرده اند

و بعضی گفته اند که سیصد بیست و نه عدد است بجا آنند اسیصد نود عدد

است صبور و بیست و نو و هشت عدد باشد که کبیر بطریق پنج هزار و

هشتصد و پنجاه عدد است به بطریق شیخ مغرب الصبور هزار و ششصد

و چهل و پنج عدد است و بعد کبیر بسط این بن هفتصد و صد پنجاه و دو عدد شود

و بسط حسین فرموده که از برای هر مهم کلی که واقع شود در یک مجلس

بشرط طهارت جامه و خلوت و صوم بعد کبیر بخوانند امید بخدا است که از موضع

خود برنخواسته باشد که اثر اجابت و حصول مراد بر او منکشف گردد

و این عدد را بعضی تحریر کرده اند و لوح الصبور حاشیه نوشته شد و شرح

این اسم بیانات لیس کمثله شیئ و هو السمیع البصیر نعم

المولی و نعم النصیر **فصل** بیست و یکم در خواص اسماء چند که

در دو از شماره است آنها که مجربات نبوی و اخبار مصطفی صلی الله علیه و آله

بعضی

برکات عدد دو نوشته در کعبه نگاه دارند

۹۹۹۹۹۹۹
۵۵۵۵۵۵ ۹

نقل است از حضرت امام جعفر صادق (ع)

که در حضرت ... بر روی دو رخانه ... باشد سعی ... زرد

و ... در ... نگاه دارد

... دختران ... و درخانه آن

ایضاً ... آنچه ... شود

جامه ... دختر ... با ... شود ... تا ... از زعفران

اورا ... شود **ایضاً**

سوره ... که ... بنویسد ... شود ... بر

... بر مطالب اصل است

مجرب ... نقل ... از ...

مندرج ... کند ... که ...

٧٤	٧٧	٨٠	٦٨		ل	و	پ	م
٧٩	٦٨	٤٣	٢٨		ب	ر	ب	و
٦٩	٨٢	٧٥	٤٣		ت	و	ب	ر
٧٦	٧٠	٨١			ف	ذ	س	ب

٧١

در شرح کلمهٔ یا سبوح یا قدوس

بصحت پیوسته است یاد کرده شد یا فواید آن بمؤمنین مؤمنات که بر آن
مطلع گردند برسد هر که مداومت نماید ورد این اسم کند صد و بیست و دو هر شبانه
روزی هفت هزار بار باطن و مصفا گردد موصوف گردد بصفات ملائکه اما
باید که مداومت ورد اکثر اوقات نماید و مقید او نماید باشد تا ذوق و قوت گیرد
و قابلیت پیدا کند ملائکه و سیر ملکوت حاصل کند اکابر فرموده اند با یک صباح ورد
این اسم از زعفران بر پاره نان نویسد بعد نماز جمعه افطار کند مؤثر است
جهت صفای باطن بعد نماز جمعه چندان نویسد تا جمعه دیگر افطار کند شر کلی
یا سبوح یا قدوس هر که مداومت نماید ورد این اسم بعد تکبیر دو بیست و
چهل و هفت روز میسر گردد او را که سیر کند در ملکوت و مکشوف گردد بروی
علامات سماوی و روشن شود بروی تسبیح تقدیس اشیا و ورد این شرط است که خود
و کم گفتن و کم خفتن است خلوت و اجتناب از خلق و دوام ورد او و کو کان و
غسل هر روز و اکثر اوقات در لب آب روان و صباح ورد این اسما از جهت باطن
کو دو در شفا و دوا از علما غیب بیان و رنگ دیگر احتیاج بطعام و شراب نباشد
که در سلوک شدن و بمقصود برسد و او را دولت عظیم دست خواهد داد یا آنکه
دو هزار و ششصد و هشتاد اگر کسی به فهم بی تمیز باشد هیچ یاد نشود تند کرده در
شبانه روز عدد تکبیر بخواند باید که هر روز پیش از صبح بخواند و افطار بجا کند و
روز چهارم تصدق بکند و تسبیح خوانا نماز دیگر روزه و اخلاص و نعمات در خواست
کند خصلت او بزهنی کرامت کند که هر چه بشنود یاد گیرد و صفای باطن و جلا

و نادر کنند است جهت فتح و فرج کار ما از
حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر که بخواند
بعد نماز بنفشه اول و دو کنند و در وضو
مقصد کنار او در کام رفع شود و واجب
است و اقتضا وارد است که بیابان نا سیاه و
و هم وارد است که ش وارد بکو بیابد در دفاع
دکام وارد است و میکند جهت فتح و غرض
است که مفصل خلعت حضرت صادق ثابت
کو تنگی نفس و عمر است که ابدا نو نا ساکن شود
هیشود و قسم موده بیان کرده در کار نجوم القران
جهت مهما انجم کردن دو بیاب ابدا نو ثبج
مذکور است که الکیر وارد بیب و بیاب لشو بیدو
شده باشد شفا یابد و لقو انشاء
بحق و شفا هم و عمل
اخشا هم

ح	و	ب	س
ب	س	ح	و
س	ب	و	ح
و	ح	س	ب

ص	و	د	ق
د	ق	س	و
ق	د	و	س
و	س	ق	د

۱۸	۲۴	۳۰	۴
۲۸	۶	۱۶	۲۶
۸		۲۰	۱۴
۲۲	۱۲	۱۰	۳۲

۴۲	۴۵	۴۸	۳۵
۴۷	۳۶	۴۱	۴۶
۳۷		۴۳	۴۰
۴۴	۳۹	۳۸	۴۹

۵

۳۴

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا رب

قلب بنده غالب شد و علت کبر هستی او مستور شود حالت عجز و نیاز
بشود و از علامت حاضر وقت باشد یا رب این ذکر را باب قرابت
هر که بمطلب با خصوص نزدیکتر است این اسما بوتان و بغیر ایشان ذکر
ارباب حاجت در هر کار و حاجتی که پیش آید هزار بار این اسم بگوید حق تعالی
کرامت کند و آنچه مقصود هست زود تر کارش ترتیب یابد بهمه جا و همه کار و هر
در کار صعب و دشوار باشد و مهمات نداشته باشد کسی را لطف حق تعالی
نکند بعد از او رسید زیرا که این اسما مقصود نماید دایم بخوانند در سجده مبالغه
نماید و گاه دست را دراز کند بالحاح بگوید یا رب یا رب یا رب الملائکة و
الروح یا رب یا رب و دستها بروی خود فرود آرد حق تعالی خود بفریاد وی رسد
و دو را امر بفضل لطف خود کار او را بنماید چنانچه محل تعجب بندگان شود
و سر بسجده بنهد جبین بر خاک و از عجز و نیاز چنانکه بگوید یا رب و در آخر
ختم بسیار گفته باشد یا قریب الفرج بگوید و دیگر گفته‌اند هر که را مهمی
پیش آید در آن مضطر گردد این اسم یا قریب الفرج را هزار بار بگوید مجرب است
و اگر ده هزار بار بخوانند بعد نماز یا صد هزار بار بخوانند همین خاصیت دهد
و مهم کفایت کرد و در شرح کبیر چنین آورده اند که یا رب اسم اعظم است یعنی
خدا شکوه کار است **یا حنان یا منان** این دو اسم خواص بسیار
گفته‌اند ما در این اختصار کردیم آنچه مفید است آورده می‌شود انشاءالله از
دعوات این اسم اعظم در هر کجا قصد و مهم نماید عمل بر این اسم مقصد هست و دوست

مکانا سحیقا فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون ومن نعمره ننکسه فی الخلق افلا یعقلون **ایضا** در بحر المنافع آورده که هر که سوره والطارق را بر هر چیز بخواند و بخود دم کند از فتنه ایمن گردد دفع کند و یا ها که در شب و هم رسد جمع شیاطین مجرب کرده قلعه دار بر رشته که دختر نابالغ رشته باشد هفت گره کرده هفت بار سوره بر آن بخواند و هر گره بدمد و بگوید عقدت فلان بن فلان بقوله وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و صغیر زن را با خود دارد دفع شود **ایضا** در بحر المنافع آورده که دو اعضا سنگ گرده سنگها که در ... باشد با خود دارد فاسد کند و بیرون او باشد ... مجرب

در شرح کلمهٔ مبارکه یا حنان یا منان

هر شب نود و بیست هزار بار ورد این نام ملک کرده پیش از این چهار روز ترک طعام
الوان کند بلکه جو نی و صعد افطار دارد و پرهیز جلالی کند در این دعوت علامت
خواهند بود که بروی ظاهر خواهد شد و اگر پیش از دعوت پرهیز کرده و از خلق
اجتناب نموده بود هیچ توهم نخواهد بود و علامات اول آنست که چون
مدت دعوت او هشتاد روز در کند در حاضر شب باشد که هر که کانا پیش وی
آید انواع سخنان گوید اما بیشتر سخنان وی در جهت امور دنیا باشد و نفع نیز خلق و
ایشانان فانی اعتبار ندارد و دعوت برای ایشان فانی نکنند مراد او عام صغیر باشد
و آن شخص سخن گوید اما با ادب باشد در نظر وی گستاخی نکند هر چه سوال کند
جواب به صحت نماید سوال لیسا که او یکی از رجال الغیب است و از
جمله مقربان حق حرمت نگاه دارد و ادب رعایت کند با وی نسبت بلطف
نماید و انواع علوم عجیب و غریب امور که از علم اهل الله است و خواص آنست که
رجال الغیب است ندر کرده او را جهت عالم باقی خواهد آموخت بلکه تعلیم
باطنی نماید و متوجه دل وی خواهد بود هیچ شک نباید کرد و مطلع کرده
و غرض از این آنکه با این علامات آن شخص را بشناسد و بداند که دعوت قبول است
بعد از آنکه آن شخص علوم غریبه و عجیبه امور و اسرار برای صاحب دعوت
بریزد و بگشاید دل وی و آنچه در فهم و اندیشه نیامده باشد بدل وی دو
مشرف کرده و به دل او بگشاید یا دیان هر کس که مداومت نماید
بر این اسم مدت هفتاد روز هر شب هزار و بیست و یک بار و در مدت دعوت تمام

قطب بعول شخص حسن حضرت ابراهیم
تا آفتاب شکل بشکی از آنکه بود لشکر طلوع و هو
و همیشه قطب شعبان از مقام هیکلی فنعود کر
آنفس و لکن بتحقیق شرح نیست آن کر نیز بپا در روی
آدم بسوی و دنیا بر خصلت کن اصلح
کلمه حرب و سعی کن و نجوی بر صنع مصنوع
بعد الله تا طفال از درین کن آنکه اوراد او
و دوام هوا با انبیا بشکل صبر بنسبه لیل هو هو
و دوام جمعیه بکشتی از اولیاء الله آنکه کیف اورا
هو با هیچ مستغرق سوی اگر که اورا و سبیل
کل هو الله احد تا از هر سو تا انبیاء اورا دروی
شیخ از خواب داده تا شب از نوا انضیاع و نبیکو
جو بسیار انعامات معین بیلای
که ترتیب

ن	ا	ن	م	ن	ا	ن	ح
ن	م	ن	ا	ن	ح	ن	ا
م	ن	ا	ن	ح	ن	ا	ن
ا	ن	م	ن	ا	ن	ح	ن

	۳۵	۳۸	۴۱	۴۲	۲۷	۳۰	۳۳	۱۹
	۴۰	۲۸	۳۴	۳۹	۳۲	۲۰	۲۶	۳۱
۴۳	۲۹		۳۶	۳۳	۲۱		۲۸	۲۵
	۳۷	۳۲	۳۰	۴۲	۲۹	۲۴	۲۲	۳۴

۳۵

دسل

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا دیّان

رسد بمقصد که تواند بخواند یعنی ترک نکند که احتمال جنّت دارد
و از مقصود باز ماند چون ختم با تمام رسد این اسم خواص بسیار دهد
و عجایب بسیار بیند در حین دعوت امور غریبه ظاهر گردد و کشف شود
و صفای باطن حاصل شود و از دعوت این اسم یکی آنکه در نماز دل و بغیر
خدای تعالی بکسی نپردازد و از ملائکه و رجال الغیب و ارواح اولیا بهره مند
گردد اما شرایط این اسم خلوت نشستن و اجتناب از خلق و اکل و شرب حلال تا زود
اثر کند و هر که این چهار اسم که اول آن دال است در مربع چهار در چهار این
نوع در ورق آهو نویسد با خود دارد در شرف آفتاب نویسد این بود از همه بلاها

دیّان	دائم	داعی	دلیل
داعی	دلیل	دیّان	دائم
دلیل	داعی	دائم	دیّان
دائم	دیّان	دلیل	داعی

و هر که هر روز صد و سی نوبت یا دلیل المتحیّرین و یا غیاث المستغیثین اغثنی بگوید با شرط دعوت و چون تمام کند دو رکعت نماز حاجت بگذارد و طلب مراد از حق تعالی کند از
برکت این دعوت بوی دهد جمعیت و صفای باطن در دعوت این چهار اسم است
و اسما این است دیّان دائم داعی دلیل و بعضی بجای دلیل دافع نیز
گفته اند اگر جهت خصم قوی خوانند یا ترس از سلطان و غیره دافع خوانند
و اگر از برای جاه و منصب بسیار خوانند بسبب آن جهان دلیل گوید و عدد تکسیر این
چهار اسم صد و هفتاد و چهار بار است و اگر بجای دلیل دافع گوید هر روز صد و

مطلوب حاصل است وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ الی قوله وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ برای از سحر و بغیره جهة
دفع بیخوابی اسم مبارکه وقد النور ... ذهب منا صبیا و انا اخره ... بنویسد در میان ... بنهد بخواب رود
بشود فائده ... و از او جدا نکند
ایضاً این آیات را بنویسد و در زیر بالین انکس نهد از خواب بیدار نشود و
جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا
جهت دفع احتلام هر که از حضرت ... مرد است ... که هر که ... محتلم شود ... بخواند محتلم نشود اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان

در شرح کلمه مبارکه یا برهان

بیت و هفت البته دعا او مستجاب گشت و یا برهان اشارت است
باسماء الله تعالی چنین فرموده اند که این اسم معطی الحاجات است هر که بسیار
دعوت این اسم کند مقصود حاصل شود و دعوت این اسم دو نوع است یکی هر روز
هزار بار یا پانصد و شصت مرتبه شود و الی ان یکدار این نام هر شب از نیم شب بعد
با تمام رسانند و روز دهم بمنزل پیر شیخ رود و هزار و یک بار بخوانند حاجات عرض کنند
که البته در آن هفته مهم حاصل شود و از جهت فتح الباب و حاصل شدن
مرادات و دفع مکروهات باید درود فرستد بعد از آنکه وضو ساخته باشد و درود
اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کَلِمَاتِکَ وَاَلْطَافِکَ وَ
بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کُلِّ ذَرَّةٍ وَمِائَةِ
اَلْفِ اَلْفِ مَرَّةٍ و صفت نوع این کلمات بگوید بصدق تمام یَا قَدِیْمَ الْاِحْسَانِ
اَحْسِنْ اِلَیْنَا بِاِحْسَانِکَ الْقَدِیْمِ دیگر بجهت یافتن حاجات و برهانیدن مهمات
هر روز هفتاد بار یَا خَفِیَّ الْاَلْطَافِ نَجِّنِیْ مِمَّا اَخَافُ و بآخر بگوید بحق سوره
الاعراف و مراد عرض کند البته کفایت کرده دیگر بجهت باز ماندن از عمل و
تقرب بزرگان و هر مقصود کلی غسل کند شب جمعه پیش از صبح و سجده شکر بکند
و قدری شیرینی در پیش سجاده نهد نیت روزه کند هفتاد هزار بار بگوید یا
بدیع العجائب بعد از نماز صلوة جمعه بعد تمام ختم را تمام کند و
شیرینی صدقه کند و طلب حاجات کند هم در آن هفته انچه مقصود است حاصل گردد
که خود در آن حیران بماند هر که مربع هشت در هشت بکشد و این هشت اسم درج کند

و الیقظة و المنام افضل است و
دو روز و فی نصف بخواند ان
و الطارق را دو روز جمعه صبح از حضرت
اشعار را همچنین منقول است که در جنب
امام محمد باقر منقول است که معتبر
که شنیده ام و مصرع و هم چنین است که
هر جمعه و در نماز ... نوبت و در
و بعضی از نماز ... کشف و احوال ...
وضو و غسل ... و حضرت
دو امر ... بالاخر ... و
ایمن و الامن ... اثر
و اینها ... بسیار ... صحبت
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
و در خانه که ... حسبی الله و کفی ... اسمع الله
ببرکت ... و ... اسم اعظم
و دیگر برای هم عمل ... نیست بر کمال مطلب است

در شرح مربع اسم خداوند

کرده اول از اسمها (حا) است وبا خود دارد دفع هاکها آخر الزمان ایمن گردد

حی ۱۵۲	حمید ۲۲۲	حفیظ ۲۰۳	حکم ۱۶۲	حکیم ۱۶۹	حبیب ۱۹۸	حلیم ۱۸۷	حق ۱۸۴
حمید ۱۸۲	حفیظ ۱۸۶	حکم ۱۷۱	حق ۱۶۲	حی ۲۰۴	حکیم ۱۹۰	حبیب ۱۵۴	حلیم ۲۲۱
حفیظ ۱۹۰	حکیم ۲۰۱	حق ۱۹۳	حلیم ۱۵۴	حبیب ۱۸۳	حی ۱۸۵	حمید ۲۰۰	حکم ۱۷۱
حکیم ۱۹۹	حی ۱۷۳	حمید ۱۸۱	حفیظ ۱۸۶	حبیب ۲۲۳	حلیم ۱۵۵	حق ۱۶۴	حکم ۲۰۲
حبیب ۱۸۰	حکیم ۱۹۱	حی ۱۹۳	حمید ۱۷۳	حلیم ۱۶۴	حق ۲۰۷	حکم ۲۱۸	حفیظ ۱۵۶
حلیم ۲۱۷	حبیب ۱۵۷	حکیم ۱۶۳	حی ۲۰۸	حق ۱۹۴	حکم ۱۷۴	حفیظ ۱۷۹	حمید ۱۹۶
حق ۱۷۵	حلیم ۱۹۲	حبیب ۱۸۰	حکیم ۱۷۸	حکم ۱۵۸	حفیظ ۲۱۲	حمید ۲۰۰	حی ۱۶۱
حکیم ۲۰۶	حق ۱۷۰	حلیم ۱۵۹	حبیب ۲۱۶		حمید ۱۷۴	حی ۱۷۶	حکم ۱۵۶

حفیظ ۱۹۶

ودو چشم مردمان عزیز وبا هیبت نماید واگر پادشاهی بر سر علم او وبر لشکرش نشاند منهزم کردند وقهر شوند واین پادشاه مظفر ومنصور گردد ودارنده این اسم بر اعدا غالب آید واگر درویش بود توانگر گردد ومنصور ومغنی از خلق مستغنی شود واگر در روز شرف آفتاب بنویسد ومعطر ساخته همراه خود دارد دشمنان اسمها را ودر ساخته بماند مضمون صحت وی آنکه طلب کند بحصول پیوندد وانچه در خاطر کند برآید بکر او ده اند که شش اسم است که اول او (عین) است ومراد از اسما نود ونه نام است الا در هر یک نام حرف عا استغنا وغیره اسم خداوند تعالی بسیار است که در اول وغین است اما این شش اسم ودو اند که در مربع شش در شش نویسد وباخود دارد خدای تعالی او

کرایه وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المومنون وا بنویسد بشخص دیوه جن ودیو آزار نرسد.

ایضا سوره واللیل اذا هر گاه بر مصروع بخوانند بمعنا طوطی ابد.

بجهت چشمه جن بنویسد بر کاغذ بصحت صرع واگر جهت آدمی باشد هیمیا یا هاکا او در زمین دفن کنند واگر حیوان باشد در میان چشمها او وزن تا شکسته شود ودر تعویذ شکسته بیضه بگوید بسم الله وبالله وعلی اسم الله واستعین کلمات که بر بیضه نوشته میشود این است جاعت جعیت جعیت فجعت انفجعت انفلقت جحجعة جمعا بت در هجام اوده کر بر سه قطعه کاغذ بقام یا ریلا نوشته واتزا

در شرح مربع مسدس اسم خداوند

عزیز کرداند گناهان او را عفو کند تا باید وی کنند اگر تواند هر روز و جمعه
این اسمها یکهزار و ششصد و سی چهار نوبت بخواند اگر میسر نشود هر روز قضا

غفید	رعد	عالم	عدل	عظیم	عفو
رعد	عالم	عفو	غنی	عدل	عظیم
عدل	عزیز	عظیم	رعد	عفو	علیم
عظیم	عالی	عزیز	عفو	علیم	عالی
عفو	عظیم	عدل	علیم	عالی	عزیز
علیم	عفو	علی	عظیم	عزیز	عادل

شش بار بخواند او را بود دل
خاشع و زبان ذاکر و این لوح را
چندانکه شرح شده است نهایت ندارد اما این اسماء
در درجه شرف زحل که آفتاب
نیز خوشحال تو بنویسد بر اطلس
سرخ بطلا محلول بنویسد و در خزینه محفوظ کرداند از اطراف و جوانب از
برای آن پادشاه قسمتها و غنیمتها رسد که خزاین مملو کردد مربع نوع
دوم نام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این مربع وضع نموده اند در روایت
منقول است که واضع این مربع حضرت ادریس است و این را نوع دوم نام باری تعالی را
در این مربع درج کرده اند ساعات و جهات تعیین فرموده اند از جهت دفع شر
دشمن بر صفحه زر یا نقره کشند و در طلب حاجات دستگیری و تقرب نزد
بزرگان در تاج نهند از جهت صحت بیماران بر صفحه مس نقش کنند جهت دفع صرع و قحط
اگر آفتاب در شرف باشد قمر در خانه مسعود از نحسین جدا و مراد ابواب
و جهت دفع ضرر زندان در خانه نگاه دارد و اگر در کشتی با خود دارند از غرق
شدن ایمن باشند و اگر در انبار غله نهند از آفت سالم مانند و اگر بر کودک بندند

مخصوص و فرشتگان
نام یکی از ملائکه مقرب و مقیم عرش الله
یکی از انوار اللامع [illegible] و النور
ذی العزة و الکبریاء [illegible] لنید
طلب نفقه بیک بار بسم الله [illegible] با ذن الله
و [illegible] یکی [illegible] اول [illegible] سوم
و هر روز یکی بخواند با ذن الله
دوم [illegible] ربع ابجد
باذن الله [illegible]
نبوسیه بر او [illegible]
[illegible] بنویسد و اما علی [illegible]
و بنا [illegible] الاخسی
[illegible] اقم
و [illegible] بر کسی [illegible] اطام معز الله
افضل از حضرت [illegible] بنویسد ایم
[illegible] بیمه الله
[illegible] تم الفیل و بر
جبار [illegible] الله [illegible]
و برنای [illegible] و [illegible]
حب [illegible] العزیز
و دو مبارک [illegible] کریم
[illegible] اولیا [illegible]
نفع [illegible]
[illegible]

در شرح لوح و نقش خداوند

از طلبه امان بایدی خواص این لوح بسیار است با اعتقاد درودیم

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن	العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ السمیع الهادی	المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق	الفتاح العلیم القابض الباسط المعز الاذل الرافع
الخافض المجیب الحسیب الواسع الحلیم المقسط الصمد	المذل المانع البصیر النور الحفیظ هو	الشهید المقیت المعید الجلیل الواحد الوالی الولی النافع المبین	العظیم الحق القوی المنعم الحی المحیی الواحد الاحد
الغفور القادر الوکیل القیوم العفو الرافع	الشکور الکریم الودود الغیاث المؤخر	المقسط المعید الرؤف الباقی اللطیف	الوارث الخبیر البر المقدم المؤخر الباطن المحصی
الغنی الرقیب الرشید الصبور الضار الغنی	الحکیم الحکم العدل الممیت الظاهر الجامع	التواب الکبیر المتعالی الماجد العلی المالک	الملک ذی الجلال والاکرام

فصل علمای ما تقدم ما از ذره لوح تصنیف کرده اند هر یک از ایشان تعبیه
چند عجب این بنده ضعیف مکرر نوشته و تجربه کرده ام نخواستم که این نسخه از
این تصنیف خالی باشد چون تمام مربعات با خواص اسماء الله تعالی بود در کتاب
بجهت مجمع الغرائب واجب بود نوشتن بنابر هر یک شرح خواص و نوشته خواهد شد
و آنچه در خواص کبیر مکتوب گشته با خواص عموم الی ظهر نمانند **لوح اول**
نود و نه نام باری تعالی درج کرده اند که در تمام شناخته اند و درج شده است و این لوح
شریف است و این لوح را حکما کبیر الخواص گفته اند این نام کرده اند هر بیت که آنرا وضع کنند

مهمات باشد از ذوی الاثر هستند ایضاً
اطبا به تجربه یافته اند که هندبا کرادنا
خر خنا کویند بپاره کتانی با مانند
انیکه ازو بدو برضا جمع تعلیق
دفع شود **ایضاً** به تجربه رسانیده اند
که با فلاد اسود اخ کرده و دو عدد
میش در دار نخاله داده حاجت
غایت دفع شود **مجرب و عجیب** بسیار از
هر درختی که باشد و برو آویزد در حجت
نوشت بیکره بنام هر بیت و بیکی و پیدا
طلسم ما در بیکی او در حجامات و بیکی
ابو اسو ما ج در دار برداند از در دفع
شود **نوع دیگر** بکوه دست و شر بنصر
این اشکال را بنویسد سال هلاج
فلج موت مات و بر کف دست چپ او
بنویسد فلج هلج مات موت **نوع**
دیگر بر کف دست ها و پاها کی بنویسد
قوس قوس شاماخ شاماخ عجل
عجل صمت صمت

درشرح الواح پانزده گانه (۱۷۷)

معتبر که بدید ملوک و سلاطین بشرف آفتاب نویسند از جهت سعد و قضا
بشرف مشتری نویسند و جهت خواتین معظمه محتشمه بشرف زهره و امرا
و اتراک و دفع خصمان بشرف مریخ و جهت اهل کتاب و دیوان بشرف عطارد نویسند

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الباری المتعالی	الرب العفو المقدم الحق القدوس السلام	الحی القیوم الغنی الحکیم الواسع الباقی الرشید	الودود الوالی الخبیر الولی المغنی
النور الصمد المحیی المبین مالک الملک ذو الجلال و الاکرام	الباطن المحصی النافع المتکبر العلی العظیم	الملک القدوس المجید الخافض الجامع الرقیب	الواحد العدل الحفیظ الممیت الصبور القهار
الماجد الضار السمیع اللطیف الباعث القوی المعید	الاول الآخر المجیب المذل التواب الحمید	المقتدر الباسط الحافظ الوارث المنتقم المانع الشهید	القابض المصور الشکور الماجد الوهاب الجلیل
الوکیل المنعم المؤخر المعطی	الفتاح المهیمن الغفار الحکیم الهادی المجید	المقیت البدیع المؤمن المعز الظاهر الجبار	الرافع الخالق الغفار العلیم المتکبر الرفیع الکریم

لوح دوم بجهت جاه و رفعت پیش پادشاهان و دفع دشمنان و مهمات و فتح
و افتادن از اسب و دفع بیم بلاها و ایمن بودن از بلیه‌ها و قحط و نیکوئی ادویه در سعد ساعت
سرطان مشتری باید روز یکشنبه و پنجشنبه در ساعت مثبت آفتاب یا زهره و قمر از
نحوست دور باشد بنویسند لوح در مصحف بعد نمود میشود لوح سوم
دفع غم و اندوه و گشادن کارها از جهت خریدن و فروختن و ایمن بودن از دزدان

جهت نشاط و رنج [illegible] و سینه [illegible]
بجهت قلعه گشادن و غلبه بر دشمنان اول [illegible]
[illegible] دو وقت شنبه ساعت [illegible] و عقرب [illegible]
[illegible] نیک بخت [illegible]
[illegible] بیاید [illegible]
[illegible] بکلی [illegible] ماه [illegible]
[illegible] شنبه [illegible] عقرب [illegible]
اول [illegible] شنبه [illegible]
[illegible] فتح و [illegible]
[illegible] ساعت [illegible] قمر [illegible]
[illegible] الرحیم [illegible] السلام [illegible]
[illegible] الملک [illegible]
[illegible] الدنیا

در شرح الواح نادره کانه

(لوح دوم)

قل هو الله احد ۲۳۰	الله الصمد ۲۳۱	لم یلد ولم یولد ۲۴۰	ولم یکن له کفوا احد [illegible]
یا بار یا جلیل ۳۰۸	یا کبیر ۲۴۳	یا مبدی یا مقتدر ۲۳۲	یا حلیم یا حنان ۲۱۹
یا مهیمن یا وکیل ۲۳۳	یا لطیف یا محیط ۲۱۸	یا بدیع یا نافع ۳۰۹	یا سمیع یا هادی ۲۴۲
یا حی یا متعالی ۲۴۱	یا رب یا مولی ۳۱۰	یا سبحان یا حکیم ۲۳۱	یا عزیز یا جامع ۲۳۰

و عمل روز دوشنبه نویسد
که قمر در برج [illegible] نظر دوستی
بود روز دوشنبه منظور
بنظر عطا باشد نادر
هنوز شاد و بجا عبد
زد با ورق اهو دوشنبه
خود معطر خانه زنا
نهد خوص بسیار بیند و اگر در صبا شما شرط اند در مسلمانان **لوح چهارم**

(لوح سوم)

الم الله ۱۳۷	لا اله الا ۱۱۰	هو الحی ۶۰۹	القیوم ۱۸۷
محمود مولی ۱۸۴	یا وهاب ۶۳	طس و دو حبیب ۱۱۱	مؤمن ۱۳۶
نیر طالب ۱۱۲	مسهل ۱۳۵	غالب سید ۱۸۵	حمید ۶۲
حم احد ۶۱	ق بدیع ۱۸۶	ص حم ۱۳۸	طسم ۱۰۹

از جهت زهد و قوت حافظه
و دفع وسوسه شیطان و امثال آن
و خطا از دزدان در سفر
تا فتح خزاین کلی در
روز جمعه که قمر منفصل از
نحوس و متصل بسعد باشد روز
دوشنبه بنویسد با خود دارد بمقاصد خود واصل گردد **لوح پنجم**
از برای گشایش کارها و فرج دفع مکر دشمن از پادشاهان و بزرگان
بنویسد روز شنبه که قمر با آفتاب نظر بود و با خود دارد و دفع گریه
اطفال در گردن طفل بندد (لوح ششم) از پنجم در صفحه بعد ...

و هو السمیع العلیم ایضاً در حق
دیگر امد برای درد سر نسخه موضع
بمال و هفت بار بگو اعوذ بالله ...
سکن ما فی اللیل و النهار و ما فی السموات
و الارض و هو السمیع العلیم
ایضاً از روز شنبه در سر
ویروند صداع دفع گردد دلدلد
صع ق ف ک ق ل م ر و لاع
لا ک ا ل ک ا ح ح د د
ایضاً از نکاله نویسد بجانب
درد و هر طرف شود یا الولا الولا یا الولا
لولا ما الولا الولا بحق ... نیز
این وکلمه با سطر را با خر بنویسد
و بهما طرف که درد میکند یا ...
بحق در کوشش از نسخه امام محمد
لا قوه منقول است برای درد گوش دست
بگوش نهد الله و هیب فاد
انما عند الله

رب اشرح ۷۱۱	لی صدری ۳۴۴	ویسر لی ۳۱۴	امری ۳۵۱	حسبی الله لا اله الا هو	علیه توکلت ۹۷۱	وهو رب العرش ۸۳۰	العظیم ۱۰۵۱
الرب الواحد یا وکیل ۳۱۷	ق علیه ۲۵۰	متین یا نافع ۷۱۳	لطیف منعم وهاب ۳۴۳	رضی ازلی ۱۰۴۸	مجیب واجب یا غنی یا مغنی ۸۲۳	اول آخر صمد ۹۷۳	باری طالب ۲۵۵
قاسم حم ۲۴۹	ستار ۳۱۴	کبیر جامع ۳۴۶	فتاح معبد مالک ۷۱۳	مهیمن خالق و ازلی ۱۰۴۸	موجد نافع ۲۵۴	حقیق شفیق یا کریم ۱۰۴۹	یا حکیم یا امام البالغ ۸۲۲
قیوم سلام معید ازلی ۳۴۵	وارث ابد ۷۱۴	والی معز ۲۴۸	البصیر ۳۱۵	ذوالنسر ناصر کبیر ... ۸۲۱	یا حافظ یا ... ۳۰	قیوم صاحب ۲۵۷	طرد الرحمن ... ۹۲۳

(لوح پنجم ...)

لوح ششم جهت دفع بیمار سخت و جراحتهای بد و بابهای مختلف بنویسد هر وقت که خواهد اما باید که شمس و قمر خوشحال باشند و اگر این دو کوکب را با هم نظر دوستی بود نیکوتر باشد بنویسد و اگر مهر نشود کاغذ یا لیمو یا واز یا ایچ ... بشوید و بخورد از جمیع امراض و علل ایمن باشد

با آب بده دیگر مریض نشود و با یکه ... بسته تمام ببوزد با مقصود رسد

وننزل ۱۴۳	من القرآن ۴۷۲	ما هو شفاء ۴۳۴	ورحمة ۶۵۴
ملاذ معید ۴۳۵	موجد منشی ۶۵۳	مجیب مطلوب ۱۴۴	واعد قوی ۴۷۱
تواب حلیم ۶۵۲	مهاو ... ۴۳۲	جامع منع ۴۷۴	حی واصل ۱۴۵
وافق امان ۴۷۳	مالک دائم ۱۴۶	شافع منعم ۶۵۱	المعز قوی ۴۳۳

لوح هفتم جهت دشمن و خشم و زخم و ترس کودکان و کید دشمنان و مهر و محبت

اعوذ بالله ... الحی ... له ما فی السموات وما فی الارض ... وسع ... الارض ... العلیم ... انصار ... [illegible]

... [illegible]

سلاطین

در شرح الواح پانزدگانه

سلاطین و سنخیر شدن امرا و گشادن بخت زنهاییکه بسته شده و دفع غم دل رجل و
مرأة کلی بنویسند در روز یکشنبه بساعتی که قمر با مریخ یا آفتاب نظر مودت
داشته باشد یا زهره و مشتری منظور بنویسد و با خود دارد حاجاتش بر آید و زبان
دشمنان منقهر گردند و در این لوح فتح
بسیار اسمی است که هفتم این است

انا فتحنا	لك	فتحا	مبينا
۴۹۰	۱۰۲	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

لوح هشتم جهت دفع چشم بد و زخم
کودکان و کسی که مبتلا به این بود از
غم و اندوه و در زمانه در امور کلی و دفع
قبض کند و دعا ضخیم فتح جمله قبضها بنویسد در روز چهارشنبه منظور عطارد
یا در روز دوشنبه منظور مشتری یا روز جمعه منظور قمر با کواکب سعد یا در روز پنجشنبه
منظر زهره و با خود دارد جمله مرادات مذکور حاصل شود **لوح نهم**
جهت طلب حق خود کردن و دعوی نمودن
قاضی و دوستی در دل خلق و باز آمدن
غائب از راه دور و بنویسد در روز یکه
باشد اما باید که قمر در برج آتشی باشد
و منفصل سعد با بر نقره نقش کند تا

فسيكفيكهم	الله وهو	السميع	العليم
۲۱۳	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۲۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

بر اطلس سفید اگر نشود بر کاغذ بنویسد و با خود دارد که مجرب و آزموده است
(لوح نهم در [illegible]) **لوح دهم** جهت صلح فکندن میان دو کس

شد بیخته سفید کرده روغن کنجد بعضی گویند
بچکانند بر درد یا به چشم ابد محمد الجمعه
چشم را بگوید اعلی فوق تصحیح نقوله
الذی لا یطفی و چشم تابستان صحیح
کند انه الکبیر بخوانند و بخط علی
بکند ان الله شفا یا ابد ایضا
بعد ترک کند و بر چشم کشاده و بگوید
و فیه الشفا [illegible] یا نار کونی
بردا و سلاما علی ابراهیم دفع شود
ایضا در وقت غاز شام بیایند
سنا و در آفتاب هر نخود وار مانند
بگیرد و این آیه را بخوانند و بر آن
چشم نخود فقط و دو [illegible]
کنند [illegible]

حسبنا	الله	ونعم	الوكيل
۱۶۷	۹۰۶	۱۲۲	۶۵
۹۵	۱۶۴	۶۸	۱۲۳
۶۲	۱۲۴	۹۴	۱۶۵

دعوی

در شرح الواح یازده گانه

و در دعوا با خصما و طلب حاجت و شفاعت پیش ملوک و امرا و علما و اهل قلم و طلب روزی و حلال و گشایش کسب و غیره بودن بر خلایق و مسلط بودن از زبان بدگویان بنویسد تا باید که آفتاب خوشحال باشد و با خود دارد تا مراد بیابد انشاء الله تعالی

الله	لطیف	بعباده	یرزق
۸۵	۳۱۶	۶۷	۱۲۸
۳۱۵	۸۲	۱۳۱	۶۸
۱۳۰	۶۹	۳۱۴	۸۳

لوح یازدهم اگر کسی تهمت گرفتار باشد خوف کشتن دارد بنویسد این لوح را و با خود دارد تا بروز سعد نویسد از آن وهم خلاص یابد و از خطر کشتن ایمن گردد از برکت این لوح و اگر کسی این سوره را مداومت کند و متصل بخواند از جمله فضل و برکات ایمن گردد

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب	الفلق من شر ما خلق و من شر	غاسق اذا وقب و من شر النفاثات	فی العقد و من شر حاسد اذا حسد
۳۲۳۱	۱۷۳۲	۱۹۹۴	۳۳۰۱
۱۷۳۴	۳۲۲۸	۳۳۰۳	۱۹۹۵
۲۴۰۳	۱۴۹۴	۱۷۳۵	۳۲۳۶

لوح دوازدهم بنویسد گشایش کارها و مسخر شدن زنان و غیره که آفتاب و قمر در برج دو سر باشند شرف بنویسد و با خود دارد مقبول القول گردد و جمله اشیاء را حق تعالی مسخر و مطیع او گرداند و اگر عکس بنویسد و ورد کند هر روز چهل یکبار بخواند انواع فتح در کارها وی ظاهر شود و ایمنی از غالب و غلبه روی نماید (الواح مذکوره صفحه بعد نموده شد)

فمن یاتیکم بماء معین افضل [illegible]
حلیم گفتم هر کس خشم او دیده [illegible]
ملکی [illegible] را تعلیق نماید [illegible]
و افضل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

لوح سیزدهم از بهر رنج

بمشک و زعفران بروی آهو بنویسد بوقت شرف آفتاب و قمر در سعد و ناظر بهم دور باشد از برای جهت اتمام کارها و جهت گشایش کارها و زیاد کردن فهم و قوه حافظه و بعرف رسد و بجهت عرضیان با خود داشته باشد بوی بخورند

بسم الله الرحمن الرحیم	اذا جاء نصر الله والفتح ورایت	الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح	بحمد ربک واستغفره انه کان توابا
١٣٠٥	٢٥٦٤	٧٨٧	٢٢٥٤
٢٥٦٣	١٣٠٢	٢٢٥٧	٧٨٨
٢٢٥٦	٧٨٩	٢٥٦٢	١٣٠٣

لوح چهاردهم جهت شرف

و قضاء حوایج از سلاطین و امرا و قضات و غالب بودن بر اعدا و نظر کارها بنویسد در شرف مریخ یا آفتاب و اگر میسر نشود در حمل و قوس بنویسد در روز اول ساعت آن بر یک پهلو بکشد [illegible]

والف بین قلوبهم لو	انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت	بین قلوبهم ولکن الله	الف بینهم	انه عزیز حکیم
٤٩١	٢٢٩	٣٦٣	١٩٥٠	٧٩٨
٩٥١	٧٩٤	٣٩٢	٢٣٠	٣٦٤
٢٣١	٣٦٥	١٩٥٢	٧٩٥	٢٨٨
٧٩٦	٣٨٩	٢٢٢	٣٦٦	١٩٥٣

او یجعلی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی یوم تبیض وجوه وتسود وجوه فاما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون بجهة دفع کلف از دولتمند [illegible] و کوکب غمام [illegible] القالمون را با سوره الرحمن علم القرآن و با خود دارد و سرکار که بر دارد و کنوز لوح حبس بیاشد از سلطان در برابر ما بانان بخوانند و بیعجد و در لوح با خود دارد با مقصود نقد حاصل نعمت بسیار فتح الله محال و قضا تعجل این کلام ای دوست از کلام فتح محمد صلی الله علیه و آله

لوح پانزدهم جهت الفت و محبت و دفع سحر و چشم زخم و مهر یافتن خلایق و دوستی خویشان بنویسد و با خود دارد و اگر دعوا التماس کنند از این قبیل دعوت بنویسد با مشک یا زعفران و اگر بر تخته مس بنویسد از روز جایگیر (؟) [illegible]

ع ٧٠	فز ٨٧	فد ٨٤	عح ٧٨
فه ٨٥	عز ٧٧	عا ٧١	فو ٨٦
عو ٧٦	فب ٨٢	فط ٨٩	عب ٧٢
فح ٨٨	عج ٧٣	عه ٧٥	فج ٨٣

بجمعهم	ان الله علی کل شیء قدیر	امنوا	علیهم
٢٠٢	٢٥	١٢٢	١٩٢
٧٣	٢٠١	١٩٥	١٢٣
٧٩٢	٣١٢	٧٢	٣٠٣

در شرح و بيان قواعد تكسير

فصل در قواعد عمل تكسير بطريق جفر و بيان انواع آن با آنچه در اين نسخه
مذكور شده و بيد بر قواعد حساب اول طبايع حروف ناري ا ه ط م ف ش ذ
هوائي ب و ي ن ص ت ض مائي ج ز ك س ق ث ظ ترابي د ح ل ع
ر خ غ اگر در تكسير با عراب احتياج شود چنين اعراب كنند اگر بطريق تكسير
خواهند كرد بطريق طبايع چنين وردانند آتشي و ي ن مزع باد ي
ح ز ل س ف ت ج آبي ه ر د ش ث ف ص ظ خاكي ب خ ط ع ض ق
ابتداء تكسير حضرت شيخ بدانكه از علماي اين فن اصحاب حسنات دو نوع تكسير
اول نوع خواهند كه اسمي از اسما تكسير كنند مثلا بطريق اخير اعظم يكي از انبيا

ح ي ق ي ع م م ح و	
ي ع ق م ي ح ي و	
ق ي م ح ي ع ح ق	
م ي ع ي م و ق ح	صدر و مؤخر اتيت
ح م ق د ع ي م ق	
و ي ع ح	مؤخر آنرا ضد
ي ح م ق و ي ي	
ح م ق ق ي م ح	
م و ي ق ح	

آن نسخه مؤخر حاصل شود حروف مكرر را آنرا طرح كنند
و بجا آن تكسير كنند هر چيز از تكسير اول و مثلا الله الصمد
مؤخر حاصل شود آنرا حساب كنند در عدد تكسير گويند و تكسير
مكسر حضرت سيد العلما آنكه حروف زمام و اخر اعتبار
نمي كنند در تكسير كنند مبلغ حروف منتها و عدد صغير از
آن حروف مي گويند مثلا الله الصمد تكسير كرديم تا نمود از
باشد حروف سطر نحوي از اعتبار نمي كنند كه آن
مثل آن ل ل ه ا ل ص م د تكسير شده و صحت تكسير از
آن معلوم دام ل ص ل ل ه ا مشو و حروف زمام

بجهة اين عمل تكسير بداده ا ل م ل ل ح كه اين سطر اصل اسم است (در حاشيه)

و قسم تكسير بنا بر نسخه و اين نوع تكسير آنست كه تمام
مخصوص آنست كه چون تكسير خواهند از تكسير اين نام
و آنچه حاصل شود حساب ميكنند و در آن تكسير اعتبار
ميكنند اما اصل تكسير بنا بر حروف و معاني تكسير
و در آخر حروف و مثل آن دو حرف ال ع ل ا م ر ا ل ص ا
آن صورت ميكند ص ا ل ل ا م ا ا ل
ا ل ه و د ل ل ل د ص ع ل ع ل م د ص
ا ص ل ه ه م ص ل ا ا د ل ل ص م ل ا ل ل
و اصل ا ل م ا ل ه ل ص ع و ا ل س ل ا م
د ص ع م ا ل ا ل ص نوع تكسير ميكنند
و مثال مختصر نوع تكسير آن مخصوص ميكنند
نوع اول كه تمام و ديگر نوع ديگر اربعين
آنچه منسوخ و مثال نوع مثلا اعلي
حروف ملفوظ ميكنند و اين نوع تكسير
و اين حروف را ميكنند و بعد از حروف
زمام و آخر حساب ميكنند و مجموع
ميكنند از موخر تكسير حساب ميكنند
عدد تكسير بنا بر اين ميگويند
و نوع ديگر

در شرح بیان قواعد تکسیر

ش ه ی د س ا ل م	ع ی ن ا ل ا م ی ا	وصد موخر این است
ش م ه ل ی ا د س	ع ا ی ی ن م ل ا	ع ا ن ی
ش س م د ه ا ل ی	ع ا ا ل ی م ی ن	ع ی ا ن
ش ی س ل م ا د ه	ع ن ا ی ا م ل ی	ع ن ی ا
ش ه ی د س ا ل م	ع ی ن ا ل ا م ی ا	ع ا ن ی

انستکه اسم را که تکسیر کردند چنانکه سطر اول از اخر بحروف ابجد و موخر نمیگیرند و همین تکسیر را حساب میکنند عدد تکسیر میگویند و تکسیر شیخ ابو العباس انستکه چون خواهند که اسمی چند را باهم تکسیر کنند تا حروف تکسیر در لوح خواهند حروف اسمی را مقدم خواهند یعنی بادی را بعد از ان وابی را داد اشنا بادی و خالی را در اخر و بعد از ان تکسیر کنند و اگر خواهند که چند اسم را در لوح خواهند تکسیر نمیکنند مثال الاحد الصمد الشهید الکریم اااا ال ل ل ل م م ی ی د د د ه س ص ک ح این سطر را اگر در لوح خواهند نهادن چنین نویسند و اگر تکسیر خواهند کرد مکرر دور کنند تا چنین شود الم ی ح ه ش ص ل ج و تکسیر کنند تا سطر اول بعدد ابجد و موخر نگیرند و تکسیر کنند سطر اخر حساب نکنند و باقی را حساب کنند عدد تکسیر عدد حساب کنند و دیگر انواع تکسیر وصد اخل و تکسیر بسیط و کبیر و بسط و تکسیر الجفریه بنها مطر بود

اما در این مختصر احتیاج با ان نبود امید بکرم مؤمنان و عنایات قادر دین انکه اگر سهوی بینند قلم عفو در کشند واجب باشد با صلاح آن فرمودند گر خطایی بینند از نظر اصلاح بصلاح اورند بلطف و کرم و انکه از دعای خیر فراموش نکنند و دعای حق گویند

بعون الملک الوهاب تمت الکتاب فی دار الخلافة الطهران صانها الله عن الحدثان فی مطبعة الاستاد ... فی شهر ... سنه ۱۲۶۵

کتبه العبد الاثم اقل الکتاب محمد علی حسن غفر عنه